

تذكرة للمتقين

نادره جلالی

مقدمه مصحح:

بوشهر در عصر قاجار مهم-ترین بندر ایران در خلیج فارس و دریای عمان بود. از آنجا که خاندان معین‌التجار بوشهری دومین خاندان از تجار معروف و سرشناس بوشهر و فعالان اقتصادی و اجتماعی در این دوره بوده و نقش بسیار مهمی در تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوشهر داشتند، در بررسی تاریخ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران بسیار حائز اهمیتند. مهم-ترین و برجسته-ترین چهره این خاندان، حاجی آقا محمد معین-التجار بوشهری است.

شرح حال مؤلف

حاجی آقا محمد معین-التجار بوشهری پسر محمدرحیم دهدشتی، از تجار معروف بوشهر بود که در سال ۱۲۷۵ق در بوشهر متولد شد. چون پدرش ورشکست شد، همراه خانواده به نجف اشرف رفت. اما دیری نپایید که شرایط اقتصادی وی تغییر کرد، زیرا عمه-اش - ملکی جان - بعد از مرگ شوهرش حاجی عبدالمحمد که نخستین ملک-التجار بوشهر بود، دارایی به ارث رسیده از شوهر خود را به وی واگذار کرد ولی معین‌التجار با توجه به اقتدار برادرشوهر عمه-اش - آقا محمدعلی ملک-التجار (دوم) - مدتی اقدامی برای اخذ سهم خود نکرد ولی بعد از مرگ وی (۱۲۹۵ق)، به بوشهر آمد و سهم خود را که حدود چهارصد هزار روپیه می شد از برادرزاده وی، حاج محمدمهدی ملک-التجار (سوم)، مطالبه کرد و درکنار وی به فعالیت-های اقتصادی روی آورد. در سال ۱۳۰۰ق نیز همراه وی به مکه، عتبات عالیات و اروپا رفت تا اطلاعاتی درباره صادرات و تجارت امتعه-هایی که بتوان از ایران به خارج فرستاد به دست آورد. یکی از کالاهایی که معین-التجار پس از مراجعت از فرنگ مقداری از آن را برای نمونه به لندن جهت تجارت فرستاد، خاک سرخ جزیره هرموز بود اما انگلیسی-ها بعد از تحقیقات لازمه به او نوشتند فعلاً بیش از چهل الی پنجاه تن مصرف فروش نخواهند داشت ولی به تدریج تجارت این کالا ترقی خواهد کرد. از این رو حاجی ناخدا علی نام که در اداره جهازات ملک-التجار استخدام بود، مأمور بهره-برداری از این کالا شد و موظف گردید سالی صد الی دویست تومان از منافع آن را بابت معاش خود بردارد. بدین ترتیب حاج ناخدا علی چند سالی تصدی هرموز را به سالی یکصد و پنج تومان به عهده داشت و مقداری از خاک آنجا را به خارج حمل می-کرد.^۱

دیری نپایید که معین‌التجار به واسطه ذکاوت و تیزبینی در زمینه-های اقتصادی و اجتماعی راه ترقی را در عصر ناصری طی کرد و برخلاف دیگر تجار که در این دوره مورد چپاول دولتمردان قرار می-گرفتند، از حمایت ناصرالدین شاه و درباریانش برخوردار شد به طوری که چون مجلس شورای کبرای سلطنتی متوجه اجحافات و عدم پرداخت طلب وی شد، در سال ۱۲۹۶ق به امین لشکر نوشت: « با توجه به تأکیدات مجلس نه قراری دادید و نه تنخواهی رسانید، جهت اینکه وجه را به مشارالیه نمی-رسانید چیست؟»^۲

بدین ترتیب معین‌التجار در زمانی نه چندان طولانی مقام اول اقتصادی بوشهر را کسب کرد، منصب سرتیپی یافت، از دولت هزار تومان مواجب گرفت^۳ و به دنبال تأسیس « مجلس وکلای تجارت » در سال ۱۳۰۱ق^۴، به عنوان یکی از تجار با نفوذ و پیشگامان توسعه و ترقی مملکت به عضویت آن درآمد و در راستای توسعه اقتصاد و تجارت ایران نقش مهمی ایفا کرد. مجلس وکلای تجارت یکی از نهادهای اقتصادی و سیاسی عصر ناصری بود که شاه، صدراعظم و

وزیر تجارت همراه تجار بزرگ برای تصمیم‌گیری در مسائل مختلف در آن حضور می‌یافتند. این مجلس در ولایات و شهرهای بزرگ نیز شعبه داشت و تجار با حضور رئیس‌التجار و نماینده‌ای از حاکم شهر هر روز در منزل حاکم شهر یا ولایت تشکیل جلسه می‌دادند تا هرکس از تجار حرف یا شکایتی دارد از این طریق به مجلس تجارت در تهران گزارش شود.^۵

معین‌التجار علاوه بر عضویت در این مجلس، به نوشته «لتین» امتیاز «کمپانی ناصری» و همکاری با کمپانی «لینچ» را نیز در شعبان ۱۳۰۷ق از ناصرالدین شاه گرفت. ناصرالدین شاه نیز با واگذاری این امتیاز ظاهراً او را در امتیاز کشتیرانی کارون شریک کرد و طی فرمانی مفاد امتیازنامه کمپانی ناصری را تشریح نمود و انگیزه واگذاری آن را آبادی و ترقی کشور برشمرد و گفت:

از آنجا که سد اهواز از برای عموم ملل آزاد شده، دولت ما نیز محض افتخار ملت ایران، بخش بالای سد تا شوشتر و دزفول را مخصوص رعایای دولت خودمان قرار داده و چون مقرب‌الخاقان حاجی آقا محمد معین‌التجار دارنده کمپانی ناصری بود، این امتیاز به او مفوض گردید.

بر اساس فصل اول امتیازنامه ده هزار ذرع زمین متصل به گمرک-خانه به طور رایگان به کمپانی واگذار شد که تعدادی عمارت مطابق با نقشه کمپانی لینچ بنا نماید و به لینچ اجازه دهد. طبق فصل دوم امتیازنامه، شرکت ناصری موظف به ساخت اسکله، کاروانسرا و دکاکین در بندر ناصری برای لنگراندازی کشتی‌ها و راحتی و سهولت کارکنان آنها شد. همچنین ملزم به احداث یک خط راه آهن همراه با تراموای برای تسریع حمل و نقل کالاهای داخلی و خارجی گردید. امتیاز آمد و شد کشتی‌ها از بندر ناصری تا شوشتر جهت حمل و نقل مال‌التجاره‌های داخلی و خارجی نیز به معین‌التجار واگذار شد و کشتی‌ها ملزم به پرداخت مالیات مال‌التجاره‌های خود از بابت بار، عدلی یک شاهی و قماش، عدلی صد دینار شدند. امتیاز معدن زغال‌سنگ، امتیاز ساخت راه شوسه از بندر شلبلی (دو فرسخی شوشتر) تا شوشتر و لایروبی کردن بندر شلبلی نیز به کمپانی ناصری واگذار شد.^۶

معین‌التجار همچنین امتیاز «کمپانی تجاری ایران» را از ناصرالدین شاه گرفت. این کمپانی توسط وی و با مشارکت عده‌ای از بازرگانان معتبر برای انجام امور تجارت داخلی و خارجی بویژه تجارت با اروپا تأسیس شد و در مجلس تجارت بوشهر به ثبت رسید. این کمپانی ده هزار سهام از قرار هر سهم یک صد روپیه و کلاً مبلغ ده لک روپیه یعنی یک میلیون روپیه و حدود سیصد و پنجاه هزار تومان سکه انتشار داد.^۷

معین‌التجار با توجه به قدرت اقتصادی و سیاسی خود مانند مؤسسات اعتباری اروپا در قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی عملیات پرداخت موجب و مقرری مرسوم وزرا و رجال بزرگ مملکتی را نیز انجام می‌داد و حواله--جات دولتی به نام وی بود که نمونه--هایی از آنها در کتاب تلگرافات عصر سپهسالار در قالب تلگراف وزرا و بزرگان درخصوص پرداخت حقوق آنان توسط معین‌التجار آمده است.^۸

یکی دیگر از اقدامات معین‌التجار در اواخر عهد ناصری قراردادی بود که با کمپانی «بوهن» در سال ۱۳۱۳ق منعقد کرد. بر اساس این قرارداد، او املاک خود مشتمل بر حمام، اسکله، کاروانسرا، مسافرخانه، راسته بازار، انبارهای جلوی اسکله، خانه و اراضی دیگر را در بندر ناصری نزد کمپانی بوهن در ازای دوازده هزار پوند انگلیسی به وثیقه گذاشت و پس از پرداخت پول با تنزیل صدی پنج املاک را از قید رهن آزاد کرد. همچنین علاوه بر روابط تجاری با کشور هندوستان و انگلستان^۹ برای حفظ روابط تجاری خود با دولتین روسیه و عثمانی تجارتخانه عظیمی در تبریز به مدیریت پسرش حاج محمد مهدی دایر کرد.^{۱۰}

معین‌التجار با جلوس مظفرالدین شاه بر تخت سلطنت، فعالیت‌های اقتصادی خود را چون گذشته دنبال کرد. با نگاهی به کارنامه فعالیت‌های اقتصادی وی می‌توان به ثروت زیاد او در بندر ناصری، اطراف اهواز و خلیج فارس پی برد^{۱۱} که آن را در سال ۱۳۱۸ق بالغ بر یک میلیون تومان برآورد کرده‌اند.^{۱۲} همچنین دریافت که چرا او لقب «سلطان اقتصاد جنوب ایران» گرفت و چرا سدیدالسلطنه او را از اشخاص درجه اول در زمینه اقتصادی برشمرد^{۱۳} و چگونه او توانسته به مقام رئیس‌التجاری بوشهر دست یابد و در تحولات سیاسی-اجتماعی ایران در عصر قاجار نقش مهمی ایفا کند و تجارت داخلی و خارجی جنوب ایران را در دست بگیرد.

معین‌التجار در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه با دستیاری و همراهی میرزا علی-اصغر خان امین‌السلطان بلوک ممسنی فارس را خرید و دیری نپایید در سال ۱۳۱۴ق معادن جزایر خلیج فارس از جمله هرموز و قشم را از دولت ایران به مدت مدید و سالی نود هزار تومان اجاره کرد. عبدالحسین خان ملک المورخین (ج ۱، ص ۱۰۲) در این باره می‌نویسد:

معین‌التجار چنین وانمود کرد که این جزایر بیش از این فایده ندارد. در حالی که معدن رنگ تنها سالی موازی بیست و پنج هزار تن به انگلیس حمل می‌نماید و غیر از سایر معادن و فواید دیگرش، سالی سیصد هزار تومان از این ممر می‌برد که با مدخولات دیگر به یک کرور تومان ایران می‌رسد. در سال هزار و سیصد و بیست و دو اجزای گمرک-خانه از این مطالب آگاه شدند و به عرض اولیای دولت علیه رسانیدند. حاجی معین‌التجار فوراً مفتش را دیده و دهنش را به لقمه بزرگ چرب کرد، سالی هفتاد هزار تومان قلمداد کرد و نیز دیگران که از این فواید آگاهی داشتند، مدعی حاجی معین‌التجار شده، به زحمات عرایض خود را مشهود اولیای دولت رسانیدند و دولت مجالس متعدده کرده، پس از آنکه خواستند اقدامی نمایند حاجی معین‌التجار شبانه کار خود را محکم ساخت و

فرمان دولت صادر کرد و مدعی-ها بعد از خسارت مایوس شدند. برای صدق مطلب دلیلی بهتر از این نداریم که معین-التجار نه استعداد تجارت دارد و نه از پدر بدو میراثی رسیده، زیرا که در اوایل حال خود قرآن-خوان بوده و از آن ممر فایده می-برد. امروز مملکات او به هفت کرور تومان رسیده است. خداوند چشم بینا و گوش شنوا عطا فرماید.^{۱۴}

همچنین هنگامی که دولت در سال ۱۳۱۷ق تعرفه-های گمرکی را تغییر داد و مالیات گمرکی را از صدی دو درصد به صدی پنج درصد رساند، او همراه تجار بوشهر، تهران، مشهد، تبریز، شیراز و اصفهان مخالفت خود را با تعرفه-های جدید اعلام کرد. اگرچه سرانجام مجبور به پذیرش قوانین تعرفه-های جدید شد و کالاهای خود را طبق تعرفه-های جدید از گمرک ترخیص کرد. معین-التجار با توجه به قدرت و نفوذ زیادی که در عصر مظفری داشت دوباره توانست امتیاز فروش خاک سرخ جزیره هرموز را از شاه قاجار بگیرد. از این رو، قسمتی از سرمایه خود را در معادن خاک سرخ سرمایه-گذاری کرد و در این راستا برای صدور و فروش کک، اسید سنگ و خاک سرخ هرموز با شرکت-های مختلف خارجی از جمله انگلیسی به همکاری پرداخت.^{۱۵}

چارلز عیسوی در این باره می-نویسد: «معین-التجار قسمتی از سرمایه خود را در معادن خاک سرخ سرمایه-گذاری کرده بود.»^{۱۶} سر پرسی کاکس نیز درخصوص این سرمایه-گذاری چنین گزارش می-دهد:

در نوامبر ۱۹۰۵م/ ۱۳۲۳ق معین-التجار در حالی که یک نفر مهندس انگلیسی به نام مک کرونیک او را همراهی می-کرد، از اروپا وارد خلیج فارس شد. نامبردگان به جزایر قشم و هرموز مسافرت کردند. معین-التجار بعد از دیدارش با سیدوی انگلیس از وزیرمختار خواست تا از ایستگاه انگلستان برای انبار کردن اکسید قرمز استفاده کند... با خواسته او موافقت نگردید. معین-التجار تصورات زیادی راجع به ذخایر معدنی جزیره هرموز داشت اما کاوش-های موشکافانه آقای مک کرونیک او را متقاعد ساخت که جز اکسید قرمز مواد کافی دیگری که در واقع ارزش تجاری داشته باشد در جزیره یافت نمی-شود. .. در مورد طرح های بسیار زیاد معین-التجار در خوزستان، آقای مک کرونیک به عنوان اقدامی مقدماتی از احداث راه آهن ارزان و سبکی بین خرمشهر و شوشتر قویاً پشتیبانی می-کرد.^{۱۷}

در روزنامه جبل-المتین (س ۸، ش ۸، ص ۶-۷) ذیل وقایع ۳ شعبان ۱۳۱۸ق/ ۲۶ نوامبر ۱۹۰۰م مطلبی اعتراض-آمیز نسبت به اجاره‌دار هرموز به چاپ رسیده است:

اهمیت جزیره هرموز از حیثیت سیاسی لازم به بیان نیست شاید مناسبات تجارتنی آن چندان مورد توجه رجال دولت علیه واقع نگردیده، جزایر خلیج فارس خصوصاً هرموز و لارک به واسطه قرب بندرعباس کمال اهمیت را دارند. اگر دولت علیه ایران اندک نظر توجه را بدان جزایر معطوف فرمایند، هم حصون سرحدی محکم تواند شد و هم منافع کلی به خزانه دولت عاید خواهد گردید.

صرف-نظر از اینکه اگر دولت علیه ایران در معدن خاک قرمز هرموز از روی قاعده کار فرماید و کارخانه مخصوصی به جهت تصفیه این خاک که در خارجه حکم کیمیا دارد جلب نماید، مداخل آن به جهت تعمیرات قلاع سرحد و تنظیمات امور سرحدی کافی است. اگر رجال دولت علیه نگارشات جبل‌المتین را لغو می‌شمارند، مناسب است از رجال با اطلاع استفسار نمایند نه از کسانی که صاحب عزت و نام هستند ولی اطلاع ندارند و یا اطلاع دارند اما به ملاحظات دوستی و جلب منافع شخصی تجاهل می- نمایند. از همه بهتر آنکه دولت علیه مفتش مخصوصی از صاحبان علم بدین صوب گسیل دارد تا تحقیقات کافی با اطمینان وافی حاصل گردد. جزیره و دهنه-ای مثل هرموز را با این منافع کلیتاً نباید به شخص غیر واقعی که بوی اهمیت سرحدی و مناسبات دولتی به مشامش نرسیده واکذار نمود، کارها را باید به کاردان سپرد ورنه کاه پیش سگ و استخوان نزد خر ریختن جز اسقاط هردو سودی نبخشد.

اگر حضرت اشرف تحقیق فرمایند معلوم خواهد گردید که اجاره‌دار^۱ هرموز علاوه بر آن مبالغ گزافی که هرساله از این ممر حاصل می-نماید چه خرابی-ها را درین جزیره دعوت نموده، قلعه[ای] را که سلاطین با احتشام ایران به صرف یک خزینه تعمیر نموده هر روز خراب و ویران کرده، چوب-ها و سنگ-هایش را به

^۱ اغلب جزایر ایرانی تنگه هرموز دارای معدن خاک سرخ می‌باشند ولی خاک سرخ جزیره هرموز از همه مرغوب‌تر و استخراج آن آسان‌تر و میزان آن به مراتب بیشتر است. معدن خاک سرخ هرموز با عیار ۷۰ تا ۸۰ درصد از معادن بی‌نظیر دنیا است که به خارج صادر می‌شود و در صنایع دارویی و رنگ‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد. استخراج و صدور این خاک یکی از مهم‌ترین مشاغل و منابع درآمد اهالی از گذشته تا امروز می‌باشد. (نک: نوربخش، خلیج فارس و جزایر ایرانی، صص ۲۱۹-۲۱۸) در تاریخ مورد نظر اجاره خاک سرخ هرموز در اختیار بازرگان ثروتمند و منتفذ جنوب ایران، حاج معین‌التجار بوشهری بود. در سال ۱۹۰۴م یک شرکت انگلیسی به نام ف.سی. استریک، اجاره آن

مصرف خانه خود و به فروش می-رساند - و چه صدمه‌ها و اذیت‌ها به ساکنین نرسانیده، چند سال است همه فراری و متواری گردیده‌اند. بالغ بر صد نفر عمه-جات را به جهت کار کردن در معدن به طور بی قاعدگی و خودغرضی تلف نموده است. حبل‌المتین را با احدی غرض و مرضی نیست، خیر دولت و ملت و تعمیر وطن را به طریق شایسته خواستارست.

از همه بالاتر اجاره‌دار حالیه دو نفر از رعایای اجنبیه را با خود همدست نموده شریک امتیاز خویش گردانیده است. اگرچه دولت علیه امتیاز او را به خارجه نداده ولی همین که مستمسکی غیر صحیح هم به دست همسایگان پر قوت افتاد تا ما بخواهیم قلع ماده و غایله را بنماییم، اسباب بسی زحمت و خسارت خواهد گردید. در این ماده من بعد نیز اطلاعات خود را عرضه خواهیم داشت.

با وقوع جنبش مشروطه (۱۳۲۴ق)، فصل جدیدی در کارنامه فعالیت‌های اقتصادی - سیاسی و اجتماعی معین-التجار گشوده شد و یکی از دوران مهم زندگانی وی رقم خورد. او به مشروطه-خواهان پیوست، از بوشهر به تهران آمد و در دوره اول مجلس شورای ملی (۱۷ مهر ۱۲۸۵ش / ۱۷ اکتبر ۱۹۰۶م) از سوی مردم تهران و در دوره سوم از طرف مردم بوشهر به نمایندگی رسید^{۱۸} و کتاب ارزشمندی با عنوان «تذکره للمتقین» را در سه جلد به رشته نگارش درآورد.

معین-التجار در جلد اول این اثر در مقام نماینده طبقه تجار توجه وکلای مجلس را به نقض چند اصل از قانون اساسی معطوف کرده است. نخستین موضوعی که به آن پرداخته اجاره معادن جزیره هرموز، مالیات دیوانی آن، درگیری خودش با تکران ملکم - تبعه دولت انگلیس - و تلاش‌هایی است که در جهت استرداد جزیره هرموز کرده و خساراتی که در این زمینه متحمل شده است. او ماجرای اجاره کردن معادن هرموز را اینگونه شرح می‌دهد: دولت در سال ۱۳۰۷ق مبلغ اجاره جزیره هرموز را از یکصد و پنج تومان به چهارصد تومان افزایش داد و قرارداد با ناخداعلی را برای مدت پنج سال دیگر تمدید کرد. بعد از انقضای مدت مذکور، حاج جعفر علوی جزیره را به مدت ده سال اجاره کرد و متعهد شد دو هزار تومان نقد و سالی هزار تومان به کارگزاران دولت علیه بپردازد به شرط آنکه اولیای دولت لقب ملک‌التجاری بندرعباس را به او بدهند. اما اندکی بعد حاج جعفر درگذشت و پسرش محمدشریف عهده-دار امور شد. از آنجایی که او متضرر گردید، پس از چندی امتیاز اجاره خود را به من واگذار کرد. من نیز بعد از پرداخت مخارج و خسارات وی و امضای انتقال اجاره از دولت، زمینه استکشاف و استخراج معادن جزیره و حمل و نقل آن را فراهم ساختم.

بدین ترتیب معدن خاک قرمز توسط وی دایر شد. اما در این بین، چون تکران ملکم وارد ماجرا شد و به دولت متعهد گردید مبلغ هفتصد تومان بر یک هزار تومان مال-الاجاره جزیره هرموز خواهد افزود به شرط آنکه پانصد تومان برای نظام‌الملک و دویست تومان برای خودش موجب برقرار شود، بنابراین، دولت علی-رغم آنکه امتیاز معادن جزایر هرموز، لارک، هنگام، قشم، بستانه، میناب و خمیر را طبق فرمان و اسناد معتبر به مدت ده سال از تاریخ ۱۳۱۳ق به وی اجاره داده بود، در عصر مشروطه به اشتباه طی فرمانی به ملکم داد و فرمان مزبور به امضای سفارت انگلیس رسید.

معین-التجار این فرمان را برخلاف عدالت دانست و مذاکرات متعددی پیرامون این مسئله انجام داد که حدود یک سال به طول انجامید و او همواره در تمامی آنها معایب و مفاسد مداخله خارجیان را به اولیای دولت یادآور شد. سرانجام دولت برای رسیدگی به این موضوع برخی از وزرا و مستوفیان را مأمور کرد تا با حضور نماینده سفارت انگلیس مجلسی تشکیل دهند. نمایندگان پس از مذاکرات زیاد و رسیدگی به اسناد طرفین عاقبت حکم بر حقانیت معین-التجار دادند ولی با این وجود سفارت انگلیس اصرار در اجرای فرمان ملکم داشت. بنابر این دولت بار دیگر موضوع را مورد رسیدگی و تحقیق قرار داد و رجوع به حکمیت کرد. این بار میرزا علی خان امین‌الدوله صدراعظم معروف حکم شد اما او نیز رأی به حقانیت معین-التجار داد. بنابر این، وکیل ملکم با صدور این رأی، مدعی مخارج و خساراتی شد که ملکم بر اساس فرمان مزبور متحمل شده بود. از این رو در مجلس حکمیت دو حکم صادر شد: نخست آنکه جزیره هرموز در دست و تصرف معین‌التجار باشد، دیگر آنکه مخارج و خساراتی را که ملکم در جزیره متحمل شده، گرفته، به وی مسترد دارند.

در این راستا، معین-التجار طبق نظر امین-الدوله و ناصرالملک ملزم به پرداخت مبلغ یک هزار و پانصد تومان دیگر اضافه بر مال-الاجاره سابق خود یعنی مبلغ یک هزار تومانی شد که مظفرالدین شاه در رمضان ۱۳۱۵ق صادر کرده بود.^{۱۹} اما یک سال بعد لرد سالیس بوری، صدراعظم انگلستان، طی تلگرافی به وزارت خارجه ایران نوشت: «چنان-چه تا یک ماه دیگر وجه خسارات و مخارج ملکم پرداخت نشود، انگلیس جزیره را متصرف خواهد شد و حتی اگر وجه مزبور را بپردازند دیگر پذیرفته نخواهد شد.» بنابر این، معین‌التجار به حکم اضطرار و اجبار در مقابل دعوی ملکم نه هزار و هشتصد تومان به سفارت انگلیس داد تا فرمان ملکم را از آنجا استرداد کرد و سفارت در حاشیه آن فرمان بطلان آن را نوشت.^{۲۰}

۱۸- به خود اختصاص داد و سالانه سه تا چهار هزار تن از آن خاک را صادر می‌کرد (نک: عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران، ص ۴۳۸) معین‌التجار چندین بار موفق به اجاره هرموز گردید ولی هر بار توسط شرکت‌های خارجی این امتیاز از او گرفته شد، تا جایی که وی تا اوایل دوره پهلوی به دنبال احقاق حقوق خود در هرموز بود.

معین-التجار برای جبران این خسارات دست به اقداماتی زد. ابتدا کار معدن خاک هرموز را توسعه داده و افرادی را با حقوق زیاد به آلمان، اطریش، هلند، فرانسه، انگلستان، امریکا، چین و ژاپن فرستاد تا در کارخانه‌جات ممالک مزبور خاک قرمز را تبلیغ کرده، مصرف آن را زیاد نمایند و تجارت آن را رونق بیشتری بخشند. معین‌التجار چنان-که خود می-نویسد مدت پنج تا شش سال متحمل این قبیل مخارج بوده است.^{۲۱}

مبارزه و مخالفت با اخذ وام از دول استعماری روس و انگلیس، تلاش در جهت تأسیس بانک ملی ایران^{۲۲} و مبارزه با تسلط بیگانگان بر جزیره هرموز در زمان صدارت سلطان عبدالمجید میرزا عین-الدوله از دیگر اقدامات مهم معین-التجار در دوره اول نمایندگی در مجلس شورای ملی است که در کتاب خود تذکره‌المتقین راجع به این مباحث به تفصیل سخن گفته است.

در دوران صدارت این صدراعظم بار دیگر کمپانی استریک که با ملکم شریک بود، در تهران دست به تحریکاتی زد تا شاید دوباره بتواند جزیره هرموز را تصرف کند. مشیرالدوله که از سابقه این عمل و معایب انتزاع جزیره و مفساد دخالت دول خارجه اطلاع کافی داشت، عین-الدوله را در جریان ماجرا قرار داد ولی با این وجود عین-الدوله به معین-التجار خاطر نشان کرد در صورت عدم افزایش وجه مالیات، جزیره را به اتباع خارجی واگذار خواهد کرد. معین-التجار نیز در پاسخ به عین-الدوله اظهار داشت بعد از انقضای زمان اجاره، دولت می-تواند به هرکس که صلاح می‌داند جزیره را واگذار نماید. عین-الدوله که ماجرا را اینگونه دید، از مشیرالدوله خواست به این مسئله رسیدگی کند. او نیز معین-التجار را متقاعد کرد که ده هزار تومان بر مالیات و مال-الاجاره خود بیفزاید. معین-التجار نیز آن را به شرط آنکه دو هزار تومان از این ده هزار تومان جزو مواجب فرزنداناش باشد، پذیرفت ولی دولت در صورتی آن مواجب را قبول کرد که معین-التجار بر آن ده هزار تومان بیفزاید. سرانجام معین-التجار به دلیل علاقه-ای که به بنادر داشت، پذیرفت دو هزار تومان حق اولاد را همه ساله دریافت و ده هزار تومان باقی را همه ساله به کارگزاران دیوان اعلیٰ بپردازد.^{۲۳} از این رو، مظفرالدین شاه در رجب ۱۳۲۲ ق به موجب فرمانی دائمی که سواد آن به امضاء و مهر تمام وزرا و مستوفیان عظام از جمله میرزا محمدعلی خان مستوفی فارس و وزیر دفتر عین-الدوله رسید و در دفترخانه مبارک ثبت شد،^{۲۴} جزایر هرموز و محال آن و امتیاز معادن گل سرخ، نمک و گوگرد واقع در جزیره هرموز، قشم، لارک، هنگام، بنادر بوستانه و بندر خمیر را به معین-التجار واگذار کرد و مبلغ دوازده هزار تومان نیز بر مالیات و مال-الاجاره او افزود^{۲۵} و متذکر شد هر قدر فایده از معادن گل سرخ، نمک و گوگرد آن مناطق حاصل گردد متعلق به معین‌التجار است و حکام و مباشرین دیوانی به هیچ-وجه حق مداخله و تصرف در امورات آنجا را ندارند و نباید از این فرمان تخلف کنند.

چون معین-التجار در ۲۶ رجب همان سال (۱۳۲۲ق) از عین-الدوله درخواست کرد فرمان مزبور بلامدت صادر شود، برحسب پیشنهاد هیأت دولت در مجلس شورای ملی در باب معادن جزایر و بنادر هرموز بویژه معدن گل سرخ مقرر گردید دولت به نمایندگی وزیر فواید عامه شرایط و حدود مقتضیه را معین نماید به شرط آنکه معین-التجار از دائمی بودن فرمان صرف نظر کند. قرارداد مذکور در دوازده ماده منعقد شد:

ماده اول: مدت این امتیاز پنجاه سال شمسی است که ابتدای آن از تاریخ امضای این قرارنامه است.

ماده دوم: از تاریخ امضای این قرارنامه تا مدت یک سال باید صاحب-امتیاز شروع به عملیات نماید و اگر بدون عذر موجه شروع نکند، این امتیاز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

ماده سوم: صاحب امتیاز هیچ نوع شرکتی نمی-تواند تأسیس نماید مگر اینکه قبلاً شرایط تأسیس آن شرکت را دولت تصدیق و امضاء نموده باشد و هیچ قسم انتقالی نمی-تواند بکند مگر به اجازه دولت.

ماده چهارم: صاحب-امتیاز می-تواند برای استخراج معادن و تصفیه مواد معدنی به قدرکفایت مهندسین خارجه اجیر نماید ولی عمه-جات معدن باید کلیتاً از اتباع ایران باشند.

ماده پنجم: صاحب-امتیاز باید دفاتر مرتب از کلیه مصارف و عایدات داشته باشد که هر وقت مأموری از طرف وزارت فواید عامه برای رسیدگی به محاسبات و تعیین حقوق دولت مأمور می-شود به طور سهولت بتواند مأموریت خویش را انجام دهد.

ماده ششم: صاحب-امتیاز باید همه ساله در اول برج حمل صورت حساب سال قبل را به ملاحظه وزارت فواید عامه رسانیده و صدی شانزده از عواید خالص را به دولت ایران کارسازی نماید. مقصود از عواید خالص مجموع کلیه عایدات است پس از وضع مخارج اداری و مصارف استخراج و عملیات معدن.

ماده هفتم: صاحب-امتیاز باید نمک را به نرخ متوسطی که در سایر نقاط خلیج فارس معمول است به فروش برساند. هرگاه دولت برای استخراج و فروش نمک کلیه ایران مالیاتی وضع نمود تفاوتی که علاوه بر صدی شانزده می-شود عاید دولت خواهد شد.

ماده هشتم: اسباب و اشیاء و کلیه آلاتی که برای استخراج تصفیه مواد معدنی و تسهیل حمل و نقل از گاری و ریل آهن برای تراموای و سیم نقاله از معادن تا کنار دریا لازم شود از عوارض و حقوق گمرکی معاف خواهد بود و صاحب-امتیاز فقط به نظامنامه-های قانونی گمرکات حق تفتیش آن دارد و در تعیین مقدار و جنس و مقصد اشیاء وارده و صادره تابع خواهد بود.

ماده نهم: مواد معدنی تصفیۀ شده یا نشده در موقع حمل به خارجه یا داخله از عوارض گمرکی و مالیات معاف خواهد بود.

ماده دهم: امنیت محال مذکوره البته بر عهده دولت است، معهذا اگر دولت لازم بداند صاحب امتیاز می‌تواند به قدر لزوم تفنگچی نگه دارد در تحت امر صاحب‌منصبانی که دولت معین می‌نماید و به خرج صاحب امتیاز تا وقتی که دولت عدم لزوم آن را به صاحب امتیاز اخطار نماید.

ماده یازدهم: در موقع انقضای مدت این امتیاز کلیۀ معادن و تأسیسات لازمه برای استخراج معدن مجانی و بلاعوض به دولت تعلق خواهد گرفت، لیکن مواد مستخرجه موجوده در معادن مال صاحب امتیاز خواهد بود و پس از انقضای مدت هرگاه دولت بخواهد معادن مزبوره را امتیاز بدهد با تساوی شرایط صاحب امتیاز حق رجحان خواهد داشت.

ماده دوازدهم: هرگاه در موضوع اجرای مواد این قراردادنامه بین دولت علیه و صاحب امتیاز اختلافاتی بروز نماید، رفع آن به دو نفر حکم که یکی از طرف دولت و دیگری از طرف صاحب امتیاز معین خواهد گردید، رجوع می‌شود. چنانچه بین حکمین مزبورین اتفاق حاصله نشود، حکم ثالثی معین می‌شود و مواد مختلف فیها را به طور قطع تسویه خواهد کرد.^{۲۶}

معین‌التجار در دوران استبداد صغیر، جنگ جهانی اول و قیام مردم جنوب بر ضد انگلیسی‌ها به حمایت از آزادی خواهان و مبارزان ضد استبداد و استعمار پرداخت و واسطۀ سران قیام و مجلس شورای ملی و هیأت دولت بود و حضوری فعال در تحولات سیاسی داشت. برای نمونه تلگرام رئیس‌علی دلواری از طریق او برای مجلس شورای ملی، وزارت داخله و وزارت مالیه فرستاده شد. یا هنگامی که سید مرتضی علم‌الهدی اهرمی، رهبر مشروطه-خواهان بوشهر، کارگزار دولتی را از بوشهر اخراج کرد و مدت دو ماه اداره بوشهر را در دست گرفت، محمدعلی شاه برای سر و سامان دادن به اوضاع و جلب توجه سید، معین‌التجار را واسطه کرد.^{۲۷}

معین‌التجار از جمله مخالفان اخذ وام از بیگانگان بود و در جلسه روز ۲۲ رمضان ۱۳۲۶ق به طور خیلی صریح مخالفت خود را با این امر اعلام داشت: من مخالف این لایحه دولت هستم و مواد آن را مضر به حال کشور و مردم می‌دانم. من نمی‌دانم چرا اصولاً دولت مقروض است. شاهزاده اتابک افتخار می‌کرد که جمع و خرج دولت را تعدیل نموده و ششصد هزار تومان هم اضافه دارد که نزد تومانیاس گذاشته است. ما تا این درجه اتابک را دروغگو و بی اطلاع و یاوه سرا نمی‌دانستیم، باید دولت هزینه و درآمد سه سال اخیر را به مجلس بفرستد تا آن را از روی دقت رسیدگی کنیم. پس از رسیدگی اگر معلوم شود دولت بدهکار است و باید به او کمک شود، البته باید ملت کار دولت را راه بباندازد ولی نه آنکه از روس و انگلیس قرض کند آن هم با این شرایط ننگین و سخت. ما نباید برای چهار کرور تومان مملکت را تسلیم خارجی‌ها کنیم.^{۲۸}

چنانکه از نوشته‌های معین‌التجار پیداست او به واسطۀ عدم قدردانی دولت از تلاش‌هایش در جهت حفظ جزیره هرموز در مقابل دخالت دول خارجی و ترویج و ترقی معادن آنجا و ظلم و جور که مغرضین و دسیسه‌کاران در عصر مشروطه در حق وی روا داشته‌اند رنجیده-خاطر شده است، زیرا علی‌رغم پذیرش تمام مقررات مجلس در باب کلیۀ معادن ایران و پرداخت صدی ده از فایده خود به دولت و تصدیق کمیسیون مجلس درباره اظهاراتش، صنایع‌الدوله-وزیر فواید عامه وقت- بدون مشورت با وی طی قراردادی با کمپانی استریک (مورخ ۱۶ ذی‌قعدۀ ۱۳۲۸ق) پنج هزار تن خاک قرمز جزیره را به مبلغ تنی چهل و پنج شلینگ به او می‌فروشد.^{۲۹} از آنجا که اندکی بعد معین‌التجار تلگرافی از مباشر خود در جزایر هرموز مبنی بر توقیف معادن هرموز توسط اداره گمرک، ضبط انبار کالاها و کشتی‌هایی که در کار معدن بودند و رفتن سه کشتی برای حمل خاک سرخ به هرموز دریافت می‌کند، ناگزیر برای اثبات حقانیت خود نزد وزیر فواید عامه رفته و مسایل را با او مطرح کرده ولی چون نتیجه‌ای از این اقدام نمی‌گیرد، برای رفع این بی‌عدالتی‌ها و جلوگیری از این تجاوزات و نقض مواردی از قانون اساسی طی نامه‌ای مورخ شوال ۱۳۲۸ق به مجلس شورای ملی و هیأت وزرا شکایت و اظهار دادخواهی می‌کند.^{۳۰} همچنین بر اساس اصل ۲۲، ۲۷، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۹، قانون اساسی به تشریح ظلم و جور که نسبت به او روا داشته‌اند، می‌پردازد^{۳۱} همچنین زحمات خود را در برقراری مشروطه و تلاش‌ها و خسارات خود را در جزیره هرموز به نمایندگان مجلس شورای ملی یادآور شده و خاطر نشان می‌سازد که:

هر دولتی که تجارتش رو به ترقی نهد، به دوام و استقلال آن امیدوار می‌توان بود و اگر برخلاف قانون اساسی و عدل و انصاف امتیاز هر کسی را در زمینه فعالیت‌های تجاری دولت نقض کند و احترامی برای قرارداد و فرامین خود نگذارد، مردم اطمینان خود را نسبت به دولت از دست خواهند داد بویژه آنکه این وقایع در عصر مشروطه که تلاش در برقراری عدل و داد دارد، رخ بدهد.

معین‌التجار سواد راپرت هیأت وزرا را که به امضای مرتضی‌قلی صنایع‌الدوله، علی‌قلی خان سردار اسعد و وثوق‌الدوله بود، همراه نامه وزارت مالیه (مورخ ۵ جمادی الاخر ۱۳۲۸ق) ضمیمه نامه خود به مجلس تقدیم کرد.^{۳۲} همچنین کتابچه‌ای راجع به شرح حال خود و سابقۀ جزیره هرموز چاپ کرد و نسخه‌ای از آن را همراه با نامه‌ای (مورخ ۱۹ شوال ۱۳۲۸ق) به میرزا حسن خان مستوفی-الممالک رئیس‌الوزرا فرستاد. ذکاءالملک، رئیس مجلس شورای ملی، نیز در ۱۲ ذی قعدۀ ۱۳۲۸ق از وی خواست به وزارت فواید عامه و هیأت وزرا رجوع کرده و در این باب کسب تکلیف کند. اما از آنجا که نتیجه‌ای حاصل نشد، رئیس مجلس

شورای ملی، در پی شکایت‌های مکرر معین-التجار درخصوص جزیره هرموز و عدم اجرای رأی داده شده هیأت وزراء، از وزارت مالیه خواست هر چه سریع‌تر به کار وی رسیدگی کرده و نتیجه را به مجلس شورای ملی گزارش داده تا رأی مجلس نیز اتخاذ شده و زیادتیر از این معوق نماند.^{۳۳}

سرانجام قراردادی بین معین-التجار و وزارت فواید عامه در ۱۲ ماده در ۲۹ ذی-حجه ۱۳۲۹ق در باب استخراج، حمل و نقل و فروش معادن اکسید دوفر منعقد گردید که ۷ ماده اول آن به تصویب مجلس شورای ملی رسید و پنج ماده دیگر بر طبق اصول هفت ماده قبل از طرف وزارت فواید عامه منضم گشته بود. مفاد این قرارداد چنین بود:

ماده اول: دولت معدن اکسید دو فر جزیره هرموز را از ابتدای حمل ایت ٹیل (۱۳۲۸ق) تا مدت ده سال شمسی به معین-التجار واگذار می-کند مشروط بر آنکه کلیه تعهداتی که مطابق یک قرارداد علی حده که در کابینه وزرای سابق در ۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۸ق با مستر استریک مقرر گردیده تا انقضای مدت قرارداد که پنج سال شمسی است حاج معین التجار کاملاً مرعی داشته و هرگاه برخلاف فصول آن قرارداد رفتاری کند که موجب ضرر دولت باشد، از عهده خسارت وارده بر دولت برآید.

ماده دوم: دولت متعهد می-شود که از هر مقدار خاکی که علاوه بر سیزده هزار تن اکسید دو فر موجودی معین-التجار که دولت ایتباع کرده و مبلغ بیست و چهار هزار لیره که در ازای ۱۱۲۹۴ تن وجه قیمت آن به معزی‌الیه حواله شده که برداشت نماید تا میزان سی هزار تن که به موجب قرارداد باید به مستر استریک تحویل داده شود، صدی پانزده به عنوان مصارف استخراج به حاجی معین-التجار بدهد مشروط بر اینکه اگر خاک موجودی معین-التجار کم-تر از سیزده هزار تن شد، قیمت کسر را تا سیزده هزار تن از قرار هر تن چهل و دو نیم به دولت علیه بپردازد و اگر خاک موجودی بیشتر از سیزده هزار تن گردید، معین-التجار قیمت مقدار علاوه را مطالبه نخواهد کرد.

ماده سوم: معین-التجار ملزم است که بقیه قیمت خاک خریداری مستر استریک را بعد از وضع سیزده هزار تن تا انقضای مدت قرارداد استریک به دولت کارسازی دارد و در صورت نرساندن اقساط مقرر دولت قادر به فسخ این قرارداد خواهد بود.

ماده چهارم: اگر تا انقضاء مدت قرارداد دولت با مستر استریک که پنج سال اول باشد حاج معین-التجار اضافه بر سی هزار تن که در این مدت به مستر استریک فروخته شده به استریک یا دیگری بفروشد، معادل صدی هفتاد و پنج باید قیمت آن را به دولت کارسازی دارد.

ماده پنجم: پس از انقضای مدت قرارداد استریک هر مقدار خاکی که از جزیره مزبور استخراج شود مقرر است صدی هفتاد و پنج آن حق دولت است و صدی بیست و پنج از بابت مصارف و حق-الزحمه به معین‌التجار تعلق خواهد گرفت.

ماده ششم: تمام معاملاتی که معین-التجار در مدت ده سال درخصوص خاک قرمز(اکسید دو فر) با هرکس نماید باید به اطلاع دولت باشد.

ماده هفتم: اگر معین-التجار در مدت ده سال بیشتر از آن مقدار خاکی که به مصرف فروش می-رسد استخراج و ذخیره نماید، متعلق به دولت خواهد بود.

ماده هشتم: معین-التجار ملزم است که از ابتدای حمل ایت ائیل تا انقضای برج حوت پارس ٹیل (۱۳۳۲) در آخر هر ماه مبلغ هشتصد و پنجاه لیره انگلیسی از بابت قیمت اکسید دوفر که صادر می-شود به وزارت فواید عامه کارسازی کند و در انقضای دوازده ماه حقوق دولت از روی اسناد راجع به فروش-های متوالی که معین-التجار در آن مدت نموده است معین خواهد شد اگر چنان-چه مبلغ ده هزار و دویست لیره انگلیسی که معین-التجار در عرض دوازده ماه به دولت می-پردازد کم-تر از هشتاد و پنج درصد کلیه فروش خاک باشد که باید به دولت عاید گردد و بقیه حقوق دولت را در آخر ماه دوازدهم نقداً کارسازی خواهد نمود و اگر برعکس مبلغ مزبور بیش از حق دولت باشد مبلغ زیادی که معین‌التجار پرداخته است از بابت اقساط سالیانه محسوب خواهد شد و نیز مقرر است بقیه قیمت سیزده هزار تن خاک موجودی معین-التجار از اقساطی که از تاریخ امضای این قرارداد بعد محقق می-شود، کسر گذاشته خواهد شد و ترتیب پرداخت اقساط پنج سال اخیر مدت اجاره معین-التجار از قرار فوق خواهد بود، لیکن مبلغ ماهیانه که معین-التجار باید به دولت کارسازی نماید در اول پنج سال دوم معین خواهد شد. ماده نهم: علاوه بر التزام مذکوره در ماده ششم این قرارداد معین-التجار متعهد است که هرگاه بخواهد هرگونه نقل و انتقال به هر نحوی از انجا در این قرارداد بدهد باید با اجازه فواید عامه باشد.

ماده دهم: هرگاه وزارت فواید عامه بخواهد موقتاً یا دائماً برای رسیدگی و تفتیش در استخراج اکسید دوفر و مقدار حملی که به خارج حمل شده است مأموری بگمارد، معین-التجار قبول می‌نماید.

ماده یازدهم: کلیه فرامین و اسناد راجع به خاک اکسید دو فر جزیره هرموز که در دست معین-التجار است از درجه اعتبار ساقط است و وزارت فواید عامه فقط این قرارداد را معتبر دانسته به موجب فصول یازده-گانه فوق با مشارالیه رفتار خواهد کرد.

ماده دوازدهم: چون مقدار خاک اکسید دو فر صادره از جزیره هرموز و تعیین خاک موجودی معین‌التجار مذکوره در ماده دوم و مبلغ پول عایدی دولت و میزان اقساط پولی که از بابت بیست و چهار هزار لیره که به موجب حواله وزارت مالیه به حاج معزی‌الیه بایستی برسد و نیز مصارفی که اداره گمرک از بابت استخراج

خاک جدید تا میزان صدی پانزده نموده و به عبارت آخری کلیه این محاسبات به طور صحیح و کاملاً صحیح بایستی محقق و معلوم بشود، بناءً علی هذا مقرر است که پس از تحقیق و معلوم داشتن مراتب مزبوره در این ماده مواد لازمه راجع به این ماده البته نوشته و ضمیمه قرارداد حاضر گردیده است.^{۳۴}

با وجود اختلافات معین-التجار با کمپانی استریک، شکایت-های متعددی از سوی معین-التجار به وزارت فواید عامه، مجلس شورای ملی و وزارت مالیه صورت گرفت. او در مراسلات خود با مقامات رسمی دولت خساراتی را که از طرف این کمپانی به وی وارد شده بود، مطالبه کرد و خواستار تفویض معدن اکسید دو فر به خود شد ولی چون اقدامی در این زمینه به عمل نیامد، ریاست وزرا طی مراسله ای مورخ ۷ ثور ۱۳۳۰ ق به وزارت مالیه و مسیو مرنارد -کفیل خزانه-داری کل - تأکید کرد فوراً به اداره گمرک بندرعباس دستور داده شود تا جزیره هرموز به معین-التجار تسلیم و وجهی که راجع به معزی-الیه از بابت قیمت اکسید دو فر در خزانه ضبط و توقیف است به ایشان مسترد شود.^{۳۵}

بر اساس اسناد و مدارک موجود معین-التجار با کمپانی استریک بر سر رفع ادعای خسارات النجر و ویر نیز اختلاف داشت بویژه آنکه النجر و ویر مبلغی از پول وی را نداده بودند. از این رو، وثوق-الدوله طی مراسله ای مورخ ۵ جمادی-الثانی ۱۳۳۰ ق به وزارت مالیه قرارداد دوازده ماده-ای منعقد بین معین-التجار با کمپانی استریک و تعهدات استریک مبنی بر حل دعوی النجر و ویر با معین-التجار را یادآوری کرده و به کمپانی استریک و سفارت لندن اخطار داده چنان-چه ظرف مدت بیست روز در رفع دعوی النجر و ویر کوششی ننماید و کشتی برای حمل کک به جزیره هرموز نفرستد بار به آنان تحویل داده نخواهد شد.

ظاهراً با وجود این تأکیدات و شرح و بسط وزارت مالیه به اداره گمرک مبنی بر اینکه دیگر خاک حمل نکنند، ولی مسیو مرنارد به آن توجهی نکرده و هر زمان که استریک کشتی فرستاد به او خاک داد. بنابراین اختلافات معین-التجار با این کمپانی همچنان ادامه یافت و او را در راه احقاق حق خود به تلاش واداشت. در این راه نامه-های شکایت -آمیز متعددی به وزارت فواید عامه، مجلس شورای ملی و وزارت مالیه نوشت و در آنها خساراتی را که از طرف این کمپانی متحمل شده بود مطالبه کرد و خواستار تفویض معدن اکسید دو فر به خود شد. از این رو هیأت دولت در جلسه ۷ شوال ۱۳۳۱ ق طی شرحی بر دوازده ماده، حقوق معین-التجار را مشخص و حتی حقوقی را که مورد قبول وی نبود، به ایشان قبولانند و امضاء کردند. اما با این وجود وزیرمختار انگلیس طی مراسله ای به علاءالسلطنه بطالان دوازده ماده فوق را خواستار شد و مستر چرچیل نیز رقعه ای به تاریخ ۱۳ ذی حجه به معین-التجار نگاشت و این مسئله را در آن به وی خاطر نشان کرد. علاءالسلطنه نیز در پایان مراسله خود مضرات و خساراتی را که با نقض این قرارداد متوجه دولت ایران می-شد به وزیرمختار انگلیس یادآور شد. معین-التجار در تاریخ ۹ جمادی-الاول ۱۳۳۳ ق بار دیگر نامه ای به هیأت وزرا نوشت و در آن متذکر گردید کمپانی استریک که سی هزار تن خاک قرمز را برای پنج سال کنترات کرده به هیچ-کدام از شروط مندرج در قرارداد منعقد رفتار نکرده است زیرا بر اساس قرارداد استریک بایستی پانزده روز قبل از ورود کشتی به هرموز ورود آن را خبر دهد. ثانیاً اگر هرکشتی بیش از سه روز تأخیر در آمدن داشته باشد باید روزی شش لیره برای مخارج عمل-جات حمل کشتی که معطل می-شوند، بپردازد. ثالثاً متعهد شده سالی شش هزار تن خاک سرخ حمل کند. رابعاً متعهد شده که دعوی کمپانی النجر و ویر با دولت و وی را رفع کند. خامساً متعهد گردیده قبض کشتی به وکیل او ارائه شود و قیمت خاک را او نقداً بپردازد ولی بی جهت مبلغی را نگه داشته و نپرداخته است. بنابراین دیگر حقی برای او باقی نیست و کنترات او سرآمده است ولی بایستی دعوی النجر و ویر را حل کند و به هر وسیله ای که دولت صلاح می-داند زودتر ماجرا را فیصله دهد. معین-التجار در بخش دیگری از نامه خود به سیاست نفوذی دول خارجه بر جزایر هرموز اشاره می-کند و می-خواهد جلوی این نفوذ گرفته شود. او همچنین از وجود مشتری خبر می-دهد که حاضر به خریداری شش هزار تن خاک قرمز به قیمت تنی ۴۲ شلینگ است که سی هزار لیره آن را نقداً بدهد. مطلب دیگری که معین-التجار در این نامه بیان می-کند موجودی هفت هزار تنی خاک قرمز در جزیره هرموز است که وکیل استریک به دلیل آنکه جنس این خاک پست است از حمل آن خودداری کرده و پیشنهاد نموده که خاک مذکور را تنی یک لیره به او بفروشند. کفیل خزانه-داری نیز به وزارت مالیه نوشت که صلاح در این است که این خاک را تنی یک لیره به او بدهند، اما معین-التجار مانع شده ولی بعد پذیرفت که تنی دو لیره به او بدهد.

ظاهراً با وجود این تأکیدات و شرح و بسط وزارت مالیه به اداره گمرک مبنی بر اینکه دیگر خاک حمل نکنند، مسیو مرنارد به آن توجهی نکرده و هر زمان که استریک کشتی فرستاده به او خاک داده است. بنابراین علاءالسلطنه نیز طی مراسله ای (مورخ ۲۶ محرم ۱۳۳۲ ق) به سفارت لندن در باب جزیره هرموز و سایر جزایر و مسئله اکسید دو فر که در هیأت وزرا لایحه دوازده ماده ای آن تصویب شده بود، بار دیگر درصدد رفع مشکلات معین-التجار بر می-آید. معین-التجار در جلد سوم تذکره للمتمقین به تفصیل شرح مکاتبات خود را با مقامات رسمی داخلی و خارجی آورده و اطلاعات آماری جالبی نیز در رابطه با فروش و استخراج اکسید دو فر به دست می-دهد.

معین-التجار در دوران سلطنت احمد شاه قاجار نیز به فعالیت-های خود ادامه داد و به عضویت حزب اعتدالیون درآمد. او همراه افرادی چون معاون-الدوله غفاری، دهخدا، سید صادق طباطبایی، معاضدالسلطنه، نصرت-السلطان انصاری، مرتضی-قلی خان نائینی و علی-محمد دولت-آبادی بابت عضویت بین سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ ق مبالغی را به کمیته مرکزی حزب پرداخته بود.^{۳۶} همچنین چندین بار نیز از طرف این حزب کاندیدای وکالت شد.

معین-التجار به دنبال تأسیس شورای عالی تجارت، به عنوان رئیس شورای عالی تجارت برگزیده شد تا همراه شش نفر از دولتیان و شش نفر از تجار، هفته-ای یک روز شورا تشکیل و به مشکلات تجاری بپردازند.^{۳۷} چنان-که مستشارالدوله در خاطرات خود می نویسد هرگاه تجار و سایر اصناف مشکلی با دولت یا مأموران و یا قوانین و مقررات پیدا می-کردند، به سوی معین-التجار رفته تا شاید با توجه به قدرت سیاسی و نفوذش در میان درباریان و دولتیان راهگشای آنان شود.^{۳۸}

از دیگر اقدامات مهم سیاسی معین-التجار در این دوره، مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ بود. از این رو، همراه مستشارالدوله، ممتازالدوله، محتشم-السلطنه و ممتازالملک به کاشان تبعید شد ولی پس از دو ماه با سقوط کابینه وثوق-الدوله و روی کار آمدن کابینه مشیرالدوله همراه سایر پناهندگان به تهران برگردانده شد.^{۳۹}

از دیگر فعالیت-های اقتصادی معین-التجار می توان به ساخت و تجهیز اداره گمرک بوشهر و انبارها و امکانات آن در راستای بهبود شرایط و ادارات و صادرات کالا علی-رغم سود و منفعت شخص خود از طریق این بندر اشاره داشت. سدیدالسلطنه می نویسد: «اداره گمرک بوشهر از ابنیه معظم له (معین التجار) است»^{۴۰} و از املاک پر درآمد وی که در دوره قاجار در اجاره وزارت گمرک، وزارت مالیه و گاهی خزانه-داری کل بود و همواره وی و بعدها ورثه-اش حتی در دوران پهلوی هم از آن اجاره دریافت می-کردند.^{۴۱} معین-التجار دو بار تأسیسات گمرک را بازسازی کرد و محل آن را نیز تغییر داد.

معین-التجار به دلیل موقعیت اقتصادی و سیاسی که داشت ضامن برافراشته بودن پرچم ملی ایران در نقاط جنوبی بود و از بابت انجام این کار در املاکش-که تقریباً تمامی قسمت-های مهم اداری و اقتصادی بوشهر و سایر نقاط جنوب را شامل می-شد- بر اساس نامه-ای که از وزارت داخله به وزارت مالیه مورخ ۲۷ جمادی الاول ۱۳۳۱ ق موجود است سالانه یکصد تومان دریافت می-کرده است.

او از جمله بازرگانی بود که برای رسیدن رضا شاه پهلوی به قدرت تلاش کرد و در دهم ربیع-الثانی ۱۳۴۴ ق به همراه تجار مرکز اعلامیه-ای صادر و ضمن اعلام تحسن خود، خواهان همراهی تجار همه ایالات و ولایات در جهت براندازی حکومت قاجار، تأسیس مجلس مؤسسان و به سلطنت رسیدن رضا خان شد. معین-التجار در سال ۱۳۰۴ش شرکت «شرق» را برای داد و ستد با شوروی تأسیس کرد. شرکت «طبری» نیز از جمله شرکت-هایی بود که وی احداث کرد ولی از آنجا که پس از مدتی مورد خشم رضا شاه قرار گرفت، این شرکت را از دست داد.

دفتر زندگانی این تاجر بنام سرانجام پس از سالها تلاش در زمینه استخراج معادن جزایر هرموز و مبارزه با نفوذ بیگانگان در آن ناحیه در ۱۳۵۱ق / ۱۳۱۲ش در تهران بسته شد.

در پایان، با نگاهی به زندگی و کارنامه فعالیت معین-التجار می توان گفت او نیز مانند دیگر تجار بزرگ برای رسیدن به موفقیت غالباً با اعضای قدرتمند حکومت همکاری داشت، زیرا حکومت با ایجاد فضای امن زمینه تجارت را فراهم می-کرد. از آنجا که دوستی با حکام ایالات در مواقع ضروری برای تجار سودمند بود و برعکس عدم این ارتباط صدمات زیادی چون مصادره اموال و املاک و غارت کالاها را به دنبال داشت، پس تجار به نوعی با توجه به عدم نظم و قانون به حمایت از قدرت سیاسی و نظامی آنان نیازمند بودند. معین-التجار نیز از این امر مستثنی نبود. برای نمونه وقتی وی در ناحیه ممسنی املاک زیادی را از سید اسماعیل شبانکاره-ای خرید و الوار ممسنی حاضر به همکاری با وی نشدند، به دولت مرکزی شکایت کرد و قشونی به سرکردگی حاجی خان ارمنی روانه ممسنی شد. اگرچه طی جنگ‌های متعددی که بین نیروهای دولتی با خوانین محلی در گرفت نیروهای دولتی شکست خوردند، ولی معین-التجار آن زمین-ها را متعلق به خود می-دانست. عاقبت در دوره پهلوی اول که این زمین-ها خالصه شد، دولت نیز سه دانگ آن را متعلق به معین-التجار دانست و مردم منطقه با پرداخت پول گزافی آن را از معین-التجار خریدند.

از سوی دیگر معین-التجار به دلیل سفر به خارج از کشور و آشنایی با دستاوردهای تمدن غرب و رشد علم و توسعه اقتصادی و سیاسی به ضرورت تحول سیاسی برای تغییرات فرهنگی و اقتصادی رسیده بود. او در سالهای پس از مشروطه، چه آن هنگام که در فعالیت-های سیاسی شرکت داشت و چه زمانی که از این حوزه فاصله گرفت، به گرفتن امتیازات و سرمایه-گذاری در معادن علاقه-مند بود. از آنجا که این سرمایه‌گذاری با رقابت رقبای خارجی همراه بود، او را با دولت مرتبط می-کرد و سرمایه-گذاری پر خطری بود. بنابراین اخذ امتیاز استخراج خاک سرخ هرموز از دولت طمع و حسادت دشمنان وی را برانگیخته کرد، زیرا آنان ترجیح می-دادند این امتیازات به خارجی-ها داده شود تا به سرمایه-گذاران داخلی. بنابر این معین-التجار با مشکلات خاصی مواجه شد اما با توجه به قدرت و نفوذی که داشت با شرکت-های خارجی برای فروش خاک سرخ معادن مکاتبه کرد و در خصوص قیمت و میزان حمل آنها به توافق-هایی رسید ولی دولت انگلستان به فعالیت وی در زمینه استخراج خاک سرخ در جزایر جنوبی اعتراض کرد و حتی او را تهدید نمود در صورت استخراج خاک استخراج شده «آن دولت ادعای حوایجی را بر جزیره مزبور مفتاح می نماید و از دولت ایران نیز می-خواهد مانع فعالیت وی شود.» از این رو معین-التجار با نفوذ بیگانگان در خلیج فارس به مخالفت پرداخت و از اینکه دولت اتباع خارجی را بر اتباع داخلی ترجیح می-دهد و معادن جزیره هرموز را به آنان واگذار می-کند، سخت انتقاد کرد.

در انقلاب مشروطه نیز با توجه به آنکه به در دوره اول و سوم به نمایندگی مجلس شورای ملی رسید و همچون گذشته ارتباط خود را با قدرتمندان و عناصر حکومت مرکزی حفظ کرد ولی از اینکه دولت به نقض قوانین پرداخته به شدت انتقاد ورزید. در این راستا مکاتبات متعددی با مجلس شورای ملی در این باره انجام داد و اسناد و مدارکی ضمیمه آن مکاتبات کرد و از نمایندگان دولت خواست تا این امور را به صورت جدی و دلسوزانه پی گیری کنند و به رفع اجحافات که در حق وی شده، رسیدگی نمایند. اما ظاهراً چون نتوانست احقاق حق کند، در روند روی کار آمدن رضا شاه به حمایت از او پرداخت.

ویژگی اثر

تذکره‌اللمتقین از منابع مهم و دست اول در موضوع خلیج فارس در عصر قاجار و اوایل عصر پهلوی اول است. معین-التجار بوشهری که خود از بازرگانان بنام و از چهره‌های تاثیرگذار منطقه بوده این کتاب را در سه جلد به رشته تحریر درآورده است. جلد اول: «تفصیل جزیره هرموز»، چنان-که مؤلف در مقدمه جلد دوم اثر می-نویسد «آن را در شوال ۱۳۲۸ق با نام «کتابچه نقض قوانین اساسی و تزییع حقوق ملیت ایرانی و بی اعتباری امضای هیأت دولت و قوای بحریه راجع به جزایر خلیج فارس برای تذکر خاطر وزرای عظام و وکلای فخام طبع» و در مطبعه فاروس در تهران منتشر کرده است.»

معین-التجار در این جلد به تفصیل اهمیت جزیره هرموز را از لحاظ تجارت دریایی و مناسبات سیاسی شرح داده و به نقض چند اصل از قانون اساسی در مورد جزیره هرموز پرداخته است. از نکات درخور توجهی که مؤلف در این بخش مطرح می-کند عدم توجه حکومت مرکزی و بی قیدی حکومت محلی به مسائل خلیج فارس و چگونگی نفوذ بیگانگان در منطقه است. همچنین راجع به معادن خلیج فارس و خاک سرخ جزایر هرموز اطلاعات مهمی به دست می-دهد.

جلد دوم: «صورت احکام هیأت دولت مشروطه» است که مؤلف در مقدمه آن هدف خود را از نگارش و انتشار آن چنین می-نویسد: «از آنجا که این کتابچه تا یک درجه تاریخ مانند وضع تجدید دوره مشروطیت و جهت عدالت و آزادی در سنه ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ق را در آتیه باید نشان بدهد، از این رو احکام و استناداتی هم که بعد از آن در حقانیت خود تحصیل نموده، بر حسب لزوم زبده و مختصر آنها را برای استحضار و تذکر وکلای عظام طبع و نشر می-نماید.»

او در این راستا، سواد صورت آن احکام را برای نمایندگان مجلس شورای ملی و رئیس‌الوزرا میرزا حسن خان مستوفی-الممالک و وزاری مانند مرتضی-قلی خان صنیع-الدوله، سردار اسعد و سپهدار اعظم فرستاده و به استناد ماده-هایی از قانون اساسی مواردی را که در حق وی ظلم شده به تصویر کشیده تا نمایندگان ملت با توجه به اسناد و مدارک معتبر ارائه شده درصدد رفع مشکلات و احقاق حقوق او برآیند. معین‌التجار در مقدمه این جلد نیز وعده داده که به طور تفصیل این کتابچه را منتشر خواهد کرد تا ثابت کند به واسطه این قبیل اعمال ظالمانه فاحش که بعضی افراد در مملکت روا داشته-اند در مملکت ارتجاع تولید شده و این همه خونریزی و اتلاف نفوس رخ داده به طوری که گروهی از مردم بالاچار به کشورهای خارجی پناهنده شده و یا برخی به یاغی-گری روی آورده-اند. او در پایان امیدوار است که در طی مدتی که از دوره نمایندگی وکلای مجلس شورای ملی باقیست حتی-المقدور جبران مافات کرده و به حفظ حقوق مؤکلین خود توجه نموده و از روی عدل و انصاف حقوق او را مسترد و جبران نقض قوانین اساسی را کنند.

جلد سوم: «رومان جزیره هرموز» مشتمل بر یک مقدمه و سواد مراسلات مجلس شورای ملی، وزارت مالیه، وزارت فواید عامه و وزارت خارجه است. معین-التجار همچنین درباره معادن جزایر هرموز و اختلافات خود با دول خارجه و نفوذ آنان در منطقه بویژه کمپانی استریک سخن گفته است. او این جلد از اثر خود را در غره جمادی الثانی ۱۳۴۰ق در مطبعه فاروس در تهران منتشر کرده و هدف خود را از تحریر و انتشار آن «اطلاع خاطر عموم نمایندگان مجلس شورای ملی بر بی اعتباری امضای دولت و هرگونه سند دولتی که به دست رعایای ایران است» ذکر می-کند و از بابت اینکه صورت مختصری از احکام مجلس شورای ملی و هیأت-های متوالیه دولت را طبع و توزیع نموده و آن اثر به خارج از ایران نیز راه یافته و بی اعتباری امضای دولت را تا این درجه معلوم و مبرهن داشته، اظهار تأسف می-کند. زیرا معین-التجار لاقیدی دولت و محترم و معتبر نشمردن امضای خود را سبب سلب اعتماد مردم از دولت می-داند و محرومیت اتباع داخلی را وسیله‌ای بر می-شمرد که منابع ثروت مملکت را به دست دول خارجی می اندازد و سبب می گردد تا ملت ایران محتاج و مزدور خارجه باشند و راه مهاجرت برگزینند. بنابراین او راه ترقی و توسعه مملکت و جلوگیری از مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور و عدم نفوذ دول استعماری را حفظ قوانین موضوعه و محفوظ و معتبر داشتن امضای دولت و اولیای امور در دست اتباع داخلی در منطقه می-داند. معین-التجار در این راستا برای خاطر نشان کردن میزان اهمیت امضای دولت و محترم و لازم-الاجرا بودن آن، به بیتی از شاهنامه فردوسی بسنده می-کند: «چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه» و از اینکه علی‌رغم آنکه مظفرالدین شاه فرمان امتیاز دائمی هرموز و جزایر را به او داده و امضاء کرده است ولی بعد بر اثر تحریکات و دسایس دول خارجی آن را به دیگران واگذار نموده‌اند و او را دچار خسارات و رنج فراوان کرده اند، تأسف می-خورد.

بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده می-توان گفت از آنجا که بخش عمده و مهمی از این اثر به طور مستقیم به زندگی معین-التجار و فعالیت-های اقتصادی او در جزایر هرموز در قبل و بعد از انقلاب مشروطه مرتبط است و صورت احکام هیأت دولت مشروطه در آن درج شده، لذا علاوه بر آنکه سهم عمده-ای در روشنگری تاریخ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خلیج فارس دارد، جهت بررسی زندگی و شناخت شخصیت و فعالیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این بازرگان بنام مشروطه-خواه و تیزبین بوشهری نیز سودمند و حائز اهمیت است.

روش تصحیح

نسخه-هایی از این اثر در کتابخانه و مرکز اسناد بنیاد ایران شناسی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران و مرکز اسناد و کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی موجود است . در تصحیح این اثر حاضر از نسخه کتابخانه و مرکز اسناد بنیاد ایران شناسی استفاده شده است .

در متن اعلامی که به نظر می-رسید نیازمند توضیح است، برای فهم و روشن-ترشدن آن در پانویس توضیحاتی داده شد تا خوانندگان را مفید افتد. در مواردی که متن نیز دچار افتادگی و کاستی بود و نیاز به افزودن کلمه، عبارت و عددی بود، در بین [] آورده شد. سبک نگارش مؤلف ساده و روان است ولی از آنجایی که گاهی دوگانگی در شیوه تحریر و املا کلمات وجود داشت مانند کنترات، قنطرات، تهران و... برای یکسان بودن متن سعی شد رسم الخط متداول امروزی رعایت شود.

سخن آخر اینکه، از جناب آقای دکتر محمدباقر وثوقی که زمینه دسترسی به اصل نسخه را فراهم کردند، صمیمانه سپاسگزارم.

یادداشت‌ها:

۱. معین-التجار بوشهری، تذکرة للمتقین، ج ۱، ص ۲-۳.
۲. سدیدالسلطنه، سفرنامه، ص ۲۱-۲۲.
۳. سدیدالسلطنه، همان، ص ۲۱.
۴. اعتمادالسلطنه، مرآةالبلدان، ج ۲، ص ۱۳۴۰. عده‌ای چون علی-اصغر شمیم بر این عقیده-اند که این وزارتخانه در سال ۱۲۸۳ ق تأسیس شد. نک: شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۱۹۱.
۵. وقایع اتفاقیه، (۱۳۶۲)، ص ۴۳۲.
۶. تریب فارسانی، تجار، مشروطیت و دولت مدرن، ص ۷۶ و نک: لیتن، ایران از نفوذ مسالمت-آمیز تا تحت-الحماگی، ص ۴۸؛ مستوفی، شرح زندگانی من، ص ۵۱۴.
۷. جمالزاده، گنج شایگان، ص ۳۴؛ معتضد، حاج امین-الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه-گذاری صنعتی در ایران، ص ۶۲۷.
۸. تلگراف عصر سپهسالار، ص ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۵۳، ۴۶۵، ۴۶۵، ۴۶۳، ۴۵۰، ۶۵۰.
۹. عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار، ص ۶۴.
۱۰. برای اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: تلگراف عصر سپهسالار، ص ۴۱۷، ۴۶۵، ۴۷۲-۴۷۳، ۴۷۳، ۴۸۱، ۴۶۴، ۶۵۰.
۱۱. مستوفی، همان، ج ۲، ص ۵۱۴.
۱۲. عیسوی، همانجا.
۱۳. سدیدالسلطنه، همان، ص ۲۱.
۱۴. عبدالحسین خان ملک‌المورخین، مرآةالوقایع، ج ۱، ص ۱۰۲.
۱۵. سدیدالسلطنه، بندرعباس و خلیج فارس، ۳۴۹-۳۵۰.
۱۶. عیسوی، همان، ص ۶۴.
۱۷. شجیعی، نخبگان سیاسی ایران، ج ۴، ص ۴۷۹.
۱۸. گزارش-های سالانه سرپرسی کاکس سرکنسول انگلیس در بوشهر، ص ۲۴-۲۵.
۱۹. معین-التجار بوشهری، همان، ج ۱، ص ۳-۶.
۲۰. همان، ج ۱، ص ۶.
۲۱. همان، ج ۱، ص ۷.

۲۲. این فرمان در ذی-حجه ۱۳۲۴ق به تصویب رسید. نک: مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه مجلس شورای ملی، ص ۱۶.
۲۳. معین‌التجار بوشهری، همان، ج ۱، ص ۸-۹.
۲۴. همان، ج ۱، ص ۲۹-۳۴.
۲۵. همان، ج ۳، ص ۲۵.
۲۶. همان، ج ۳، ص ۲۸-۲۵.
۲۷. فراشبندی، جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری، ص ۴۲؛ دشتی، تاریخ اقتصادی - اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه با تکیه بر نقش تجار و تجارت، ص ۱۳۹.
۲۸. مذاکرات مجلس در دوره تقنینیه مجلس شورای ملی، ص ۱۴، ۱۵.
۲۹. معین-التجار بوشهری، همان، ج ۱، ص ۱۳-۱۶.
۳۰. همان، ج ۱، ص ۳۹.
۳۱. همان، ج ۱، ص ۱۶-۱۹.
۳۲. همان، ج ۱، ص ۳۶-۳۹.
۳۳. همان، ج ۲، ص ۴۱-۴۳.
۳۴. همان، ج ۳، ص ۵-۹.
۳۵. همان، ج ۳، ص ۱۶.
۳۶. ورهرام، تاریخ سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران عصر قاجار، ص ۴۳۸.
۳۷. مستوفی، همان، ج ۳، ص ۱۰.
۳۸. خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، ص ۵۱.
۳۹. مستوفی، همان، ص ۱۰.
۴۰. سدیدالسلطنه، سفرنامه، ص ۲۱.
۴۱. گزارش‌های سالانه سرپرسی کاکس.....، ص ۲۵.





جلد اول و جلد دوم
پروژه‌های علمی و مطالعات فرهنگی
تفصیل جزیره هرموز
رساله‌های علوم انسانی
صورت احکام هیأت دولت مشروطه

شهر رمضان ۱۳۲۹

تفصیل جزیره هرموز و نقض چند اصل از قانون اساسی

قابل توجه وکلای عظام مجلس مقدس

دارالشورای ملی - شیدالله ارکانه -

در سنه ۱۳۰۰ به اتفاق جناب ملکالتجار بوشهر مسافرت به اروپا نموده در تفحص و تجسس برآمده امتعه که بتوان از ایران حمل به خارج کرد به دست بیاوریم که خدمت به وطن و هم تحصیل فایده تجارتی شده باشد. چند رشته جنس به نظر آمد برای حمل به خارج که یکی از آنها خاک قرمز بوده که شرح آن را لزوماً عرض می‌نماید.

اولاً: مواد خاک قرمز از جنس آهن پوسیده است. معدن این خاک در انگلستان، ایتالیا و عثمانی نیز یافت می‌شود و خاک معادن ممالک مزبوره جنساً بهتر از خاک معدن هرموز است. مثلاً قیمت خاک هرموز هر تنی سه لیره است و خاک متعلقه به معادن انگلستان هر تنی ده لیره ارزش دارد و خاک متعلقه به معادن عثمانی از هشت الی چهارده لیره به فروش می‌رسد ولی خاک ایتالیا با خاک هرموز قیمتاً مساوی است. اما به واسطه تسهیلاتی که در کار استخراج معدن هرموز داده شده و تفاوت مخارج و اجرت عمله در ایران با اجناس خارجه توانسته رقابت نماید که بعد از حمل این جنس به اروپا خرواری چهار الی پنج تومان به فروش می‌رسد و فایده می‌نماید که هم تأدیه مالیات دولت شده و هم بعد از وضع مخارج صاحب امتیاز فایده می‌برد. پس از مراجعت از فرنگستان مقداری از این خاک به طور نمونه به لندن فرستاده شد. بعد از تحقیقات لازمه نوشتند فعلاً در ظرف سال بیش از چهل الی پنجاه تن مصرف فروش نخواهد داشت، ولی متدرجاً ترقی خواهند کرد. چون این مقدار درخور تشکیل یک تجارتخانه و ترتیب یک اداره منظمی نبود، این کار به حاجی ناخدا علی نام که در اداره جهازات جناب ملکالتجار مستخدم بود از طرف ملکالتجار رجوع شد که سالی صد الی دویست تومان نیز از منافع آن از بابت مدد معاش به حاجی ناخدا علی برسد. مالیات دیوانی این جزیره یکصد و پنجاه و پنج تومان بود، آن هم به این ترتیب: پنجاه تومان از بابت مواجب به شیخ جزیره می‌دادند، پنجاه تومان نیز به اسم حقوق مستحفظین به شیخ مزبور داده می‌شد و پنجاه و پنج تومان دیگر را گاهی از شیخ می‌گرفتند و گاهی نیز شیخ از تأدیه آن گردن باز زده، از جزیره کوچ می‌کرد و در جزیره هم به هیچ وجه علاقه نداشت. خلاصه حاج ناخدا علی در چند سال هرموز را به سالی یکصد و پنج تومان متصدی بود و مقداری هم از خاک آنجا به خارجه حمل می‌کرد.

در سنه ۱۳۰۷ که مرحوم سعدالملک حاکم بنادر بود، از طرف دولت جزیره را به حاجی ناخدا علی پنج ساله اجاره داد و فرمان آن را صادر کرد که در عوض سالی چهار صد تومان بپردازد. بعد از انقضای مدت مذکور مرحوم حاج جعفر علوی طالب اجاره شد و تعهد کرد که دو هزار تومان نقد و ده ساله سالی هزار تومان به کارگزاران دولت علیه بپردازد، به این شرط که از طرف اولیای دولت جاویدایت لقب ملکالتجاری بندرعباس به او مرحمت شود. از طرف دولت نیز پذیرفته و قبول گردید و به موجب فرمان جزیره را ده ساله به اجاره مرحوم حاجی جعفر مرحمت نمودند.

در این بین، حاجی جعفر وفات یافت و حاجی محمدشریف پسرش متصدی این کار شد. تقریباً روی هم رفته پدر و پسر یک سال و نیم در معدن کار کردند. به طوری که خودشان اظهار می‌داشتند به جای نفع، متضرر شدند و به همین جهت از بندرعباس به منزل بنده در بوشهر ورود کرده و به اصرار اجاره خود را به بنده منتقل کردند که بنده نیز مخارج و ضرر و خسارت آنها را عهده نمایم. فرمان اجاره را تسلیم نموده، آنچه جنس موجود داشتند برکنار کردند. بنده هم مخارج و خسارت آنها را تقبل نموده و به آنها پرداختم و در واقع آنها نه ضرر بردند و نه نفع. امضای این انتقال را نیز از دولت گرفتم. بعد از زحمات زیاد و تحمل مخارج فراوان ترتیبات لازمه برای استکشاف و استخراج معادن آنجا و تسهیلات مقتضیه به جهت حمل و نقل آن از هر حیث فراهم کردند تا اینکه معدن خاک قرمز دایر شد. در این بین، تکران ملک - تبعه دولت فخیمه - انگلیس متعهد شد که هفتصد تومان بر یک هزار تومان مال الاجاره بیفزاید، به این شرط که پانصد تومان در حق جناب نظامالملک و دویست تومان درباره خودش مواجب برقرار شود که درواقع همان یک هزار تومان به دولت عاید شود و همین طور فرمان صادر کرده و فرمان مزبور را به امضای سفارت انگلیس رساند. حکم صادر شد که جزیره به تصرف مشارالیه داده شود. بنده به موجب فرمانی که در دست داشتم، گفتم: فرمان

ملکم به اشتباه و برخلاف عدالت و منافی حق صادر شده. از آن طرف، دولت چون به دست تبعه خارجه فرمان داده بود از او حمایت می‌کرد و این گفتگو امتداد پیدا کرده، به سختی منجر شد. بعد از مذاکرات زیاد که تقریباً یک سال به طول انجامید و رفته رفته معایب و مفاسد مداخله خارجه به اولیای دولت حالی شد، آخر الامر قرار بر این دادند که برای قطع این گفتگو وزرا مجلس نمایند. با حضور نماینده سفارت محترمه انگلیس و جمعی از وزرا و مستوفیان مجلس مزبور انعقاد یافت و آن مجلس بعد از مذاکرات زیاد و رسیدگی به اسناد طرفین حکم بر حقانیت بنده دادند. با این حال سفارت انگلیس متقاعد نشده، اصرار اجرای فرمان ملکم داشتند. شش ماه دیگر این مرافعه طول کشید. صدارت عظمی با مرحوم امین‌الدوله^۲، و وزارت خارجه با مرحوم حاج میرزا محسن خان مشیرالدوله^۳، و وزارت مالیه با حضرت ناصرالملک^۴ بود، قرار تجدید تحقیق و رسیدگی و رجوع به حکمیت شد. مرحوم امین‌الدوله را حکم قرار دادند. مجلس تشکیل شد، چند نفر هم از طرف سفارت حاضر شدند. بعد از مذاکرات زیاد باز مرحوم امین‌الدوله که حکم بودند، تصدیق بر حقانیت بنده فرمودند. چنان‌چه همان تصدیق‌نامه الان حاضر است. خلاصه از طرف وکیل ملکم اظهار شد که ملکم مخارج و خساراتی در صدور این فرمان و تحصیل این اجاره متحمل شده، قرار دادند که هر چه به هر کس داده، گرفته، مسترد دارند و آنچه در جزیره خرج کرده، بنده تعهد کنم. بنده نیز تقبل کرده، مخارج آنها را عهده کردم و قرار شد در حقانیت بنده و قطع دعوای ملکم فرمانی مجدد شرف صدور یابد.

هنگام صدور فرمان، باز به بنده تکلیف اضافه بر مأخذ مال‌الاجاره که اجاره داشتیم فرمودند. با اینکه به موجب فرمان و اسناد معتبره این محل در اجاره بنده بود و پس از تحمل زحمات شرعاً و انصافاً ابدأ حق این تکلیف را نداشتند، معهذاً بر حسب تکلیف مرحوم امین‌الدوله و حضرت ناصرالملک یک هزار و پانصد تومان دیگر اضافه جمع قبول نمودم که با یک هزار تومان مالیات سابق دو هزار و پانصد تومان شد و از همین قرار فرمان مجدد صادر شد. بعد از یک سال سفارت انگلیس به وزارت خارجه نوشت که از لرد سالیس بوری، صدراعظم انگلستان، تلگرافی رسیده: «که در مجلس حکمیت دو حکم صادر شده بود: اول اینکه جزیره هرموز در دست و تصرف معین‌التجار باشد، دوم آنکه مخارجی را که ملکم برای صدور فرمان متحمل شده، گرفته، مسترد دارند. چرا حکم ثانی مجری نشده و تا مدت یک ماه دیگر اگر وجه مخارج و خسارت ملکم را نرسانند، جزیره تصرف می‌شود و اگر وجه مزبور را هم بپردازند، دیگر پذیرفته نخواهد شد.»

شرح این مسئله موجب تطویل کلام و تصدیق است. همین قدر نتیجه این شد که به حکم اضطرار و اجبار بنده در مقابل دعوای ملکم نه هزار و هشتصد تومان برده، در سفارت تحویل کرده، و عین فرمان ملکم را استرداد نمودم و سفارت نیز بطلان آن فرمان را در حاشیه آن نوشت که حالیه موجود است. خسارت و زحمتی که در این موقع در استرداد جزیره کشیده شده است، مسلماً مورد توجه مخصوص و کلاهی ملت خواهد شد.

بعد از گذشت این عمل و قطع این گفتگو اطمینان کامل حاصل نمود، برای ترمیم این خرابی‌ها و جبران این خسارات در کار معدن خاک هرموز توسعه داده، به مخارج و حقوق زیادی آدم‌های مخصوص به آلمان و اطریش و هلند و فرانسه و انگلیس حتی آمریکا و چین و ژاپن فرستاده شد که در کارخانه-جات ممالک

^۲ میرزا علی خان امین‌الدوله: پسر حاج میرزا محمد خان مجدالملک سینکی که در سال ۱۲۶۰ ق متولد شد و در سال ۱۳۲۲ ق درگذشت. او از صدراعظم‌های مهم عصر قاجار بود که القابی چون منشی حضور، امین‌الملک و امین‌الدوله داشت. در جوانی در وزارت رسایل یا دفتر مخصوص شاه به خدمت پرداخت. از آن پس عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی بود تا اینکه سرانجام به مقام صدراعظمی رسید. با عزل از سمت اخیرش (۱۳۱۶ ق)، به گیلان رفت و عاقبت در همانجا درگذشت. خاطرات سیاسی وی به کوشش حافظ فرمانفرمایان منتشر شده است. برای اطلاعات بیشتر نک: افضل‌التواریخ، صفحات متعدد؛ چهل سال تاریخ ایران، ج ۳، ص ۴۷۸، ۴۸۹، ۶۹۳، ۷۰۳، ۷۱۴، ۷۲۱، ص؛ شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۳۵۴-۳۶۶؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۴۲-۴۳؛ مدارس جدید در دوره قاجاریه، ص ۱۸۱-۱۹۴، ۱۸۶-۱۹۷.

^۳ میرزا محسن خان مشیرالدوله: پسر شیخ کاظم تاجر که در سال ۱۲۳۵ ق متولد شد و در سال ۱۳۱۷ ق درگذشت. او دارای القاب معین‌الملک و مشیرالدوله بود و در طول حیات خود مشاغل چون: سفیر ایران در سن پترزبورگ، نماینده سفارت ایران در پاریس، کاردار سفارت ایران در لندن، وزیرمختار ایران در انگلستان، سفیرکبیر ایران در استانبول، وزیرمختار ایران در آلمان، وزارت عدلیه و تجارت، وزارت خارجه و ریاست شورای وزیران را به عهده داشت. نک: شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۲۰۴-۲۱۲؛ رجال وزارت خارجه، ص ۷۷-۸۰؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۱۴۹-۱۵۰، ۱۶۶.

^۴ ابوالقاسم خان ناصرالملک: میرزا ابوالقاسم خان قره‌گوزلو همدانی نوه محمود خان ناصرالملک بود. وی در ۱۲۷۲ هـ ق متولد شد. او در ۱۲۹۵ ق به انگلستان رفت و در دانشگاه آکسفورد به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به وطن (۱۳۰۱ ق)، در دستگاه ناصرالدین شاه به خدمت پرداخت، در ۱۳۰۲ ق لقب مشیرحضور گرفت و مترجم شد. با مرگ پدر بزرگش، محمود خان ناصرالملک، عهده‌دار کلیه مناصب وی از جمله حکومت همدان شد و لقب ناصرالملک گرفت. در زمان صدارت امین‌الدوله وزیر مالیه شد که تا ۱۳۱۶ ق در آن سمت باقی ماند. در ۱۳۲۵ ق مأمور تشکیل هیأت دولت شد ولی کابینه‌اش دو ماه بیشتر دوام نیافت. سپس به اروپا رفت و در ۱۲ صفر ۱۳۲۹ به ایران بازگشت و به نیابت سلطنت برگزیده شد و تا ۱۳۳۲ ق یعنی تاج‌گذاری احمد شاه نایب‌السلطنه بود و قدرت زیادی داشت. ناصرالملک پس از تاج‌گذاری احمد شاه دوباره به اروپا رفت و تا ۱۳۰۵ هـ ق به وطن بازنگشت. او در ۱۳۰۶ هـ ق در تهران درگذشت. نک: شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۶۶-۹۱؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۱۸۶-۱۸۷؛ برای اطلاعات بیشتر نک: یلفانی، رامین، زندگانی سیاسی ناصرالملک، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۷۹.

مزبوره این خاک قرمز را ترویج کرده، مصرف آن را زیاد نمایند. تا اینکه با مخارج فوق‌العاده این متاع رو به ترقی نهاده، رواج و رونق گرفت. تا پنج شش سال دیگر هم متحمل این قبیل مخارج و مصارف بودیم که اسناد مخارج مأمورین به اطراف در دست و حاضر است.

در زمان صدارت حضرت اشرف والا شاهزاده عین‌الدوله^۵ کمپانی استریک که با ملکم شراکت داشت از خارج و داخل در تهران بعضی وسایل برانگیخت که شاید مجدداً جزایر را به آنها واگذار نمایند. مرحوم مشیرالدوله به مناسبت سابقه‌ای اطلاعی که بر این عمل داشتند تفصیل گذشته و معایب انتزاع جزیره را از بنده و مفسد دخالت خارجه را در آنجا آنطور که لازم بود خاطر نشان حضرت والا شاهزاده عین‌الدوله کردند. معهداً حضرت والا شاهزاده معظم بنده را احضار کرده، فرمودند: اشخاصی حاضر شده‌اند که مقداری بر جمع جزایر اضافه کنند یا خودتان تقبل کنید یا به آنها واگذار خواهد شد. عرض کردم بعد از انقضای مدت اجاره بنده دولت به هر کس که صلاح می‌داند واگذار فرمایند. به مسیو نوز مقرر شد که اداره گمرک در آنجا تحقیقات لازمه و تفتیشات مقتضیه به عمل آورد و نتیجه تحقیقات خود را اطلاع بدهد. شش ماه که از این مقدمه گذشت، باز بنده را احضار فرمودند که شما باید مالیات آنجا را اضافه کنید. بنده همان جواب سابق را تکرار کردم. چون می‌دانستند بعد انتزاع جزایر از بنده به دست خارجه خواهد افتاد، فرمودند: مشیرالدوله را در این باب حکم قرار می‌دهیم که قراری در این خصوص بدهد، بنده قبول کردم. بعد از چند روز مرحوم مشیرالدوله فرمودند این کار را این طور ختم نمودم که ده هزار تومان اضافه بر جمع ابواب جمعی خودتان قبول نمایید. گفتم: این اضافه ابداً گنجایش ندارد. فرمودند: حضرت والا عین‌الدوله قول داده‌اند که از محل دیگر بعداً تلافی نمایند و فرمان دائمی به شما مرحمت خواهد شد. اگر امروز گنجایش این اضافه را نداشته باشد، بالمآل ترقی خواهد کرد. در قبول این اضافه اصرار زیاد فرمودند. عرض کردم پس دو هزار تومان از این ده هزار تومان در حق اولادم موجب برقرار شود. بعد از چند روز گفتند دو هزار تومان موجب قبول شد در صورتی که بر این ده هزار تومان اضافه نمایند. به این معنی که بر اجاره اول دوازده هزار تومان اضافه شود. این اضافه و تحمیل در آن وقت ابداً گنجایش نداشت ولی به علت آلودگی و علاقه‌جاتی که در بنادر داشتیم به علاوه به ملاحظه اینکه پای رنجش به میان آمده و دچار مخاطره می‌شدم، ناچاراً قبول کردم.

در رجب ۱۳۲۲ یک فرمان دائمی شرف صدور یافت که به مدلول فرمان مزبوره جزایر و محال معینه بدون هیچ‌گونه تغییر به بنده واگذار شد و مبلغ دوازده هزار تومان بر جمع اضافه گردید که ده هزار تومان آن را نقداً بپردازد و دو هزار تومان دیگر را قبض مواجب اولاد خود را بدهم. آن دو هزار تومان موجب را هم در ابتدای مشروطیت که بودجه مملکت در مجلس تصحیح می‌شد به ملت تقدیم نموده که عجلتاً سالی دوازده هزار تومان اضافه را نقداً به دولت می‌پردازد. هفت ماه بعد از این مقدمه که مرحوم مظهرالدین شاه - نورالله مرقده - عزیمت مسافرت اروپا داشتند، برای انسداد ابواب دسیسه-کاری دسیسه‌کاران که مبادا باز حکمی صادر نمایند و جزایر را به دست خارجه بسپارند و اسباب زحمت و اشکال فراهم نمایند، دست‌خطی به ولیعهد صادر فرمودند که «هرگاه بعضی در باب جزایر اظهاری نمایند، محل اعتنا ندانید که فرمان صادره سنه ۱۳۲۲ تغییرپذیر نیست.» مجدداً بنا به اطمینان صدور این فرمان و این دست‌خط مخارج زیادی متحمل شده، درصدد تفتیش و کشف بعضی معادن دیگر برآمده و شخصاً به فرنگستان رفت. یک نفر مهندس انگلیسی به ماهی هفتصد تومان که کلیه مخارج او را هم از قبیل منزل و خوراک و کرایه ایاب و ذهاب کشتی متکفل شوم اجیر کرده برای تفتیش بعضی از معادن دیگر همراه خود به ایران آوردم، و نیز از تهران آدم مخصوص به ایتالیا روانه داشتیم، به جهت کار گوگرد جزایر یک نفر مهندس ایتالیایی از آنجا آورده برای تحصیل چاه آب که عاقبت هم ممکن نشد و از روی اجبار برای کار معادن از سه فرسنگی بر کتف شتر آب آورده، چه مخارج متحمل شده و چه زحمات در هموار کردن کوه و ترمیم راه کشیدم که شرحش باعث ملال خواهد بود. انشاءالله لدی‌الموقع عرض خواهد شد که چه-قدر مخارج شده و تا کنون عایدی نداشته. اگر در زمان استبداد که بساط کیف مایشائی بسط داشت نقض احکام نسخ فرامین به اراده چند نفر معلوم حوالت بود، این قبیل وقایع که راجع به ترضیح حقوق یک نفر مظلوم بود چندان استبعاد نداشت، زیرا پرسش و سؤال و دادرسی در میان نبود ولی امروز که برای اجرای عدل و داد و برای قطع شجره غرض و عناد از جوانان رشید وطن عزیز این همه قربانی داده و فرق خادم و خائن را قانون اساسی بلند فریاد می‌کند و احکام عدلیه و شرع در اجرای آن قول می‌دهد، کجا رواست که با یک نفر مدافع از حقوق وطن در مقابل اجانب با جان و مال و رقت همان سیره شومه عصر استبداد که باعث یأس صرف فرزندان وطن بود و دنباله آن به خرابی ملک و ملت منجر می‌شد، اتخاذ شود. آنچه از طرف اولیای دولت سابق نسبت به بنده راجع به عمل جزایر معامله شد ابداً عمل تعجب و تحیر نبوده، چیزی که باعث حیرت است معامله-ایست که در

^۵ سلطان مجید میرزا عین‌الدوله: پسر سلطان احمد میرزا عضدالدوله، مشهور به شاهزاده امیرآخور، ملقب به اتابک اعظم و از صدراعظم‌های معروف عصر قاجار که در سال ۱۲۶۱ق در تهران متولد شد. او مشاغل چون: امیرآخور باشی مظهرالدین شاه، حکومت قراچه داغ و میان‌دوب، حکومت ارومیه، خوی، میانه و مهاباد، حکومت اردبیل، مشگین و قراچه-داغ، حکومت لرستان، حکومت تهران، وزارت داخله، صدراعظمی و حکومت آذربایجان داشت. او بر اثر ظلم و ستم به مردم و به دنبال گران شدن بهای قند و به فلک بستن تجار و مهاجرت علما به حضرت عبدالعظیم از صدراعظمی معزول شد. اما در دوران محمدعلی شاه دوباره مورد توجه قرار گرفت و مأمور محاصره تبریز و سرکوبی مشروطه‌طلبان شد. با فتح تهران (۱۳۲۷ق)، خود را تسلیم مجاهدین کرد. در عهد احمد شاه دوباره به رئیس‌الوزاری رسید. در دوره‌ای که حاکم آذربایجان بود با قیام شیخ محمد خیابانی و نهضت دموکرات روبه رو شد. از این رو تبریز را ترک کرد، به تهران آمد و سرانجام در ۱۰ آبان ۱۳۰۶ش درگذشت و در حرم حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. نک: شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۹۳-۹۹؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۰۴۱-۱۰۵۰ و برای اطلاعات بیشتر نیز بنگرید به: مرآة الوقایع مظفری، تاریخ بیداری ایرانیان؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران؛ تاریخ انقلاب مشروطه؛ تاریخ هیجده ساله آذربایجان؛ کتاب نارنجی؛ کتاب آبی؛ افضل‌التواریخ.

این عصر معدلت -حصر مشروطه به دسیسه کاری مغرضین یعنی از هشت ماه قبل به این طرف که جزیره هرموز مطرح مذاکره است به بنده کرده‌اند و شرح آن از این قرار است:

چند نفر عریضه به جناب وزیر فواید عامه تقدیم کردند که جزیره هرموز را مبلغی علاوه از آنچه معین‌التجار به دولت می‌دهد، قبول داریم. وزارت فواید عامه عریضه آنها را به مجلس مقدس شورای ملی - شیدالله ارکانه - تقدیم و از طرف مجلس مقدس به کمیسیون ارجاع شد. بنده در کمیسیون احضار شده، حضور بهم رسانیدم. سند خواستند، ارائه دادم. بعد از مذاکرات لازمه عرض نمودم: با این مقدمات و اسناد محکمه و با اینکه زحمات و مخارج بنده جزیره را از دست دخالت خارجه خلاص کرده و در ترویج و ترقی معادن آنجا این همه زحمات متحمل شده، آیا حق می‌دهید که برخلاف شرع و عدالت از بنده انتزاع شود؟ آیا با این زحمات و تحمل این همه خسارات یک حق تقدم بر دیگران خواهد داشت یا خیر؟ در جواب فرمودند: البته شما مقدم بر دیگران هستید. عرض کردم: اسناد بنده که دلیل بر حقانیت من است به کنار، هر طور که مقررات مجلس مقدس در باب کلیه معادن ایران تعلق خواهد گرفت، بنده نیز اطاعت خواهم کرد و هر حق و سهمی که در کلیه معادن ایران به جهت دولت معین خواهد شد، تقدیم خواهم داشت و به علاوه برای اینکه تصور نشود بنده می‌خواهم این فایده را اختصاص به خود دهم، حاضریم که آنجا را به شرکت بگذارم به این طور که اسهامی معین می‌کنم هر کس هر قدر بخواهد سهام برداشته شرکت نماید که عمل استخراج معادن جنوب هم رو به ترقی و تعالی نهد، به شرط آنکه به قدر نصف سرمایه از اسهام بردارند. کمیسیون تصدیق اظهارات بنده را کرده و مجلس به همین جا ختم شد. در یک مجلس دیگر بنده را احضار فرموده، تکلیف کردند آنچه را به موجب فرمان صادره رجب ۱۳۲۲ به دولت می‌پردازید، بدهید و نیز صدی ده از فایده هم به دولت برسانید. چون از فایده سهم می‌خواستند، بنده پذیرفتم.

بعد از چند روز دیگر جناب صنیع‌الدوله وزیر فواید عامه را ملاقات کردم، فرمودند: دیروز در کمیسیون در باب جزایر تجدید مذاکره شد و من از طرف شما وکالتاً متقبل شدم که آنچه تا به حال می‌دادید، ندهید، فقط از فایده خاک قرمز صدی سی بعد از وضع مخارج به دولت برسانید و درخصوص سایر معادن خلیج فارس هم غیر از خاک قرمز به قانون کلیه معادن که از مجلس مقدس تصویب می‌شود با شما رفتار خواهد شد و قرار شد سایر جزایر هم که در خلیج است و امروز بالاتکلیف و مسلوب‌المنفعه افتاده به شما سپرده شود که دست اجانب را از آن نقاط کوتاه کنید و همین طور عمل ختم شده، شما هم قبول نمایید. از آنجایی که عهده هریک از ابنای وطن ذمه‌دار است که حق‌المقدور برای ترقی و سعادت مملکت عزیز خود به اندازه وسع و استطاعت خویش خدمت نماید، از این قرارداد کمیسیون امتناع نورزیده، دست قبول بر دیده اطاعت نهادم و ضمناً عرض کردم که درخصوص معدن طلا یا طلاشویی در مجلس صدی ده مذاکره است، معدن خاک را صدی سی زیاد است. چند روز بعد جناب وکیل‌الرعا یا اظهار داشتند که یک نفر مشتری پنج هزار تن خاک قرمز طالب است و هر تنی چهل و پنج شلینگ قیمت می‌دهد، اجازه بدهید بفروشم. عرض کردم: با شخصی به مدتی معین کنترات دارم و از فروش معذورم. در شب بعد ایشان را ملاقات کردم، گفتند: وزیر فواید عامه خاک را فروختند و سند هم دادند. بنده معتقد نشدم که وزیر فواید عامه بدون مراجعه به بنده مال مرا بفروشد. خدمت جناب وزیر فواید عامه رسیدم، چند نفر از تجار هم حاضر بودند. عرض کردم: شنیدم حضرتعالی خاک قرمز موجودی بنده را در هرموز فروخته‌اید. فرمودند: به اصرار نوشته از من گرفتند. عرض کردم: من با دیگری کنترات دارم، دچار اشکال و خسارت خواهم شد. گفتند: آسوده باش، من نکته‌ای در آن گنجانیده‌ام که به اختیار خودمان خواهد بود و آن این است که تعیین وقت تحویل با خود ما است. همین دو روزه عمل جزیره به قراری که مذاکره شده، ختم می‌شود. بعد از انقضای مدت کنترات سابق خود شما با این خریدار تازه طرف خواهید شد و در جنس موجودی که شما استخراج کرده‌اید کسی حق ندارد مداخله نماید. چند روز بعد از مباشر هرموز تلگرافی رسید که اداره گمرک معادن هرموز را توقیف کرده و همه را مانع از کار هستند. مجدداً تلگرافی رسید کشتی‌هایی که در کار معدن بودند ضبط کردند و انبارهایی که در آنها جنس بود تصرف نمودند. باز تلگرافی رسید که مرا تحت‌الحفظ به بندر-عباس آوردند و مانع از مراجعت من به هرموز می‌باشند و خودشان عمه را به کار وا داشته‌اند. چند روز بعد تلگرافی نیز رسید که یک کشتی برای حمل خاک به هرموز آمده. ناچار باز خدمت وزیر فواید عامه رسیدم که شما اطمینان دادید در جنس موجودی من کسی دخالت نمی‌کند، حال کشتی برای حمل آن آمده. فرمودند: ما نگفته بودیم کشتی بیاورند، خودشان آورده‌اند و اصرار در حمل دارند و می‌گویند اگر حمل نماییم کرایه کشتی ضرر ما می‌شود تا بتوانیم حمل نمی‌کنیم و اگر هم حمل کردیم، تحویل آنها نمی‌دهیم تا رسیدن خاک به فرنگستان این کار هم با شما تصفیه شده است.

خلاصه دو کشتی دیگر بعد از آن یک کشتی آمده و خاک حمل کرد. از قراری که شنیده‌ام به طوری که به وزارت فواید عامه راپرت داده‌اند در این سه کشتی تقریباً شش هزار تن خاک حمل شده ولی آنچه دیگران می‌نویسند خیلی بیش از اینها است که از خاک موجودی بنده برداشته شده.

در اواخر هیأت وزرای سابق به بنده تکلیف کردند که یکصد و پنجاه هزار تومان از قیمت جنس موجوده به دولت بدهید، معدن خاک قرمز را بالمناصفه با دولت کار نمایید و حقوق سایر معادن را به طوری که مجلس مقرر خواهد داشت، تقدیم کنید یا آنکه یکصد و پنجاه هزار تومان گرفته و جنس موجود و اسباب معدن را که موجود است، واگذار نمایید. و همچنان تصور می‌کردند عمل معدن مخارج جزئی دارد و در عوض منافع آن عمده است، موافق شهرت‌هایی است که داده و می‌دهند. در مقابل این اظهارات شاق که مخالف شرع و عدل است، عرض کردم: حالا که قهراً و اجباراً جزیره را تصرف کرده‌اید، همان اجناس موجوده از قبیل خاک و اشیاء منقوله دیگر با کشتی‌های بنده را بدهید به جای دیگر ببرم و یکصد و پنجاه هزار تومان هم ندهید تا یک وقتی که بساط عدالت در مملکت ما گسترده شود، احقاق حق بنده بشود. برای رفع این بی‌اعتدالی‌ها و جلوگیری از این تجاوزات حق‌شکنانه که صورت زیبای مشروطه را چرکین می‌دارد و اثبات مظلومیت و ابراز حقانیت خود و تدارک موادی که در این مورد از قانون مقدس اساسی نقض شده، عریضه به مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی و هیأت

وزرای عظام عرض کرده و دادخواهی نمودم. اینک برای مزید استحضار و اطلاع و کلاهی محترم ما-حاصل این بی‌اعتدالی و ظلم فاحش را نوشته و خواطر آن دوات محترمه را به اصولی که از قانون اساسی نقض شده متوجه می‌سازد تا به طوری که وظیفه وکالت و نمایندگی و شیوه عدالت‌گستری و حق بر روی آنها مقتضی است در ترفیه حال و رفع ظلم از این بنده که یکی از مؤکلین آن دوات محترمه هستم و تدارک و جبران مواد نقض شده قانون اساسی توجه مخصوص بفرمایند. تذکراً برای اطلاع خواطر مبارک و کلاهی عظام اصول نقض شده را ذیلاً درج می‌کند:

اصل نهم - افراد مردم از حیث مال و جان و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند، معترض احدی نمی‌توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکتی معین می‌نماید.

اصل چهاردهم - هیچ‌یک از ایرانیان را نمی‌توان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور به اقامت محل معین نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند.

برخلاف نص این دو اصل، گماشته مرا از هر روز نفی کرده و مجبور به اقامت بندرعباس نمودند.

اصل پانزدهم - هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است.

برخلاف این اصل، اینارهای مرا در هر روز اداره گمرک تصرف کرده و نیز کشتی‌های مرا متصرف شده و دوتای از آنها را معیوب نموده به خشکی کشیده‌اند و اجناس موجوده انبار بنده را به مصرف رسانده و فروخته‌اند و مقداری از کیسه‌هایی که برای حمل خاک قرمز موجود بوده، سوزانیده‌اند. معلوم نیست این تصرفات به چه مجوز شرعی بوده و تعیین و تأدیه قیمت عادلانه آنها در کجا و به کی شده است.

اصل هفدهم - سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون.

کدام محکمه، کدام قانون حکم کرد آنچه را که بنده در هر روز دارم اداره گمرک متصرف شود و موافق کدام قانون خاک قرمز موجود مرا حمل کرده و تسلط و تصرف مرا در معادن از روی چه حق سلب نموده‌اند؟

در اصل بیست و هفت و [بیست و] دوم قوه قضائیه و حکمیه که عبارتست از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرفیات. آیا در کدام محکمه شرع و یا عرف محاکمه شده و بنده محکوم گردیده‌ام که املاک و اموال بنده را ضبط نمایند؟ آیا و کلاهی محترم که حافظ حقوق افراد ملت و نگهبان بیرق عدالت هستند این رفتار قانون-شکنانه مأمورین گمرک را تصدیق خواهند فرمود؟ فرضاً دارایی بنده را در هر روز متعلق به دولت می‌دانستند، باز باید به مدلول اصل ۲۲ به تصویب مجلس مقدس رفتار نموده باشند. به موجب اصل ۲۲ انتقال یا فروش قسمتی از عایدات یا دارایی دولت و مملکت باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد. همچنین در اصل ۲۴ مصرح است اعطای امتیازات انحصار تجارت و صنعتی و فلاحتی و غیره باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد.

تضییع حقوق بنده سهل است ولی چطور می‌توان بعد از این همه زحمات جان فرسا و تقدیم این همه قربانی در راه عدالت و قانون ساکت ماند که این طور جسورانه مواد قانون محترم اساسی را نقض کرده و حقوق ثابتة حقہ یک نفر ایرانی را مخالف شرع و عدل سلب نمایند. خدمات این بنده در اول مشروطه ایران بر غالب اهالی تهران خوب واضح است که در نصب لوای مشروطه و آزادی ایران پیش قدم بوده، اول کسی که بدون خوف و بیم در دربار سلطنت با حضور وزرا عنوان خواستن مجلس و مشروطیت نمود، بنده بودم و از سطوت استبداد نترسیده دقیقه-ای آرام نگرفتم و به اتفاق چند نفر از خواص تجار از بذل جان و مال مضایقه نکرده، از پای ننشستیم تا فرمان اعطای مشروطیت صادر شد.

خاطر و کلاهی محترم مسبوق باشد جزیره هر روز محلی نبوده که ملت یا دولت یا اهالی آنجا از آن فایده و نفعی می‌برده‌اند. در خیلی از نقاطی که تصور وجود معدن می‌رفت، مخارج گزاف کردم و هیچ فایده جز خسارت عاید نشد، به علاوه اگر زحمات و مخارج بنده نبود، الآن جزیره در دست اجانب بود و دولت ایران مالک آنجا نبود. چنانچه امثال آنجا برای اثبات عرض بنده شاهد صادقی است و هیچ-کس درصدد استرداد آنها نیست. وانگهی عمل معادن به اصطلاح بخت و طالع است. گاهی می‌شود که پس از مخارج زیاد تیر مراد به سنگ می‌آید، گاهی برعکس فایده زیاد عاید می‌شود. مسلم است تا امید فایده نباشد، کسی این همه زحمات و مخارج را متحمل نخواهد شد، پس نفع و ضرر آن باعث نسخ فرمان و قرارداد دولتی نخواهد بود.

بر خاطر امنای ملت پوشیده نیست ترقی و تدنی هر مملکت موکول به پیشرفت کار تجارت آن مملکت است، چنانچه کلیه دول متمدنه تمام هم خود را مصروف کار تجارت مملکت خویش ساخته‌اند. گسیل داشتن سفرا و فرستادن قونسول‌ها از برای توسعه تجارت است. جنگ‌های بزرگ که بین دول واقع می‌شود بیشتر به حمایت تجارت است. چرا؟ برای آنکه تجارت مملکت را آباد می‌کند، تجارت دولت را قوی می‌نماید، تجارت ملت را متمول و سربلند می‌سازد، تجارت دولت سایه را به زیر قرض خود آورده، رهین منت بل ذلیل خود می‌دارد، تجارت بیکارهای ملت را به کار و می‌دارد، تجارت ملت را از زیر بار احتیاج بیرون می‌آورد، تجارت قائم-مقام سپاهی جرار شده، فتح هندوستان می‌نماید. خلاصه هر دولتی که تجارتش رو به ترقی نهد، به دوام و استقلال آن امیدوار توان بود و هر جا که تجارت رو به زوال نهند، بر بخت آن باید گریست. حال ببینیم مقصود تجارت همان است که در ایران معمول است؟ خیر. مقصود تجارت تشکیل هیأت‌های شرکتیه و کمپانی و اعطای امتیازات به داخله است در حفر معادن و ساختن راه-آهن و ایجاد بانک و امثال آنها.

از اولیای ملت و دولت درخواست می‌کنم اگر آبادی ملک و نیک-بختی حق ملت را منحصر درین طریق می‌دانند، طوری فرمایند که سرمایه-داران ملت را در عصر مشروطیت امیدوار و مطمئن سازند تا از روی اطمینان شرکت‌ها فراهم نموده، کشتی فلاکت ایران را از گرداب ذلت بیرون آورند والا به این روشی که در پیش است که برخلاف قانون اساسی و منافی عدل و انصاف، امتیاز هر کس را بخواهند سلب نمایند و با هر که کنار ایشان قرار بگیرد، همراهی کنند و احترامی برای قرارداد و فرامین دولتی نگذارند، سلب اطمینان از عموم شده مملکت به همین فقر و فاقه باقی خواهد بود.

درین دورهٔ عدالت، اهالی این مملکت انتظار دارند که با اطمینان کامل و امنیت تامه در تحصیل ثروت و استخراج معادن که اولین طریق ترقی مملکت است، بکوشند. پس شایسته نیست در یک محلی که تصور فایده می‌رود و چون در دست تبعه ایران است، نسخ قرارداد نمایند و ثابت کنند امتیازاتی که به خارجه داده شده غیر قابل تغییر و لازم‌الاجرا است و هر سندی که در دست اتباع ایران است محل اعتنا نیست، دیگر چه امیدی برای رعایای ایران باقی خواهد ماند. کمپانی نفت جنوب در سال کرورها فایده خواهد برد، همچنین شرکت حفریات شوش کرورها برده و می‌برد، ابدأً ذکر از آنها در میان نیست، در صورتی که فرمان حفریات هم بلامدت و ابدیست. چون فایدهٔ جزیره هرموز را به اختلاف از روی غرض شهرت‌ها داده‌اند لابداً برای استحضار خاطر و کلاهی عظام مختصری عرض می‌شود تا یک درجه میزان به دست آن ذوات محترمه بیاید. در بعضی از جراید ملاحظه فرموده‌اند که فواید جزیره را به یک کرور و دو کرور بالغ کرده‌اند و ضمناً متذکر شده‌اند که این معادن خرج ندارد و گویا تصور کرده‌اند که تپه خاکی است حمل به خارجه کرده و در عوض لیره می‌گیرند. این دخالت غاصبانه تا یک اندازه عمل آنجا را مشخص نمود. از قرار معلوم به توسط بانک به کمپانی استریک شریک ملکم و مدعی سابق بندهٔ سی و یک هزار تن خاک به شصت هزار لیره فروخته‌اند که در ظرف پنج سال تحویل بگیرند و در این مدت به دیگری خاک نفروشد. پس از روی این قرارداد عایدی آنجا سالی دوازده هزار لیره که تقریباً شصت و چهار هزار تومان باشد، شده. مخارج آنجا را که اداره گمرک در معدن خاک هرموز کار کرده و حساب صورت مخارج برج ثور را فرستاده‌اند، یک هزار و هشتصد و هفتاد و سه تومان و هفت هزار و نهصد دینار قلمداد کرده‌اند. در صورتی که برنج، خرما و ماهی که برای خوراک عملجات باید یومیه بدهند از انبارهای بنده برداشت کرده‌اند و قیمت آنها را جزء مخارج قلمداد نموده‌اند. این برنج و خرما غیر از اجرتی است که به عمله داده می‌شود. کیسه‌هایی که به وسیلهٔ آنها از معدن به انبار خاک حمل می‌شود از بنده بود. ده فروند کشتی بنده را به کار واداشته‌اند که دیناری کرایه نپرداخته‌اند. همچنین سایر لوازمات کار معدن از بنده بوده است. در اول پاییز هر سال دو سه ماه در کشف معدن باید مخارج کرد که آن مخارج را در اول پاییز بنده کرده بودم، والا دو برابر آنچه نقد داده‌اند مخارج می‌شد. به این میزانی که گمرک حساب خرج داده در ماه پنج الی شش هزار تومان مخارج می‌شود. ده ماه باید در معدن کار کرد و به این میزان که خرج کرده‌اند پنجاه الی شصت هزار تومان خواهد شد. فرضاً دقت نمایند این مخارج نصف شود، سی هزار تومان خواهد بود. مالیات هم که بر آن مزید شود، چه باقی خواهد ماند. در صورتی که برای دولت چنین چیزی امکان پیدا نخواهد کرد.

با این حال از نقض قانون و نسخ فرمان و این رفتار جابرانه، چه فایده عاید روزگار دولت خواهد شد؟ چگونه این ملت بعدها مطمئناً در تحصیل امتیازات و کشف معادن اقدام خواهد کرد؟ هر کس شرح حال این بنده را بشنود و از زحمات و خسارات بنده مطلع شود، البته عبرت خواهد گرفت و دست به سوی این قبیل امور دراز نخواهد کرد. همه منتظرند که برای ترقی و رفع احتیاج این مملکت ذخایر مدفونه در جوف خاک بیرون آید. حکایت بنده که برای اتباع ایران سرمشق و آینه عبرت است، اتباع خارجه هم که از تحصیل امتیازات عاجلاً موانع در پیش دارند، پس باید برین مملکت و ملت گریست. دورهٔ استبداد که حالش معلوم و ملت بدبخت در یک عالم هرج و مرج سیر می‌کردند. امروز هم که دورهٔ مشروطه و عدل و داد است، رفته رفته برای ابنای کارکن وطن راه امیدواری مسدود می‌شود. تا رعیت اطمینان کامل و امنیت تامه حاصل نکند، از ترقی و سعادت ایران باید چشم پوشید. غارت بنده یا ده نفر مثل بنده نه درد احتیاج دولت را دوا می‌کند و نه چاره به خرابی‌هایی مملکت خواهد کرد، جز آنکه مایوسی و نومیدی عمومی فراهم شده، مملکت را بیش از پیش به درد احتیاج و ذلت دچار خواهد کرد.

از قراری که می‌شنوم دو ایراد در فرمان بنده کرده‌اند: اول آنکه قبل از انقضای مدت فرمان سابق در رجب ۱۳۲۲ صادر نموده. دومی، فرمان اخیر بلامدت می‌باشد.

جواب این است که عرض می‌کنم: قبل از انقضای مدت تجدید فرمان دلیل استحکام عمل است. گذشته از این معمول مملکت بود. چنانچه در همان اوقات کنترات سیم تلگراف را که سه سال مانده بود منقضی شود، تجدید کنترات کردند. همچنین عمل شیلات در همان سال تجدید شد. اگر اعمال دورهٔ استبداد مناط اعتبار نداشتند، کنترات مسیو مرنارد که چندین ماه به موعد آن مانده بود در مجلس مقدس تجدید شد. گویا این فقره اختصاصی است که به اسناد اتباع ایران دارد. اما درخصوص فرمان بلامدت منحصر به این یک فرمان نبوده، امتیاز فرانسوی-ها در باب حفریات شوش و امتیاز کشتی‌رانی رود کارون علیاً به کمپانی «ناصری» بلامدت است. همچنین یک جزیره در خلیج فارس به مرحوم قوام‌الملک به سالی یکصد تومان بلا-مدت داده‌اند، هکذا امتیازات دیگر.

برای اثبات حقانیت و ابراز مظلومیت خود عین فرمان و دست‌خطی که اخیراً شرف صدور یافته در متمم این لایحه درج می‌شود که وکلای محترم از روی حق‌پرستی و معدلت-پروری بر مندرجات آن نظر عمیق فرموده، در صورتی که شرعاً و انصافاً سند را ذیحق می‌دانند، بر حقانیت بنده تصدیق کنند و امر به اجرای مدلول فرمان فرمایند. و چنانچه وجود امثال بنده را در این مملکت لازم نمی‌دانند، آن را هم بفرمایند که علاقه-جات خود را به دولت یا دیگری انتقال داده، جلای وطن کنم که خدای جهان را جهان تنگ نیست. زحمات بنده در آبادی و خدمت به عالم ثروت مملکت گویا بر آنان که مطلع‌اند، پوشیده نباشد.

بیست سال قبل مصمم افتتاح رود کارون شدم و برای جلوگیری از مداخلات خارجه امتیاز کشتی‌رانی و تراموای و غیره گرفتم و در نقطه اهواز که بیابان غیر مسکون بود و فقط تاریخ خبر از آبادی آنجا می‌داد، بنای شهری گذاردم که حال می‌توان آنجا را اول بندر ایران شمرد و برای تسهیل حمل و نقل از قبیل تراموی و کشتی‌های آتشی و بادی و اسکله و انبار و غیره بهتر از سایر بنادر جنوب مهیا نمود. و کلای محترم عربستان و اشخاصی که از آن خط عبور نموده‌اند که آنجاها را به رأی‌العین دیده‌اند برای اثبات زحمات و مخارجی که در آبادی آنجا متحمل شدم با مواعی که در مقابل داشتم بهترین شاهد خواهند بود. بالفعل سالی دویست الی سیصد هزار تومان فایده گمرکی از این بندر عاید دولت می‌شود. دل-گرم و مستظهر نگاه داشتن امثال بنده برای این مملکت که تازه به طرف ترقی و سعادت سیر می‌کند، مفیدتر از یک کرور دخل غیر مشروع است. بنده اگر فایده ببرد، از کفایت و عمری است که صرف می‌نماید. در هر نقطه و هر جا این سرمایه به کار برده شود، این مقدار منافع حاصل خواهد شد. عقیده بعضی بر این است که دولت شخصاً در معادن جنوب کار کند. باید دید که دول متمدنه خودشان در معادن کار می‌کند یا به اتباع خود واگذار می‌نمایند. در صورتی که در بعضی معادن نیز به کمپانی دستی می‌دهند که در آنها کار کنند. این دو ماهه دخالت گمرک میزان صحیحی به دست دولت داده، اگر چنانچه اولیای دولت درصدد هستند که برای آبادی مملکت در کشف معادن و کشیدن راه آهن و ... اقدام فرمایند، خوب است ابتدا از معادن اطراف تهران شروع بفرمایند که در دو فرسنگی معدن نقره و سرب، و در پنج فرسنگی معادن آهن و ذغال موجود است و نظارت و سرپرستی آنها برای دولت به واسطه قرب جواز بسیار آسان است والا از جنوب جز اخبار بی اصل و راپورت بی‌مأخذ چیزی دستگیر اولیای دولت نخواهد شد.

در ختم عرایض خود این نکته را خاطر نشان و کلای محترم می‌دارم که مدعی بنده خارجه است، منتهی می‌خواهند به دست خودمان به مقاصد مکنونه نایل و به اسب مراد سوار شوند. چنانچه تاکنون مکنونات خود را انجام داده و می‌دهند. امیدوارم و کلای محترم که برگزیده ملت و جالس کرسی عدالت هستند، منصفانه بر عرایض بنده دقت فرموده تا آن‌طور که وجدان پاک آنها چنانچه به حقیقت عدالت مطمئن شود جزایر را که به موجب اسناد معتبره که در دست بنده است به خود بنده واگذار شود. حکم بفرمایید و راضی نشوید در دوره مشروطه و آزادی به فرض رأی چند نفر نسبت به یک نفر رعیت خدمت‌گزار ایران این طور بی‌اعتدالی وارد شود.

شهر شوال‌المکرم سنه ۱۳۲۸، تهران

سواد فرمانی همایونی

آنکه چون نظر به کفایت و دولت‌خواهی جناب فخامت-نصاب حاجی آقا محمد معین‌التجار امتیاز معادن جزایر هرموز، لارک، هنگام و بستانه تا انقضاء ده سال از تاریخ قوی-ئیل سنه هزار و سیصد و سیزده به موجب ملفوفه فرمان شاهنشاه شهید - نورالله مضجع و انارالله برهانه - به رسم اجاره به مشارالیه واگذار شده بود که در ازدیاد آبادی و انکشاف معادن و آسایش سکنه جزایر مزبوره اهتمام و مراقبت نماید و در سنه ماضیه به واسطه فرمانی که به اشتباه مبنی بر امتیاز معادن جزیره هرموز به اسم ارشم و تکران ملکم صادر شده بود در امر اجاره معین-التجار اختلال حاصل و موجب تظلم مشارالیه گردید. برای تحقیق صحت امر در دربار معدلت-مدار همایون رسیدگی به عمل آمده، به تصدیق جناب مستطاب امجد اشرف افخم صدراعظم حقانیت معین‌التجار محقق و معلوم گردید و معین‌التجار نظر به ازدیاد و ترقی محصول جزایر مزبوره مبلغی اضافه بر مال‌الاجاره سابق تعهد و تقبل نمود، لهذا به صدور این فرمان همایون امر و مقرر می‌فرماییم که امتیاز و اجاره معادن جزایر مذکور فوق در مدت مقرر کماکان با معین‌التجار است و باید با کمال حسن مراقبت و صداقت در امور جزایر مزبوره اقدام نموده، مالیات و وجه اجاره معادن مزبوره را به اضافه در هذ-السنه تخاقوی‌ئیل و بعدها همه ساله از قرار تفصیل ذیل به کارگزاران دیوان اعلی کارسازی نماید. حکام حال و استقبال بنادر خلیج-فارس به [هیچ]-وجه^۷ من‌الوجه مداخله غیر را در جزایر مزبوره جایز ندانسته، همواره کمال مراقبت را در تقویت او به عمل آورند، مقرر آنکه مستوفیان عظام شرح فرمان همایون را ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند.

فی شهر رمضان-المبارک سنه ۱۳۱۵

صورت سیاق بین-السطور فرمان فوق

۲۶۵۳ تومان

اصل: ۱۱۵۳ تومان

^۷متن: وجهاً.

مالیات: ۱۵۳ تومان، بابت مالیات جزایر هرموز، لارک^۸ و هنگام که باید حکومت بنادر عاید دارد: ۱۴۵ تومان - از بابت جزیره بستانه^۹ که باید به حکومت لارستان عاید دارد: ۸ تومان.

از بابت مال الاجاره که از قرار فرمان سابق باید عاید دارد که از بابت معدن نمک و گل سرخ است: ۱۰۰۰ تومان.

اضافه: قبولی معین-التجار که بابت معدن نمک و گل سرخ جزایر منظور است: ۱۵۰۰ تومان.

از ابتدای هذه السنه تخاقوی ئیل جمع دیوانست باید به دیوان اعلی برساند: ۷۰۰ تومان - از ابتدای سنه آتیه ایت ئیل به علاوه باید به کارگزاران دیوان اعلی عاید دارد: ۸۰۰ تومان.^{۱۰}

حاشیه به خط و مهر جناب میرزا محمدعلی خان^{۱۱} مستوفی فارس

موافق تشخیص عمال سابق مملکت فارس و بنادر و تصدیق ممهور که در دفترخانه مبارک ضبط است اصل جمع جزایر هرموز، لارک، هنگام و بستانه از قرار معمول سنواتی یکصد و پنجاه و سه تومان است. زیاده از این به حکام مملکت فارس و بندرات داده نمی شده است، مبلغ یک هزار و هفتصد تومان از بابت اضافات سابق در دستورالعمل سنه ماضیه تخاقوی ئیل بندرات ابواب جمع است. مبلغ هشتصد تومان هم به موجب این فرمان جهان-مطاع مبارک در دستورالعمل ایت ئیل بندرات جمع خواهد شد که کلیه آن از بابت اصل قدیم و اضافات سنواتی تا هذه-السنه ایت ئیل مبلغ دو هزار و ششصد و پنجاه و سه تومان باشد.

سواد فرمانیست که به امضا و مهر تمام وزرا
و مستوفیان عظام رسیده است

^۸. لارک: این جزیره در بیست و شش درجه عرض و پنجاه و شش درجه طول جغرافیایی واقع است و از آنجا تا قشم هفت مایل و تا هرموز شانزده مایل و تا بندرعباس سیزده مایل دریایی فاصله دارد. قدیم ترین متن تاریخی که نام این جزیره را لارک ضبط کرده است، طبقات محمود شاهی تالیف قاضی عبدالعزیز نیمدهی مورخ قرن نهم هجری قمری است. این ماجد دریانورد مشهور قرن نهم از این جزیره با نام «لار» یاد کرده است در قرن دهم و یازدهم هجری قمری نیز غالب جهانگردان اروپایی که از ایران دیدن کرده اند، در سفرنامه های خود از این جزیره با نام لارک سخن گفته اند. این جزیره اکنون جزء استان هرمزگان است و فاصله آن تا شهر قشم حدود بیست کیلومتر است. نک: تعلیقات جنگنامه و جرون نامه، ص ۲۴۶.

^۹. بستانه: بندری در جنوب ایران که محل صید مروارید است و در هفت فرسنگی غرب بندرعباس است. به نوشته پیرنیا در کنار خلیج فارس دو بستانه است: یکی در مشرق بندرعباس و دیگری در مشرق بندرلنگه. نک: لغت نامه دهخدا.

^{۱۰}. از جناب آقای محسن روستایی بابت خواندن خط سیاق متن سپاسگزارم.

^{۱۱}. میرزا محمدعلی خان: پسر میرزا محمود (برادر میرزا عبدالله خان مستوفی مؤلف کتاب سه جلدی شرح زندگانی من) و نوه میرزا نصرالله گرکانی بود. وی با عزل میرزا محمدحسین مستوفی اول و سرشته-دار کل از ریاست منگنه دفتر و مهر بروات در ذی-حجه ۱۳۱۶ق به آن سمت منصوب شد. نک: مرآة الوقایع مطفری (۱۳۸۶)، ج ۱، ص ۳۷۸.

آنکه، چون به موجب فرامین قضا-آیین جهان-مطاع و دستخط آفتاب-نمط مبارک جزیره هرموز، لارک، بستانه، هنگام^{۱۲}، قشم، محل میناب^{۱۳} و خمیر^{۱۴} که در اجاره و سپرده به جناب فحامت-نصاب حاج آقا محمد معین-التجار است، این اوقات موافق تحقیقات جناب مستطاب اجل اشرف اکرم ارفع اسعد افخم، فدوی دولت‌خواه-سلطان عبدالمجید میرزا صدراعظم- و نظر به حسن مراقبت مشارالیه در این سنوات منافع و عواید آنجاها تفاوت عمده پیدا کرده و مستلزم اضافه مالیات و مال الاجاره گردید و مدت اجاره معین‌التجار هم منقضی نشده بود و زحمات و خدمات مشارالیه خاصه در آبادی جزایر نیز در پیشگاه مقدس ملوکانه منظور گردیده، لهذا بعد از تحقیقات لازمه و مذاقه تامه جناب اشرف معزی-الیه از جانب سنی‌الجوانب ملوکانه قرار بر این شد که جزایر و محال مذکوره به اجاره و در تصرف معین-التجار برقرار و امتیازات او کماکان محفوظ بوده مبلغ دوازده هزار تومان بر مالیات و مال‌الاجاره سابق آنجاها به تفصیل ذیل بیفزاید: دو هزار تومان آن را که به موجب فرمان جداگانه در حق اولاد او برقرار شده همه ساله دریافت نماید و ده هزار تومان باقی را همه ساله به کارگزاران دیوان اعلیٰ بپردازد. بنابراین، از تاریخ صدور این منشور قدر دستور همایون و مابعدها جزایر و محال مزبوره را به معین-التجار واگذار فرموده، مقرر می‌داریم مطلقاً به هیچ اسم و رسم دیناری از مشارالیه راجع و بدون هیچ-گونه تغییری کماکان به او مخصوص دانند و هر قدر فایده از معادن گل سرخ، نمک و گوگرد آنجاها و تفاوت عمل محال مزبوره حاصل و عاید گردد به خود معین-التجار تعلق داشته، حکام و مباشرین دیوانی مطلقاً به هیچ-وجه من-الوجوه مداخله و تصرفی در امورات آنجاها نکرده، وصول مالیات و نظم و ترتیب محال مزبوره را راجع به خود مشارالیه دانند. مقرر آنکه، جنابان مستوفیان عظام و کتاب سعادت- فرجام شرح این توفیق رفیع همایون ملوکانه را در دفاتر خلود و دوام ثبت و ضبط نموده، قاطبۀ افراد چاکران آستان همایون از مدلول این فرمان همایون تخلف و انحراف ننموده، حسب‌المقرر در عهده شناسند.

شهر رجب لوی‌ئیل ۱۳۲۳

صورت سیاق بین‌السطور فرمان فوق

مالیات و متوجهات بلوک میناب و جزایر متعلقه قبولی جناب معین-التجار اصلاً اضافه: ۲۸ هزار و ۵۹۴ تومان و ۹۱۵۰ دینار. اصل: از بابت جمع سابق اصلاً اضافه موافق جمعی که در دستورالعمل هذه- السنه لوی‌ئیل نیز است [و] ابواب جمع حکومت بنادر است: ۱۶ هزار و ۵۹۴ تومان و ۹۱۵۰ دینار.

[دفعه]: بلوک میناب و غیره: ۱۵ هزار و ۲۶۸ تومان. بابت: بلوک میناب سوای گمرک بناب و میناب: ۱۲ هزار و ۶۱۵ تومان. بابت: جزایر هرموز، لارک، هنگام و بستانه از بابت اصل و اضافه سابق: ۲۶۵۳ تومان. اصل: بعد از وضع: ۵۰ تومان موجب تفنگچی: ۱۵۳ تومان. اضافه: قبولی سابق جناب حاجی معین-التجار موافق فرمان سابق: ۲۵۰۰ تومان.

[دفعه]: جزیره قشم و غیره که به تیول جناب خازن-الدوله و سپردگی و تصرف جناب حاجی معین-التجار مقرر است: ۱۳۲۶ تومان و ۹۱۵۰ دینار. [دفعه]: جزیره قشم قبولی جناب خازن-الدوله و غیره: ۹۵۰ تومان. از بابت جمع سابق که معامله گمرکی دیوان می‌شود اصلاً اضافه: ۷۵۰ تومان- از بابت مالیات خاکی [که] در [لوی‌ئیل] برقرار شده [و] در تیول جناب خازن-الدوله و سپردگی و تصرف جناب حاجی معین-التجار مقرر است: ۲۰۰ تومان. بابت: بندر خمیر سوای معدن گوگرد که کار نمی-کنند مقدار جنساً به تیول به جناب خازن-الدوله و به تصرف و سپردگی جناب حاجی معین-التجار مقرر است: ۳۷۶ تومان و ۹۱۵۰ دینار.

اضافه: که به موجب این فرمان جهان‌مطاع مبارک و قبولی جناب حاجی معین-التجار بر بلوک و جزایر متصرفی مشارالیه ابواب جمع خود: دوازده هزار تومان. سوای (محل به) مواجب به اولاد حاجی معین-التجار مرحمت شده است به موجب فرمان جداگانه که به خرج بندرات می-آید: ۲۰۰۰ تومان. [نقدی موجودی] که باید به دیوان همایون اعلیٰ همه ساله عاید شود: ده هزار تومان.

^{۱۲}. هنگام: جزیره‌ای است از بخش قشم شهرستان بندرعباس. نک: لغت نامه دهخدا.

^{۱۳}. میناب: از بخش‌های پنج‌گانه شهرستان بندرعباس که در مشرق این شهرستان واقع است. از شمال به بخش کهنوج، از مشرق به دهستان بشاکرد، از جنوب به جاسک و از مغرب به بخش مرکزی شهرستان بندرعباس محدود است. نک: لغت‌نامه دهخدا.

^{۱۴}. خمیر: نام یکی از دهستان‌های چهارگانه بخش مرکزی شهرستان بندرعباس که مرکز آن بندر خمیر است. نک: لغت‌نامه دهخدا.

شرح حاشیه فرمان فوق به خط و مهر
جناب آقا میرزا محمدعلی خان مستوفی فارس

مالیات و متوجهات^{۱۵} سابق بلوک میناب و جزایر مفصله که به اجاره و سپردگی جناب حاجی معین-التجار واگذار است، شانزده هزار و پانصد و نود و چهار تومان و نه قران و سه شاهی به تفصیل متن در دستورالعمل هذه-السنه لوی ئیل بنادر ابواب جمع است. مبلغ دوازده هزار تومان قبولی مجدد جناب حاجی معین-التجار هم به موجب این فرمان جهان-مطاع مبارک در محاسبه هذه-السنه و دستورالعمل های سنوات آتیه بندرات اضافه جمع خواهد شد.

شرح حاشیه فرمان فوق به خط و مهر جناب وزیر دفاتر

فرمان وقتی زیارت شد که به شرف صحنه همایونی- ارواحنا فداه - موشح و مزین گردیده بود. مستوفی و محاسب فارس فرمان مبارک را زیارت و ثبت کرده، مبلغ دوازده هزار تومان اضافه مالیات و جمع دیوانی جزیره هرموز و غیره قبولی جناب معین-التجار را از هذه-السنه و مابعدها در دستورالعمل بنادر فارس علاوه جمع نماید و در حاشیه فرمان مبارک بنویسد که مبلغ مزبور ابواب جمع خواهد شد.

سواد دستخطی است که به مهر و صحنه همایونی
و به مهر حضرت اشرف والا عین الدوله رسیده است

ولیعهد: نظر به اهمیت جزایری که در حدود بنادر فارس واقع است و زحماتی که حاج معین-التجار در ترقی و آبادانی آنجا متحمل شده بود، محل میناب و جزایر مزبوره را مجدداً به اجاره مشارالیه واگذار فرموده ایم. در این موقع هم که تشریف-فرمای فرنگستان می شویم مخصوصاً به شما مقرر می فرماییم که در امورات راجع به او کمال تقویت و مساعدت نموده، چنانچه در این باب اقدام و اظهاری بشود مطلقاً قابل اعتنا ندانید که تغییرپذیر نیست. باید امورات آنجا را مطابق فرمان مبارک که در سنه ماضیه لوی ئیل صادر شده است مستقلاً به او واگذار، و نگذارید احدی مداخله و اخلال در کارهای آنجا بکند و چون خود معین-التجار شخصاً خدمتگزار و مورد مرحمت است، باید در کلیه امورات او مساعدت مخصوص منظور دارید.
پنجم شهر ربیع الاول بیلان-ئیل ۱۳۲۳

صورت مخارج یک ماهه هرموز که گمرک قلمداد کرده

با تفصیلی که در این کتابچه عرض شده و این تکلیف شاق وزرا عظام رجوع به ملاحظه و انصاف و کلاهی فخام می نماید، معلوم است از جمع و خرج جزیره مسبوق نبوده اند.

مرقومه وزارت مالیه

وزارت مالیه

اداره کابینه

دایره ولایات

نمره: ۶۲۵۶

مورخه: ۵ شهر جمادی-الآخر ۱۳۲۸

ضمیمه

آقای حاج معین-التجار

^{۱۵} متوجهات: مالیات ها، مالیاتی که بر عهده کسی یا کسانی قرار می-گیرد. نک: لغت نامه دهخدا.

درخصوص کار جنابعالی و عمل جزایر چند روز قبل که وزرا عظام در منزل حضرت آقای سردار اسعد وزیر جنگ حضور داشتند، قرار شد از طرف هیأت وزرا عمل امتیاز معادن به اسم جنابعالی به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود که معادل یکصد و پنجاه هزار تومان از خاکی که فروخته شده است به عنوان حق امتیاز متعلق به دولت باشد و امتیاز سی ساله به شرایط معینه به جنابعالی بدهند و هر ساله نصف از منافع خاک سرخ حق دولت و نصف حق جنابعالی باشد و مخارج از نصف حق جنابعالی داده شود و از سایر معادن غیر از خاک سرخ هم هر چه مطابق قانون کلی که برای کلیه معادن از طرف مجلس وضع می شود حقوق دولت را مقرر داشتند، همان قدر از جنابعالی هم دریافت دارند. در صورتی که این ترتیب را که وزرا تصدیق و پیشنهاد می نمایند مجلس قبول نکند، یکصد و پنجاه هزار تومان از بابت حقوق جنابعالی در جزیره از بابت آلات و ادوات و جهازات موجودی که برای این کار لازم است از قیمت خاکی که فروخته می شود در عرض پنج سال به توسط بانک به جنابعالی بپردازند و جزیره و معادن را خود دولت تصرف کند. قرار شد همین ترتیب به مجلس پیشنهاد شده یکی از دو صورت مذکوره با جنابعالی معامله شود. علت تأخیر بحران هیأت وزرا بود و همین که رفع بحران شود، لابد معامله به یکی از این دو ترتیب ختم خواهد شد. از بابت خاکی هم که به کمپانی استریک فروخته شده، جای نگرانی نیست. وکیل استریک که در تهران این معامله را کرده است متعهد شده که هر ادعایی که از طرف کمپانی ویر یا النجر که سابق با جنابعالی معامله کرده اند بر دولت یا بر جنابعالی بشود خود استریک جواب داده، رفع دعاوی آنها را بکند. این مسئله در حقیقت شرط معامله بوده است و اگر به عمل نیاید، معامله استریک صحیح نبوده و دولت خاک را به آنها نخواهد داد. در هر حال خاطر جنابعالی مطمئن باشد از طرف این جانب آنچه لازمه حق-گزاری است به عمل خواهد آمد.

مصطفی: از طرف وزیر مالیه

وزارت مالیه ۱۳۲۸

رأبورت هیأت وزرا

در باب مسئله جزایر خلیج فارس و معادن آنجا در منزل وثوق الدوله^{۱۶} وزیر مالیه و سردار اسعد چند مجلس مذاکره و پس از تحقیقات لازمه در جلسه اخیر منزل سردار اسعد که این بنده هم حضور داشتم قرار شد زحمات حاج معین التجار و مراقبتی که در نگه-داری جزایر و ترقی معادن نموده است رعایت شود. به این معنی که معدن گل قرمز جزیره هرموز و سایر معادنی که مطابق فرمان مورخه شهر رجب لویئیل ۱۳۲۲ در تحت مداخله حاج معین التجار بوده از قرار امتیاز جدیدی بیست ساله به مشارالیه واگذار شود. به این ترتیب که حاج مشارالیه مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان به دولت عاید داشته و نصف از عایدی معدن گل قرمز را هم همه ساله به کارگزاران دولت داده، نصف دیگر از عایدی گل قرمز متعلق به خود معین التجار باشد و کلیه مخارجی که برای استخراج و حمل و نقل خاک قرمز مترتب می شود بر عهده شخص معین التجار باشد که از عایدات سهمی خودش بپردازد و از سایر عایدی معادن مزبوره سوای معدن نمک که دولت اداره و انحصار نموده، صدی ده هر ساله به دولت کارسازی دارد و هیأت وزرا به ملاحظاتی که در نظر دارند، تصویب نمودند که به ترتیب مسطور فوق معادن مزبوره واگذار به معین التجار باشد. چنانچه مجلس شورای ملی این ترتیب را تصویب نمایند، از بابت موجودی حاج معین التجار از خاک قرمز اسباب کار و غیره و رفع کلیه خسارات او از هر جهت دولت از محل فروش خاک قرمز یکصد و پنجاه هزار تومان در ظرف پنج سال به مشارالیه عاید فرماید. این قرار است که در جلسه هیأت وزرا مذاکره و تصویب شده است که هریک از این دو شق را مجلس شورای ملی - شیدالله ارکانه - تصویب نمایند، به موقع اجرا برسد.

صنیع الدوله^{۱۷}، علی-قلی بختیاری^{۱۸} و وثوق-الدوله

^{۱۶} میرزا حسن خان وثوق-الدوله: پسر میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه که در سال ۱۲۹۲ق متولد شد. وی رموز کار استیفا و دفتر و اسرار مدیریت سیاست عملی را نزد پدر و دایی خود میرزا علی خان امین-الدوله آموخت. از این رو مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفت و به وثوق-الملک ملقب شد. بعد سمت مستوفی-گری آذربایجان یافت و در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه به وثوق-الدوله ملقب شد. با وقوع انقلاب مشروطه به مشروطه-خواهان نزدیک شد و از آن پس به مشاغلی چون: نمایندگی مجلس شورای ملی، وزارت مالیه، وزارت عدلیه، وزارت خارجه، رئیس الوزرای و ریاست فرهنگستان رسید. قرارداد ۱۹۱۹ در دوران رئیس الوزرای او بسته شد که همین امر سبب سقوط کابینه وی را فراهم آورد. وثوق-الدوله بعد از آن دو بار به اروپا رفت و مدتی در آنجا اقامت گزید. عاقبت در ۱۳۱۶ش به وطن بازگشت و در ۱۳۲۹ش درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. نک: دولت های ایران از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی، ص ۹۷-۹۸

^{۱۷} مرتضی-قلی خان صنیع-الدوله: پسر علی-قلی خان مخبرالدوله که در سال ۱۲۷۳ق متولد شد. تحصیلات خود را در ایران و آلمان انجام داد. در سال ۱۲۹۷ ق به ایران بازگشت و وارد خدمات دولتی شد. در ۱۳۱۴ق رئیس ضرابخانه و خزانه دار گردید و تا ۱۳۱۵ق در آن سمت باقی ماند. از آن پس مشاغلی چون: وزیر توپخانه، رئیس اداره پست و تلگراف، نمایندگی مجلس شورای ملی، ریاست مجلس شورای ملی، وزارت مالیه، وزارت فواید عامه و وزارت معارف داشت. او ملقب به صنیع-الدوله بود و در ۵ صفر ۱۳۲۹ق به دست یک نفر گرجی از اتباع روسیه به نام ایوان به قتل رسید. نک: افضل-التواریخ، ص ۵۰ به بعد؛ رجال عصر مشروطیت، ص ۹۷، ۹۹؛ شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۶۳-۶۹؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۳، ص ۱۷۳۲-۱۷۳۴؛ نخبگان سیاسی ایران، ج ۴، ص ۸۹.

صورت مرقومه وزارت عالیه و راپورت آقایان وزرا عظام محض استحضار وکلای فخام طبع نموده، والا عرض و استدعای بنده احقاق حق به موجب فرمان صادره رجب سنه ۱۳۲۲ که در این کتابچه طبع و نشر شده می‌باشد و اصل این فرامین مطبوعه را در هیأت رئیسه مجلس مقدس شورای ملی موقتاً امانت داده‌ام، تا هریک از آقایان وکلا بخواهند ملاحظه فرمایند که تمام وزرا و مستوفیان آن زمان امضاء فرموده‌اند.

شهر شوال سنه ۱۳۲۸

معین-التجار



جلد دویم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^{۱۸} علی-قلی بختیاری: پسر حسین قلی خان و ملقب به سردار اسعد دوم. وی از سال ۱۳۰۸-۱۳۱۳ق با درجه سرتیپی ریاست یکصد سوار بختیاری را بر عهده داشت و جزء اداره سواره دیوانی بود. بدین ترتیب وارد دستگاه امین-السلطان گردید و با سواران بختیاری مأمور حفظ جان وی شد. در ماجرای فتح تهران، مجاهدین شمال به رهبری محمدولی خان تنکابنی و بختیاری‌ها به رهبری علی-قلی خان سردار اسعد از اصفهان به طرف تهران حرکت کردند و با فتح تهران به دوران استبداد صغیر پایان دادند. سردار اسعد در ۱۳۲۷ق وزیر داخله و در ۱۳۲۸ق وزیر جنگ شد. نک: شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۴۴۸-۴۵۱؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۷۷؛ دولت‌های ایران از میرزا نصرالله خان...، ص ۴۳، ۵۲.

هو الله تعالى شأنه

در شهر شوال ۱۳۲۸ کتابچه نقض قوانین اساسی و تضييع حقوق مليت ایرانی و بی‌اعتباری امضاء هیأت دولت و قوای مجریه راجع به جزایر خلیج فارس برای تذکر خاطر وزرا عظام و وکلا فخام طبع و نشر نموده بود. چون این کتابچه تا یک درجه تاریخ مانند وضع مجدد دوره مشروطیت و درجه عدالت و آزادی در سنه ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ را در آتیه باید نشان بدهد، احکام و اسنادی هم که بعد از آن در حقانیت خود تحصیل نموده، بر حسب لزوم زبده و مختصر آنها را برای استحضار و تذکر وکلای عظام طبع و نشر می‌نماید و مفصل آن هم انشاءالله به تفصیل طبع خواهد نمود که به چه ملاحظه و به چه غرض بعضی این ظلم فاحش را روا داشتند که این قبیل اعمال سبب تولید ارتجاع در مملکت و این همه خونریزی و اتلاف نفوس گردد و اعمال آنهاست که جمعی از اهالی را مجبور به تحصن و پناهندگی به خارجه نموده و جمعی را به عصیان و یاغی-گری واداشته، امیدوار است که بعد از این امتحانات این قبیل مدتی که از دوره وکلای محترم باقیست، حتی‌المقدور تدارک مافات و توجه به حفظ حقوق مؤکلین خود بفرمایند.

به تاریخ: ۱۹ شوال - ۱۳۲۸

به مقام منبع حضرت مستطاب اجل اشرف آقای

رئیس الوزراء - دامت شوکتة العالی -

عرض می‌شود در این دوره معدلت که باید عموم افراد ملت از جان و مال در مهت امنیت باشند به بنده خیلی تعدی و ظلم شده، هر چه توانسته تحمل و خودداری نموده که برای وزرا عظام فراغتی حاصل شود تا از روی عدل و انصاف حقوق منصوبه مرا مسترد و جبران نقض قوانین اساسی فرموده باشند. در هفته قبل هم در منزل حضرت سردار اسعد - دام اجلاله العالی - وعده فرمودید که در این هفته مراتب را به مجلس مقدس پیشنهاد می‌فرمایید تا به امروز مرحمتی نشد، لهذا کتابچه شرح حال خود و سابقه جزیره هرموز را طبع نموده، محض استحضار خاطر مبارک نسخه لفاً تقدیم گردید. مستدعی است به دقت ملاحظه فرمایند که واضح شود به چه درجه بنده مظلوم واقع شده‌ام. در صورتی که به حضور حضرت مستطاب اشرف واضح است در این دوره تجدد به چه درجه بنده زحمات و مخارج را متحمل گردیده، امیدوارم در بذل توجه و مرحمت تعجیل فرمایند. دیگر امر مبارک است.

جناب آقای حاج معین‌التجار - دام اقباله -

در باب گفتگوی مطلب راجع به جنابعالی قرار بر این شد روز یکشنبه یک ساعت قبل از ظهر در دربار با بنده ملاقات فرمایید که پس از مذاکرات لازمه همان روز عصر رأی قطعی آن در مجلس وزرا داده شود.

آقای حسن مستوفی‌الممالک^{۱۹} رئیس‌الوزراء

^{۱۹} . میرزا حسن آشتیانی : ملقب به مستوفی‌الممالک و معروف به آقا، پسر میرزا یوسف آشتیانی بود. وی در سال ۱۲۹۲ق متولد شد. با مرگ پدر (۱۳۰۳ق)، به دستور ناصرالدین شاه عهده‌دار کارها و مشاغل پدر شد ولی چون خردسال بود، میرزا هدایت الله خان وزیر دفتر مأمور انجام کارها گردید. میرزا حسن در ۱۳۱۸ق به علت اختلاف

مجلس شورای ملی

اداره مرکز

مورخه: ۱۲ ذی قعدة

نمره: ۹۱۰۱

جناب حاجی معین التجار

شرحی که درخصوص عمل جزیره هرموز و معادن کل و غیره اظهار کرده بودید، به مجلس شورای ملی واصل گردید. در این خصوص در مجلس عنوان شده، راپورت کمیسیون فواید عامه خوانده شد، مشروحی هم از طرف نمایندگان ذکر شده. بالاخره معاون وزارت فواید عامه اظهار نمود که سابقاً در کابینه سابقه قرار قاطعی داده شده و به امضای سه نفر از وزرا هم رسیده بود که کابینه تغییر کرد و انتظار داشتیم که به امضای وزرای جدید هم برسد و به مجلس تقدیم دارم، حالا هم تقاضا می‌نمایم که این کار را به وزارتخانه رد نمایند تا در هیأت وزرا مذاکره کرده، قرار قاطعی داده شود. علی- هذا جنابعالی باید به وزرات فواید عامه خصوصاً و هیأت وزرا عموماً رجوع کرده، درین باب تکلیف بخواهید. از طرف مجلس هم تأکید شد که زودتر ختم نمایند و ختم عمل را به مجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند.

رئیس مجلس شورای ملی

ذکاءالملک^{۲۰}

این رقعہ مجلس مقدس کافی می‌داند برای اجازه قرارداد وزرا عظام و بنده.

مجلس شورای ملی

اداره مرکز

نمره: ۱۸۸-۹۵۳۹

مورخه: ۱۹ ذی قعدة ۱۳۲۸

وزارت فواید عامه

در باب معادن بنادر خلیج-فارس و لایحه -ای که وزارت فواید عامه برحسب تقاضای مستأجرین مختلفه به مجلس رجوع کرده بودند، چنان-چه خاطر کارگزاران آن وزارت جلیله مسبوق است مسئله معادن در کمیسیون فواید عامه مطرح و راپورت آن به مجلس شورای ملی تقدیم شد ولی در موقع بحث و شور در آن معادن وزارت فواید عامه تقاضا نمودند که چون هیأت وزرا عظام نظر مخصوصی در این باب دارند، این مسئله به وزارتخانه برگردد تا نظریات هیأت وزرا در

با میرزا هدایت الله به اروپا رفت. در جریان انقلاب مشروطه به ایران بازگشت و عهده -دار مشاغلی چون: وزیر جنگ، وزیر مالیه، وزیر مشاور، وزیر داخله، نمایندگی مجلس شورای ملی و رئیس الوزرای شد. او در ۱۳۱۱ش درگذشت. نک: دولت‌های ایران از میرزا نصرالله خان، ص ۵۶-۵۸.

۲۰. ذکاءالملک فروغی: پسر میرزا محمدحسین اصفهانی که در ۱۲۵۴ش در تهران متولد شد. تحصیلات خود را نزد پدر آغاز نمود، سپس در مدرسه دارالفنون و صدر ادامه داد و زبان فرانسوی، عربی و انگلیسی آموخت. مدتی نیز نویسنده و مترجم هفته نامه «تربیت» شد. چندی نیز به عنوان مترجم و سپس به عنوان استاد و معاون در مدرسه علوم سیاسی به کار پرداخت. در ۱۲۷۴ وارد خدمات دولتی شد و از آن پس مشاغلی چون: ریاست مدرسه علوم سیاسی، نمایندگی مجلس شورای ملی، ریاست مجلس شورای ملی، وزارت مالیه، ریاست دیوان عالی تمیز، وزارت عدلیه، ریاست دیوان عالی کشور، نماینده ایران در کنفرانس صلح پاریس، وزارت خارجه، رئیس الوزرای، وزارت جنگ، سفیرکبیر ایران در ترکیه، ریاست جامعه ملل، ریاست فرهنگستان، ریاست انجمن آثار ملی، وزارت دربار پهلوی و وزیرمختاری ایران در امریکا را به عهده داشت. تأسیس دانشگاه تهران، تشکیل انجمن آثار ملی، تأسیس فرهنگستان ایران و انعقاد پیمان سه گانه بین ایران، روس و انگلیس از اقدامات مهم وی بود. فروغی در ۶ آذر ۱۳۲۱ش در تهران درگذشت آثار متعددی از وی در زمینه تألیف و ترجمه باقی مانده که از آن جمله به «تاریخ ساسانیان»، «سیر حکمت در اروپا»، «تاریخ ملل شرق»، «آیین سخنوری در فن خطابه»، ترجمه «اصول علم ثروت»، «حکمت سقراط» و ترجمه «فهرست رجال بزرگ ممالک» با همکاری پدرش اشاره داشت. نک: نخبگان سیاسی ایران، ج ۴، ص ۴۹۲؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۵، ص ۹۶-۱۰۸؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۱۰۷-۱۱۲۰؛ شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۴۵۰-۴۵۱؛ مؤلفین کتب چاپی، ج ۴، ص ۳۳۳-۳۳۸؛ مدارس جدید در دوره قاجاریه، ص ۴۹۹، ۵۰۰، ۲۷۲، ۳۰۲، ۶۶۰؛ ذکاءالملک و شهریور ۱۳۲۰؛ مجله آینده، س ۱۹، ش ۹-۷، ص ۶۷۷-۶۸۳

این موضوع معلوم گردد، لهذا در این وقت مسئله را مجدداً به وزرات فواید عامه مراجعه داده که زودتر نظر وزرا عظام را در این باب معلوم نموده، در صورت لزوم به مجلس عودت دهند.

محل مهر مجلس شورای ملی

این رقعہ اختیار تامی به وزرا داد که مرقوم فرموده‌اند در صورت لزوم به مجلس عودت دهند و مرحوم صنیع‌الدوله که وزیر مالیه بود ترتیب قرار داد وزرا در مجلس علنی اطلاع دادند.

وزارت مالیه

مورخه: ۲۰ شهر ذی‌حجه ۱۳۲۸

اداره تحریرات ولایات

دایره

نمره: ۲۱۰۶۵

سواد قرارداد هیأت وزرا عظام

در جلسه ۲۶ قوس وزرا که موضوع اظهارات آقای حاج معین‌التجار در باب اشیاء موجودی ایشان در جزیره هرموز مطرح مذاکره بود، قرار بر این شد که چون دولت جزیره هرموز را از ابتدای سنه ایت‌ئیل برای خود ضبط و عمل کرده است آن-چه معین‌التجار خاک قرمز و اسباب و کشتی و آذوقه و انبار و ابنیه و لوازم کار در موقی که دولت جزیره را ضبط کرده است در جزیره مزبور موجود داشته، متعلق به خود آقای معین‌التجار باشد و خاک را از قرار فی چهل و دو شلینگ و نیم مشارئلیه به دولت فروخته، قیمت آن را دریافت دارد و باقی اسباب و لوازم مذکوره در فوق که داشته است عیناً باید به خود آقای حاج معین‌التجار رد و با رضایت طرفین خرید و فروش یا اجاره و استجاره شود و این قرار به رضایت مشارئلیه قطع شد.

فی ۱۵ شهر ذی‌حجه ۱۳۲۸

سلطان عبدالمجید [میرزا عین‌الدوله]، [عبدالحسین میرزا] فرمانفرما^{۲۱}، اسدالله میرزا [شهاب‌الدوله]^{۲۲}، مرتضی-

قلی [صنیع‌الدوله]،

[میرزا حسین قلی نواب]^{۲۳}، [میرزا حسن خان] محتشم-السلطنه^{۲۴}، حکیم-الملک^{۲۵}

^{۲۱} عبدالحسین میرزا فرمانفرما: پسر نصرت‌الدوله فیروز میرزا که در سال ۱۲۷۶ ق در تهران متولد شد. بعد از آنکه وارد دوره نظام شد و نزد افسران اتریشی آموزش دید، در دستگاه کامران میرزا نایب-السلطنه به کار پرداخت. در ۱۲۹۹ ق درجه سرهنگی گرفت، در ۱۳۰۹ ق ملقب به سالار لشکر شد و به ریاست قشون آذربایجان رسید. در اواخر همین سال لقب فرمانفرما گرفت. او از آن پس به مشاغلی چون: حکومت کرمان و بلوچستان، تهران و فارس، وزارت عدلیه، وزارت داخله و رئیس‌الوزرای رسید و سرانجام در ۱۳۱۸ ش در تهران درگذشت. نک: دولت‌های ایران از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله ...، ص ۶، ۱۲، ۳۸، ۴۳، ۴۷، ۵۴، ۸۲، ۸۵، ۸۹، ۹۰-۹۱.

^{۲۲} اسدالله میرزا شهاب‌الدوله: وی در دوران رئیس‌الوزرای میرزا حسن خان مستوفی الممالک وزیر پست و تلگراف، وزیر معارف و اوقاف و وزیر فواید عامه بود. در کابینه عبدالحسین میرزا فرمانفرما وزیر معارف و اوقاف و در کابینه میرزا احمد خان قوام السلطنه وزیر پست و تلگراف شد. نک: دولت‌های ایران از میرزا نصرالله خان ...، ص ۵۵، ۷۶، ۸۸، ۸۹، ۱۲۴، ۱۲۵.

^{۲۳} حسین قلی نواب: وی پس از آنکه وارد وزارت خارجه شد، سمت نیابت سفارت لندن، ریاست اداره دول غیر همجوار، و وزارت خارجه یافت. او عضو حزب دموکرات بود و همچنین در ادوار ۵، ۸، ۲، ۴، ۱۰ به نمایندگی مجلس شورای ملی رسید. نک: رجال وزارت خارجه، ۱۲۶ ص؛ نخبگان سیاسی ایران، ج ۴، ص ۲۰۱.

^{۲۴} میرزا حسن خان اسفندیاری: پسر میرزا محمد رئیس نوری، ملقب به محتشم‌السلطنه که در سال ۱۲۸۳ ق در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در دارالفنون به پایان رساند. در ۱۳۲۰ ق به خدمت وزارت خارجه درآمد. از آن پس عهده‌دار مشاغلی چون: سفیر ایران در آلمان، رئیس اداره کشورهای غیر همجوار، نایب اول وزارت امورخارجه، کنسول ایران در بمبئی، معاونت ریاست وزرا، معاونت وزارت داخله، حکومت تبریز و ارومیه، وزارت عدلیه، وزارت مالیه، نمایندگی مجلس شورای ملی، ریاست مجلس شورای ملی، عضو فرهنگستان و عضو شورای عالی مجمع شیروخورشید سرخ ایران شد. پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ مدتی به زندان افتاد ولی بعد با سقوط کابینه سید ضیاء آزاد شد. او در تنظیم نظامنامه انتخابات پس از صدور فرمان مشروطیت و در تأسیس «انجمن آثار ملی» شرکت داشت. محتشم‌السلطنه در ۵ اسفند ۱۳۱۳ ش درگذشت و در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. «اخلاق محتشمی»، «علل بدبختی و علاج آن» و ترجمه «قواعد الاحکام» علامه حلی از جمله آثاری است که از وی

آقای حاج معین‌التجار

در خصوص عمل معدن کک که از چندی قبل در هیأت وزرا مطرح مذاکره بود بالاخره در جلسه ۲۶ قوس ۱۳۲۸ این طور رأی داده‌اند که سواد آن ورقه که به امضای آن هیأت محترمه موشح است فوقاً مرقوم شده است و از این قرار وزارت عالی به جنابعالی معمول خواهد داشت .
مرتضی -قلی صنیع‌الدوله وزیر مالیه

محل مهر وزارت مالیه

به طوری که هیأت وزراء سابق تصویب نموده و رأی داده‌اند صحیح است و باید وزرات مالیه از همین قرار معمول دارد.

۱۲ شعبان ۱۳۲۹

نجف -قلی بختیاری^{۲۶}، وثوق‌الدوله، معاضدالسلطنه^{۲۷}، حکیم‌الملک،

مشیرالدوله، رضا قلی، قوام‌السلطنه -

در این ورقه در هیأت محترم دولت که چهارده وزیر مسئول شده تصدیق و امضا فرموده‌اند چرا اجرا نشده، اگر این سند در دست یک یهودی تبعه خارجه بود چه جواب می‌دادند. به چه امید ملت ایران در صدد یک خدمت به وطن در تشکیل شرکت یا کشف معدنی یا کشیدن خط آهنی برآید. تضعیف قوای دولت به این درجه در سلب امنیت چه اثری دارد.

باقی مانده است. نک: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۷۱؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۴؛ افضل‌التواریخ، ص ۱۴۱، ۱۵۸، ۱۵۹، ۳۵۳، ۴۳۷؛ رجال وزارت خارجه، ص ۸۶-۸۷؛ نخبگان سیاسی ایران، ص ۹۳؛ مجله یادگار، س ۱، ش ۸، ص ۷۲-۸۰ و مجله یغما، س ۵، ش ۹، ص ۴۱۱-۴۱۲ .

^{۲۵} میرزا ابراهیم خان حکیمی: ملقب به حکیم -الملک، پسر میرزا ابوالحسن خان حکیم باشی که در سال ۱۲۹۰ق در تبریز متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون انجام داد. در ۱۳۱۰ق برای ادامه تحصیل به پاریس اعزام شد و در رشته طب فارغ-التحصیل شد. پس از بازگشت به وطن، پزشک مخصوص مظفرالدین شاه شد و لقب حکیم -الملک گرفت. از آن پس به مشاغلی چون: نمایندگی مجلس شورای ملی، عضو مجلس عالی، عضو هیأت مدیره مجلس، وزیر مالیه، وزیر اوقاف و علوم، وزیر معارف، وزیر خارجه، وزیر مشاور، نخست-وزیری، سناتوری مجلس سنا، ریاست مجلس سنا، وزیر دربار و ریاست هیأت مدیره شیروخورشید رسید و سرانجام در ۲۷ مهر ۱۳۳۸ش در تهران درگذشت و در ابن بابویه به خاک سپرده شد. «فرهنگ لغت فرانسه به فارسی» و «کالبد شکافی» از آثار اوست. نک: شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۸-۱۰؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۱، ص ۵۸۹-۵۹۳؛ تاریخ طب و طبابت در ایران، ج ۲، ص ۱۳۱؛ بعد: مدارس جدید در دوره قاجاریه، ص ۳۲۱، ۳۲۷، ۵۰۲، ۵۰۳؛ نخبگان سیاسی ایران، ج ۴، ص ۴۹۱.

^{۲۶} نجف -قلی خان بختیاری: ملقب به صمصام-السلطنه پسر حسین قلی خان بختیاری که در سال ۱۲۶۷ق متولد شد. او مدتی رئیس ایل بختیاری بود. هنگام انقلاب مشروطه به مشروطه‌خواهان پیوست. با شورش مردم اصفهان بر ضد محمدعلی شاه و فتح اصفهان به آن ناحیه رفت و انجمن ولایتی را در آنجا تشکیل داد و حاکم اصفهان شد. در فتح تهران، به مشروطه-خواهان کمک کرد و به واسطه خدماتی که به استقرار مشروطیت کرده بود، نشان قدس گرفت. در ۱۳۲۹ق به حکومت کرمانشاه منصوب شد اما نپذیرفت و از آن پس عهده دار مشاغلی چون: وزارت جنگ، وزارت کشور و رئیس الوزرای شد و در ۱۳۴۹ش در تهران درگذشت. نک: رجال وزارت خارجه، ص ۵۸، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۴، ص ۱۷۰ و ج ۵، ص ۲۰؛ شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۳۳۰-۳۳۲؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۱۰۰-۱۰۱.

^{۲۷} میرزا ابوالحسن خان نایینی: ملقب به معاضدالسلطنه که در سال ۱۲۸۸ق متولد شد. از سال ۱۳۱۰ق در وزارت خارجه به خدمت پرداخت. از آن پس عهده-دار مشاغلی چون: عضو کارگزاری آذربایجان، ریاست دفتر نوشته-جات وزارت خارجه، ریاست دفتر جنرال قنصل-گری تفلیس، جنرال قنصل-گری ایران در بادکوبه، نمایندگی مجلس شورای ملی، وزارت پست و تلگراف و حکومت یزد شد. مدرسه نادری و مدرسه اتحاد در بادکوبه از آثار اوست. او از همکاران تقی‌زاده در تأسیس انجمنی در لندن در سال ۱۹۰۸م بود که مقالات تندی بر ضد حکومت استبدادی و به نفع مشروطیت منتشر می-کرد. نک: رجال وزارت خارجه، ص ۱۲۷؛ مرآة الوقایع مظفری، ج ۲، ۹۱۳، ۹۳۶، ۱۰۸۴؛ نخبگان سیاسی ایران، ص ۱۰۷.

نطق مرحوم صنیع الدوله وزیر مالیه
(نقل از روزنامه مجلس، سال چهارم، شماره ۴۲)
«خلاصه مذاکرات پنجشنبه ۱۹ ذی حجه الحرام ۱۳۲۸ مجلس»

جزیره هرموز: آقای وزیر مالیه اظهار داشتند خاطر همه آقایان از ترتیبات حاج معین التجار و جزیره هرموز و خاک آنجا مسبوق است که تا به حال مذاکرات زیاد شده و ختم نشده بود. در این هفته دو نوبت در جلسه وزرا مذاکره شده و قرار شد از بابت سنوات سابق تا اول سال ایتئیل که عمل جزایر با او بوده و دولت مال الاجاره از او دریافت می نموده، آنچه موجودی داشته مال خود او باشد و در آتیه اگر چه عقیده او این است که این امتیاز ابدی است ولی برای اینکه این عمل ختم شود، وزرا رأی دادند که او از طرف دولت مباشر باشد و صدی بیست و پنج از قیمت فروش خاک از بابت مخارج استخراج و حق الزحمه به او واگذار و صدی هفتاد و پنج را به دولت کارسازی نماید و این رأی هم برای مدت ده سال داده شده لازم الاجرا شد. اطلاعاً عرض کرده باشم جناب منتصرالسلطان^{۲۸} به این نطق استیضاح خواست. بعد مجاب شد، استیضاح خود پس گرفت.

وزارت مالیه

مورخه: ۲۶ شهر جدی ۱۳۲۹

ضمیمه

اداره محاسبات کل

نمره: ۶۵۲۹

آقای حاجی معین التجار

از بابت خاک موجودی تا اول سال ایتئیل ۱۳۲۸ ملکی جنابعالی که در جزیره هرموز و لارک موجود داشته و دارید عجالاً برای قیمت ۱۱۲۹۴ تن ۲۴ هزار لیره وزارت جلیله مالیه حواله مستر استریک داده اند و قرار بر این داده شد آنچه از خاک جنابعالی از اول سال تا حال به خارجه حمل کرده اند معین شود و ایضاً خاکی هم که از سر معدن بابت مستخرجه جنابعالی تصرف کرده اند، معین شود و نیز خاکی هم که فعلاً در جزیره هرموز و لارک موجود است کیل شود، کلیه را که عبارت از محموله و موجودی باشد آنچه زاید بر ۱۱۲۹۴ تن بشود باید دولت علیه قیمت علاوه تن را به قرار تنی ۴۲ شلینگ و نیم به جنابعالی نقداً بدهند و اگر کم تر از ۱۱۲۹۴ تن بشود مقدار کسری را به قرار تنی ۴۲ شلینگ و نیم جنابعالی باید رد نمایند.

مرتضی-قلی صنیع الدوله

محل مهر وزارت مالیه

یک ادنا رعیتی خریدی می کرد و همچو سندی می داد، هیچ وجدانی و محکمه تأخیر ادای وجه تصدیق نمی کرد. با این وضع برای ایرانی اطمینان باقی خواهد بود با دولت خود طرف معامله بشود؟ پس باید دخالت در آب و خاک ایران از هر حیث منحصر به خارجه باشد، ملت ایران باید فکری برای خود نمایند. به اصرار بلکه اجبار این خاک را از بنده خریده اند که حال دچار اشکالات نموده اند. مقداری علاوه خاک تحویل گرفته اند، قیمت آن را چرا نمی دهند؟

^{۲۸} میرزا صادق خان منتصرالسلطان: پسر مرتضی قلی خان منتصرالسلطان بود. وی در اصفهان و تهران درس خواند. بعد در وزارت خارجه به کار پرداخت و تا پیش از مشروطیت به مأموریت های وزارت خارجه اعزام می شد. در اوایل مشروطیت به سمت کارگزاری اردبیل و نمایندگی مجلس شورای ملی رسید و در دوره چهارم از طرف مردم بابل وکیل مجلس شد. نک: القاب رجال دوره قاجاریه، ۱۷۵. در کتاب نخبگان سیاسی ایران، ج ۴، ص ۴۷۳ لقب وی منتصرالسلطنه ضبط گردیده است.

وزارت داخله

اداره جنوب

مورخه: اول دلو ۱۳۲۹

نمره: ۱۲۱۸۳

حکومت جلیله بوشهر و بنادر

اداره مرکزی گمرکات بر طبق قرارداد وزارت مالیه در باب خاکی که از جزیره هرموز حمل به خارجه شده است و نیز خاکی که از پشت کوه به پشت قلعه آورده‌اند، همچنین در باب خاک موجودی جزیره هرموز لارک متعلق به آقای معین‌التجار تلگرافی به مأمورین گمرک بوشهر مخابره نموده‌اند. البته در موقع ضرورت به اقتضای تکلیف حکومتی مساعدت مقتضیه در اجرای مدلول تلگراف مزبور به عمل آورده، از لازمه همراهی فروگذار ننمایید.

محل مهر وزارت داخله

وزارت مالیه

اداره محاسبات کل

نمره: ۶۴۶۴

مورخه: ۲۶ جدی ۱۳۲۹

مستر فرانک استریک

از اول ژانویه ۱۹۱۱ بیست و چهار هزار لیبره از بابت قیمت خاک اکسید دوفر جزیره هرموز در وجه حاج معین‌التجار عاید دارید و ترتیب پرداخت آن مبلغ به اینطور باشد که هر مقدار خاکی که از جزیره مزبور متدرجاً حمل می‌کنید، تنی یک لیبره از قیمت آن را به حاج معزی‌الیه دهید تا میزان بیست و چهار هزار لیبره تمام شود و همین ورقه سند خرج شما خواهد بود.

مرتضی - قلی [صنیع - الدوله]

محل مهر وزارت مالیه

وزارت مالیه

مورخه: ۲۴ برج ثور ۱۳۲۹

نمره: ۴۷۳۴-۱۸۴۲

وزارت معارف و فواید عامه

در باب بیست و چهار هزار لیبره قیمت خاک اکسید دو فر قرار می‌گیرد که وزارت مالیه با آقای حاج معین‌التجار داده و ختم شده است، مقرر فرمایند به کمپانی استریک مرقوم دارند که از همان قرار به آقای حاج معین‌التجار رفتار نمایند. سواد مراسله وزارت مالیه به عنوان حاج معزی‌الیه و سواد قرارداد هیأت وزرا برای مزید استحضار آن وزرات جلیله لفاً ایفاد شد.

اسماعیل ممتاز - الدوله^{۲۹}

^{۲۹} میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله: پسر میرزا علی - اکبر مکرم‌السلطنه که در ۱۰ ذی حجه ۱۲۸۹ در تبریز متولد شد. تحصیلات خود را در زادگاهش و استانبول انجام داد. پس از بازگشت به وطن، عهده‌دار مشاغل چون: مترجمی وزارت خارجه، منشی - گری و مترجمی حکومت سنندج، نایب سفارت ایران در استانبول، کنسول ایران در استانبول، منشی گری و مترجمی سلطان مجید میرزا عین - الدوله، نمایندگی مجلس شورای ملی، ریاست مجلس، وزارت عدلیه، وزارت مالیه، وزارت تجارت، وزارت پست و تلگراف و

شرح فوق تصدیقی است که وزیر مالیه جدید از طرف خود و هیأت کابینه جدید به وزارت فواید عامه نوشته است.

وزارت فواید عامه

مورخه: ۱۶ شهر جمادی الاول ۱۳۲۹

نمره: ۳۸۷

مستر فرانک استریک

سابقاً از وزارت جلیله مالیه به نمره ۶۴۶۴ به شما نوشته شده است که از اول حمل ژانویه ۱۹۱۱ مبلغ بیست و چهار هزار لیره از بابت قیمت خاک اکسید دوفر جزیره هرموز در وجه آقای حاجی معین‌التجار به این ترتیب کارسازی دارید که هر مقدار خاکی که متدرجاً از جزیره هرموز حمل می‌کنند تنی یک لیره از قیمت به حاج معزی-الیه پرداخته شود تا اینکه به میزان مبلغ بیست و چهار هزار لیره بالغ آید. این است که وزارت فواید عامه مراسم وزارت جلیله مالیه را در این خصوص تأکید می‌نماید که باید مطابق دستورالعمل آن وزارت جلیله رفتار شود.

امضاء:

محمد-علی علاءالسلطنه^{۳۰}، وزیر معارف

نمره: ۷۳۴۲

ضمیمه

نیابت سلطنت عظمی

مورخه: ۳ جمادی الاول ۱۳۲۹

فدایت شوم، عریضه-ای که به حضور والا حضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه - دامت عظمه - عرض نموده بودید با کتابچه تقدیم شد و ملاحظه، و خیلی تمجید و تحسین فرمودند. البته از اینکه به همه جا فرستاده‌اند و همه از مندرجات آن آگاهی یافته‌اند، اصول عریضه و کتابچه این مختصر را اطلاعاً زحمت دادم.

مستشارالسلطان، علی-نقی^{۳۱}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وزارت معارف و اوقاف شد. او از مخالفان قرداد ۱۹۱۹ بود، از این رو همراه هفده تن از رجال متنقد به دستور وثوق‌الدوله دستگیر و به کاشان تبعید شد. ممتازالدوله در ۱۳۲۱ش در تهران درگذشت. نک: رجال عصر مشروطیت، ص ۱۱۴؛ رجال وزارت خارجه، ص ۱۳۹-۱۴۰؛ شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۱؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۳، ص ۱۵۴۰-۱۵۴۱؛ اعزام محصل به خارج از کشور، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ نخبگان سیاسی ایران، ج ۴، ص ۲۰۵.

^{۳۰} محمدعلی خان علاءالسلطنه: پسر میرزا ابراهیم خان مهندس که در ۱۲۵۴ق در بندرانزلی متولد شد. تحصیلات خود را در ایران و بغداد گذراند. در ۱۲۷۴ق سمت ناظم آجودان باشی به استخدام وزارت خارجه درآمد. در ۱۲۷۶ق کارپرداز ایران در بمبئی شد و تا ۱۲۸۷ق در آن سمت باقی یافت، بعد ماند. در ۱۲۸۸ق به نیابت حکومت گیلان رسید و لقب معین‌الوزاره گرفت. سپس سرکنسول ایران در بغداد، سرکنسول ایران در تقلیس، وزیرمختار ایران در لندن شد و در ۱۳۰۷ق لقب علاءالسلطنه گرفت. از آن پس عهده‌دار مشاغل چون: وزارت امورخارجه، وزارت فواید عامه، وزارت تجارت، وزارت فرهنگ، وزارت عدلیه و نخست وزیری شد. در سمت اخیرش امتیاز راه- آهن جلفا به تبریز را به روس‌ها و امتیاز احداث خط راه آهن از خرمشهر به خرم- آباد را به انگلیسی‌ها داد. او در سال ۱۳۱۵ش در تهران درگذشت و در حرم حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. نک: رجال وزارت خارجه، ص ۵۰-۵۱؛ شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۴۴۷-۴۴۹؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۰۱۶-۱۰۱۷؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۱۱۱، ۱۶۶، ۱۱۱؛ دولت های ایران از میرزا نصرالله خان، ص ۷۳-۷۵.

^{۳۱} علی-نقی خان مستشارالسلطان: رئیس اطاق مشورت وزارت خارجه بود. چنان‌که عبدالحسین خان ملک‌المورخین می‌نویسد ماهی بیست و پنج تومان خرج روضه- خوانی می‌کرده و از غره جمادی-الاول ۱۳۲۳ آن مبلغ را برای مصرف مدرسه «سادات» معین کرده بوده است. نک: مرآة الوقایع مطفری، ج ۱، ص ۶۶۲ و ج ۲، ص ۷۹۵.

برای آگاهی و بیداری ملت ایران و دانستن تکلیف در معاملات با دولت به همه جا کتابچه مذکور فرستاده می‌شود ولی مترصد بود از طرف والا-حضرت اقدس اعظم راه چاره بفرمایند که این قبیل ظلم‌ها و خلاف قانون واقع نشود.

وزارت فواید عامه

مورخه: ۱۵ شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۲۹

اداره معادن

آقای حاج معین‌التجار

مراسله جنابعالی درخصوص تعیین خاک اکسید دو فر محموله به توسط کشتی طبرستان ملاحظه شد. محض حصول آگاهی اظهار می‌دارد که از تاریخ فوریه ۱۹۱۱ مطابق قبض کاپیتان کشتی موازی ۶۸۴ تن خاک اکسید دو فر حمل شده و از این قرار مبلغ ۶۸۴ لیره که عبارت باشد از هر تنی یک لیره بر طبق حواله وزارت جلیله مالیه باید به شما تحویل و عاید گردد و معادل همین مبلغ هم وکیل کمپانی استریک از قیمت خاک مذکور کسر گذاشته و نزد او باقی است. به جای وزیر معارف رضا قلی محل مهر وزارت فواید عامه

سندیست بر امضای برات مذکور و اجراء آن.

[تاریخ] ۵ شهر رجب‌المرجب ۱۳۲۹

مقام منبع هیأت محترم وزرا عظام - دامت شوکتهم -

عرض می‌شود، مستدعی است به موجب قرارداد وزرا عظام در جلسه ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ که مقرر فرمودند جزیره هرموز سپرده و در تصرف خود بنده باشد، قرارداد آن را امضا و حکم تصرف مرحمت فرمایند که بیش از این بالاتکلیف و دچار خسارت نباشد. چند فقره عریضه عرض نموده و به جواب هیچ- یک مفتخر نفرمودند. زیاده تصدیع نمی‌دهد، امر کم مطاع است.

محمد دهلشتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جناب آقای خان رئیس

این فقره خیلی طول کشیده، مطابق مقررات هیأت وزرا قرارداد آن را حاضر و به هیأت وزرا بیاورند که بیش از این تأخیر نشود.

محل امضاء آقای محتشم‌السلطنه

کفیل ریاست وزرا و وزیر خارجه

چون قراردادهای کابینه سابق مجری نشد برای اجرای آن متوسل به کابینه جدید شده همان قرارداد سابق را وزرا مغتنم شمرده و متمسک شده‌اند.

ریاست وزرا

وزارت علوم و فواید عامه و اوقاف

در باب اجاره معدن گل سرخ جزیره هرموز که کابینه سابق به مباشرت آقای حاجی معین‌التجار به مدت ده سال قرار داده بودند و در این کابینه هم مطرح و آن عقیده تصدیق شد، علی‌هذا لازم است که مجلسی از معادن وزرات جلیله مالیه و مسیو شوستر و خودتان و آقای حاجی معین‌التجار تشکیل نموده، این مطلب را مرتب به روی کاغذ آورده، به هیأت وزرا بفرستید تا اقدام لازم به عمل آید. و همچنین در باب معادن مس و گوگرد هم اقدامی که مقرر شده بود سی ساله با عایدات صدی ده الی صدی پانزده به ایشان واگذار شود، انجام دهید. یعنی مطابق مقررات قانونی معادن این فقره را ختم کنید که به مجلس فرستاده شود.

محل امضاء

آقای محتشم‌السلطنه کفیل ریاست وزرا و وزیر خارجه،

آقای مستشارالدوله وزیر داخله^{۳۲}، آقای معاون‌الدوله^{۳۳}

وزیر مالیه، آقای مشیرالدوله وزیر عدلیه

هر کابینه که روی کار آمد یک چیزی از حقوق بنده کاست، به ملاحظاتی چند مجبور به سکوت بودم.



وزارت فواید عامه

مورخه: ۱۸ شهر رجب ۱۳۲۹

اداره معاون

نمره: ۷۲۲

مستر شوستر خزانه‌دار کل

موافق مرقومه صادره از هیأت محترم وزرا عظام اجاره معدن گل سرخ جزیره هرموز را که کابینه سابق به مدت ده سال به مباشرت آقای حاجی معین‌التجار رأی داده بودند، در این کابینه هم مطرح مذاکره و این عقیده تصدیق شده است و خواسته‌اند برای ترتیبات این عمل مجلسی مرکب از معاون وزارت مالیه و نماینده فواید عامه و خود آقای حاجی معین‌التجار با حضور آن دوستان جهت استحضار تشکیل شده، ترتیباتی را که برای اجرای این ترتیب و پرداخت مالیات مقتضی است صورتی نوشته، به هیأت وزرا عظام پیشنهاد شود. لازم است هر روزی را که وقت و فراغت دارید معین نموده به وزارت فواید اطلاع بدهید تا به

^{۳۲} میرزا صادق خان مستشارالدوله: پسر میرزا جواد خان مستشارالدوله و از افراد مشروطه‌خواه که در ۱۲۴۳ش در تبریز متولد شد. تحصیلات خود را در ایران و استانبول گذراند. در ۱۳۰۶ق به استخدام سفارت ایران در عثمانی درآمد، با مطبوعات استانبول همکاری کرد و مقالاتی بر ضد استبداد نوشت. چندی منشی مخصوص مشیرالدوله وزیر عدلیه شد و لقب صدیق حضرت و سپس مشارالدوله گرفت. از آن پس عهده دار مشاغلی چون: نمایندگی مجلس شورای ملی از سوی مردم تبریز، مأمور تنظیم و تدوین متمم قانون اساسی، ریاست مجلس، عضو مجلس عالی، وزارت داخله، وزارت علوم و اوقاف، وزارت پست و تلگراف، وزارت فواید عامه، رئیس مجلس مؤسسان اول، سفیرکبیر ایران در آنکارا، وزارت مشاور و سناتور انتصابی آذربایجان شد. او از مخالفین قرارداد ۱۹۱۹ بود که به دستور وثوق الدوله به کاشان تبعید شد. وی در ۱۳۳۲ش در تهران درگذشت و در مقبره ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. اشعاری از او باقی مانده که تاکنون به چاپ نرسیده است. نک: رجال وزارت خارجه، ص ۱۷۴؛ شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۱۶۶-۱۶۸؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۲، ص ۹۰۶-۹۰۹؛ نخبگان سیاسی ایران، ج ۴، ص ۴۸۳؛ مجله آینده، س ۶، ش ۱ و ۲، ص ۸۹-۹۰.

^{۳۳} میرزا ابراهیم خان غفاری کاشانی: ملقب به معاون‌الدوله، پسر میرزا فرخ خان امین‌الدوله که در سال ۱۲۷۷ق متولد شد. او در طول حیات خود عهده دار مشاغلی چون: پیشخدمت ناصرالدین شاه، وزارت تجارت، ریاست محکمه تجارت، کارگزاری آذربایجان، سرکنسولی ایران در شبه جزیره بالکان، ریاست ضراب‌خانه، وزیرمختاری رم، وزارت خارجه، وزارت پست و تلگراف و وزارت مالیه داشت. معاون الدوله در ۱۳۳۶ق در تهران درگذشت و در صحن حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. نک: رجال وزارت خارجه، ص ۱۲۵؛ شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۱۹-۲۰؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۰۵۱؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۱۵۷

معاون وزارت مالیه و حاجی معین‌التجار اطلاع داده و مجلس مزبور تشکیل شود و یا نظریات جنابعالی ترتیبی که برای قسمت مالیه آن صلاح می‌بینید نتیجه به هیأت وزرا پیشنهاد و به همان ترتیب مجری بشود.

بجای وزیر معارف و اوقاف و فواید عامه

رضا قلی

محل مهر وزارت فواید عامه

وزارت خارجه

مورخه: ۷ رجب ۱۳۲۹

نمره: ۱۷۴۲۹-۱۸۲

سواد رقعہ به مستر شوستر

هیأت وزرا به تاریخ ۲۵ ذی-حجه ۱۳۲۸ مطابق ۲۸ دسامبر ۱۹۱۰ در موضوع اکسید دو فر ملکی آقای معین‌التجار در جزیره هرموز و لارک که از طرف دولت به استریک کمپانی کنترات شده بود، رأی دادند که حاجی معین‌التجار اکسید دو فر خود را از قرار آن چهل و دو شلینگ و نیم به دولت بفروشند و از بابت قیمت خاک مزبور وزارت مالیه بیست و چهار هزار لیره به استریک کمپانی حواله نمود که از اول ژانویه ۱۹۱۱ هر مقدار اکسید دوفر که کمپانی استریک حمل می‌نماید تنی یک لیره به حاجی معین‌التجار بپردازد تا میزان بیست و چهار هزار لیره تمام شود. محض اطلاع زحمت می‌دهم که این معامله به این ترتیب مابین دولت و حاجی معین‌التجار گذشته و حواله آن هم به طوری که ذکر شده داده شده و گذشته است، علی‌هذا به مستر برون - وکیل استریک - اطلاع خواهند داد که این ترتیب را لایتغیر دانسته و همانطور که وزرات مالیه به او حواله کرده است قیمت اکسید دو فر را تنی یک لیره به حاجی معین‌التجار بپردازد. محتشم‌السلطنه وزیر خارجه و کفیل ریاست وزرا: معامله - ای شده قبل از آنکه مجلس مقدس رأی بدهد که از آمریکا مستخدم بخواهند. حال حواله شش ماه قبل را می‌گویند باید به امضاء مستر شوستر برسد. هیأت وزرا تمنا می‌کنند از ایشان و نتیجه معلوم نیست.

به تاریخ: ۲۷ جمادی‌الثانی سنه ۱۳۲۹

وزارت جلیله مالیه

عرض می‌شود به موجب ورقه قرارداد وزارت مالیه در ۲۶ جدی نمره ۶۰۲۹ آنچه خاک قرمز علاوه از ۱۱۲۹۴ تن تحویل بدهد، وزارت مالیه هر تنی ۴۴ شلینگ و نیم نقداً قیمت آن را بدهند. به موجب سندی که از اداره گمرک داده‌اند تا تاریخ ۲۷ ربیع‌الاول سنه ۱۳۲۹ که تحویل گرفته‌اند ۱۲۲۲۸ تن بوده که علاوه ۱۰۴۴ تن بوده و قیمت آن مقدار علاوه مبلغ ۲۲۱۸ لیره و نیم می‌شود و بعد از این هم مقداری تحویل گرفته‌اند که باید اداره گمرک صورت بدهند. مستدعی است به موجب قرارداد علی‌العجاله این ۲۲۱۸ لیره و نیم را مرحمت فرمایند تا باقی معین شود یا آنکه اجازه فرمایند آنچه جنس علاوه از ۱۱۲۹۴ تن بوده عین جنس خود را تصرف و حمل به خارج نمایند. در تاریخ ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ هم عریضه در این باب عرض شده مقرر فرمودند از گمرک تحقیق می‌شود آنچه علاوه تحویل گرفته‌اند قیمت آن داده می‌شود، این مدت هم به واسطه بحران و تغییر وزیر مالیه معوق - مانده. مستدعی است زودتر یا حواله را مرحمت فرمایید یا اجازه حمل خاک علاوه را برای خود. دیگر امر مبارک است. از این قبیل عرایض خیلی عرض نموده، یک فقره آن درج می‌شود که تمنای بنده این بوده یا وجه قیمت جنس به موجب قرارداد وزرا مسئول ادا شود یا جنس بنده رد نمایند.

وزارت مالیه

نمره: ۱۲۵۸-۱۳۰۵۷

به تاریخ: ۲۳ برج اسد ۱۳۲۹

ضمیمه ۱

اداره محاسبات مرکز

آقای حاج معین‌التجار

درخصوص ۲۴ هزار لیبره قیمت خاک اکسید دو فر و حواله به وزارت مالیه به مسیو استریک فرانک داده است. شرحی اظهار نموده بود ملاحظه کرده و بر طبق آن شرحی به مستر شوستر نوشته شد که حواله وزارت مالیه را مخفی داشته و به مستر استریک شرحی بنویسد که وجه حواله مزبور را به ترتیب مقرر تأدیه نماید و سواد شرحی را که به مستر شوستر در این باب نوشته شده است لفاً برای استحضار خاطر عالی ارسال داشت، ملاحظه نمایید.

وزارت مالیه

زارت مالیه

به تاریخ: ۲۶ برج سرطان

اداره تحریرات مرکز

نمره: ۱۰۰۵۶-۹۳۳

خزانه‌دار کل

درخصوص جزیره هرموز که دولت از ابتدای سنه ماضیه ایت‌تیل ۱۳۲۸ ضبط کرده، در هیأت محترم وزرا عظام در جلسه ۲۶ قوس قراردادی در این باب شده است که سوادش لفاً ارسال گردید، ملاحظه نمایید. چون بر حسب امر هیأت وزرا عظام مقرر رفته است آنچه آقای حاجی معین‌التجار خاک قرمز و اسباب و کشتی و آذوقه و غیره در جزایر موجود دارد متعلق به خود ایشان باشد و خاک آن جزیره را از قرار تنی چهل و دو شلینگ و نیم مشارالیه به دولت بفروشد و قیمت آن را دریافت دارد، لهماً از بابت قیمت خاک مزبور وزارت مالیه علی‌الحساب معادل مبلغ بیست و چهار هزار لیبره به مستر فرانک استریک در تاریخ ۲۶ جدی ۱۳۲۹ در عوض ۱۱۲۹۴ تن اکسید دو فر حواله نموده که هر مقدار خاکی که از جزیره مزبوره حمل می‌شود تنی یک لیبره از قیمت آن به آقای حاج معین‌التجار پرداخت نمایند تا میزان ۲۴ هزار لیبره مستهلک شود. سواد حواله مزبور هم برای استحضار آن جناب لفاً ارسال گردید که ملاحظه نموده و حواله مزبور را لازم‌الاجرا دانسته و امضاء نمایند و صحت آن را به مستر فرانک استریک هم اطلاع بدهید تا وجه آن را به ترتیب معین پرداخت نموده و تأخیر در ادای وجه حواله مزبور را جایز نداند و بر حسب قرارداد کتبی وزارت مالیه که سواد آن لفاً ملاحظه می‌نمایید مقرر است آنچه اکسید دو فر علاوه بر ۱۱۲۹۴ تن حاجی معین‌التجار تحویل بدهند، قیمت نقداً از قرار تنی چهل و دو شلینگ و نیم باید پرداخت شود.

محل امضاء و مهر وزارت مالیه

این شرح مبسوط از طرف وزارت مالیه نوشته شده ولی اثری بر آن مترتب نشده.

ریاست وزرا

مورخه: ۱۵ شعبان ۱۳۲۹

نمره: ۱۲۹۶

جناب مسیو شوستر رئیس خزانه کل ممالک محروسه ایران

قرارداد هیأت وزرای سابق با آقای حاج معین‌التجار راجع به خاک قرمز که از ایشان خریداری نموده‌اند در جلسه ۱۲ شعبان هیأت وزرای مالیه مذاکره و تصویب نموده و امضاء کردند، چنان‌چه از طرف وزارت مالیه و فواید عامه سابقاً تفصیل را به جنابعالی اطلاع داده‌اند. به این معنی حواله بیست و چهار هزار لیبره که وزارت مالیه بابت ۱۱۲۹۴ تن خاک خریداری از حاج معین‌التجار به کمپانی استریک داده تأکید در پرداخت آن بنمایید و آنچه علاوه حاج معین‌التجار خاک تحویل داده به موجب قرارداد وزارت مالیه باید قیمت علاوه به ایشان بپردازید و از بابت آتیه معدن خاک قرمز و سایر معادن هم هیأت وزرای سابق قراردادی داده‌اند که لازم است به استحضار جنابعالی قرارداد آن نوشته به هیأت وزار بیاید، امضا شود. چون این کار خیلی طول کشیده می‌باید زودتر ختم شود، تأخیر بیش از این صحیح نیست البته به زودی قرار ترتیب آن را بدهید.

نجف-قلی بختیاری

بعد از مذاکرات و تبادل افکار وزرا عظام این رقعہ نوشتہ اند، محل توجه نگردیدہ و جواب دادند کہ مجلس باید رأی بدهد. دیگر ہر چہ حالی کردہ اند کہ فیصلہ این مطلب را مجلس مقدس رجوع بہ ہیأت وزرا نمودہ و معاملہ خاک بہ واسطہ کنترات غلطی کہ با خارجہ شدہ دولت لابد بودہ خریدہ، اثری نکردہ، بندہ بلامتکلیف و حیران شدہ کہ کار از سر گرفتہ شود و چون این اسناد در دست ایرانی می باشد، قرارداد دولت و ہیأت وزرا و آن امضاء قابل اعتناء نیست.

ریاست وزرا

[تاریخ]: ۱۱ رمضان ۱۳۲۹

نمرہ: ۱۴۵۴

مستر شوستر رئیس خزانه کل ممالک محروسہ ایران

سابقاً در باب معاملہ خاک قرمز آقای حاج معین التجار و کمپانی استریک و قرارداد ہیأت وزرا سابق و تصویب ہیأت وزرای لاحق مفصلاً نوشتہ و خاطر نشان کردہ بودیم کہ باید بہ زودی قرار ترتیب ایصال وجہ آن را با آقای حاج معین التجار بدهید. از قرار مذکور اقدام و انجام این کار را موکول بہ تصویب مجلس محترم شورای ملی - شیداللہ ارکانہ - نمودہ اید. لازم شد مجدداً خاطر عالی را از مطلب و حقیقت امر آگاہ داریم کہ این کار مربوط بہ اعمال دولتی و این معاملہ جزو عایدات مملکتی نیست کہ محتاج بہ تصویب مجلس باشد، دولت معاملہ با حاج معین التجار نمودہ، خاکی از او خریدہ و بہ کمپانی استریک فروختہ و در این قبیل معاملات ابدأ تصویب مجلس شرط نیست و معمول ہم نبودہ و ہرگاہ قراری در ترتیب این کار و ایصال وجہ آن با حاج معین التجار ندهید، باید خاکی کہ خریداری شدہ بہ ایشان رد کرد و این فقرہ مخالف با کنتراتی است کہ دولت با کمپانی استریک نمودہ خواهد بود، موجب خسارت کلی برای دولت خواهد شد.

نجف - قلی بختیاری

محل مهر ریاست وزراء

این رقعہ ثانی ہیأت وزرا عظام خود ناطق است و محتاج بہ تفسیر نیست ولی بدبختانہ اثری نبخشیدہ.

پژوہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی

سؤالات جنابان ادیب التجار و منتصر السلطان^{۳۴} از معاون وزارت مالیہ

و جواب های ایشان در جلسہ ۲۵۱ مجلس بہ تاریخ ۲۶

جمادی الثانی ۱۳۲۹ (نقل از جریدہ «ایران نو»

شمارہ ۷۷، سال سیم)

ادیب التجار: شنیدہ شد کہ وزارت مالیہ ۲۴ ہزار لیبرہ بہ حاجی معین - التجار بوشہری دادہ است. آیا این مسئلہ حقیقت دارد؟ در صورتی کہ حقیقت داشتہ باشد، آیا بہ چہ جهت دادہ شدہ است؟

^{۳۴} . میرزا صادق خان منتصر السلطان : پسر مرتضی - قلی خان منتصر السلطان کہ تحصیلات خود را در اصفہان و تہران بہ پایان برد. وی تا پیش از انقلاب مشروطہ بہ مأوریت - های وزارت خارجہ اعزام می - شد. در اوایل مشروطیت بہ کارگزاری اردبیل و در دورہ دوم از طرف مردم تبریز و در دورہ سوم از طرف مردم بابل بہ نمایندگی مجلس شورای ملی رسید. نک: نخبگان سیاسی ایران، ج ۴، ص ۴۷۳، ۴۸۴؛ القاب رجال دورہ قاجاریہ، ص ۱۷۵؛ کتاب آبی، ج ۴، ص ۸۲۷.

معاون: در ۱۵ ذی - قعدة ۱۳۲۸ هیأت وزرا سابق با حاجی معین‌التجار قراردادی گذاشتند که آنچه خاک در جزیره موجود دارند به دولت واگذار کنند. در ۲۶ جدی حواله از وزارت مالیه شد که از اول ژانویه ۱۹۱۱ از هر مقدار از خاکی که حمل به خارج می‌شود هر تنی (تن بیش از دو خروار است) یک لیره بدهند و حاجی معین‌التجار ۱۱۲۹۴ تن خاکی را که دارند، بفروشند و به هر تنی یک لیره بگیرند. از این قرار مقدار شش هزار خروار خاک حمل به خارج می‌شود و ضمناً قرار شده که اگر کم‌تر باشد وجهش را به دولت برگردانند و اگر اضافه بشود، دولت پول آن را بپردازد. حالا از آن مقدار مقرر علاوه شده است و حاجی معین‌التجار فعلاً مطالبه علاوه را می‌کنند.

ادیب‌التجار: مدتی است که موعد قرارداد حاجی معین‌التجار راجع به خاک جزیره هر روز منقضی شده، آیا این قرارداد راجع به خاک‌های سابق یا بعدهاست.

معاون: این قرارداد راجع به خاک‌های قبل از ایتائیل قاید است و از ایتائیل به بعد در تصرف دولت است.

منتصر‌السلطان: مقدار خاکی که حاجی معین‌التجار به دولت واگذار کرده‌اند، کم‌تر از مقداری است که آقای معاون فرمودند. از قرار مسموع بنا به صورتی که به وزارت مالیه رسیده است مقدار خاک ۸۲۲۶ تن معین شده و به موجب صورت صدی شش و نیم حق استخراج تا ورود به گمرک تعیین گشته. در صورتی که در وزارت مالیه صدی هشت و نیم قرار بوده است تا رساندن به کشتی باید از مبلغ اصلی که ۲۴ هزار لیره است این مقدار تفاوت را کسر کرد. بنده سؤال می‌کنم که آیا کم‌تر شده است؟ و دیگر آنکه آیا وزارت مالیه فکری برای معادن جنوب نموده‌اند؟ سابق در نظر بود که متخصصی برای اداره کردن آنها جلب شود. مرحوم صنیع‌الدوله صورتی به من نشان دادند که مبلغ خطیری عاید دارد.

معاون: در خصوص خاک که گفتند از ۱۱۲۹۴ تن کم‌تر بوده این طور نیست و بلکه بیش از این مقدار هم می‌شود. در باب تفاوت هم در قرارداد سابق راجع به این مسئله اشاره شده، چیزی هم جنابعالی به وزارت مالیه بنویسید تا تحقیقات به عمل آید. در مسئله اداره هم تا کنون اقدامی نشده است ولی تحقیقات خواهم کرد و بعد عرض می‌شود.

منتصر‌السلطان: بنده صورتی به وزارت مالیه خواهم داد و در خصوص قرارداد آیا لازم است مجلس هم تصدیق بکند؟

معاون: این دیگر راجع به مجلس نیست، قراردادی است دولت با یک نفر تاجر انجام داده و دیگر نباید وقت مجلس را ضایع کرد. نمی‌دانم این مذاکرات در مجلس تصدیق ختم عمل و قرارداد وزرا می‌فهماند یا خیر؟ ایراد و تعرض بر مقدار خاک است و صدی شش یا هشت مخارج کسر از برات ۲۴۰۰۰ لیره، اصل عمل تصدیق شده که سر تفاوت گفتگو شده و رفع شبهه تفاوت هم خیلی سهل است از روی اسناد خود دولت.

حجت - الاسلاما، مقتدی الاناما، در باب محال و جزایر خلیج فارس که از تاریخ شهر شوال قوی‌ئیل ده ساله به موجب فرمان مبارک به حقیر اجازه و امتیاز داده شده و بعد از آن فرمان امتیاز دائمی در رجب ۱۳۲۲ از شاه مرحوم مظفرالدین شاه صادر گردیده و نیز دست‌خطی از شاه مرحوم مورخه ربیع‌الاول ۱۳۲۳ در تجدید امتیاز و تأکید اجرای فرمان سنه ۱۳۲۲ صادر شده است که این دو فرمان و دست‌خط صادره ربیع‌الاول سنه ۱۳۲۳ از نظر مبارک حضرت حجت‌الاسلام گذشته است. استعلام می‌شود که آیا اساساً این فرامین و دست‌خط را صحیح می‌دانید یا خیر و از مفاد آن فرمان مورخه رجب ۱۳۲۲ و دست‌خط مورخه ربیع‌الاول ۱۳۲۳ بقاء امتیاز و استدام آن را برای حقیر حکم می‌فرمایید یا خیر و ماحصل معادن این جاها که موجود کرده‌ام و بعد موجود می‌نمایم از مایملک بنده حکم می‌فرمایید یا خیر. از حضور مبارک مستدعی است آنچه به نظر مبارک می‌رسد در صدر عریضه دست‌خط فرمایید که لدی‌الحاجه حجت باشد.

۲۰ ربیع‌الثانی سنه ۱۳۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

بلی دو طغرا فرمان مهر لمعان مسطوره را مع یک طغرا دست‌خط آفتاب - نمط ملوکانه که مبنی بر تأکید مدلول شریف فرمان مرقوم بود به دقت ملاحظه نمودم. هر سه طغرا صادر از ناحیه مقدسه مرحوم مبرور خلد - مقام مظفرالدین شاه مرحوم بود و در کمال صحت و اعتبار است و به مدلول همان فرامین و دست‌خط شریف مرحوم شاه - طاب ثراه - امتیاز و تخصیصات مقرر از قیل شاه مرحوم البته بر اولیای امور و مراجع امور دیوانی لازم است که آن امتیازات را معمول دارند و تخصیصات مرقومه را در حق جنابعالی ابدأ برقرار بدارند. گذشته از اینکه زحمات و خدمات سابقه جنابعالی را باید منظور داشته، مدلول فرمانی ثانی که تأیید امتیاز و تخصیص است مجری و برقرار دارند و لوازم تشویقات را در حق جنابعالی باید مبذول فرمایند.

فی شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۸

حرره: الحاجی عبدالله الموسوی البهبهانی

محل مهر

الحاجی آیت‌الله - زاده تهرانی، محمدتقی

چون بعضی متمسک شده‌اند که فرمان بلامدت قابل اجرا نیست، به نظر علماء اعلام رسانیده و جلب توجه و فتوای شرعی آن خواسته، جواب‌هایی است که مرقوم فرموده‌اند با این احکام مطاعه هر چه تکلیف کرده‌اند مجبوراً اطاعت کرده و متحمل خسارات شده که رفع گفتگو بشود و ناچار به توسل بعضی وسایل نشود، ولی نشده.

بسم الله الرحمن الرحيم

بلی این دو فرمان مبارک و دستخط شریف صادرات از شاه مرحوم مظفرالدین شاه - طاب الله مضجعه الشریف - مورخات به تاریخ مسطور در ورقه به دقت ملاحظه نمودم و جواب سؤالاتی که در ورقه نموده‌اید از این قرار است. اما جواب سؤال از صحت دستخط و فرمان به حسب تأسیسات و موازین دولتی در کمال صحت است و به هیچ وجه خدشه در آن نیافتم و اما جواب از مؤدای آنها ظاهر عبارات فرمان مورخه رجب ۱۳۲۲ و دستخط مورخه ۱۳۲۳ بلکه صریح آن عبارات بقاء امتیاز و استدام اجاره جنابعالی است و معین به غایتی و موقت به وقتی نیست، کما لا-یخفی علی احد . اما جواب سؤال از ملکیت آن جناب و مالک بودن ما حصل این معادن را چه فعلاً موجود کرده‌اید یا بعد موجود کنید، بلی هر چه از اخراج خمس آن به حسب موازین شرعیه ملک مختصی آن جناب است و کسی را نمی‌رسد که در آن تصرف کند بلکه شرعاً ضامن خواهد بود . و همچنین به حسب مؤدای فرمان و دستخط و مراسم دولت همین حکم را دارد، مأمول از عنایات اولیای امور حال و استقبال اینکه به موجب فرمان و دستخط مبارک مراعات زحمات و سابقه اقدامات مهمه جنابعالی را منظور دارند.

حرره: عبدالاحقر - حسین الرضوی القمی عن عنه

محل مهر

بسم الله الرحمن الرحيم

بلی دو طغرا فرمان و یک طغرا دستخط مبارک از مرحوم مغفور، علیین-مکان، مظفرالدین شاه - طاب ثراه - را ملاحظه نمودم. مدلول فرمان اول اجاره و امتیاز محال مسطور است به جنابعالی در مدت ده سال و مدلول فرمان ثانی مورخه شهر رجب ۱۳۲۲ و دستخط مطاع مورخه ربیع الاول ۱۳۲۳ که به عنوان تأکید فرمان سال قبل صادر شده، اعطای امتیاز و اختصاص دائمی جزایر و محال مسطور است به جنابعالی . آنچه به نظر قاصر این احقر از عبارت فرمان می‌رسد این است: یقین است اولیای امور حالیه - ضاعف - الله اقدارهم - در این عهد معدلت که ادای حق هر ذی حقی باید شود ملاحظه حقوق مؤسس هر امری در تمام ممالک و در هر طریقه منظور است و مسلماً موجب تشویق سایر افراد ملت است در خدمت مملکت.

حرره: الاحقر الحاجی محمدجعفر الحسنی الحسینی

الاحقرالافقر الداعی محسن الحسنی الحسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

بر طبق فرامین و دستخطهای ملحوظ امتیاز دائمی محال جزایر فارس به جنابعالی داده شده و ترتیبات دولتی ابدأ خدشه ندارد، استدامت امتیاز را کاملاً و صحیحاً حاکی است و به موازین شرعیه هر قدر از معادن آنجا اخراج شود بعد از اداء خمس ملک جنابعالی است. اولیاء امور و مصلحین مفاسد جمهور باید توجهی تام در آسایش شخص جنابعالی نظر به مساعدتی که با عموم ملت در ظرف این مدت حالاً و مالاً فرموده‌اید در این مواد مخصوص ملحوظ فرمایند که کسی متعرض و مزاحم نشود و خلافی به عمل نیاید.

الاحقر محمدبن زین العابدین الحسنی الحسینی

محل مهر

بدیهی است مفاد فرمان مهر لمعان سلطنت همواره بایستی مطاع و در موقع اجرا گذارده شود، والا اختلال در تمام حقوق و احکام روی خواهد داد و اجراء آن به عهده آقایان وزرا عظام و اولیای فخام امور است . اما در فقره ماحصل از معادن که اخراج و تصفیه فرموده باشید، بر حسب قوانین و موازین شرع مطهر بعد از اخراج خمس آنچه حاصل و موجود شده و رسانیدن به اهلهش تماماً ملک خاص مستخرج است، کسی را نمی‌رسد دخالتی در آن نماید.

حرره: الاحقر عبدالحسین ابن علی

جواب و رأی آقایان تجار محترم

فرامین و دستخط مسطور در متن که ملاحظه شد البته در نهایت اعتبار است. با این فرمان و دستخط نمی‌توان تصور کرد که جزایر از امتیاز و اجاره جنابعالی خارج شده باشد. اینجانبان از زحمات و حفظ و حراستی که در آن حدود نموده‌اید کاملاً اطلاع داریم و امیدواریم اولیای دولت جاویدآیت مراتب زحمات جنابعالی را مراعات و منظور نمایند و امتیازات را برای جنابعالی باقی و بر قرار بدانند.

شهر ربیع الثانی ۱۳۲۸

محمد الحسینی، محمدعلی، محمدحسین بن محمدحسن،
محمدعلی بن علی-نقی، محمد-تقی، ابوطالب بن محمدصادق،
مهدی بن هدایت الله، محمد اسمعیل بن محمدرضا

خدمت حضرت مستطاب اجل اکرم عالی آقای سردار اسعد - دام اقباله العالی -

قربانت شوم، در باب جزایر هرموز و غیره که مکرر حضور مبارک مذاکره شده و اسناد ملاحظه فرموده‌اید آیا حق می‌دانید که جزایر را از بنده بگیرند، اجاره و امتیاز بنده را منقضی می‌دانید؟ یا باقی و رفتاری که در هرموز با کسان و اموال بنده برخلاف قانون شده حکمی از حضرتعالی که وزیر داخله بوده‌اید به گمرک صادر شده که جنس موجودی و اموال بنده ضبط نمایند یا خیر. مستدعی است جواب در صفحه مقابل مرقوم فرمایید که تکلیف بنده معلوم شود. ایام شوکت مستدام باد.

محمد دهدشتی

خدمت جناب مستطاب آقای حاجی معین‌التجار بوشهری - دام مجده العالی -

فدایت شوم، در باب جزایر هرموز و غیره آنچه بنده اطلاع دارم این جزایر از روزی که به تصرف جنابعالی آمده، بنای آبادی را گذارده و روز به روز ترقی نموده تا بدین درجه رسیده و اگر چنانچه اقدامات جنابعالی نبود و به تصرف جنابعالی نبود خارجه برده بودند و امروز مال دولت ایران نبود. در کابینه سابق هم که خود بنده در آن بودم آخرین نتیجه که از مذاکرات گرفته شد، این بود که جزایر به تصرف خود جنابعالی باشد و هر خدمتی که بنا بشود، خود جنابعالی به دولت بنمایید. علی-قلی

به تاریخ: ۱۴ شوال سنه ۱۳۲۸

خدمت حضرت مستطاب اجل اکرم آقای وثوق-الدوله - دام اقباله العالی -

قربانت گردم، در باب جزایر این مدت حضرتعالی با بنده مذاکره می‌فرمودید که قراری بدهید. ایرادی که در فرمان بنده داشتید این بود که بلامدت است و مدتی برای آن باید معین شود. حال کمیسیون مجلس راپورتی داده‌اند که با حضور حضرتعالی قرار شده که جزایر دولت اداره نماید. چون فرمان در سنه ۱۳۲۳ مدت آن منقضی بوده، این راپورت منافی مذاکراتی است که با بنده در میان داشتید. چنانچه عقیده حضرتعالی این است که مدت فرمان منقضی است، دلیل آن را بفرمایید که بر بنده هم معلوم شده باشد. زیاده جسارت است. ایام شوکت مستدام باد.

جواب

فدایت شوم، بنده هیچ دلیل بر اینکه مدت فرمان جنابعالی منقضی شده باشد، ندارم، زیرا که فرمان در سال ۱۳۲۲ برای بعدها صادر شده است. ایرادی هم که در کمیسیون بود این بود که فرمان مدت ندارد نه اینکه مدت منقضی شده است. مذاکراتی هم که قبل از استعفای کابینه حضرت اشرف آقای سپهدار اعظم^{۳۵} -

^{۳۵} . محدودی خان خلعت-بری: از رجال معروف عصر مشروطه، پسر حبیب الله خان ساعدالدوله که در ۲۹ ربیع‌الاول ۱۲۶۴ق در قریه اشتاج از بلوک دو هزار از بیلاقات تنکابن متولد شد. او خدمات نظامی خود را با درجه سرهنگی از سال ۱۲۷۰ق آغاز کرد و در سال ۱۲۷۵ق به سمت ریاست کل قشون ایران رسید و مقام سپهسالاری اعظم یافت. او در طول حیات خود عهده-دار مشاغل مختلفی چون: حکومت استراباد، ریاست ضرابخانه و مسکوکات، حکومت گیلان، حکومت اردبیل، نمایندگی مجلس شورای ملی، وزارت جنگ، رئیس‌الوزاری و حکومت آذربایجان شد و در ۲۷ شهریور ۱۳۰۵ش در تهران درگذشت. او القاب سردار اکرم، نصرالسلطنه، سردار معظم، سپهدار اعظم و

دامت شوکتی - در جلسه وزرا می‌شد و بالاخره قرار دادند جزایر برای مدت معینی با شرایط معین به خود جنابعالی واگذار یا مبلغی در ازای حقوق جنابعالی دولت بدهد. دلیل بر این است که مدت فرمان منقضی نشده و محل تردید نیست. زیاده زحمتی ندارم.
و ثوق - الدوله

خدمت حضرت مستطاب اشرف آقای سپهدار اعظم

- دام اقباله العالی -

قربانت شوم، فرمان اجاره و امتیاز جزایر هرموز و غیره به اسم بنده که در رجب ۱۳۲۲ صادر شده که ملاحظه فرموده و حضوراً تصدیق فرموده‌اید که فرمان مذکور در کمال اعتبار است و باید مجری باشد، برخلاف قانون جزایر و اموال و جنس موجوده بنده را در هرموز اداره گمرک تصرف نموده و بعد کابینه وزرا که در تحت ریاست حضرت اشرف بوده‌اند لایحه‌ای نوشته‌اند که به شرایط جدید جزایر با بنده باشد و یا صد و پنجاه هزار تومان بنده بگیرد و حقوق خود را واگذارد. آیا این تکلیف را از روی عدل و قانون می‌دانید و بنده مجبور به قبول است یا خیر؟ مستدعی است رأی مبارک را در صفحه مقابل مرقوم فرمایید که بنده تکلیف خود را بدانم. زیاده جسارت است. ایام شوکت مستدام باد.

محمد دهدشتی

جواب از حضرت سپهدار اعظم

در کابینه سابق وزرا که در تحت ریاست بنده بود، این مسئله جزایر و فرامین جنابعالی مطرح مذاکره در وزارت مالیه و مجالس عدیده هم در کابینه هیأت وزرا مدلل شد که فرامین جنابعالی از روی صحت و به واسطه زحمتی که در حفظ آن جزایر کشیدید و ما همه سابقه آن اطلاعات را داشتیم، قرار شد در تصرف جنابعالی باقی باشد و یک مبلغ معینی به دولت بدهید و حتی هم خودتان بردارید هرگونه مخارجی هم که تعلق بگیرد به عهده جنابعالی باشد. چون در فرمان جنابعالی مدت معین نبود و ابدی بود، قرار شد مدت هم معین شود و به طوری که جناب آقای و ثوق الدوله، وزیر مالیه آن وقت، به خط خودشان همان اوقات در جواب جنابعالی نوشته‌اند مطابق با واقع صحیح است.

۶ شهر ذی‌حجه ایت‌ئیل ۱۳۲۸

محمودلی سپهدار اعظم

با این احکام و تصدیق‌های هیأت دولت با وجود تغییرهای کابینه پی‌درپی که همه تصدیق بر حقانیت بنده نموده‌اند احقاق حق که نشده، روز به روز بر ظلم و رفتار خلاف قانون افزوده‌اند. متمنی است راپورت اداره گمرک که ذیلاً طبع می‌شود قارئین محترم به دقت ملاحظه فرمایند که می‌نویسد: « برای اینکه دولت از عهده تعهداتی که نسبت به کمپانی استریک نموده بود، برآید و معدن هم استخراج شود، غصب امکان و اسباب بنده لازم دانسته» و چون هیأت وزرا تصدیق کرده‌اند که تمام اسباب استخراج ملک معین‌التجار است، موقتاً غصب و ضبط شده، کشتی هرموزان که می‌نویسد لازم نیست برای آنها یک سال و نیم کشتی مذکور توقیف کرده‌اند، رنگ و روغن و اسباب آن را برده‌اند، معلوم نیست به چه مصرف رسانیده‌اند و کشتی مذکور ضایع کرده‌اند و تکلیف می‌نمایند که اسباب لوازم معدن در پنج هزار تومان خریداری نمایند. در صورتی که فقط اجاره کشتی هرموزان که ملاحظه شود سالی شش هزار تومان است، یک سال و نیم توقیف نه هزار تومان می‌شود، سه کشتی بادی از کشتی‌های بنده در این یک سال شکسته‌اند و به کنار دریا انداخته‌اند. علاوه از پنج هزار تومان، برنج و خرما موجودی از انبارهای بنده تصرف کرده‌اند. با این حال می‌توان امیدوار شد که یک نفر ایرانی داوطلب امتیازی و خدمتی در این آب و خاک بشود، یا اینکه می‌توان امیدوار بود برای اهالی از این آب و خاک بهره و نصیبی هست. در دوره تجدد و آزادی و مملکت قانونی یک اداره رسمی قانونی صریح بنویسد محض پیشرفت مقاصد خود امکان و اسباب متعلق به معین‌التجار غصب و توقیف کرده، یک وکیل از حقوق مؤکل خود دفاع نکند یعنی اینکه متهم می‌شود و ببیند به اساس یک مملکت سکنه وارد می‌آید، برخلاف وجدان خود ساکت بماند.

مورخه: ۲۵ مه ۱۹۱۱

نمره: ۲۳۸

وزارت مالیه

سواد رقیمه راپورت رئیس گمرک بندر عباس به اداره مرکزی گمرک

آقای مدیرکل

در تعقیب دستور و تعلیمات شما مورخه ۱۳ آوریل گذشته نمره ۶۳۱ با کمال افتخار معروض می‌دارد مسیو دکراو در ضمن راپورت جامع صریح خود مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۰ نمره ۳۲۰ وضع تصرف دولت را در معادنی که تا آن روز معین‌التجار استخراج می‌نمود، بالاخراف عرض کرده. استخراج دولت هم چون همان اسباب و لوازم را در کار داشت، مسیو دکراو برای تسهیل استرداد کلیه عمل از معین‌التجار صورت مشروحو از کلیه اسبابی که در موقع تصرف موجود بوده با قیمت تقریبی آن به راپورت خود منضم نموده است. در آن موقع مشارالیه درخواست کرده است که مقصد و تکلیف کشتی هرموزان را معین نمایید. در خاتمه راپورت خود مورخه ۶ دسامبر نمره ۱۰۲۵۸ مجدداً در این خصوص اصرار کرده و اظهار می‌دارد که بیکار ماندن دائمی کشتی مزبور سبب آن خواهد شد که به زودی از کار افتاده و به کلی لاینفع شود. گمرک بندرعباسی در موقعی که مجدداً شروع به استخراج معادن نمود امکانه و اسباب‌های متعلقه به معین‌التجار را تصرف کرد، برای آنکه دولت از عهده تعهداتی که نسبت به کمپانی استریک نموده بود، برآمده و معدن هم استخراج شود، غصب امکانه و اسباب مذکور لازم بود. علاوه بر این، به موجب رأی ۱۵ ذی‌حجه ۱۳۲۸ هیأت وزرا تصدیق کرده است که تمام اسباب استخراج معادن هرموز ملک معین‌التجار است، لیکن اقدامی برای گرفتن این اسباب که شرط حتمی حسن جریان عمل استخراج است به عمل نیامده تاکنون به واسطه نرسیدن تعلیمات لازمه همه متصرفه آنچه متعلق به استخراج بوده موقتاً غصب و ضبط شده است. کشتی هرموزان که هیچ فایده از آن حاصل نیست جزو اسباب‌های مزبور ضبط شده، به این جهت بود که نظر به رأیی که هیأت وزرا داده بودند فوراً به وسیله تلگراف مورخه ۲۰ مه جاری نمره ۲۲۱ پیشنهاد نمودم که اجازه حرکت کشتی مزبور را به سمت محمره صادر فرمایند. برای خاتمه دادن به اعتراضات عدیده که هر لحظه از طرف معین‌التجار تجدید شده و مانع جدی برای حسن جریان عمل استخراج می‌باشد، مناسب است که قرار قطعی برای اسباب‌های مذکور بدهند.

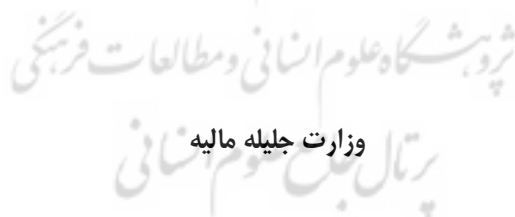
امضاء: مدیر ولایتی فورمان

مورخه: ۹ ژوئیه ۱۹۱۱ / مطابق ۲۲ شهر رجب ۱۳۲۹

وزارت مالیه

سواد مرسله گمرک

نمره: ۳۵۲۱



به موجب رأی هیأت وزرا عظام در ۱۵ ذی‌حجه ۱۳۲۸ مقرر گردید که تمام ادوات متعلقه به استخراج معادن هرموز از آقای معین‌التجار خریداری شود. با وجود این، اولیای دولت علیه تا کنون اقدامی برای خریدن ادوات لازمه استخراج نفرموده‌اند. بنده پیشنهاد می‌نمایم که ادوات موجوده در هرموز را به مبلغ پنج هزار تومان خریداری فرمایند جز کشتی هرموزان که به کار نمی‌خورد و بهتر است که به جناب معین‌التجار مسترد شود، صورت ادوات نیز لفاً فرستادم ملاحظه فرمایید.

مدیرکل گمرکات

وزارت مالیه

مورخه: ۳۱ شهر اسد ۱۳۲۹

ضمیمه: ۶

اداره محاسبات مرکز

نمره: ۱۲۱۶-۱۲۶۱۷

آقای حاج معین‌التجار

مشروحاتی که تاکنون در موضوع گل سرخ و مال‌الاجاره عقب افتادهٔ ابنیهٔ گمرکی بندر جنوب و اشیاء لازمه از برای استخراج گل سرخ از معادن جنوب و اشیاء متعلقه به کشتی به وزارت مالیه ارسال داشته بودید، واصل گردید. اینکه در جواب آن تأخیر رفته برای این بود که راجع به هر یک تحقیقاتی از اداره مرکزی گمرکات لازم بود و آن اداره بایستی از محل تحقیقات نموده تا از روی بصیرت جوابی که لازم است داده شود. اینک چون جواب هریک از مسائل راجع به جنابعالی از اداره مرکزی گمرکات رسیده است، سواد کرده، به قرار ذیل برای اطلاع جنابعالی تلواً ارسال گردید.

۱. سواد مراسلهٔ ادارهٔ مرکزی گمرکات نمرة ۳۱۵۴ راجع به کلیهٔ مقدار خاکی که از حین تصرف دولت در هرموز موجود بوده و گمرک تصرف کرده است که کلیهٔ [آن-] معادل ۱۲۶۸۳ تن بوده.

۲. سواد مراسلهٔ ادارهٔ مرکزی گمرکات نمرة ۳۵۳۱ به ضمیمهٔ سواد صورت اشیایی که برای کک از هرموز استعمال می‌شود و کلیهٔ آنها را اداره گمرک در پنج هزار تومان قیمت گذارده است.

۳. سواد مراسلهٔ ادارهٔ مرکزی گمرکات به نمرة ۳۰۶۳ به ضمیمهٔ سواد یک طغرا راپورت واصله از بندرعباس و یک طغرا صورت مجلس به امضای فورمان و حاج شیخ احمد تاجر درخصوص کشتی هرموزان متعلق به جنابعالی هم که در موقع استخراج خاک در معادن لازم بود به موجب شرحی که از ادارهٔ گمرکات رسیده است معلوم می‌شود در ۲۰ ماه مه از توقیف خارج و اجازه حرکت به محرمه داده‌اند و از قرار معلوم به جنابعالی هم اطلاع داده شده، در صورتی که رفع توقیف آن تاکنون صورت نگرفته و به تصرف جنابعالی نداده‌اند فوری اطلاع بدهید، اقدام عاجل در تسلیم آن خواهد شد.

از طرف وزارت مالیه
عمیدالحکماء
۳۶

گویا برای بعضی از آقایان وکلا عظام شبهه شده که در عوض برات بیست و چهار هزار لیبره ۱۱۲۹۴ تن خاک سرخ تحویل نشده. این رقعہ وزارت مالیه طبع می‌شود که معلوم شود تا آن تاریخ ۱۲۶۸۳ تن اداره گمرک معین کرده یعنی به میل خود وزن و تصرف نموده، یک مقدار عمده هم وقت ضبط جزیره بدون وزن تصرف کرده‌اند که باید رسیدگی و معین شود و به موجب قرارداد هیأت و سندی که وزارت مالیه سپرده باید قیمت علاوه را نقداً بپردازند.

خدمت عموم هموطنان عزیز محترم عرض می‌شود شرح حال این بنده راجع به فرامین و امتیازات در جزایر این است که بابت هرموز به طور اختصار مختصری از مفصل به طبع رسیده، اگر چه به فضل خداوند متعال و توجه هموطنان غیور امیدوارم که به حقوق ثابت خود به هر وسیله که باشد کاملاً قائل شوم، ولی برای اینکه عموم هموطنان عزیز از اشتباه بیرون بیایند نهایت متشکر می‌شود که به دقت عرایض بنده را ملاحظه فرمایند. مغرضین برای پیشرفت مقاصد خود اشتهاارات دادند که فواید هرموز از حد و حصر خارج است و یک کرور تومان فایدهٔ سالیانه آنجا را منجز می‌کردند و حال آنکه سابقاً جمع مالیات دیوانی هرموز از معدن و غیره یکصد و پنج تومان بوده و کسی ملتفت نبوده خاک سرخ چه چیز است و برای چه مصرف خوب است، چه- قدرها زحمت و خسارت کشیده، مأمورین مخصوص به اطراف اروپا و آمریکا برای ترویج و استعمال این خاک فرستاده تا متدرجاً مصرف آن زیاد نموده. مقدار خاکی که در ابتدا حمل می‌شده پنجاه تن بوده، متدرجاً از سالی هزار و دو هزار به شش هزار رسانیدم و قیمت از تنی ربع لیبره به دو لیبره و نیم رسانیدم، در چندین سال مخارج گزاف و اضافه مالیات متحمل شده باشد. اینکه فرمان امتیاز از دولت در دست دارم اگر خرج و خسارتی متحمل شوم در آتیه فایده می‌برم، چون اهل این آب و خاکم. اگر فایدهٔ بنده صد برابر حالیه بشود، گذشته از اینکه کسی طمعی در فواید مخصوص بنده ندارد، از حسن کفایت و مال‌بینی بنده عموم هموطنان محترم راضی و تمجید خواهند کرد که نابودی را بود کرده‌ام و حاصل عمر صرف آبادی مملکت و وطن خود نموده‌ام که از آن جمله است بنای «بندر ناصری» که در بیابان غیر مسکون شهری بنا کرده‌ام که دولت و جمعی از هموطنان در آنجا فایدهٔ عمده می‌برند. تا سنه قبل که با کمال بی-انصافی مطابق مشروحه در دو کتابچه حقوق ثابت مرا غصب نمودند و برخلاف قانون به کمپانی خارجه بدون تصویب مجلس مقدس شورای ملی که از حقوق مختصه آن بوده معامله کردند و انحصار دادند که سالی شش هزار تن خاک ببرد و دوازده هزار لیبره بدهد و از عین خاک ملکی موجوده بنده شروع نموده به کمپانی مزبور تحویل دادند. بنابراین محقق شد با وجود آنکه به طور انحصار و امتیاز با خارجه طرف معامله شده‌اند فایدهٔ هرموز کرور نبود، دوازده هزار لیبره شده در مقابل سالی پانزده هزار تومان مالیات و عوارض آنجاست که بنده می‌دادم، سالی بیست و پنج هزار تومان هم خرج و مصارف دیگر دارد. به این میزان تقریباً سالی بیست و پنج هزار تومان الی سی هزار تومان

۳۶. میرزا سید ابراهیم خان سمنانی: پسر میرزا سید رضی که در سال ۱۲۹۲ق در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در رشته طب در دارالفنون به پایان برد. تا پیش از انقلاب مشروطیت لقب عمیدالحکماء داشت و به طبابت مشغول بود. در دوره اول مجلس شورای ملی از سوی مردم سمنان به نمایندگی رسید. در ۱۳۲۷ق رئیس دیوان محاسبات وزارت مالیه شد و لقب عمیدالسلطنه گرفت. از آن پس عهده-دار مشاغلی چون: معاون وزارت مالیه، ریاست محاکمات وزارت خارجه، ریاست اداره تشخیص عایدات وزارت مالیه، وزارت عدلیه و وزارت تجارت و فواید عامه شد. نک: شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۱۹؛ رجال وزارت خارجه، ص ۱۲۷؛ تاریخ طب و طبابت در ایران، ج ۲، ص ۶۷۶؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۱۱۴

برای دولت باقی می ماند که بعدها به خرج -تراشی و ترتیب اداره از میان خواهد رفت. در این صورت متشکریم که عموم هموطنان عزیز از اشتباه بیرون بیایند و بدانند که فایده آنجا کرور نبوده .

مطلب دیگر را که لازم می داند متذکر شود این است که عموم هموطنان عزیز تصور کرده اند که هر یک در این آب و خاک ذی حقد و انتظار دارند ذخایر مکنونه آن را کشف نمایند، فوایدی بردارند. ناچار عرض می کنم و به فریادی که فضای عالم را فرا گیرد توضیح می دهم که ای هموطنان عزیز از این خواب غفلت بیدار شوید، غفلت نکنید که جمعی هستند ما را فرزند این آب و خاک نمی دانند، امتیازات و ثروت این مملکت را از مختصات خارجه می دانند. ای منصفین عالم، بدبختی عمومی است که دچار اهل این مملکت شده که ببینیم به وسایل مختلفه طرق امنیت و آسایش و تمدن بر روی مسلمانان بسته می شود، فواید و ذخایر خود را با التماس و عجز به خارجه تسلیم می کنند. بلی بدبختی است، بدبختی که اگر یک کاغذ پاره به امضاء یک نفر ثبات وزارت خانه به دست یکی از اتباع خارجه باشد، نهایت اعتبار را دارد و اجرا می نمایند. اما در دست تبعه داخله هر نوع فرامین و احکام و اسناد باشد، ابدأ مثمر نمی باشد و به همین وسیله است که تمام کارها از حیثه اتباع داخله خارج شده به چنگال خارجه افتاده. ای هموطنان عزیز بیدار شوید که سیل بدبختی بنیان مملکت را برده و خواهد برد. این بنده فرض ذمه خود دانسته برای تذکر خاطر هموطنان غیور حالات جاریه شرح دهم، بلکه به دولت اتفاق و اتحاد دو مقصود این اساس که آسایش ملت و ترقی مملکت حاصل نماییم . اول، حفظ قوانین موضوعه است و دویم، محفوظ و معتبر داشتن امضای دولت و اولیای امور است در دست تبعه داخله. هرگاه این دو مقصود حاصل نشود، اهالی این مملکت به چنگال خارجه گرفتار و مملکت خراب و این همه خون های پاک جوانان ایرانی که در راه آزادی ریخته شده بی نتیجه خواهد ماند.

معین-التجار



جلد سیم

رومان جزیره هرموز

غره جمادى الثانيه ۱۳۴۰

مطبعه ((فاروس)) تهران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

برای اطلاع خاطر عموم نمایندگان مجلس شورای ملی بر بی اعتباری امضای دولت و هرگونه سند دولتی که به دست رعایای ایران است این مختصر را عرضه می‌دارد که پس از ملاحظه انصاف بدهند که آیا با این وضع می‌توان منتظر بود که به دست اهالی ایران این مملکت ترقی بنماید؟ آیا هیچ‌یک از رعایای ایران جرأت اقدام به امری می‌نمایند؟ آیا این لاقیدی دولت و محترم نشمردن امضای خود سبب اعتماد عامه و سلب اعتماد عامه سبب محرومی اهالی از استفاده از این آب و خاک نخواهد بود؟ و آیا محرومیت اتباع داخله سبب نمی‌شود که منابع ثروت مملکت تمام به دست خارجه بیفتد و ملت ایران محتاج و مزدور خارجه باشند؟ و آیا فقر و احتیاج یک ملت اسلامی سبب ضعف اسلام نمی‌شود؟ تصور می‌کنم جواب تمام این سؤالات فقط منحصر به جواب مثبت باشد. پس جلوگیری و جبران این مفاسد در عهده کیست؟ گمان می‌کنم فقط و فقط وظیفه مجلس و نمایندگان محترم باشد. بدیهی است که تا امضای دولت معتبر و لازم‌الاجرا نباشد، اهالی نمی‌توانند استفاده از این آب و خاک بنمایند و وقتی که استفاده نمایند دل‌بستگی به بقاء و استقلالش ندارند، بلکه وسایل تأمین معاش و آتیه اولاد خود را که در مملکت خود امیدوار نباشند مجبور به جلای وطن خواهند شد. شاهد این مدعا عده ایرانی‌هایی هستند که ترک ایران را گفته، در ممالک

خارج مشغول کسب و معاش شده‌اند. هندوستان که در تحت رقیب می‌باشد ده نفر هندی در ایران نیست، برعکس ایران که مملکت مستقل و آزادی است ملاحظه فرمایید چه قدر از رعایایش در هندوستان می‌باشند و همچنین در خاک عثمانی، بین‌النهرین، مصر و سایر ممالک. تمام این‌ها از اثر عدم امنیت در استفاده از منابع ثروتی مملکت پراکنده و متواری شده‌اند و از همین روست که مملکت ایران روز به روز خراب‌تر و فقیرتر و پریشان‌تر می‌شود.

یکی از وسایل و جهات ترقی و توسعه ایران قدیم همان حفظ قول و امضای دولت و اهالی آن بوده، اگر به کتاب مقدس مراجعه شود در کتاب دانیال، باب ششم: «در احوال داریوش کبیر و حضرت دانیال» می‌بینیم که امضای فرامین دولتی چه احترامی داشته، مخصوصاً مقید می‌دارد که فرمان به قانون اهل ماد^{۳۷} و فارس صادر که شد لم یتغیر می‌باشد ولو آنکه به اشتباه هم صادر شده باشد پادشاهان بزرگ احترام امضای خود را به این درجه نگاه می‌داشتند که ممکن نبود خودشان نسخ امضاء نمایند. نظر بنده منفعت شخصی نیست بلکه برای صلاح عامه عرض می‌کنم، امضای دولت باید محترم و حتمی‌الاجراء باشد. فردوسی - علیه‌الرحمه - می‌فرماید: «چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه» همان پادشاهی که فرمان مشروطیت را امضاء فرموده، فرمان امتیاز دائمی هرموز و جزایر را به بنده مرحمت و امضاء فرمود. تصور می‌کنم به هیچ قانونی تبعیض در امضاء یک پادشاه جایز نباشد بخصوص در صورتی که هیأت‌های متوالیه دولت ملی هم تصدیق در حقانیت بنده نموده باشند. از آقایان عظام استدعا دارم که به احکام هیأت‌های وقت مراجعه و جهت اجرا نشدن این احکام صریح را استفسار فرمایند تا ببینند که تحریکات خارجه سبب زحمت و خسارت بنده را فراهم نموده یا خیر. و این مطلب را واضح و مبرهن می‌دارد که هر کس برخلاف مصالح مملکت و وطن خود به خارجه سر فرود نیاورد، دچار مشکلات می‌شود. بیش از این تطویل کلام را لازم ندانسته، برای استحضار و کلای عظام صورت مختصری از احکام مجلس مقدس شورای ملی و هیأت‌های متوالیه محترم دولت را در این مجله طبع و توزیع می‌نمایم و حقیقتاً از اینکه این مجله به خارجه هم رفته و بی‌اعتباری امضاء دولت علیه را تا این درجه معلوم و مبرهن بدارد و امیدوارم که وجدان پاک نمایندگان عظام روا ندارد که به خیال یک دخل موهمی امضای یک پادشاه مشروطه‌بخش نسخ و از میان برده شود.

مجلس شورای ملی

سواد مراسله مجلس

وزارت جلیله مالیه - وزارت جلیله فواید عامه

آقای حاج معین‌التجار کراراً اظهار شکایت نموده و می‌نماید که در باب عمل او در خصوص جزیره هرموز با وجودی که اقدامات شده و هیأت وزرا رأی خود را داده‌اند، نه اقدام نموده‌اند و نه پیشنهاد به مجلس کرده‌اند. لازم است یادآوری شود که این مطلب که به مجلس آمد از طرف وزارت فواید عامه تقاضا شد که در هیأت وزرا اقدام کرده، اتمام نمایند و حضرت آقای وزیر مالیه در مجلس اظهار کرده‌اند که عمل سابق آن ختم شده، از بابت آتیه هم قراری داده شده که باید به مجلس پیشنهاد شود و تاکنون هیچ اظهار و اقدامی نشده، خوب است در گذشته آن هر قسم قرار داده‌اند اتمام کرده، برای آتیه هم هر طور صلاح می‌دانند و هیأت وزرا تصویب کرده‌اند زودتر به مجلس شورای ملی پیشنهاد فرمایند که رأی مجلس اتخاذ شده، به اتمام برسد و زیادتیر از این امر معوق نماند، اسباب شکایت نشود.

رئیس مجلس شورای ملی

سواد مطابق اصل است.

تمجیدالسلطان

حساب‌الامر هیأت رئیسه این سواد در دفتر مجلس نوشته شد.

دبیر حضرت

محل مهر کابینه مجلس شورای ملی

در تعقیب رقعۀ فوق از طرف وزارت فواید عامه قراردادی پیشنهاد شد که در تحت ۸ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در صورتی که متعاقب تصویب آن احکام مؤکده در اجرای موادش هم صادر شده بود ولی چون مانع قوی بود، هیچ‌یک از مواد آن اجرا نشد.

وزارت فواید عامه

فیما بین فواید عامه و آقای حاج آقا محمد معین‌التجار بوشهری در خصوص استخراج خاک اکسید دوفر جزیره هرموز مطابق هشت ماده قرارداد مصوبه مجلس مقدس شورای ملی مواد و شرایط ذیل مقرر می‌گردد.

ماده اول: دولت معدن اکسید دوفر جزیره هرموز را از ابتدای حمل ایت ییل ۱۳۲۸ تا مدت ده سال شمسی به شرایط ذیل به آقای معین‌التجار واگذار می‌نماید، مشروط بر اینکه کلیه تعهداتی که مطابق یک قرارداد علی حده که در کابینه وزرا سابق به تاریخ ۱۶ شهر ذی‌قعدة ۱۳۲۸ با مستر استریک مقرر گردیده تا انقضاء مدت قرارداد که پنج سال شمسی است حاج معین‌التجار کاملاً مرعی داشته و هرگاه برخلاف فصول آن قرارداد رفتاری کند که موجب ضرر دولت باشد، خسارت وارده بر دولت را از عهده برآید.

ماده دوم: دولت متعهد می‌شود که از هر مقدار خاکی که علاوه بر سیزده هزار تن اکسید دوفر موجودی حاج معین‌التجار که دولت اکتیاع کرده و مبلغ بیست و چهار هزار لیره که در ازای ۱۱۲۹۴ تن وجه قیمت آن به معزایه حواله شده که برداشت نماید تا میزان سی هزار تن که به موجب قرارداد باید به مستر استریک تحویل داده شود صدی پانزده به عنوان مصارف استخراج به حاجی معین‌التجار بدهد مشروط بر اینکه اگر خاک موجودی حاج معین‌التجار کم‌تر از سیزده هزار تن شد، قیمت کسر را تا سیزده هزار تن از قرار هر تن چهل و دو شلینگ و نیم به دولت علیه پردازد و اگر خاک موجودی بیشتر از سیزده هزار تن گردید حاج معین‌التجار قیمت مقدار علاوه را مطالبه نخواهد کرد.

ماده سوم: حاج معین‌التجار ملتزم است که بقیه قیمت خاک خریداری مستر استریک به دولت کارسازی دارد و در صورت نرساندن اقساط مقرر دولت قادر بر فسخ این قرارداد خواهد بود.

ماده چهارم: اگر تا انقضاء مدت قرارداد دولت با مستر استریک که پنج سال اول باشد حاج معین‌التجار اضافه بر سی هزار تن که در این مدت به مستر استریک فروخته شده به استریک یا دیگری بفروشد معادل صدی هفتاد و پنج باید قیمت آن را به دولت کارسازی دارد.

ماده پنجم: پس از انقضاء مدت قرارداد استریک هر مقدار خاکی که از جزیره مزبور استخراج شود مقررأ صدی هفتاد و پنج آن حق دولت است و صدی بیست و پنج از بابت مصارف و حق الزحمه به حاجی معین‌التجار تعلق خواهد گرفت.

ماده ششم: تمام معاملاتی که حاج معین‌التجار در مدت ده سال در خصوص خاک قرمز (اکسید دوفر) با هر کس نماید باید به اطلاع دولت باشد.

ماده هفتم: اگر حاج معین‌التجار در مدت ده سال پیش از آن مقدار خاکی که به مصرف فروش می‌رسد استخراج و ذخیره نماید متعلق به دولت خواهد بود.

ماده هشتم: آقای حاج معین‌التجار ملتزم است که از ابتدای حمل ایت-ئیل تا انقضای برج حوت پارس ئیل ۱۳۳۲ در آخر هر ماه مبلغ هشتصد و پنجاه لیره انگلیسی از بابت قیمت اکسید دوفری که صادر می‌شود به وزارت فواید عامه کارسازی نماید و در انقضای دوازده ماه حقوق دولت از روی اسناد راجع به فروش‌های متوالی که حاج معین‌التجار در آن مدت نموده است معین خواهد شد. اگر چنانچه مبلغ ده هزار و دویست لیره انگلیسی که حاج معین‌التجار در عرض دوازده ماه به دولت می‌پردازد کم‌تر از هشتاد و پنج درصد کلیه فروش خاک باشد که باید به دولت عاید گردد، بقیه حقوق دولت را در آخر ماه دوازدهم نقداً کارسازی خواهد نمود و اگر برعکس مبلغ مزبور بیش از حق دولت باشد مبلغ زیادی که حاج معین‌التجار پرداخته است از بابت اقساط سال آتیه محسوب خواهد شد. و نیز مقرر است بقیه قیمت سیزده هزار تن خاک موجودی حاج معین‌التجار از اقساطی که از تاریخ امضاء این قرارداد به بعد مستحق می‌شود کسر گذاشته خواهد شد و ترتیب پرداخت اقساط پنج سال اخیر مدت اجاره حاج معین‌التجار از قرار فوق خواهد بود لیکن مبلغ ماهیانه که حاج معین‌التجار باید به دولت کارسازی نماید در اول پنج سال دوم معین خواهد شد.

ماده نهم: علاوه بر التزام مذکوره در ماده ششم این قرارداد حاج معین‌التجار متعهد است که هرگاه بخواهد هرگونه نقل و انتقالی به هر نحوی از انحاء درین قرارداد بدهد باید به اجازه وزارت فواید عامه باشد.

ماده دهم: هرگاه وزارت فواید عامه بخواهد موقتاً یا دائماً برای رسیدگی و تفتیش در استخراج اکسید دوفر و مقدار حملی که به خارج شده است مأمورین بگمارد، حاج معین‌التجار قبول می‌نماید.

ماده یازدهم: کلیل فرامین و اسناد راجع به خاک اکسید دوفر جزیره هرموز که در دست حاج معین‌التجار است از درجه اعتبار ساقط است و وزارت فواید عامه فقط این قرارداد را معتبر دانسته و به موجب فصول یازده گانه فوق با مشارالیه رفتار خواهد کرد.

ماده دوازدهم: چون مقدار خاک اکسید دوفر صادره از جزیره هرموز و تعیین خاک موجودی حاج معین‌التجار مذکوره در ماده دوم و مبلغ پول عایدی دولت و میزان اقساط پولی که از بابت بیست و چهار هزار لیره که به موجب حواله وزارت مالیه به حاج معزایه بایستی برسد و نیز مصارفی که اداره گمرک از بابت

استخراج خاک جدید تا میزان صدی پانزده نموده و به عبارت اخری کلیه این محاسبات به طور صحیح و کاملاً بایستی محقق و معلوم شود، بناءً علی هذا مقرر است که پس از تحقیق و معلوم داشتن مراتب مزبوره درین ماده مواد لازمه راجع به این ماده البته در موقع نوشته و ضمیمه قرارداد حاضر خواهد گردید. قرارداد منعقدہ فیما بین وزارت فواید عامه و آقای حاج معین‌التجار بوشهری حاوی دوازده ماده که هفت ماده آن از ماده اولی الی ماده هفت به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و پنج ماده که بر طبق اصول هفت ماده قبل از طرف وزارت فواید عامه منضم گشته تماماً صحیح است و بر حسب تصویب مجلس شورای ملی در تاریخ ذیل نخستین مبادله می‌شود.

۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹

مشیرالدوله

محل مهر حضرت آقای مشیرالدوله

محل مهر وزارت فواید عامه

وزارت فواید عامه

مورخه: غره جمادی‌الآخر ۱۳۲۸

اداره معادن

نمره: ۲۳۱۱

آقای حاج معین‌التجار

مشروحہ اظهاریه راجع به معادن خاک قرمز جزیره هرموز وصول یافت . چون مستر برون، وکیل کمپانی استریک، سند سپرده است که هر ادعا و گفتگوی کمپانی ویر و النجر بر دولت و جنابعالی داشته باشند کمپانی استریک از عهده خواهد برآمد، لهذا مطمئن باشید که از طرف آنها در این خصوص به هیچ‌وجه خسارت و زحمتی به جنابعالی متوجه نخواهد شد.

[مرتضی-قلی خان]

صنیع‌الدوله

محل مهر وزارت فواید عامه

با این اطمینان که وزارت فواید عامه داده‌اند مبلغی پول بنده را کمپانی النجر نگاه داشته و تا امروز هم کمپانی استریک رفع دعاوی آنها را نکرده است.

وزارت خارجه

مورخه: ۹ رجب ۱۳۲۹ [۱۳]

اداره انگلیس

دایره

نمره: ۱۷۲۵۱-۱۸۰۳

آقای معین‌التجار

مرفومه مورخه ۵ رجب جنابعالی در باب تعهد کمپانی استریک در رفع دعاوی کمپانی ویر و النجر واصل گردید. به سفارت لندن تلگراف شد که به مستر استریک اخطار نماید اگر تا بیست روز دیگر از عهده تعهد خود برنیاید، اکسید دوفر به او تحویل داده نمی‌شود به علاوه خسارات وارده نیز متوجه او خواهد گردید. هر جوابی که از سفارت رسید به اطلاع جنابعالی می‌رساند.

محل امضای وزیر خارجه

محل مهر وزارت خارجه

بیست روز ضرب‌الاجل فوق گذشت و مرنارد، رئیس گمرک، اعتنایی نکرده هر قدر خاک خواستند حمل کرد.

وزارت فواید عامه

مورخه: ۹ شهر رمضان ۱۳۲۹

اداره

ضمیمه

نمره: ۹۴۰

آقای حاج معین‌التجار

مراسله مورخه ۱۹ شهر شعبان شما ملاحظه شد. به تازگی دو فقره مخبره تلگرافی از سفارت لندن در جواب وزارت جلیله خارجه رسیده که مفاد آنها عبارت است از اینکه مطابق تعلیمات وزارت خارجه به کمپانی استریک نوشته و ضرب‌الاجل مقرر داشت که اگر در مدت بیست روز رفع دعاوی متعدی خود را نکند، تمام خسارات وارده را دولت بر عهده او دانسته و از او مطالبه خواهد کرد. چون مدتی است از ضرب‌الاجل گذشته و از کمپانی استریک خبری نشده، لهذا لازم است که اولیای دولت علیه خساراتی را که از این حیث به جنابعالی وارد شده است از مستر استریک مطالبه کنند. در این صورت لازم است مشروحاً معلوم کنید که اولاً خسارات وارده بر جنابعالی چیست و از چه منبع است؟ ثانیاً مقدار آن معادل چه مبلغ است؟ ثالثاً ادله و اسنادی که ورود این خسارات را ثابت می‌کند چه چیز است؟ پس مقرر دارید مطالب فوق را مشروحاً به این وزارتخانه اطلاع دهند تا در صدد اقدام مطالبه خسارات برآید.

محل امضای وزیر

محل مهر وزارت فواید عامه

وزارت خارجه

مورخه: ۱۰ شعبان ۱۳۲۹ [۱۳]

اداره انگلیس

دایره

نمره: ۱۲۹۹-۱۸۷۲۵

آقای حاجی معین‌التجار بوشهری

سفارت لندن در ضمن دو تلگراف مفاد مذاکرات خود را با کمپانی استریک به وزارت خارجه اطلاع داده است که سواد هر دو برای اطلاع جنابعالی لفاً ارسال می‌گردد. بدیهی است ملاحظه فرموده هر ادعایی که کمپانی النجر و ویر بر جنابعالی دارند به وزارت خارجه مرقوم دارید که به سفارت اطلاع داده شود.

محل امضای وزیر

محل مهر وزارت خارجه

وزارت خارجه

اداره

سواد استخراج تلگراف رمز لندن

مورخه: ۳ شعبان ۱۳۲۹ [۱۳]

نمره: ۷۴۵

جواب نمره ۴۷۰ با پست عرضه شده است. خلاصه این است که با کمپانی مذاکره نمود، گفتند کمپانی النجر و ویر نمی‌توانند هیچ قسم ادعایی کنند و ما هم به دولت علیه ایران تعهد کردیم که اگر ادعایی بر آنها بشود از عهده خسارات برآییم. با وجود این از سفارت پنجم ژوئیه رسماً به کمپانی استریک نوشتیم اگر تا بیست روز دیگر موافق تعهد خود عمل نکنند، خسارتی که وارد آید بر عهده آنها است. وصول مراسله را نوشته وعده دادند که جواب بعد خواهند داد. چون ننوشته اعتراضی نکرده‌اند، موافق همان اعلامی که دولت به توسط سفارت به آنها نمود حق دارد آنها را مسئول بدانند. شفاهاً تحقیق خواهد شد که چه کرده‌اند ولی خوب است دولت علیه آنچه میل دارد بشود اطلاع و در هر حال سفارت را از اطراف مسئله آگاه دارند.

نمره: ۷۶

مهدی

وزارت امور خارجه

اداره

سواد

مورخه: ۴ شعبان ۱۳۲۹

نمره: ۷۵۵



استخراج تلگراف رمز لندن

به تلگراف نمره ۶۶ این سفارت رجوع بفرمایید. کمپانی استریک می‌نویسد قرارشان با دولت علیه ایران این بود که از عهده هرگونه ادعای شرعی و از روی حق که کمپانی النجر و ویر به معین‌التجار یا دولت علیه داشته باشد، برآید و در کمپانی مزبور ابداً ادعای شرعی و از روی حق نه به دولت علیه و نه به معین‌التجار ندارند و کمپانی استریک در کاغذ خود در ثبوت این مطلب استدلال نموده سواد و ترجمه کاغذ به پست ارسال می‌شود. چون سفارت از تفصیل این مسئله بی‌اطلاع است، تفصیل را با هر دستورالعمل مجددی که باشد زودتر اطلاع بدهید.

نمره: ۸۰

مهدی

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

نمره: ۶۰۷

[تاریخ: ۱۷ شعبان ۱۳۲۹]

نوع مسوده تلگراف رمز

رمز نمرة ۸۰ رسیده، رفع ادعای التجر و ویر بر عهده استریک وارد است. عذر بطلان ادعا رفع مسئولیت از استریک نمی-کند، سفارت مطالبه خسارت کرده ، وزارت خارجه بر عهده استریک وارد و سفارت متقاعد شده است یا از محکمه انگلیس حکم بر بطلان ادعای آنها صادر یا از عهده خسارات معینالتجار باید برآیند والا دولت حقاً مطالبه خسارت و فسخ قرارداد خواهند نمود.

نمره: ۶۰۷

۱۷ شعبان ۱۳۳۹

ریاست وزرا

سواد مراسله وزارت جلیله مالیه

نمره: ۲

مورخه: ۷ برج ثور ۱۳۳۰

نمره: ۲۳۳

مسیو مرنارد کفیل خزانه‌داری کل

درخصوص جزیره هرموز نظر مقدمات کامله و تصویب مجلس شورای ملی که حکم شده است به تصرف کسان آقای حاج معینالتجار بدهند، هیأت وزرا هم مطابق احکام دولت و مقررات مجلس شورای ملی در این خصوص حکم داده، وزارت مالیه هم کراراً به شما نوشته که اجرای مدلول احکام را بنمایند، معذالک در این مورد تاکنون جزیره را به تصرف ایشان نداده‌اند. اینک از طرف هیأت دولت مستقیماً به شما تأکید می‌شود که فوراً به اداره گمرک بندرعباس دستورالعمل تلگرافی بدهید که جزیره مزبور را به کسان آقای حاج معینالتجار تسلیم نمایند و نیز وجهی که راجع به حاج معزالیه از بابت قیمت اکسید دوفر در خزانه ضبط و توقیف است به ایشان رد نمایید، دنباله این مذاکرات را قطع کنید که مجدداً از طرف ایشان تجدید شکایتی به هیأت وزرا نشود.

نجف- قلی بختیاری، قوام‌السلطنه، محتشم‌السلطنه،

وثوق‌الدوله، غلامحسین بختیاری، حکیم‌الملک

سواد مطابق اصل است.

محل مهر ریاست کابینه وزرا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[تاریخ]: ۱۸ ژانویه ۱۹۱۱ / ۲۷ محرم ۱۳۳۰

اداره گمرکات

نمره: ۸۳۵۷

آقای حاجی معینالتجار

مرقومه شریفه ۲۷ محرم واصل شد . چون مسئله حمل و نقل و استخراج معدن جزیره هرموز را هنوز اولیای دولت علیه قرار قطعی نداده‌اند، این بنده تلگراف به رئیس گمرک بندرعباس نمودم که اجازه حمل یک هزار تن اکسید [دوفر] به کشتی داده و قبوض موقتاً در نزد رئیس گمرک خواهد بود.

از طرف مدیر-کل گمرکات

محل امضاء

با وجود آنکه قرارداد جزایر به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و از طرف مقام ریاست وزرا هم مستقیماً به اداره گمرک نوشته‌اند، معذالک قرارداد مجلس و مبادله وزارت فواید عامه را قرار قطعی ندانسته و اجازه حمل اکسید دوفر داده است.

ریاست وزرا

سواد مراسله صادره از هیأت وزرا

مورخه: ۲۱ ربیع الاول ۱۳۳۰

نمره: ۱

نمره: ۱۱۱۷

وزارت جلیله مالیه

از قراری که از وزارت فواید عامه نوشته‌اند معدن خاک اکسید دوفر جزیره هرموز که به تصویب مجلس و هیأت وزرا ده ساله به آقای حاجی معین‌التجار واگذار شده است و در پنجم محرم به وزارت مالیه از طرف وزارت معارف نوشته شده که به اداره گمرک بنویسند معدن اکسید دوفر جزیره مزبوره را به آقای حاجی معین‌التجار تفویض نمایند و تاکنون معدن مزبور را به تصرف آقای حاجی معین‌التجار نداده‌اند. خیلی موجب تعجب است که مطلبی که به تصویب مجلس و هیئت وزرا گذشته چرا باید تاکنون به محل اجرا گذارده نشود، لهذا تأکید می‌شود که همان ترتیب شرایط و قراردادی را که وزارت معارف با حاجی مشارالیه داده‌اند فوری به محل اجرا گذارند و به اداره گمرکات تأکید نمایند که معدن مزبور را به تصرف حاجی مشارالیه دهند که تأخیر آن تولید بعضی اشکالات می‌نماید.

نجف - قلی بختیاری، قوام‌السلطنه، وثوق‌الدوله، غلامحسین

بختیاری، محتشم‌السلطنه، حکیم‌الملک

سواد مطابق اصل است.

محل مهر ریاست کابینه وزرا

۱۳۳۹

وزارت مالیه

اداره محاسبات کل مالیه

سواد مراسله وزارت جلیله خارجه

مورخه: ۵ جمادی الثانيه ۱۳۳۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

وزارت جلیله مالیه

در باب کک جزیره هرموز که با کمپانی استریک قراردادی منعقد شده، موافق ماده ۱۲ آن استریک تعهد نموده است که هرگونه دعاوی النجر و ویر کمپانی بر دولت علیه را یا حاجی معین بنماید، یا مرفوع نماید. چون النجر و ویر از طرفی به توسط سفارت انگلیس طرح دعوا نسبت به دولت نموده و از طرفی دیگر مبلغی پول حاجی معین‌التجار را نگاه داشته، پارسال موافق مشروحه وزارت فواید عامه به سفارت لندن تلگراف شد که به استریک اخطار نماید که اگر تا بیست روز رفع دعاوی النجر و ویر را ننمایند، کشتی برای حمل کک نفرستد که به او تحویل داده نخواهد شد. این مدت منقضی شد و کار به مکاتبه و مخابرات تلگرافی گذشت. وزارت خارجه جواب مفصلی به مراسله سفارت که ادعای خسارت النجر و ویر را از دولت نموده بودند، نوشت و به سفارت لندن کتباً و تلگرافاً تعلیمات داد که این کار را در آنجا بین النجر و ویر و استریک تسویه و رفع دعاوی آنها را نموده، پول حاجی معین‌التجار را که آنها نگاه داشته‌اند، ایصال نمایند. چون تسویه این کار تاکنون معوق بود به تاریخ ۲۷ ع[ربیع] ۲ [الثانی] به سفارت لندن تلگراف شد که مجدداً به استریک اخطار کند که اگر تا یک ماه دیگر به موجب تعهد خود دعاوی النجر و ویر را مرتفع ننمایند، به کشتی‌ها کک تحویل داده نخواهد شد. از سفارت مشارالیهها جواب رسید که به او اخطار کرده‌اند و دور روز قبل تلگراف رسیده که موعود منقضی شده، سواد آن را لفاً ارسال می‌دارد که آن وزارت جلیله حسب‌التکلیف مراتب را به مسیو مرنارد اطلاع بدهند.

وثوق‌الدوله

سواد مطابق اصل است که در دوسیه ضبط می‌باشد.

با این تأکیدات و شرح و بسط وزارت مالیه هم صریحاً به اداره گمرک نوشت که دیگر خاک حمل نکنند، ولی محل اعتنای مسیو مرنارد واقع نشده، هر وقت استریک کشتی فرستاد به او خاک دادند، لهذا بنده مجبور شدم وجهی را که از بنده کمپانی النجر نگاه داشته بود در حساب دولت منظور و با فرع محسوب و مطالبه نماید.

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

سواد مراسله وزارت خارجه به سفارت انگلیس

مورخه: ۲۲ ج [جمادی] ۱ [الاول] ۱۳۳۱

نمره: ۵۹۲۱

دوستدار با نهایت احترام خاطر مودت مظاهر آن جناب دوستان را به ماده دوازدهم قرارداد خرید اکسید دوفر کمپانی استریک که به موجب آن متعهد رفع دعاوی النجر و ویر بر دولت و حاجی معین‌التجار شده است معطوف داشته و محترماً زحمت‌افزا می‌شود که چون النجر و ویر مبلغی وجه حاج معین‌التجار را به عنوان ادعایی که می‌گویند دارند نگاه داشته‌اند و استریک تاکنون موافق تعهد خود رفتار نکرد و رفع ادعای آنها را ننموده است، اولیاء دولت علیه مصمم هستند که استریک را به اطلاع آن جناب جلالت - مآب به اجرای تعهد خود وادار نمایند. بناءً علی هذا تمنا می‌شود که به کمپانی استریک مؤکداً اخطار فرمایید که موافق ماده ۱۲ قرارداد مزبور رفتار و در ظرف یک ماه ادعای آنها را مرفوع نماید و در صورتی که باز به مسامحه بگذارند، بعد از انقضای یک ماه اکسید دوفر به او تحویل داده نخواهد شد و هر خسارتی نیز که به واسطه تأخیر اجرای تعهد وارد شود بر عهده استریک وارد است. در این موقع احترامات فایقه را نسبت به آن جناب جلالت - مآب تجدید می‌نماید.

امضاء:

وثوق‌الدوله

مهر وزارت خارجه

این رقعہ هم رسماً به سفارت نوشته شد ولی محل اعتنا واقع نگردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

وزارت امور خارجه

اداره تحریرات انگلیس

دایره

مورخه: ۲۲ ج [جمادی] ۱ [الاول] ۱۳۳۱

نمره: ۱۱۸۶، ۲۵۹

مستر برون رئیس بانک شاهنشاهی و وکیل استریک

چنان-که در ضمن مشروحه مورخه ۲۵ صفر ۱۳۳۰ نمره ۱۶۳۳۲/۲۷۰۴ اشعار شده است، استریک کمپانی می‌باید قیمت هر مقدار اکسید دوفر که از عاملین آقای حاج معین‌التجار تحویل می‌گیرد به حاج معین‌التجار بپردازد. علی هذا قدغن نمایید کشتی که برای حمل اکسید دوفر به هرموز می‌رود هر مقدار که تحویل می‌گیرد به عاملین حاج معین‌التجار قبض رسید بدهد و در فرنگستان نیز که وزن می‌شود به اطلاع وکیل که حاج معین‌التجار معین می‌کند باشد، زیرا که دولت جزیره مزبور را به طور اجاره به ایشان واگذار نموده است.

امضاء:

با وجود این رقعہ نہ وجہی بہ بندہ دادند و نہ راضی شدند وکیل بندہ از وزن اکسید دوفر اطلاع حاصل کند.

قربانت گردم، بہ سلامتی تشریف- فرمای فرنگستان می‌شوید. امور بندہ راجع بہ معادن جزایر و بنادر بہ ہمین قسم مجمل و معوق مانده در صورتی کہ ہمہ وزرا عظام تصدیق بر حقانیت و مظلومیت بندہ دارند. چنان-چہ حضرت اقدس والا آقای وزیر داخلہ در جلسہ بہ حضرت وزیر مالیه یادآوری می‌فرمودند کہ خواستیم بیست و پنج سال در فرمان مدت قرار بدهیم معین‌التجار راضی نشده، فرمان ابدی صادر شد. حال کہ ہیأت وزرا امر فرمودند پنجاه سال مدت قرار بدهند، دیگر چرا بندہ بلا تکلیف و دچار خسارت باشد. مستدعی است حضرتعالی رأی مبارک خودتان را در حاشیہ مرقوم فرمایید در جلسات دیگر کہ قراری می‌دهند، رأی مبارک ہم معین باشد. امر العالی مطاع.

محمد دہدشتی

جواب

فدایت شوم، بندہ اسناد جنابعالی را ملاحظہ کردہام در فرمان ذکر مدت نشدہ ولی اسناد دیگر از اولیاء امور دارید مبنی بر این کہ مقصود از عدم ذکر مدت ابدیت امتیاز است. حضرت اشرف ارفع والا شاہزادہ وزیر داخلہ ہم ہمین-طور در جلسہ وزرا تصدیق کردند کہ مقصود ہمین بودہ. بندہ چون معتقد بہ ابدیت امتیاز نیستیم و از آن طرف ہم زحمات جنابعالی را در این امور می‌دانم، تصدیق می‌کنم کہ حقوقی کہ در فرمان جنابعالی مصرح است بہ صورت امتیاز-نامہ صحیح و برای مدت معین بہ جنابعالی واگذار شود بہ طوری کہ صلاح دولت و جنابعالی ہر دو ملحوظ شدہ باشد. جزییات عقیدہ خودم را ہم در ہیأت وزرا عرض کردم و باز ہم بہ ہمین عقیدہ باقی ہستم. زیادہ زحمت نمی‌دہم.

وثوق الدوله

۲۳ جمادی الثانیہ ۱۳۳۱

در کابینہ مرحوم علاءالسلطنہ برای رفع بعضی اختلافات قرارداد ذیل را با بندہ بستند و وزرای عظام ہم ہر یک بہ خط خود مزین فرمودند ولی از طرف سفارت دولت فخریمہ مراسلہ نوشتہ بطالان آن را خواستند و مهر وزارت فواید عامہ ہم بہ طور غریبی مفقود شد و مدتی معلوم نبود کجا است.

وزارت فواید عامہ

بہ موجب فرمان ہمایونی صادرہ رجب ۱۳۲۲ امتیاز معادل گل سرخ، نمک و گوگرد واقع در جزایر ہرموز، قشم، لارک، ہنگام، بنادر بوستانہ و بندر خمیر بہ حاج آقا محمد معین‌التجار دہدشتی واگذار شدہ بود. چون فرمان بلامدت و خالی از شرایط لازمہ بود، در باب معدن گل سرخ جزیرہ ہرموز بر حسب پیشنهاد ہیأت دولت در مجلس شورای ملی قرار مخصوص مقرر گردیدہ نسبت بہ معادن جزایر و بنادر مزبورہ دولت ایران بہ نمایندگی وزیر فواید عامہ شرایط و حدود مقتضیہ ذیل را معین می‌نماید کہ مدلول فرمان مزبور مطابق آن شرایط تحت قرار و عمل آمدہ، حاج معین‌التجار ہم از دائمی بودن فرمان صرف- نظر نماید.

مادہ اول: مدت این امتیاز عبارت از پنجاه سال شمسی است کہ ابتدای آن از تاریخ امضای این قرارنامہ خواہد بود.

مدہ دوم: از تاریخ امضاء این قرارنامہ تا مدت یک سال باید صاحب امتیاز شروع بہ عملیات نماید و اگر بدون عذر موجہ شروع نکرد این امتیاز از درجہ اعتبار ساقط خواہد بود.

مادہ سوم: صاحب- امتیاز هیچ نوع شرکتی نمی‌تواند تاسیس نماید، مگر اینکہ قبلاً شرایط تاسیس آن شرکت را دولت تصدیق و امضاء نمودہ باشد و هیچ قسم انتقالی نمی‌تواند بکند مگر بہ اجازہ دولت.

مادہ چهارم: صاحب- امتیاز می‌تواند برای استخراج معادن تصفیہ مواد معدنی بہ قدر کفایت مہندسین خارجه اجیر نماید ولی عملیات معدن باید کلیتاً از اتباع ایران باشند.

مادہ پنجم: صاحب- امتیاز باید دفاتر مرتب از کلیہ مصارف و عایدات داشته باشد کہ ہر وقت مأموری از طرف وزارت فواید عامہ برای رسیدگی بہ محاسبات و تعیین حقوق دولت مأمور می‌شود بہ طور سہولت بتواند مأموریت خویش را انجام دہد.

ماده ششم: صاحب- امتیاز باید همه ساله در اول برج حمل صورت حساب سال قبل را به ملاحظه وزارت فواید عامه رسانیده و صدی شانزده از عواید خالص را به دولت ایران کارسازی نماید. مقصود از عواید خالص مجموع کلیه عایدات است پس از وضع مخارج اداری و مصارف استخراج و عملیات معدن.

ماده هفتم: صاحب- امتیاز باید نمک را به نرخ متوسطی که در سایر نقاط خلیج فارس معمول است به فروش برساند. هرگاه دولت برای استخراج و فروش نمک کلیه ایران مالیاتی وضع نمود، تفاوتی که علاوه بر صدی شانزده می شود عاید دولت خواهد بود.

ماده هشتم: اسباب و اشیاء و کلیه آلاتی که برای استخراج و تصفیه مواد معدنی و تسهیل حمل و نقل از گاری و ریل آهن برای تراموی و سیم نقاله از معادن تا کنار دریا لازم شود، از عوارض و حقوق گمرکی معاف خواهد بود و صاحب- امتیاز فقط به نظامنامه-های قانونی گمرکات و حق تفتیش آن اداره در تعیین مقدار و جنس و مقصد اشیاء وارده و صادره تابع خواهد بود.

ماده نهم: مواد معدنی تصفیه شده یا نشده در موقع حمل به خارج یا داخله از عوارض گمرکی و مالیات معاف خواهد بود.

ماده دهم: امنیت محال مذکوره البته بر عهده دولت است، معیناً اگر دولت لازم بداند صاحب امتیاز می تواند به قدر لزوم تفنگچی نگاه دارد در تحت امر صاحب منصبانی که دولت معین می نماید به خرج صاحب امتیاز تا وقتی که دولت عدم لزوم آن را به صاحب امتیاز اخطار نماید.

ماده یازدهم: در موقع انقضاء مدت این امتیاز کلیه معادن و تأسیسات لازمه برای استخراج معدن مجاناً و بلاعوض به دولت تعلق خواهد گرفت، لیکن مواد مستخرجه موجوده در معادن مال صاحب امتیاز خواهد بود و پس از انقضاء مدت هرگاه دولت بخواهد معادن مزبوره را امتیاز بدهد با تساوی شرایط صاحب امتیاز حق رجحان خواهد داشت.

ماده دوازدهم: هرگاه در موضوع اجرای مواد این قراردادنامه بین دولت علیه و صاحب- امتیاز اختلافی بروز نماید، رفع آن به دو نفر حکم که یکی از طرف دولت و دیگری از طرف صاحب امتیاز معین خواهد گردید رجوع می شود. چنانچه بین حکمین مزبورین اتفاق حاصل نشود، حکم ثالثی که قبلاً دو نفر حکم اولی معین کرده باشند مواد مختلف فیها را به طور قطع تسویه خواهد کرد.

در جلسه سه شنبه هفتم شوال تصویب شد وزارت فواید عامه مجاز است که مطابق مواد فوق اجرای فرمان امتیاز را منظور دارد.

محل امضای محمدعلی علاءالسلطنه، رئیس -لوزرا

محل امضاء اسمعیل ممتازالدوله، وزیر تجارت

محل امضاء احمد قوامالسلطنه، وزیر مالیه

محل امضاء مستشارالدوله، وزیر فواید عامه

مواد قرارداد مصوبه هیأت محترم وزرا عظام در موضوع معادن جزایر مذکوره در متن قرارداد که به جناب آقای حاجی آقا محمد معینالتجار دهمدستی واگذار شده صحیح است.

[تاریخ: ۱۳ ذی - حجه ۱۳۳۱]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پارک علم و فناوری

جناب مستطاب عالی را محترماً زحمت می دهد

از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به جناب اجل وزیرمختار دستورالعمل رسیده است که از دولت ایران بطلان نوشته ای که مشعر بر دوازده ماده ای که به تاریخ هفتم شوال گذشته درخصوص معادن بنادر داده بودند، بخواهند. بناءً علی هذا به دولت ایران همینطور رسماً نوشته شد محض اطلاع خاطر سرکار را مستحضر ساخت. زیاده زحمت است.

محل امضای چرچیل

تصور می-کنم این رقعہ مطلب را دیگر به خوبی به وکلای عظام کشف و آشکار نماید که این خسارات و زخماتی که به بنده وارد آمده از چه مقدماتی بوده است. بنده هم هیچ دلنگ نبوده افتخار می-کنم که مرتکب خیانت به مملکت و وطن خود نشده ام. نکات سیاسی این رقعہ را آقایان وکلای محترم بهتر از هر کس ملتفت می شوند.

جواب

تهران

جناب مستطاب اجل عالی را محترماً زحمت افزا می‌گردد

رقیمه سیزدهم شهر ذی-حجه سر کار عز وصول پذیرفت. مرقوم فرموده‌اید از طرف دولت پادشاه انگلستان به جناب اجل وزیرمختار دستورالعمل رسیده است که از دولت ایران بطلان نوشته -ای که مشعر بر دوازده ماده که به تاریخ هفتم شوال گذشته درخصوص معادن بنادر داده بودند، بخواهند. بناءً علی هذا به دولت ایران همین‌طور رسماً نوشته شد. چنان-چه حضوراً عرض نموده باز هم تصدیق می‌دهد بنده امتیاز جدیدی از دولت نگرفته بلکه به موجب فرمان محکم صادره رجب سنه ۱۳۲۲ امتیازاتی به امضاء مرحوم مظفرالدین شاه - طاب ثراه- به دوستدار داده شده و به موجب همان فرمان حقوق دوستدار ثابت است. هیأت وزرا عظام برای تعیین مدت امتیازات مذکور در فرمان و صرفه دولت به مقتضای حال حاضره این قرارداد هفتم شوال را امضاء فرمودند. نظر بر اینکه دولت فخریمه انگلیس معروف به طرفداری عدالت و حافظ حقوق تمدن می‌باشد بخصوص که در موارد عیدیه تأکید در محترم داشتن امضاء فرامین و دستخط‌های سلاطین نموده و آنها را مستند خود قرار داده‌اند. امیدوارم در مورد فرامین و اسناد دوستدار هم تغییر مسلک نفرمایند بخصوص با اطمینان‌هایی که جناب مستطاب اجل سر ادوارد گری، وزیر خارجه، - دامت شوکته- به توسط مستر النجر کمپانی به دوستدار داده و همچنین سفارت فخریمه در تهران اطمینان مساعدت حقه داده‌اند و در صورتی که بطلان این قرارداد را خواسته باشند، البته ضمناً متذکر هستید که فرمان مبارک که به امضاء شاهنشاه مرحوم - طاب ثراه- می‌باشد در موقع خود محترم شمرده خواهد شد، زیرا گمان نمی‌کنم فرمانی محکم‌تر از این فرمان دوستدار که به خط جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه حاضر و طرف قرارداد از جانب دولت علیه با دوستدار حضرت اقدس والا شاهزاده وزیر داخله حالیه بوده‌اند صادر شده باشد. همه وزرا سلف و حالیه و علماء اعلام و تجار عظام تصدیق بر حقانیت دوستدار و استحکام و استقرار فرمان مذکور فرموده‌اند. نظر به اطلاعات جناب مستطاب اجل وزیرمختار که حضوراً می‌فرمودند چون شما به تجارت ایران در جنوب خدمت کرده‌اید میل دارم رفع اختلافات و شبهه از دولت خود بنمایم، نهایت امیدواری به موفقیت ایشان داشتم نه به این اظهار که دولت ایران را مجبور به نقض قرارداد و امضاء خود بنمایند که مسلم است تا چه درجه تولید یأس در عموم ایرانیان می‌نماید و بالفرض که در خیال تحصیل امتیازات عمده در ایران باشند، روا نیست که یک نفر ایرانی که بیست و پنج سال زحمت کشیده و مخارج متحمل شده و امتیازی موجب فرامین سلاطین سابق گرفته در این موقع دولت را مجبور به نقض خط و مهر خود نماید که سابقه غیر مطلوبی خواهد بود و به علاوه اینکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان صریحاً و مکرراً استقلال ایران را مقدس شمرده‌اند، زیاده تصدیق نمی‌دهد. ایام اجلال مستدام باد.

محمد دهمدشتی

وزارت خارجه

اداره انگلیس

سواد مراسله خزانه‌داری کل

مورخه: ۳۰ برج عقرب

نمره: ۲۰۱۰۵

سواد تلگرافی که از بندرعباس راجع به سوء سلوک گماشته حاج معین‌التجار در جزیره هرموز در معدن اکسید دوفر رسیده است به حضور مبارک می‌فرستد. این وضع ناگواری که پیش آمده است اسباب خسارت دولت در مقابل کنتراتی که با استریک کمپانی انگلیس نموده است خواهد گردید. به عقیده بنده خیلی لازم فوری است که اقدام سریع فرمایند که معین‌التجار در عمل استخراج اکسید دوفر در جزیره مزبوره دخالت ننمایند یا اقلماً تا مدتی که کنترات استریک تمام نشده است از دخالت ممنوع شود. به انتظار اینکه از طرف اولیای دولت علیه حکم قطعی در این باب صادر شود به رئیس گمرک بندرعباس دستورالعمل تلگرافی دادم که اقدام لازم برای منع و جلوگیری از اتفاقات سوء بنمایند که خسارتی به منافع خزانه دولت وارد نیاید.

از طرف خزانه‌داری

محل امضاء:

سواد مطابق اصل است.

محل مهر وزارت خارجه

مسامحه و تعلل وکیل حاجی معین‌التجار درخصوص بار کردن اکسید [دوفر] در کشتی تنگستان باعث اظهارات شدیدیه کمپانی شده. پس از پنج روز از بارگیری مقدار اکسید [دوفر] ی که به کشتی حمل شده بود بیش از ۸۷۵ تن نبود، لهذا محض حفظ حقوق و منافع دولت ناچار شدم در عملیات مستقیماً نظارت نمایم. خارج کردن خلیل تا زمان ختم بارگیری کشتی به نظر بنده برای جلوگیری و احتراز از حدوث اشکالات صلاحیت داشت. تمام مقدار اکسید [دوفر] ی که در ظرف یازده روز بار شده معادل ۲۴۰۰ تن است و میزان مخارجی که اداره گمرک از بابت حمل ۱۵۲۵ تن اکسید [دوفر] نموده است بالغ به ۲۹۹۶ قران شده و باید این مبلغ را از تنخواهی که در تهران به معین‌التجار داده می‌شود کسر گذاشت. وضع معادن بی‌اساس و ترتیب است و این دفعه که بخواهند اکسید دوفر حمل نمایند باید منتظر اشکالات شدیدتر و عظیم‌تر باشیم، زیرا که هیچ اقدامی برای نگه‌داری و مواظبت آلات و ادوات لازمه به عمل نمی‌آید. از نه فقره زورق، پنج فقره آن به گل نشسته و کلیه آنها تعمیر کلی لازم دارد. وکیل معین‌التجار از ترس آنکه مخارجی به عهده او وارد شود، وظیفه خود را در مباشرت حمل اکسید [دوفر] می‌داند که سابقاً از طرف اداره گمرک شده است. راپورت مفصل بعد از رفتن به محل ارسال خواهد داشت.

فورمان

سواد مطابق با اصل است.

محل مهر وزارت خارجه

اداره تحریرات انگلیس

ملاحظه بفرمایید که اقرار می‌کند که خلیل مباشر بنده را خارج کرده‌اند و از طرف کمپانی خارجه وکالت می‌کند این است که عرض می‌کنم شصت هزار تن خاک حمل کرده و ۳۸۰۰۰ تن قلم می‌دهند و بعد از آنکه مباشر بنده را خارج و از دخالت منع کرده‌اند، می‌نویسد معین‌التجار را از دخالت ممنوع دارید. در صورتی که کمپانی استریک اگر گفتگوی خسارت یا اختلافی داشت، به موجب قرارداد مجلس مقدس به عهده بنده بوده و دخلی به گمرک و دولت نداشته. به علاوه می‌نویسد ۲۹۹۶ قران گمرک خرج حمل کرده که باید از وجه معین‌التجار کسر بگذارید و این خود مدلل می‌دارد که همیشه مخارج استخراج و حمل را بنده می‌داده‌ام.

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

سواد مراسله وزارت خارجه به خزانه-داری

مورخه: ۱۹ محرم ۱۳۳۲

نمره: ۱۳۷۰، ۱۱۲۵

لایحه نمره ۲۰۱۰۵ به انضمام سواد تلگراف واصله از بندرعباس در باب سلوک گماشته حاجی معین‌التجار در جزیره هرموز در معدن اکسید دوفر واصل گردید. لزوماً خودم در این باب تحقیقات کرده و مخصوصاً به قرارداد مجلس و هیأت دولت مراجعه نمودم. تفصیل قرارداد مصوبه مجلس مسئولیت تحویل اکسید دوفر را به استریک کمپانی به عهده حاج معین‌التجار واگذار کرده، به علاوه حاجی معین‌التجار را خواستم و با معزی‌الیه مذاکره نمودم. رقعہ نمره ۱۵۳۷۵ مورخه ۳۱ سنبله ۱۳۳۱ خزانه-داری را ارائه داده، به موجب این رقعہ نیز خزانه-داری این مسئولیت را تصریح و تأکید کرده است و حاج معزی‌الیه اظهار داشتند به موجب همین تلگراف گمرک بندرعباس که سوادش را به وزارت خارجه فرستاده‌اند از آن مقداری که معمول بوده است اکسید دوفر زیاد-تر تحویل داده شده و حمل کرده‌اند. به هر حال چون مسئولیت را مجلس و دولت به عهده حاجی معزی‌الیه واگذار داشته و محض اینکه مخالفتی به مدلول قرارداد مجلس نشده باشد، بهتر این است از هر اقدامی که موجب تزلزل این مسئولیت باشد احتراز و تغییری داده نشود. دیگر اینکه استریک تعهدی که به موجب ماده ۱۲ قرارداد خود ذمه-دار بوده، اجرا نکرده و رفع دعوی النجر و ویر را ننموده است. تغییری در وضع حالیه به هیچ-وجه داده نشود تا اسباب اشکال و تنقید تازه فراهم نگردد. سواد مطابق اصل است.

محل مهر اداره تحریرات انگلیس

وزارت خارجه

اداره انگلیس

سواد مرقومه رئیس الوزراء به سفارت لندن

مورخه: ۲۶ محرم ۱۳۳۲

نمره: ۱۵۵۳،۹۷۵۳

در باب جزیره هرموز و سایر جزایر و مسئله اکسید دوفر شرحی که مشتمل بر تاریخ و سرانجام این دو مسئله و حاوی تعلیمات اخیر دولت به ژنرال قنسل-گری دولت علیه مقیم هندوستان می باشد به مفتاح السلطنه^{۳۸} نوشته ام و سواد آن با ضمایم ملفوفه لزوماً برای جنابعالی می فرستم تا کاملاً از مطلب مسبوق شوند. چنان-که ملاحظه می فرمایید چیزی که اخیراً کسب اهمیت و توجه دولت را جلب کرده است اظهار کتبی وزیرمختار انگلیس به من است دایر به نسخ لایحه ۱۲ ماده می باشد که این ایام در هیأت وزرا تصویب شده است. سکنه که ممکن است از این راه بر امضاء و اعتبار دولت وارد شود، قابل تقریر و تحریر نیست و خودتان به خوبی می دانید که نسخ این دوازده ماده که پس از چند سال مذاکره و گفتگو با رعایت صرفه و صلاح دولت و ملاحظه دقایق مهمه مقرر گردیده مستلزم چه ضررهای بزرگ خواهد بود. اولاً ممکن است حقوق مسلمه یک نفر از اتباع معتبر خادم مملکت که خود موجه و کاشف معادن هرموز، هنگام و جزایر کوچک که حوالی آنها است تزییع شود.

ثانیاً دولت که پس از زحمات زیاد حاج معین التجار را به انصراف از فرمان بی مدت سنه ۱۳۲۲ که هیچ-گونه قید و شرط صلاح دولت در آن ملحوظ نشده بود، واداشته و شرایط اخیره را به او قبولانید اگر حالا بخواهد بر حسب اظهار سفارت انگلیس این ۱۲ ماده را که به صرفه مصالح انگلیس نیز مقرون می باشد نقض نماید، حاج معزی الیه مایوس و به فرمان فوق الذکر متکی شده و با نبودن هیچ قید و شرطی ممکن است آن را به دیگری واگذار نماید که هم دولت علیه دچار مخمصه گردیده و هم ضرری را که دولت انگلیس می خواهد از آن احتراز نماید، دچار شود.

ثالثاً وزیرمختار انگلیس با این دستورالعملی که به ایشان رسیده است با نسخ ۱۲ ماده موافق نیست بلکه عقیده ایشان این است که خدمات حاج معین التجار مورد ملاحظه می باشد و حقوق او محفوظ بماند، چه در ماده سوم این ۱۲ ماده نظریات دولت انگلیس نیز رعایت شده است. صرف نظر از اینکه نقض ۱۲ ماده ممکن است تولید زحماتی بنماید اسباب یأس دیگران که همواره به انصاف دوستی و حق شناسی دولت انگلیس مطمئن و متوجه هستند خواهد شد.

رابعاً آنچه مفهوم می شود وصول این دستورالعمل مبنی بر نظریات دولت هندوستان است که به موجب راپورت های ژنرال قونسول گری بوشهر به دولت انگلیس رسیده است و به ملاحظه یک تصور بی موقع این پیشنهاد را نموده اند. حاج معین التجار از دیر زمان به امور تجاری و ترویج و رونق امتعه انگلیس در صفحات جنوبی که عین مصالح انگلیس است اشتغال داشته و هیچ گاه برخلاف روابط حسنه که از نقطه نظر تجاری بین دولتین منظور بوده، اقدامی نکرده است که مستحق چنین بی مساعدتی گردیده، حقوقش پایمال گردد.

خامساً نقض این ۱۲ ماده که از طرف سفارت خواسته شده ممکن است نسبت به تعهدات و فرامین دولت علیه مؤثر واقع شده دول دیگر را نیز به خیالات تازه بیندازد. بنابراین مقدمات، جنابعالی باید با توجه مخصوص به تاریخ این مسئله و نظریات دولت که ملفوفاً ملاحظه می فرمایید با وزارت خارجه مذاکره کرده معایب این نسخ را تشریح نمایید و برای اینکه خاطر اولیای دولت انگلیس مطمئن بشود حاج معین التجار حاضر است که اطمینان تازه نیز بدهد که بدون اجازه دولت علیه امتیاز خود را به کسی یا کمپانی که برخلاف مصالح ایران و انگلیس باشد واگذار ننماید. منتظرم که تلگرافاً نتیجه مذاکرات خود را اطلاع بدهید که زودتر این محظور مرتفع شود یک نسخه از کتابچه هم که حاج معین التجار که حاوی اسناد خود از وزراء سابق و لاحق چاپ و منتشر نموده است برای اطلاع جنابعالی تلوأ ارسال می دارد.

علاء السلطنه

سواد مطابق اصل است.

^{۳۸} میرزا داود خان مفتاح السلطنه: وی در سال ۱۲۹۰ق در تهران متولد شد. در جوانی به خدمت وزارت خارجه درآمد و مشاغلی چون: عضو اداره مرموزات و ادره عثمانی و محاکمات، مدیر اداره دول غیر همجوار، مدیرکل وزارت خارجه، مستشار سفارت کبرای فوق-العاده هنگام تاج گذاری ژرژ پنجم پادشاه انگلیس و جنرال قونسول-گری هندوستان یافت. او کتابی تألیف کرد که در آن به شرح روش کشف رمز بدون داشتن کلید پرداخته است. نک: رجال وزارت خارجه، ص ۱۶۵؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۱۶۷-۱۶۸.

اگرچه جناب عالی مدت-ها مدیر اداره انگلیس بوده و از تاریخ جزیره هرموز و سایر جزایر خلیج فارس و مخصوصاً از روابط حاجی معینالتجار بوشهری با دولت دایر به امتیاز گل سرخ اطلاعات عمیقہ دارید، معهداً لزوماً به شرح مسئله اخیر می‌پردازم. دولت علیه به ملاحظه اهمیت خدمات معینالتجار راجع تجارت جنوب و خاصه برای قدرشناسی و پاس زحماتی که معزالیه به جهت کشف معادن هرموز و سایر جزایر خلیج تحمل نموده بود، به موجب فرمان رسمی دفتری شده مورخه ۱۳۳۲ (ضمیمه یک) جزیره هرموز، لارک، بستانه، هنگام، قشم و غیره را به او واگذار نموده و به هیچ-وجه مدتی در این فرمان معین نکردند و در موقع مسافرت فرنگ مرحوم مظفرالدین شاه دستخطی نیز مبنی بر تأکید اجرای فرمان مزبور به ولیعهد صادر فرمودند. (ضمیمه ۲) در ۲۶ رجب ۱۳۳۲ حاجی معینالتجار شرحی به حضرت والا شاهزاده عینالدوله که آن وقت صدراعظم بودند، نوشته و درخواست کرده‌اند چنان-که مقرر بوده فرمان به طور ابدیت صادر و مرحمت شود شاهزاده معظم جوابی به ایشان مرقوم داشته‌اند (ضمیمه ۳) که مقصود از فرمان ۱۳۳۲ که کلمه ما بعدها در آن قید گردیده ابدی است. و در ۲۵ رمضان ۱۳۲۶ نیز که شهرتی در لندن پیدا شده بود تلگرافی به سفارت آنجا مخابره گردید (ضمیمه ۴) املاک مندرجه در فرمان سابق‌الذکر همین‌طور در تصرف حاج معینالتجار بود تا اینکه در ۱۳۲۸ به واسطه تعقیب و کیل-الرعایا این مسئله در مجلس شورای ملی مطرح و در باب گل سرخ قراری دادند. (ضمیمه ۵) به تاریخ ۱۴ شوال ۱۳۲۸ حاج معینالتجار رقعہ به جانب آقای وثوق‌الدوله، وزیر مالیه وقت، نوشته راجع به مذاکرات کمیسیون مجلس شورای ملی و اینکه قرار شده است دولت خود جزایر را اداره کند توضیحی خواسته‌اند و معظم‌الیه جوابی نوشته عدم انقضای فرمان و تصمیم هیأت وزراء را که جزایر برای یک مدت معینی به حاج معظم‌الیه واگذار شود، توضیح فرموده‌اند. (ضمیمه ۶) با این حال وزارت فواید عامه به ملاحظه بعضی مذاکرات و به تصور اینکه مدت فرمان حاج معینالتجار را می‌شود منقضی دانست برای فروش اکسید دوفر به تاریخ ۱۶ ذی‌قعدہ ۱۳۲۸ با استریک قراردادی منعقد داشته مبلغی خاک به کمپانی مشارالیه می‌فروشد. حاج معینالتجار هم حقانیت خود را تعقیب نموده و همیشه اجرای مدلول امتیاز خود را خواسته، اسناد و ادله‌ای که داشت طبع و منتشر ساخت. به این جهت موافق هشت ماده که در مجلس شورای ملی گذشته بود وزارت فواید عامه به تاریخ ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹ قراردادی مشتمل بر ۱۲ ماده با حاج معینالتجار منعقد داشتند. (ضمیمه ۵) و ماده اول آن مشتمل بر این است که حاجی معزالیه قرارداد منعقد با استریک کمپانی را مرعی‌الاجراء شمارد، لکن حاج معینالتجار که فرمان ۱۳۳۲ را در دست داشت به امتیاز گل سرخ آن هم مدت ده سال و به موجب قرارداد ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹ قانع نگردیده، همواره احقاق حق خود را خواست و به هیأت وزراء اظهاراتی می‌نمودند و در موقع عزیمت آقای وزیر خارجه به فرنگستان نیز رقعہ [ای] به ایشان عرض کرده و رأی معظم‌له را درخواست نموده‌اند. سؤال و جواب هر دو را تلویحاً ملاحظه نمایید. (ضمیمه ۷) هیأت وزراء سابق و حالیه مجالس عدیده در این باب نمودند، عاقبت در جلسه ۷ شوال ۱۳۳۱ گذشته تصمیمی نموده و شرحی مبنی بر دوازده ماده که به این کار خاتمه و حقوق حاج معینالتجار را وقایه می‌نمود، امضاء کردند. (ضمیمه ۸) چنان-که ملاحظه می‌نمایید صرفه-جویی به منتهی درجه در این باب ملاحظه شده و حتی بعضی مواد که مورد قبول و رضایت حاج معینالتجار نبود به ایشان قبولانیده شده است و مخصوصاً دو نکته مهم در لایحه مصوبه هیأت وزراء مقید گردیده: یکی اینکه فرمانی را که ابدی بوده است دولت برای آن مدت تعیین کرده و پنجاه ساله قرار داده است. دیگر آنکه در فرمان ۱۳۳۲ هیچ-گونه قید و شرطی راجع به جزایر معلومه ذکر نشده و دولت با ملاحظه همه شرایط بخصوص در ماده ۳ قید نموده است که صاحب امتیاز هیچ-گونه شرکتی نمی‌تواند تأسیس کند، مگر اینکه قبلاً شرایط تأسیس آن به تصدیق و امضاء دولت برسد و هیچ قسم انتقالی نمی‌تواند بدهند، مگر به اجازه دولت. متأسفانه با ملاحظه این دقایق وزیرمختار انگلیس چند روز قبل کاغذی به من نوشته و بطلان ۱۲ ماده فوق‌الذکر را خواستار شده است و مستر چرچیل نیز رقعہ به تاریخ ۱۳ ذی-حجه به حاج معینالتجار نگاشته، (ضمیمه ۹) و این مسئله را به معزالیه خاطر نشان کرده است و ایشان هم جوابی به چرچیل نوشته‌اند که قابل ملاحظه و توجه است و سواد آن را تلویحاً ملاحظه نمایید. وزیر مختار شخصاً عقیده‌اش این است که باید اصلاح شود و این قرارداد ضرری ندارد و آنچه معلوم می‌شود رسیدن این دستورالعمل از لندن مبنی بر عقیده حکومت هندوستان است و اظهارات و راپورت‌های ژنرال قونسول-گری بوشهر است و این-ها هم به تصور اینکه مبدا روزی حاج معینالتجار با یک نفر یا کمپانی خارجه قراردادی منعقد داشته و مصالح انگلیس را دچار اشکالات نمایند، اینطور پیشنهاد کرده‌اند. در صورتی که این تصور به کلی خطا است، زیرا حاج معینالتجار خودش شخصاً آدم ایران-دوستی است و به تجارت جنوب که مصالح انگلیس نیز با آن توأم است خدمات کلی نموده و با روابط حسنه که تاکنون با دولت و مصالح جنوب داشته، این سوءظن در مورد ایشان سزاوار نیست. از طرف دیگر به موجب این دوازده ماده حقوق دولت و حاج معینالتجار کاملاً محفوظ و هرگونه مصالح خارجی نیز تأمین شده است و حتی حاج معینالتجار حاضر است که اطمینان جدیدی نیز بدهد که ملاحظه آسودگی خیال انگلیس را به نحو مقتضی بنمایند، لیکن برخلاف اگر امروز دولت بخواهد این تحمیل یعنی نقض دوازده ماده را پذیرفته امضاء تصمیم خود را باطل نماید، ملاحظه نمایید که اولاً چطور ممکن است با آن همه تأکیدیاتی که همیشه در حفظ اعتبار امضای دولت می‌نمایند، دولت چنین فسخ مخالفت هر ترتیب و قانونی را مرتکب بشود. ثانیاً فسخ این امضاء فقط اسباب تضییع حقوق یک نفر تبعه مظلوم خود نیست بلکه مورث توجه اذهان و افتضاح دولت شده، سابقه بدی به دست دول و اتباع خارجه نیز می‌دهند و حتی این تکلیف هم به دولت علیه برای خود دولت انگلیس نیز

خوب نیست. ثالثاً بالفرض که دولت این دوازده ماده را نقض نموده، مستند امتیاز حاجی معین‌التجار فوراً فرمان ۱۳۲۲ خواهد شد که هیچ‌گونه قید و شرطی ندارد و معزی‌الیه ممکن است در صورت یأس از دولت علیه و دولت انگلیس همان فرمان را به دیگری انتقال داده و ضرری را که امروز به واسطه یک تصور مرهوم می‌خواهیم از آن پرهیز نماییم، دچار شویم. بنابراین مقدمات، باید با مذاکرات دقیقه جنابعالی در هندوستان و اقدامات آقای مشیرالملک این منظور مرتفع و جنابعالی به وصول این مشروح باید با حکومت هند داخل مذاکره شده، تفاوت فرمان ۱۳۲۲ و دوازده ماده کنونی را درست حالی نمایند و بخواهید که از این اظهار صرف‌نظر نمایند و اطمینان‌رانی را که صلاح است نیز دارد. نتیجه مذاکرات را تلگرافاً اطلاع بدهید، یک نسخه از کتابچه هم که حاج معین‌التجار حاوی اسناد خود از وزرای سابق و لاحق چاپ و منتشر نموده است برای اطلاع جنابعالی تلواً ارسال می‌دارم.

علاءالسلطنه

سواد مطابق اصل است.

سواد مصدق مراسله فوق و کلیه مراسلاتی که طبع می‌شود در نزد بنده ضبط است و این نکته را متوجه خواهند شد که رئیس‌الوزراء وقت تصدیق بر صحت فرمان و اینکه بنده به موجب آن فرمان حق دارم هرگونه معامله با هر کس بخواهم بنمایم، فرموده و کار بنده به لندن و دولت بریتانیای عظمی کشیده، دیگر اختیار با مجلس مقدس است که چه قسم احقاق حق بفرمایند.

وزارت خارجه

اداره انگلیس دایره

مورخه: نمره جمادی‌الاول ۱۳۳۲

نمره: ۴۱

جناب آقای حاجی معین‌التجار - دام اقباله‌العالی -

در جواب مرقومه ریاست وزرا راپرتی از جنرال قونسول‌گری هندوستان در باب اجاره جزایر خلیج فارس به وزارت خارجه رسیده است که سواد آن را برای اطلاع خاطر جنابعالی لفاً ارسال می‌دارد تا ملاحظه فرموده تحقیقاتی که جنرال قونسول معزی‌الیه خواسته است اشعار فرمایید.

امضاء: عبدالله

محل مهر وزارت خارجه

اداره تحریرات انگلیس: ۱۳۳۸

وزارت خارجه

اداره انگلیس

سواد راپرت جنرال قونسول کلکته به رئیس‌الوزراء

مورخه: ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۲

نمره: ۳۸۹

مقام منبع ریاست وزرا، امر مطاع مبارک مورخ ۲۶ محرم ۱۳۳۲ نمره ۱۵۵۴ راجع به مسئله جزیره هرموز و غیره و امتیاز جناب حاجی معین‌التجار زیارت و از تفصیل کاملاً اطلاع حاصل گردید، لیکن جای افسوس است که فعلاً مذاکره با دولت هندوستان مقدور نیست، زیرا که فرمانفرمای هندوستان اسماً در دهلی و غالباً هم در گردش ممالک مختلفه هندوستان هستند و اداره وزارت خارجه چون در دهلی جای اقامت هنوز نیست در سیلان] متوقف هستند یعنی اجزای اداره در آنجا مانده و رئیس آن با فرمانفرما در حرکت است و این بنده نیز در کلکته می‌باشد ناچار مذاکره این فقره بعد از رفتن به سیلان] و جمع شدن هیأت دولتی هندوستان در آنجا که شاید در اواخر ماه می‌باشد ممکن گردد ولی قبل از وقت این نکته را باید به عرض برساند که چنانچه البته اطلاع دارند سر هانری مک ماهون، مدیر خارجه، برای مرخصی به انگلستان خواهد رفت و شاید که دیگر مراجعت به هندوستان نکند یا به شغل دیگری در هندوستان مشغول شود و به جای مشارالیه سر پرسی کاکس که تقریباً دوازده سال در بندر بوشهر جنرال قونسول بوده و از تمام کارهای آن نقاط اطلاعات کامله دارد و هنوز هم در بوشهر است به

جای سر هانری مک ماهون خواهد آمد و البته تا به حال هم کلیه امور راجع به به خلیج و بنادر فارس را دولت انگلیس و هندوستان با او شور می کرده‌اند و شاید اشکالاتی که در کار حاجی معین‌التجار حاصل شده به واسطه راپرت- های سر پرسى کاکس است ، لهذا خود حاج معین‌التجار که از اخلاق و اوصاف و معاملات او در امور بنادر کاملاً اطلاع دارند به خوبی می‌توانند از دلایل اشکالات ملتفت شده و راه حل آن را هم خود به دست آورده و هم به واسطه توضیح و تشریح روابط خود و عمالشان با مأمورین انگلیس در بوشهر و سایر بنادر کمکی هم به این بنده بنمایند که در موقع مذاکره از جزئیات امر و نکات اشکالات و ایرادات مسبوق باشد. امیدوار است قبل از آنکه ملاقات در سیلان] حاصل شود، مفصل‌تر از آنچه مرقوم شده از اطلاعات و عقاید حاجی معین‌التجار در این امر بنده را مستحضر خواهند فرمود.
سواد مطابق اصل است.

وزارت مالیه

اداره کابینه نمره: ۲۱۹۸۳

سواد مشروحه کفیل خزانه‌داری

مورخه: ۲۳ عقرب ۵/۱۳۳۲ نوامبر ۱۹۱۴

نمره: ۷۱۱۴

با کمال احترام خاطر مبارک را مستحضر می‌سازد که مسیو ماکلین شرحی به این جانب نوشته و اظهار داشته است که کارخانه-ای که با تجارت‌خانه استریک طرف معامله است به واسطه احتیاج فوق‌العاده که به اکسید دوفر دارد و باید به همین زودی مقدار پنج هزار تن اکسید [دوفر] دریافت نماید، لهذا راضی شده است که مقدار اکسید [دوفر] مزبور را چون پست‌تر از اکسید [دوفر] معمولی است و اخیراً از آن امتناع ورزیده بود از قرار هر تن یک لیره خریداری نماید. به طوری که خاطر مبارک مستحضر است امتناع استریک از قبول اکسید [دوفر] پست که آقای معین‌التجار می‌خواست به مشارالیه بدهد، اسباب یک مذاکرات طولی مابین سفارت انگلیس و دولت ایران شد. این بنده شخصاً قیمت حقیقی اکسید [دوفر] مزبور را نمی‌دانم، لکن از امتحان نمونه‌هایی که خواسته‌ام در این جا معلوم شد که خیلی پست و محتوی شن می‌باشد. از طرف دیگر هرگاه پیشنهاد استریک را دولت قبول نماید، واضح است که مشارالیه از ادعای خود راجع به ضرری که از باب غفلت از استخراج مقدار کافی اکسید [دوفر] به او داده شده است و دولت به موجب کنترات استریک قبول نموده است آن مقدار همیشه حاضر نماید صرف-نظر نماید، چه مسئولیت این غفلت به عهده معین‌التجار است. در حقیقت این معامله به صرفه معین‌التجار است لیکن برای صرفه دولت هم خوب است اهتمام شود شاید در هر تنی پنج شلینگ بتوان اضافه نمود، لیکن هرگاه استریک اضافه را به هیچ‌وجه قبول نکرد، به عقیده این جانب همین پیشنهاد حالیه او را باید قبول نمود تا از عواقب وخیمه که به واسطه اقامه دعوی برای او ممکن است حاصل شود و نتیجه غفلت و حرص معین‌التجار است جلوگیری شود. ضمناً خاطر مبارک را مستحضر می‌سازد که مسیو ماکلین جواب فوری می‌خواهد و حاضر است که نصف قیمت پنج هزار تن را که دو هزار و پانصد لیره است نقداً بپردازد. مستدعی است احترامات فایقه را قبول فرمایند.

هینسس

سواد مطابق اصل است.

کابینه وزارت مالیه

مراسله فوق را مسیو هینسس، کفیل خزانه‌داری، به وزات مالیه نوشته و درخواست کرده که خاک موجود را از قرار تنی یک لیره به کمپانی استریک بفروشند و بنده به وزارت مالیه عرض کردم که این خاک موجود ابداً نقضی ندارد و بنده مشتری دارم که حاضر است آن را در تنی دو لیره و دو شلینگ بخرد.

ترجمه تلگراف است که از لندن در جواب تلگراف سوال بنده مخابره نموده‌اند.

[تاریخ: ۲۲ مارس ۱۹۱۵]

معین‌التجار

تهران

راجع به فروش اکسید دوفر با شرایط مرضی‌الطرفین کمپانی ویر مشتری می‌باشد پنج ساله کنترات نموده، سی هزار لیبره نقد بدهد. قیمت ۴۲ شلینگ.
النجر

بنده هم عریضه ذیل را به هیأت وزراء عرض نموده ولی به واسطه مرغوبیتی که در میان بود، برخلاف قرارداد وزارت فواید عامه مصوبه مجلس شورای ملی که حق فروش و حمل را به بنده واگذار فرموده بودند به بنده اجازه فروش نداده، مبالغی ضرر بر دولت و بنده وارد آوردند که حالیه حقاً باید جبران فرمایند.

به تاریخ: ۹ جمادی الاول ۱۳۳۳

مقام منبع هیأت وزراء عظام

معروض می‌دارد، اولاً خاطر مبارک اولیای امور باید مسبوق باشد که کمپانی استریک که سی هزار تن خاک قرمز هرموز برای پنج سال کنترات کرد ولی به موجب شروط مندرجه در کنترات رفتار نکرده، فقره آن را محض تذکر عرض می‌نماید. اولاً می‌باید از آمدن کشتی پانزده روز قبل خبر بدهد، بعضی کشتی‌ها مرتب خبر نداده. دویم، در کنترات قبول کرده که هر کشتی از موعدی که معین می‌کند چنان-چه بیش از سه روز آمدن کشتی تأخیر شود، روزی شش لیبره برای مخارج عملجات حمل کشتی که معطل می‌شوند، بدهد، نداده، توسط وزارت خارجه هم مطالبه شده، نپرداخته. سیم، متعهد شده که سالی شش هزار تن حمل کند، نکرده. چهارم، متعهد شده که دعاوی کمپانی النجر و کمپانی ویر بر دولت و بنده رفع نماید که خسارتی بر بنده وارد نیاید، نمود و بر بنده خسارت وارد آمد. مبلغی پول بنده را النجر نگاه داشته و مکرر بنده به وزارت خارجه و فواید عامه تظلم نمودم و از طرف وزارتین به او اخطار شده به طفره و مسامحه گذرانیده و مسامحه او احتمال دارد بر دولت ضرری عمده وارد آورد. خامساً، متعهد شد قبض کشتی که به وکیل او ارائه شود قیمت خاک را نقداً بپردازد. مبلغی بی جهت نگاه داشته، نمی‌پردازد. نظر به این مخالفت‌ها، پس بنده حق داشتم کنترات او را فسخ نمایم و خاک به او ندهم ولی بنده به ملاحظه اینکه گفتگویی پیش نیاید متحمل شد. دیگر حقی برای او باقی نیست و کنترات او به سر آمد ولی چیزی که قابل تحمل نیست، رفع دعاوی کمپانی النجر و ویر می‌باشد که باید از عهده برآید. به هر وسیله که دولت صلاح بداند باید زودتر اقدام فرماید که استریک از عهده تعهد خود برآید. مکرر از طرف وزارت خارجه به سفارت نوشته شده، جوابی که داده‌اند این بوده که به لندن رجوع کردیم تا جواب برسد. چون بنده در نگاه‌داری جزایر و ترقی معدن آنجا خیلی زحمت کشیده‌ام لابد خاطر اولیای امور را متذکر شوم که پلتیک خارجه بر این است که همیشه دستی روی جزایر بخصوص جزیره هرموز داشته باشند. چنان-چه یک وقتی فرمانی صادر کردند به اسم ملکم تبعه انگلیس که سالی هزار تومان بدهد و جزیره تصرف او باشد. بنده چه زحمت‌ها کشیدم تا آنکه ثابت کردم آن فرمان به اشتباه صادر شده و جزایر به اجاره بنده بوده. مبلغی خسارت مطالبه کردند، نقد به سفارت دادم و فسخ فرمان مذکور را به امضای سفارت گرفتم. حال استدعا می‌کنم به موجب قراردادی که از تصویب مجلس مقدس شورای ملی گذشته که فروش خاک در تحت اختیار بنده واگذار شده فقط شرط شد فروش که می‌کند به وزارت فواید عامه اطلاع دهد رفتار شود که بتواند جلوگیری از دخالت و پلتیک خارجه راجع به جزیره نماید، والا برای اینکه دولت پول لازم دارد غفلت از آتیه جزیره فرمایند، خلاف انصاف می‌باشد. و صریح عرض می‌کنم دخالت غیرقانونی خزانه‌داری توسط گمرک مستقیم سبب مخالفت وکیل استریک از کنترات شده ولی محض اطلاع خاطر مبارک هیأت وزرا عظام معامله پنج‌ساله آتیه عرض می‌نماید، مشتری حاضر کرده‌ام که شش هزار تن در تنی ۴۲ شلینگ بخرد. سی هزار لیبره مساعده نقداً بدهد به شروط مرضی‌الطرفین، تقریباً دو هزار تن هم فروش هندوستان خواهد بود که سالی هشت هزار تن بشود. این معامله با معامله که استریک خواسته تقریباً دویست و پنجاه هزار تومان علاوه می‌شود و استریک بیست هزار لیبره مساعده خواسته بدهد، این مشتری بنده تلگراف کرده سی هزار لیبره مساعده نقد می‌دهد. دیگر نمی‌دانم این خدمت بنده منظور نظر مبارک اولیا دولت خواهد شد یا محل توجه نشود. این نکته را هم خاطر نشان هیأت وزرا عظام می‌نمایم به موجب سواد رقیمه‌جات مسیو مکین، وکیل استریک، حق رجحان در کنترات استریک هم سلب است، زیرا که در کنترات سابقه استریک حق رجحان داده شده با تساوی شروط وکیل استریک صریح می‌نویسد به زحمت زیاد راضی کردم استریک را که بیست هزار لیبره بدهد، مشتری بنده سی هزار می‌دهد. در مقدار خاک هم که عمده می‌باشد صریح می‌نویسد که ممکن نیست علاوه از کنترات سابق خرید نمایم. سیم در قیمت، دو شلینگ علاوه مشتری بنده می‌خرد، در این صورت با این رقیمه‌جات دیگر حق برای استریک باقی نمی‌داند، لهذا تلگرافاً اجازه می‌دهم وکیل بنده در لندن زودتر ترتیب کنترات بدهد. مطلب دیگر تقریباً مقدار هفت هزار تن خاک در هرموز موجود می‌باشد که وکیل استریک به عنوان اینکه جنس این خاک پست می‌باشد حمل نکرده و بعد پیشنهاد نموده که خاک مذکور را تنی یک لیبره به او بفروشند. کفیل خزانه‌داری هم به وزارت مالیه نوشته که صلاح در این است که این خاک را تنی یک لیبره به او داده شود. بنده مانع شده، حال بنده خودم تنی دو لیبره قبول دارم همان خاک را تنی دو لیبره دو شلینگ به مشتری خود می‌دهد.

تفاوت قیمت دو شلینگ علاوه در هشت هزار تن ۴۰۰۰ لیبره

سالی دو هزار تن علاوه پنج ساله تفاوت قیمت خاک موجودی

ده هزار تن هفت هزار تن

۲۰۰۰۰ لیبره ۷۰۰۰ لیبره

محض استحضار خاطر مبارک و هیأت دولت عرض نموده، دیگر امر امر مبارک اولیا امور است. ای وکلای محترم و ای امنای ملت استدعا دارم به دقت عریضه فوق را ملاحظه فرمایید.

[تاریخ]: ۲۵ ربیع الاول ۱۳۳۵

وزارت جلیله فواید عامه

در باب خاک قرمز جزیره هرموز خاطر مبارک مسبوق است در هیأت وزرا تصمیمی فرموده‌اند و بر حسب تصویب هیأت دولت مجلس شورای ترتیبی داده‌اند که صورت قرار دادن در وزارت فواید عامه می‌باشد و حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء از جزئی و کلی آن قرارداد مسبوقند و به امضاء مبارک حضرتشان هم رسیده ولی متأسفانه مدلول آن قرارداد رعایت نشده. در صورتی که دیناری فایده نبوده مبلغی از مخارج معدن و غیره متضرر شده و قیمت خاک قرمزی که به اصرار از بنده هیأت دولت خریداری فرموده که وجه قیمت را نقداً بدهد، شش سال می‌گذرد هنوز نپرداخته‌اند که فرع زیاده بر اصل شده. با این تفصیل اداره گمرک من غیر حق دخالت‌های غاصبانه در امور آنجا می‌نماید که بیشتر اسباب خسارت بنده می‌شود. چنانچه تازگی اطلاع داده‌اند یک کشتی از کمپانی استریک آمده مقداری خاک قرمز به حکم رئیس گمرک حمل کرده، برده. اولاً گمرک به چه حق دخالت کرده و می‌کند؟ کمپانی بدون رضا و اجازه بنده به چه حق دخالت کرده و وجه قیمت خاک را یکی داده است و کی قیمت آن را باید معین نماید؟ این انصاف است که بنده مخارجی متحمل باشم، جنس از معدن استخراج نمایم، هر وقت کمپانی اراده کند خود سر به زور رئیس گمرک کشتی بیاورد، حمل نماید. این است که صریحاً عرض می‌کنم که به واسطه بی‌ترتیبی اداره فواید عامه که مکرر عرض کرده‌ام به اداره گمرک قدغن فرمایید در عمل هرموز و عمل حمل خاک مداخله نمایند یا اقدامات لازمه کافی فرموده‌اند یا پیشرفت نکرده‌اند. در هر صورت چون بنده با دولت طرف هستیم هر خسارتی به واسطه بی‌مبالاتی وزارت فواید عامه وارد بیاید، مطالبه خواهم نمود و هیچ جهت ندارد مأمورین دولت رعایت قراردادهای که به دست اتباع داخله ایران است ننمایند. مستدعی جواب کافی هستیم، زیاده جسارت است.

محمد دهدشتی

به تاریخ: ۲۹ شهر شوال ۱۳۳۶

مقام محترم وزارت جلیله فواید عامه

از قراری که از بندرعباس تلگراف کرده‌اند استریک توسط مدیر گمرک سیصد تن خاک قرمز برای ماه اکتبر می‌خواهد، در صورتی که نه گمرک حق دخالت و نه استریک حق تقاضای خاک دارد، زیرا که اگر بخواهند خاک را از قرار تنی دو لیبره قیمت بدهند با نرخ امروزه لیبره مخارج استخراج خاک هم عاید نمی‌شود، لذا وزارت فواید عامه را متذکر می‌شوم که به مدیر گمرک صریحاً امر فرمایید در حمل خاک دخالتی ننمایند و چنانچه استریک خاک می‌خواهد باید با بنده داخل مذاکره شود تا هر طور که مقرون به صرفه است به اطلاع وزارت فواید عامه قراری در فروش و حمل آن داده شود والا چنانچه گمرک به میل خود خاک به استریک بدهد خساراتی که وارد می‌آید در ضمن سایر خسارات که وارد آورده‌اند از دولت مطالبه خواهد نمود. نمی‌داند به چه جهت قرارداد مجلس مقدس شورای ملی و فواید عامه راجع به جزیره هرموز مجری نشده، زیاده زحمت است.

محمد دهدشتی

[تاریخ]: شهر صفر ۱۳۳۷

وزارت جلیله تجارت و فواید عامه

در مورخه چهارم ذی-حجه و ۲۷ محرم عریضه راجع به حمل سیصد تن قرمز عرض نموده، تصور می‌کند لازم است زودتر کمیسیون معین فرمایید کی در این عمل می‌شود و حقاً تقاضا می‌نماید که مقرر فرمایید اداره گمرک به مأمورین گمرک‌خانه بندرعباس تلگراف نمایند که خاک حمل ننمایند تا رسیدگی و قرار قطعی داده شود. مکرر عریضه- جات در این باب عرض نموده و همه جواب مانده، منتظر جواب می‌باشد. زیاده جسارت است.
محمد دهدشتی

وزارت فلاح و وزارت فواید عامه

مورخه: شهر ۹ برج میزان ۱۲۹۷

نمره: ۲۳۹۶

وزارت جلیله مالیه

به طوری که در هر نمره (۱۸۷۶) هم زحمت افزا شده، متمنی است اکیداً دستور فرمایید از طرف اداره گمرک به هیچ-وجه در فروش خاک قرمز جزیره هرموز دخالتی نکنند. اگر کمپانی استریک خاک قرمز لازم دارد باید با خود آقای حاج معین-التجار داخل مذاکره شود. فقط اداره گمرک حق دارد که در خاک‌های صادره دخالت نموده، صورت آن را به جهت آن وزارت جلیله ارسال دارد که حقوق دولت محفوظ باشد.
محل مهر وزارت جلیله فواید عامه و تجارت

در ذیل رقمه وزارت فواید عامه در ضمن سیر در جریان اداری ملاحظات ذیل نوشته شده فوری است.

اداره محاسبات کل

[تاریخ: ۱۲ میزان / ۷ / ۱ / ۱۲۹۷]

[نمره: ۱۲۰۰]

در شعبه دیون عمومیه سابقه ندارد. سابقه تاکنون در وزارت فواید نبود، امروز رسید و برای کار فوری به آقای میرزا شمس‌الدین خان تسلیم شد، از ایشان مطالبه فرمایید.

[تاریخ: ۱۲ میزان ۱۲۹۷]

مقام محترم معاونت کل وزارت جلیله مالیه

توفیراً خاطر مبارک را متذکر می‌سازد، مراسله وزارت جلیله فواید عامه راجع به عدم مداخله دوایر دولتی در فروش اکیداً در تاریخ ۹ میزان ۱۲۹۷ صادر و به وزارت مالیه فرستاده شده. در صورتی که اجازه راجع به حمل ۳۰۰ تن خاک اکسید [دوفر] در ۱۹ برج مزبور صادر و ارسال شده است. در هر صورت اداره محاسبات کل مالیه منتظر تصمیم قطعی اولیای امور است که آیا در آتیه بر طبق تقاضای وزارت جلیله فواید عامه وزارت مالیه هم نباید در فروش و معامله اکسید [دوفر] مداخله نماید یا خیر.

۷ عقرب

حق و صدقش این است من چون سابقه کامل در این مسئله که آقای حاج معین التجار چه می‌گویند و وزارت فواید عامه چه می‌نویسند، ندارم، نمی‌توانم جواب صحیحی بدهم. اگر جزیره و خاک آن مال حاجی معین-التجار است، دولت چرا به کمپانی استریک فلان مقدار می‌فروشد؟ اگر مال دولت است، حاجی معین التجار چه می‌گوید؟
۱۰عقرب ۹۷

[میرزا حسن] مشارالملك^{۳۹}

[تاریخ]: تاریخ ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۷

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف مالی آقای وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء - دامت شوکتہ -

تصدیق حضور مبارکت گردم، خرید دولت خاک قرمز بنده را که می‌باید بقیه آن را نقداً بپردازند حال هشت سال و چهار ماه می‌گذرد و وجه آن را نپرداخته‌اند. در صورتی که خاک را به کمپانی استریک داده و قیمت آن را گرفته و مصرف خود رسانیده‌اند. مکرر صورت طلب خود را در آخر هر سال به وزارت فواید عامه و مالیه و خزانه‌داری و وزارت خارجه تقدیم و استدعا نمود که چنانچه پرداخت طلب بنده یک مرتبه ممکن نیست تدریجاً به اقساط بپردازند که ضرر بر دولت وارد نیاید، ولی اقدامی از طرف اولیای امور نشد تا اینکه حساب فرع زیاده بر اصل شده و به موجب صورت حسابی که در تاریخ ۱۴ شوال ۱۳۲۲ تقدیم نموده، طلب بنده سیصد و هشت هزار و هفتصد و دوازده تومان و پنج هزار و نهصد و شصت و پنج دینار شده، معطلی این مبلغ برای یک نفر تاجر معلوم است که چقدر سخت می‌باشد. مستدعی است توجه مخصوص بفرمایید که صرفه دولت ملحوظ شده باشد و هم بنده آسوده شود، والا این قسم که به امر او گذشته هم ضرر دولت می‌باشد و هم ضرر بنده. مستدعی است به هر قسمت که صلاح بدانید تصمیم بفرمایید که زودتر این حساب تصفیه شود. دیگر امر مبارک است.
محمد دهدشتی

فدایت شوم، مرقومه جنابعالی واصل و از مندرجات آن مستحضر شدم. در باب محاسبات جنابعالی و غیره آنچه لازم بوده است به وزارت جلیله مالیه و وزارت جلیله فواید عامه تأکید و سفارش کرده‌ام که هر چه زودتر اقدام و موجبات آسایش خاطر جنابعالی را فراهم نمایند. باز هم تأکید خواهم کرد که هر اقدامی لازم است برای خاتمه دادن به این امر به عمل بیاورند. در مسئله راه-آهن هم هنوز وزیرمختار را ملاقات نکرده‌ام، انشاءالله همین روزها در موقع ملاقات مطلب را مذاکره و نتیجه را به جنابعالی اطلاع خواهم داد.
وثوق‌الدوله

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ریاست وزرا

تاریخ: ۹ برج جدی ۱۳۳۷

نمره: ۳۵۲۸

وزارت جلیله فواید عامه

^{۳۹} . میرزا حسن خان مشارالملك: پسر حاج علی-اکبر خان که در ۱۲۴۳ش در تهران متولد شد. ابتدا نزد میرزا سعید خان انصاری وزیر امورخارجه و میرزا جواد خان سعدالدوله به خدمت پرداخت. او مشاغلی چون: ریاست اداره حسابداری و گذرنامه وزارت خارجه، نمایندگی مجلس شورای ملی، معاونت وزارت مالیه، وزارت مالیه، وزارت مشاور، وزارت خارجه و وزارت دربار را به عهده داشت. در ۱۳۱۶ش به فرانسه رفت، در آنجا اقامت گزید و سرانجام در ۱۳۲۷ش در همانجا درگذشت. نک: رجال وزارت خارجه، ص ۱۵۶؛ شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۳۴۵-۳۴۷؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۳، ص ۱۴۳۳-۱۴۳۵؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۱۴۶-۱۴۷؛ نخبگان سیاسی ایران، ج ۴، ص ۴۸۹؛ دولت‌های ایران از میرزا نصرالله خان...، ص ۱۴۱، ۱۳۸، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۳، ۱۰۱.

سواد کاغذ جناب آقای حاجی معین‌التجار را در باب معامله خاک قرمز و مطالباتی که از دولت دارند، شما ملاحظه و قدغن نمایید. نظریات آن وزارتخانه را در این باب هر چه زودتر مرقوم دارند که اقدام لازم به عمل آید.
و ثوق الدوله

محل مهر ریاست وزرا

وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه

ضمیمه

مورخه: ۴ شهر ربیع‌الثانی / ۱۶ برج جدی ۱۳۳۷

اداره کابینه

دایره

نمره: ۳۳۳۵

آقای حاج معین‌التجار

مشروحه شریفه به انضمام مرقومه صادره از مقام منبع ریاست وزرا عظام جمع معامله خاک قرمز اکسید دوفر جزیره هرموز ملاحظه شد. چون در اینکه از طرف وزارت جلیله مالیه و خارجه و فواید عامه مداخله شده و در حقیقت هر سه وزارتخانه در این کار مداخله داشته‌اند، بدیهی است هر قراری در این خصوص لازم است باید به موافقت و اتحاد نظر وزارتخانه‌های مزبوره باشد. لهذا به هیأت محترم دولت پیشنهاد شد که از طرف وزارتخانه‌های مربوطه بنده به این وزارتخانه اعزام و کمیسیونی تشکیل داده، در این خصوص دقت لازمه به عمل آورده تا قراری که مقتضی است در این باب اتخاذ شود.
دبیرالملک^{۴۰}

محل مهر وزارت فواید عامه و تجارت

حسب‌الامر هیأت محترم وزرا عظام کمیسیونی از رؤسای دوایر وزارت مالیه تشکیل و پس از تحقیقات راپورت ذیل را به هیأت وزراء تقدیم نمودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مقام منبع وزارت جلیله مالیه
رتال جامع علوم انسانی

حسب‌المقرر در تاریخ ۹ و ۱۰ سرطان ۱۳۳۷ کمیسیونی از امضاءکنندگان ذیل تشکیل و به دعوی و اظهارات آقای حاجی معین‌التجار رسیدگی شده. دوسیه‌های وزارت جلیله مالیه و خزانه‌داری کل و توضیحاتی که آقای معین‌التجار کتباً و حضوراً داده و بر طبق هر یک از مواد دعوی خود اسناد و مدارکی هم تهیه و ابراز داشتند، طلب قلمدادی حاج معزی‌الیه تا پانزدهم شهر رمضان ۱۳۳۷ به انضمام فرع صدی دوازده که سال به سال بسته‌اند مبلغ سیصد و چهل و پنج هزار و هفتصد و پنجاه هشت تومان یک هزار و یکصد و هشتاد و پنج دینار می‌شود که از دولت مطالبه دارد و برای استحضار آن وزارت جلیله شرح هر یک از مواد دعوا و طلب مزبور را قبلاً به طور اختصار به عرض می‌رساند:

۱. به موجب تصویب مجلس شورای ملی و کنترات منعقد به امضای وزیر فواید عامه در وزارت آقای مشیرالدوله مورخه پنجم محرم ۱۳۳۰ نمره ۱۳۹۳ کلیه معادن اکسید دوفر جزیره هرموز از اول حمل ایت‌تیل ۱۳۲۸ برای مدت دو سال شمسی به اجاره آقای حاجی معین‌التجار واگذار شده، به این ترتیب که خاک

^{۴۰} میرزا محمدحسین خان شیرازی: پسر میرزا نصرالله خان شیرازی و ملقب به بصیرالسلطان و دبیرالملک که در ۱۲۵۴ ش متولد شد. پس از اتمام تحصیلات، مدتی نزد امین‌السلطان در وزارت داخله کار کرد. بعد از انقلاب مشروطه به اروپا رفت. پس از بازگشت به وطن، عهده دار مشاغلی چون: معاون وزارت داخله، وزارت عدلیه، وزارت پست و تلگراف، حکومت تهران و وزارت فواید عامه و تجارت شد و در سال ۱۳۳۷ ق درگذشت. نک: شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۳۷۸-۳۷۹؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۲، ص ۶۶۵-۶۶۶؛ رجال عصر مشروطیت، ص ۴۹؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۲۰۱.

موجودی که تا اول حمل ایت ائیل ۱۳۲۸ استخراج شده متعلق به حاج معین‌التجار باشد و حاج مشارالیه مقدار خاک مزبور را به قرار هر تنی چهل و دو شلینگ و نیم به دولت واگذار نماید که به کمپانی استریک تسلیم نماید. و چون دولت قبلاً مقدار سی هزار تن خاک قرمز به موجب کنترات به مستر استریک در مدت پنج‌سال فروخته بود، برای رسانیدن سی هزار تن خاک به کمپانی مزبور این طور قرار داده شد که سیزده هزار تن خاک موجودی که دولت خریداری کرده به کمپانی مزبور تحویل شود و بقیه آن که هفده هزار تن می‌شود در مدت پنج سال استخراج و تسلیم کمپانی مزبور بنماید. و برای استخراج خاک جدید قرار داده شد که صدی پانزده جهت مخارج و حق‌الزحمه به حاج معین‌التجار واگذار و بعد از انقضاء مدت پنج سال کنترات مستر استریک هر قدر خاک استخراج بشود صدی هفتاد و پنج متعلق به دولت و صدی بیست و پنج جهت مخارج به حاج مزبور داده شود.

با این مقدمه و قرارداد مجلس و کنترات رسمی به امضای وزارت فواید عامه و مکاتبات عدیده از وزارت مالیه و خارجه فواید عامه صادر شده. چون قبل از این قرارداد در موقعی که گفتگوی جزایر مطرح مذاکره بود، اداره گمرکات مداخله در جزایر داشت و در اجرای قرار مزبور مداخله و مسامحه و اشکال - تراشی شده و مستر استریک هم هرچه ممکن بود از خاک موجودی و استخراجی حمل نمود. خاک محموله به اطلاع گمرک حمل می‌شد و تنخواهی هم که باید از مستر استریک گرفته شود اداره گمرکات می‌گرفت و آنچه از بابت قیمت خاک به حاج معین‌التجار داده می‌شد به توسط اداره گمرکات داده شد تا پانزدهم شهر رمضان ۱۳۳۳ به موجب قبض حاج معین‌التجار که در ضبط اداره گمرکات است معادل پانزده هزار و ششصد و نود لیره و سه شلینگ و هشت پنس به توسط اداره گمرکات به حاج معین‌التجار داده شده که به انضمام فرع طلب مزبور و بعد از وضع فرع تنخواه دریافتی تا پانزده رمضان ۱۳۳۳ طلب حاجی بالغ به یکصد و هشتاد و دو هزار و یکصد و نه تومان هشت‌هزار و نهصد دینار شده است.

۲. قبل از این مداخلات و انعقاد کنترات مستر استریک که حاج معین‌التجار بلامانع مداخله در جزایر داشت، کنتراتی با کمپانی النجر و ویر بسته بود که خاک جزایر به توسط کمپانی مزبور در هند و لندن به مصرف فروش برسد. و چون مداخلات استریک و کنترات سی هزار تن خاک مانع اجرای کنترات النجر شده بود، وسیله دعوی خسارت برای بقیه مدت کنترات کمپانی النجر فراهم می‌نمود. برای جلوگیری از دعوی مزبور در ماده ۱۲ کنترات مستر استریک شرط شد که دولت یک هزار تن خاک مجاناً به مستر استریک بدهد و در مقابل هم مستر استریک ملتزم شد که رفع دعوی کمپانی النجر و هرگونه خسارتی که کمپانی النجر به دولت و حاج معین‌التجار وارده بیاورد، بر عهده مستر استریک باشد. و بر طبق این ماده از کنترات از وزارت فواید عامه به حاجی معین‌التجار رسماً نوشته و اطمینان داده شد که هرگونه دعوا و خسارتی کمپانی النجر داشته باشد، بر عهده مستر استریک خواهد بود. با این تعهدات و اقدامات دولت مستر استریک به هیچ وجه اقدام نکرده و کمپانی النجر هم دو هزار و چهار صد و نود و پنج لیره تنخواه شخصی حاجی معین‌التجار را که بالغ به سیزده هزار و هفتصد و دوازده تومان و پنج هزار می‌شود برای جبران دعوی خود نگاه داشته و این مبلغ را حاج معین‌التجار به حساب طلب خود پای دولت وارد و به انضمام فرع صدی دوازده تا پانزدهم رمضان ۱۳۳۳ بالغ به بیست و پنج هزار و ششصد و بیست و ششت تومان و شش هزار و نهصد و شصت دو دینار شده است.

۳. مخارج حمل و نقل خاک از پشت کوه به پای قلعه و از پای قلعه به جهازات چون مقرر شده بود که مخارج مزبوره در عهد حاج مشارالیه و در عوض صدی پانزده از خاک استخراجی به حاج مشارالیه داده شود. آقای حاج معین‌التجار اظهار می‌دارند که چون به مدلول کنترات رفتار نشده و جزایر در تحت اختیار و مداخله اداره گمرکات بوده و قیمت خاک و قرار حمل و نقل آن بین اداره گمرکات و مستر استریک بوده فقط مخارج حمل و نقل را حاج مشارالیه متحمل شده است. بنابر این کلیه خاک موجودی و استخراجی را واگذار به دولت و آنچه خرج حمل و نقل شده به موجب صورت قلمدادی مباشرین معدن به خرج معدن منظور می‌نماید و مخارج مزبور تا پانزده شهر رمضان ۱۳۳۳ به ده هزار و هشتصد و پنجاه تومان و پنج هزار و چهار صد و بیست و یک دینار بالغ شده است.

۴. بر طبق مدلول کنترات مقرر است که مستر استریک پانزده روز قبل از ورود کشتی اطلاع بدهد که عمه-جات حمل و نقل خاک را در پای جهازات حاضر نمایند و چنانچه تا روز موعود کشتی وارد نشود تا سه روز معاف و آنچه علاوه بر سه روز تأخیر شود، روزی شش لیره برای خرج عمه-جات بایستی به حاج معین‌التجار بپردازد و از قرار اسناد ابرازیه جهازایی که که تأخیر ورود نموده و تنخواهی که باید به حاج مشارالیه برسد تا پانزدهم رمضان ۱۳۳۳ بالغ به یکهزار یکصد و چهل و هشت تومان و چهار هزار شده است. این است شرح مطالبات حاج معین‌التجار که تا پانزدهم رمضان ۱۳۳۳ به تفصیل ذیل بالغ به دویست و نوزده هزار و هفتصد و سی و پنج تومان و پنج هزار و دویست و شصت و چهار دینار و همه ساله صورت حساب مزبور را با فرع صدی دوازده تجدید و به وزارت مالیه و خزانه‌داری کل وزارت فواید عامه فرستاده. از بابت قیمت سیزده هزار من خاک قرمز از بابت تنخواهی که کمپانی النجر در عوض خسارت خود نگاه داشته از بابت مخارج حمل و نقل از بابت خسارت تأخیر جهازات:

و تا تاریخ پانزدهم رمضان ۱۳۳۷ اصل و فرع طلب حاجی مشارالیه مبلغ سیصد و چهل و پنج هزار و هفتصد و پنجاه و هشت تومان و یک هزار و یک صد و هشتاد و پنج دینار بالغ شده است.

اصل فرع صدی دوازده از ۱۵ رمضان ۱۳۳۳ لغایت ۱۵ رمضان ۱۳۳۷:

پس از موضوع مواد دعوا و طلب حاج معین‌التجار که بر طبق اسناد و استخراج از دوسیه‌های وزارتی به عرض رسیده، لازم است خاطر آن وزارت جلیله را متذکر سازد که به موجب مندرجات دوسیه‌های وزارت مالیه و اسناد و مدارکی که حاج مشارالیه در دست دارد و اطلاعات و سابقه عمل تولید این اشکالات و مداخلات مأمورین گمرکی در جزایر و عدم اجرای مدلول تصمیمات دولت از دو نقطه نظر بوده: اولاً چون مسیو مرنارد خزانه-دار سابق نظریات دوستانه به حاج معین‌التجار نداشت، طلبی را که بانک شاهنشاهی از حاجی امین‌الضرب مطالب بود بهانه این اشکالات قرار داده. در صورتی که از قرار رسیدگی - های وزارت مالیه و تحقیقات اولیای امور قرض مزبور ملزومی حاجی امین‌الضرب بوده نه ملزومی حاجی معین‌التجار و در مدتی که حاجی معین‌التجار طرف محاسبه بانک بوده مبلغ مزبور را در حساب مشارالیه وارد نکرده، بلکه در صورت حساب‌هایی که بانک شاهنشاهی به حاجی امین‌الضرب داده و به وزارت خارجه فرستاده مبلغ مزبور را جزء مطالبات از حاجی امین‌الضرب نوشته و در دفتر خود بانک هم به اسم حاجی امین‌الضرب ثبت نموده‌اند. ثانیاً مسیو مرنارد متعرض اینیه گمرکی حاجی معین‌التجار بوده و درصدد بود که به قیمت نازلی برای دولت خریداری نماید و حاج مشارالیه هم به قیمتی که مسیو مرنارد اینیه گمرکی را تقویم می‌کرد حاضر به فروش نبود

و به این جهات این اشکالات فراهم و رشتۀ گفتگو به دست داد. لهذا با نظریات معروضه امضاء-کنندگان ذیل اصل طلب و دعاوی حقه حاجی معین‌التجار را که مستند به تصویب مجلس شورای ملی و تصویب‌نامه هیأت دولت و متکی به احکام وزارت جلیله مالیه، وزارت جلیله خارجه و وزارت فواید عامه خواهد بود، تصدیق و موضوع فرع را موقوف به نظریات اولیای دولت علیه می‌نمایند که به هر میزان مقتضی و تصویب فرمایند مقرر دارند محاسبه و مسئله حاج معین‌التجار مزبور خاتمه پیدا کند.

محل امضای آقای معتمدالسلطنه

محل امضای آقای [میرزا خلیل خان] فهمیم‌الملک^{۴۱}

محل امضای آقای صدیق حضرت

محل امضای آقای میرزا زین‌العابدین خان

وزارت فلاحه و تجارت و فواید عامه

مورخه: ۲۰ شهر جمادی‌الاول / ۳ برج حوت ۱۳۳۷

ضمیمه

اداره کابینه

دایره

نمره: ۳۸۹۹

جناب مستطاب آقای حاج معین‌التجار - دام اقباله -

نسبت به شکایتی که از نایب -الحکومه بندرعباس نموده بودید شرح لازم به وزارت جلیله داخله اظهار و تلگراف ملفوف را صادر نموده‌اند. اینک عین تلگراف مزبور را ارسال داشت که خودتان مخابره نمایید.

محل مهر وزارت فواید عامه و فلاحه و تجارت

شوریه‌شاه علمیه وزارت داخله مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اداره جنوب شیراز

مورخه: ۳ برج حوت^{۴۲} ۱۳۳۷

ایالت جلیله فارس و بنادر آقای حاج معین‌التجار به وزارت جلیله فلاحه و تجارت و فواید عامه اظهار می‌دارند نایب‌الحکومه بندرعباس مأمور به جزیره هرموز فرستاده، سیصد تن خاک قرمز که در کنترات معزی‌الیه است کیسه کرده که با کشتی حمل نماید و انبارهای ایشان را باز کرده است. چون این ترتیب برخلاف قرارداد و بدون اجازه دولت است مقرر فرمایید خاک را توقیف و نایب‌الحکومه را از این اقدامات جلوگیری نمایند که رفع شکایت بشود.

۲۰ جمادی‌الاولی

نمره: ۵۸۳۳

^{۴۱}. میرزا خلیل‌خان فهمیم‌الملک: وی در کابینه میرزا احمد خان قوام -السلطنه(۲۷ خرداد ۱۳۰۱- دی ماه ۱۳۰۱) وزیر مالیه بود. نک: دولت‌های ایران از، ص ۱۲۸.

^{۴۲}. متن: حوب

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

سواد تلگراف ایالت فارس

مورخه: سلخ جمادی الاول

نمره: ۴۷۲۱

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

تلگراف نمره ۵۸۳۳ راجع به خاک قرمز جزیره هرموز و اصل حکم تلگرافی وزارت متبوعه را چون این خط هنوز تلگرافش دایر نیست با پست به حکومت بنادر فرستاده، تأکید کردم که حکم وزارت جلیله را به موقع اجرا گذارده، نتیجه اقدامات خود را اطلاع دهند.

[عبدالحسین میرزا] فرمانفرما

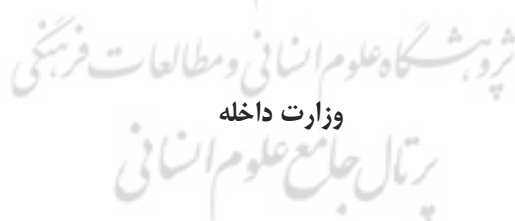
سواد مطابق اصل است.

محل مهر کابینه ادارات فواید عامه

قربانت شوم، سواد جواب تلگرافی نایبالحکومه عباسی را محض اطلاع خاطر محترم عالی لفاً ارسال داشت.

بیان الدوله

۱۲ ذی - حجه ۱۳۳۷ رسیده است.



سواد تلگراف

مورخه: ۱۷ عقرب

نمره: ۴

مقام منبع حضرت اقدس والا وزارت جلیله داخله - دامت شوکتہ - احضار مباشر هرموز به موجب دستورالعمل اداره مالیه بوده، الساعه حسب الامر مبارک به هرموز عودت داده شد.

سواد مطابق اصل است.

بیان الدوله

مباشر بنده را تحت الحفظ از هرموز به بندرعباس آورده اند که از مقدار خاکی که حمل می شود مطلع نباشد. چنان - که نایبالحکومه صریحاً جواب داده که او را عودت داده و جلب او حسب الامر اداره مالیه بوده، پس دولت باید از عهده خسارت وارده بر بنده بریاید.

مقام منبع وزارت جلیله فواید عامه

عرض می‌شود به واسطه جنگ و فراهم نبودن کشتی این مدت حمل خاک قرمز به خارج ممکن نشد. حال درصدد است که مقداری برای نمونه حمل به خارج نماید، کشتی برای حمل معین نموده. مستدعی است امر به اداره گمرک بندرعباس بفرمایید که مأمور گمرک بگمارد و آنچه حمل می‌شود صورت صحیح حمل بردارد که بعدها در مقدار حمل اسباب اختلافی نشود. لازم است تلگراف زودتر بفرمایید شاید کشتی برسد، معطل نشود والا ضرر معطلی کشتی را کمپانی مطالبه خواهد نمود. چون گمرک حق دخالت ندارد مقرر فرمایید مأمور صورت بردارد چه مقدار خارج می‌شود. زیاده تصدیع نمی‌دهد.

محمد دهدشتی

وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه

اداره کل فواید عامه

مورخه: شهر ۳ برج حوت ۱۳۳۸

دایره معادن

ضمیمه

نمره: ۶۴۳۵

جناب مستطاب آقای حاج معین‌التجار بوشهری - دام اقباله -

مراسله جنابعالی مورخه بیست و ششم جمادی‌الاولی راجع به اجازه حمل اکسید دوفر ملاحظه شد. به وزارت جلیله مالیه نوشته شد که به اداره گمرک تلگرافاً اطلاع دهد که از محصولات اکسید دوفر که به توسط نماینده جنابعالی به عمل می‌آید تا آخر برج حوت هذه السنه ممانعتی به عمل نیورد.

[دکتر امیر] امیر اعلم^{۴۳}

محل مهر وزارت فواید عامه و تجارت

شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بالاخره خاک را نگذارند حمل شود و بنده را دچار مذاکرات طولانی با کمپانی کشتی نمودند.

[تاریخ]: ۴ شهر شعبان ۱۳۳۸

مقام منبع وزارت جلیله فواید عامه

عرض می‌شود مکرر حضوراً و کتباً استدعا نموده که بر حسب قراردادی که وزارت جلیله فواید عامه بر حسب تصویب مجلس مقدس با بنده داده و به مفاد آن رفتار نفرموده خاتمه بدهند، ولی توجهی به عرایض بنده نشده و به محض اظهار کمپانی استریک اوامر صادر می‌شود از انبار بنده بدون ثبت و حساب و اطلاع

^{۴۳} امیر امیراعلم: پسر حاج میرزا علی اکبر معتمدالوزاره که در سال ۱۲۵۵ش متولد شد. تحصیلات خود را در ایران و فرانسه در رشته طب به پایان برد. پس از بازگشت به ایران، عهده‌دار مشاغل چون: نمایندگی مجلس شورای ملی، وزارت فواید عامه و تجارت و وزارت معارف و اوقاف گردید. وی پزشک مخصوص احمد شاه قاجار و بعد رضاخان پهلوی شد. او صاحب امتیاز مجله دانشکده پزشکی نیز بود. در کابینه ساعد وزیر بهداری شد. مدتی سناتور انتصابی مجلس بود و سرانجام در ۱۳۴۰ش درگذشت. نک: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۱، ص ۲۷۱؛ نخبگان سیاسی ایران، ج ۴، ص ۴۹۲؛ دولت های ایران از ...، ص ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۲۵، ۲۲۹؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰؛ تاریخ طب و طبابت در ایران، ج ۲، ۱۲۳ به بعد.

خاک می‌برند. عریضه مفصل به وزارت جلیله مالیه عرض نموده و سواد آن را برای استحضار آن وزارت جلیله لفاً تقدیم می‌دارد، فی‌الواقع مفاد عریضه راجع به وزارت فواید عامه هم می‌باشد. مستدعی جواب عاجل که برای بنده تکلیف معین باشد مرحمت فرمایید و از بابت طلب بنده که وعده فرمودند قراری برای تصفیه و پرداخت آن می‌فرمایید چشم انتظارم و هر قدر تأخیر شود ضرر تنزیلی به دولت وارد می‌آید. زیاده جسارت است.

محمد دهدشتی

[تاریخ: ۱۳ شهریور ۱۳۳۸]

مقام منبع وزارت جلیله مالیه - دامت شوکتہ -

از قرار مسموع وزارت جلیله مالیه اجازه داده‌اند که ۳۰۰ تن خاک قرمز اداره گمرک برای کمپانی استریک حمل نماید. مذاکره حمل ۲۰۰۰ تن دیگر دارند که حمل شود و قیمت خاک را از قرار تنی دو لیره قرار داده شده. اولاً عرض می‌نمایم معامله خاک قرمز قانوناً و معمولاً جزء اداره فواید عامه می‌باشد، به موجب تصویب‌نامه مجلس مقدس که دست بنده می‌باشد. ثانیاً دولت آیا خاکی در هرموز دارد؟ ثالثاً وقتی که معین شود برای دولت خاکی هست، بنده صاحب امتیاز هستم یا یک نفر رعیت دولت علیه؟ تنی چهار لیره قبول دارم و گذشته از این مطالب بنده مبلغ گزافی از بابت قیمت خاک قرمز و مخارج استخراج طلب دارم که از هیأت معظم دولت استدعای پرداخت آن را نموده و بندگان حضرت اشرف وزیر مالیه وقت به یک کمیسیونی رجوع فرمودند، رسیدگی نمایند و مدتی تحقیقات و رسیدگی به حساب بنده نمودند. راپورت آن توسط وزیر مالیه به حضور حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء تقدیم نموده‌اند و حضرت اشرف در هیأت مطرح و مذاکره فرمودند و قرار بود که در این خصوص تصمیمی بگیرند که در چه محل و چه مبلغ بپردازند. حال بدون مراجعه به بنده یا تحقیق از مراکز مربوطه احکامی صادر می‌فرمایند و درب انبار بنده را بدون مراجعه و اطلاع بنده باز می‌کنند، خاک قرمز تصرف و حمل می‌نمایند. در عرض این ده سال هر قدر بنده متحمل مخارج استخراج شده‌ام حمل کرده‌اند. این مخارج ادارات را که دولت متحمل است هیچ یک از ادارات حساب حمل خاک را ندارند و نمی‌دانند کمپانی استریک خاک چه برده و وجه چه داده و بنده بالتکلیف بوده که نمی‌داند با چه اداره طرف می‌باشم. گاهی وزارت خارجه، گاهی وزارت مالیه و گاهی وزارت فواید عامه مداخله فرموده، با اینکه اوقاتی که حضرت اشرف وزارت خارجه را به عهده داشتند احکام صریح صادر فرمودند که کمپانی استریک تا به موجب قرارداد خود رفتار نکند نباید خاک به او بدهند، به توسط سفارت ایران در لندن به کمپانی استریک اخطار شد تا یک مدت چنانچه مواد قرارداد کاملاً مجری ندارد حق بردن خاک ندارد ولی متأسفانه هر وقت استریک خاک خواست حمل نماید به وسیله یک وزارتخانه حکمی صادر نمود و خاک هر قدر خواست حمل نمود. حال استدعا می‌نمایم هر قدر زودتر ممکن باشد اجازه از حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء بخواهید اشخاصی معین فرمایید رسیدگی و قرار قاطعی برای آتیه خرید و پرداخت طلب بنده بدهند. بیش از این بنده را دچار خسارت نفرمایید. زیاده جسارت است.

محمد دهدشتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

[تاریخ: ۲۶ شهریور ۱۳۳۸]

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

عریضه مفصل در باب خاک قرمز به مقام منبع وزارت مالیه عرض کرده بودم. بعد از اینکه برای دولت معین شد که چه مقدار در این خاک سهمیم خواهند بود تنی چهار لیره سهمیه دولت را بنده قبول دارم، جواب عریضه بنده نرسید و تکلیفی برای خاک موجود معین نشده. جداً مستدعی است جواب عریضه مفصل را مرقوم فرمایید. زیاده جسارت است.

محمد دهدشتی

سواد صورت طلب بنده از بابت سیزده هزار تن خاک قرمز از دولت علیه به موجب صورت حسابی که در ۱۵ رمضان ۱۳۳۷ به دولت تقدیم شده :

دینار قران تومان

۳۴۵۷۵۸	۱	۱۸۵
۴۱۴۹۰	۹	۹۴۵

اصل و فرع طلب بنده در ۱۵ رمضان ۱۳۳۷ فرع از تاریخ ۱۵ رمضان ۳۷ لغایت ۱۵ رمضان ۱۳۳۸، دوازده ماه از قرار تومانی یکصد دینار. جملتان اصل و فرع طلب بنده در تاریخ ۱۵ رمضان ۱۳۳۸.

[تاریخ]: ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۳۸

مقام منبع وزارت جلیله فواید عامه و تجارت

طلب بنده راجع به خاک قرمز که در هیأت محترم وزرا عظام مذاکره فرمودند و حضوراً فرمودند که تصمیم گرفته شده که اصل طلب بنده را بدون فرع به موجب تسعیری که شده قران بپردازند یا اینکه نوع حساب شود و عین لیره با فرع بدهند، عرض کردم لیره به قیمتی که دولت تسعیر فرموده و قران گرفته با فرع بپردازند. بنا شد تصمیم هیأت را کتباً مرقوم فرمایید و جواب کتبی عرض نماید. این چند روزه منتظر بود تعلیق در این باب زیارت نشد. طول کشیدن این مسئله حساب فرع زیاده بر اصل شده و در هیأت حضوراً عرایض خود را عرض نمود و بنا شد روز سه‌شنبه مذاکره و قرار تمامی داده شود، به واسطه تراکم مطالب عمده ر این دو سه جلسه هم گویا مذاکره نفرمودند. مستدعی است نظریات هیأت محترم را که چه معامله می‌خواهند با بنده بفرمایند مرقوم فرمایید که زیاد از این بالاتر نیست. الامر العالی مطاع.

محمد دهدشتی

[تاریخ]: ۲۸ برج جوزا ۱۲۹۹

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

اداره کل فواید عامه

دایره معادن

نمره: ۱۳۰۹

جناب مستطاب آقای حاج معین التجار بوشهری - زید اقباله العالی -

مراسله جنابعالی مورخه هیجدهم شهر رمضان - المبارک راجع به تصمیم هیأت دولت در خصوص مطالباتی که از بابت خاک قرمز دارید، ملاحظه شد. همان‌طور که شفاهاً اظهار نمود، هیأت دولت اصل طلب جنابعالی را عبارت از قیمت سیزده هزار تن خاک موجودی که داشته -اید و دولت خریداری نموده و جوهری که از بابت هفده هزار تن از قرار صدی پانزده به جنابعالی می‌بایستی پرداخته شود، می‌داند. از بابت این دو فقره به توسط اداره کل گمرکات مبلغی به جنابعالی رسیده و مبلغی هم به مصرف استخراج رسانیده است. درخصوص پرداخت بقیه هیأت محترم دولت این طور تصمیم گرفت که این طلب به موجب کسری که شده به قران پرداخته شود ولی بدون فرع و اگر جنابعالی در مسئله فرع اصرار داشته باشید به لیره تأدیه گردد، زیرا جنابعالی صورت حساب مطالبات خود را قبلاً به لیره می‌دادید در هر دو صورت فوق که مقبول جنابعالی افتد، ممکن است به عمل مطالبه جنابعالی خاتمه داد.

[دکتر امیر] امیر اعلم آشوری

محل مهر وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

مقام منبع وزارت جلیله فواید عامه

تعلیقه مطاع مورخه ۲۸ جوزای آن وزارت جلیله راجع به پرداخت طلب بنده بابت بقیه قیمت سیزده هزار تن خاک قرمز زیارت نمود. اینکه مرقوم فرموده اگر بنده صورت حساب خود را سابق لیره می‌داده، حال هم با فرع بگیرد و یا اینکه قران به میزانی که تسعیر شده بدون فرع خواهند داد، مستدعی است از روی حقانیت با بنده رفتار فرمایند به هر قیمت که دولت لیره قیمت خاک قرمز را تسعیر فرموده و از استریک دریافت داشته، همان قیمت لیره را با فرع صدی یک در ماه حساب کنند و به بنده مرحمت فرمایند. حال آنکه امروز هیچ-یک از تجار ایرانی به فرع صدی یک وجهی ممکن نمی‌شود جا به جا نماید. چنان-چه حضوراً در هیأت توضیحاتی داده و اسنادی ارائه نمود که حضرت اشرف رئیس‌الوزراء فرمودند که با یک نظر مساعدتری در جلسه بعد قرار پرداخت طلب شما را می‌دهم. ثانیاً مستدعی است زودتر مرقوم فرمایید که بیش از این طلب بنده به عهده تعویق نباشد و به دولت هم ضرر تنزیل وارد نیاید. زیاده جسارت است.

محمد دهدشتی

[تاریخ]: ۳ شوال ۱۳۳۸

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

از قراری که وزارت جلیله فواید عامه مرقوم فرموده‌اند راجع به طلب بنده بابت قیمت ۱۳ هزار تن خاک قرمز که دولت خریداری فرموده است وزرا عظام همچو تصمیم گرفته‌اند به میزانی که به قران تسعیر شده بدون فرع بپردازند یا آنکه فرع محسوب شود لیره با فرع بدهند. نظر به اینکه دولت تمام قیمت خاک قرمز را از استریک به قیمت روز تسعیر به قران نموده و وجهی که باید به بنده برسد دریافت نموده، حق و انصاف این است به هر میزان که لیره به قران تسعیر نموده و گرفته‌اند به بنده هم مرحمت فرمایند. در این صورت بنده هم اطاعت می‌کنم که همان لیره را فرع-بندی کنم و طلب لیره خود را با فرع صدی یک در ماه قبول نمایم. حال اینکه برای تاجر ایرانی امروز فرع صدی یک در ماه خیلی مشکل است که وجهی بتواند تدارک نماید. از قرار مذاکرات حضوری حضرت وزیر هم که در جلسه حضور داشته‌اند همین قسم فرمودند. مستدعی است مرقوم فرمایند پرداخت وجه را به چه ترتیب و از چه محل خواهید پرداخت که بیش از این طلب بنده به عهده تعویق نماند و ضرر تنزیل هم به دولت وارد نیاید. مستدعی است جواب زودتر مرقوم فرمایند. زیاده جسارت است.

محمد دهدشتی

[تاریخ]: ۷ شهر صفر ۱۳۳۹

مقام منبع وزارت جلیله فواید عامه و تجارت

در تعقیب عریضه ۳ شوال ۱۳۳۸ که تا به حال بلا جواب مانده، عرض و استدعا می‌نمایم که جواب کافی و قطعی مرحمت فرمایند. معامله دولت فرموده یازده سال است که بنده در زحمت و دچار خسارت گردیده و هر ساله حساب خود را تصفیه کرده، به وزارت فواید عامه و مالیه تقدیم نموده، چون پای بنده در کار است اغلب بلاجواب گذاشته‌اند، این است که فرع زیاده بر اصل شده. حضرت اشرف آقای مستوفی‌الممالک که در کابینه تشریف دارند، البته در نظر دارند که به چه اصرار خاک قرمز موجود بنده را خریدند. حضرت اجل آقای مشارالسلطنه هم که در کابینه تشریف دارند و به خاطر دارند که دوازده هزار لیره وجه خاک بنده را گرفتند. بنده که آه و ناله کردم، اطمینان می‌دادند که این دو روزه کنترات بسته می‌شود، تمام طلب شما را یک جا می‌دهیم و بنده را دچار مشکلات فرمودند.

حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء بعد از تصویب مجلس این قرارداد را بستند که با تصویب مجلس و امضاء ایشان هیچ-یک از مواد آن اجرا نگردیده. اگر بنده بخواهد خسارات وارده را مطالبه نماید مبالغ کلی خواهد شد، زیرا که تلگراف لندن از کمپانی معتبر در دست بنده است که سی هزار تن خاک را تئو ۴۲ شلینگ می‌خرند، سی هزار لیره نقداً پیش می‌دهند. هرچه اصرار کردم، گفتند صبر کنید اتمام حجت به استریک نمایم. جنگ بین‌المللی پیش آمد، دیگر خاکی حمل نشد. در این معامله پانزده هزار لیره سهم بنده می‌شد از میان رفت و ضرر بنده شد و مقداری هم به هندوستان حمل می‌شد که آن هم اجازه ندادند و گمرک مانع شد. از این طرف با وجود آنکه استریک به موجب کنترات و تعهدات خود رفتار نکرده، هر وقت خاک خواسته بدون مراجعه به بنده به او دادند. مخارج استخراج را بنده متحمل شده‌ام، خاک را آنها برده‌اند. چنان-چه در سه ماه قبل هزار تن خاک استریک خواسته تئو دو لیره با او قرار دادند. بنده به مالیه نوشتم شما یک خاکی دارید، برسید به حساب و طلب بنده و مخارجی که برای استخراج کرده‌ام. چنان-چه خاک راجع به دولت شد، بنده تئو چهار لیره قبول می‌کنم. رقع بنده را سند کردند، در چهار لیره و چهار شلینگ قبول کردند. این رفتار دولت است با بنده، نمی‌دانم با چه اداره طرف می‌باشم. گاهی وزارت خارجه دخالت می‌کند، گاهی وزارت مالیه و گاهی وزارت فواید عامه که قرارداد بسته. استدعا دارد همین عریضه بنده را در هیأت وزرا به حضار ارائه دهند، قرار قطعی برای طلب و حقوق بنده بدهند که بدانند با چه اداره طرف می‌باشد. کمیسیونی در کابینه سابق مأمور رسیدگی به محاسبات بنده کردند، سواد راپرت کمیسیون و سواد نظریات هیأت سابق

را لفاً تقدیم نمود که خلاصه تحقیقات و رسیدگی آنها می باشد تا یک درجه عمل را روشن کرده اند. آنچه نظریات هیأت محترم حاضر می باشد مرقوم فرمایید که بیش از این امضاء دولت بی اعتبار نباشد. راجع به دو هزار تن هم که اخیراً وزارت مالیه فروخته اند، مقرر فرمایید وجهش را به بنده بدهند. زیاده جسارت است.

محمد دهدشتی

آقای مشیرالدوله رئیس الوزراء

قربان حضور مبارکت گردم، فدوی دو فقره محاسبه با دولت دارم که تقریباً ده سال به طول انجامیده، در هیأت های سابق مکرر مطرح شده و کمیسیون ها برای تصفیه تشکیل داده ولی ناتمام مانده. یکی فقره خرید سیزده هزار تن خاک موجودی بنده در هرموز که در کابینه حضرت اشرف آقای مستوفی الممالک که به اصرار از فدوی خریدند، البته در نظر دارید که به چه اصرار بنده را واداشتند که خاک خود را به دولت بفروشد. مقداری قبل از خرید کمپانی استریک داده بودند و وجه آن را گرفته به مصرف هم رسانیده بودند. و یکی هم فقره قرارداد ده ساله که به تصویب مجلس شورای ملی و به امضای خود حضرت اشرف عالی با فدوی بسته شده، هیچ -یک از مواد آن مجری نشده و خسارت کلی به فدوی وارد آمده. خسارات به جای خود، مخارجی هم برای استخراج خاک متحمل شده ام ولی خاک مستخرجه را بدون اطلاع و رضایت بنده هر وقت کمپانی استریک خواسته به او داده اند به بنده نرسانیده اند، موادی را هم که در مجلس شورا تصویب شده ابداً منظور نداشته اند. حال استدعا دارد محضاً لله خاتمه به این امر داده شود. در کابینه حضرت آقای وثوق الدوله که نظریاتشان نسبت به فدوی معلوم بود کمیسینی تشکیل دادند و بعد از یک سال معطلی راپورتی تهیه و به اتمام رسانیدند و در ماه رمضان گذشته در هیأت وزرا تصمیمی گرفته شد و از طرف وزارت فواید عامه کتباً به فدوی ابلاغ شد و جوابی عرض کردم اختلاف فقط بر سر تسعیر لیره بود. مستدعی است راپورت کمیسیون مزبور را با سؤال و جواب فدوی از وزارت فواید عامه بخواهید و آنچه مقتضی انصاف و قانون بدانید رفتار، قرار قاطعی به این مسئله بدهید که فدوی هم آسوده شده باشم. سزاوار نیست که با یک نفر رعیت دولت این قسم رفتار شود و هیچ اعتبار امضای دولت منظور نشود. این است که هیچ ایرانی جرأت داخل معامله شدن با دولت را نمی کند و مصالح مملکت تمام به دست خارجه افتاده که هرگونه تحصیلاتی هم بخواهند به دولت می نمایند. مفصل تر از این بخواهد شرح حال خود را عرض نماید، باعث تضعیف وقت حضرت اشرف است ولی استدعا دارد بعد از ملاحظه دوسیه این کار یک روزی معین فرمایید که به قدر یک ساعت اوقات شریف محترم هیأت وزرا صرف این کار و خاتمه به این عمل داده شود. زیاده جسارت است. ایام شوکت مستدام باد.

محمد دهدشتی

حضرت اشرف آقای مشیرالدوله هم وعده فرمودند که به این کار خاتمه بدهند ولی سقوط کابینه مانع شد.

[تاریخ]: ۲۰ ع [ربیع] ۱ [الاول] ۱۳۳۹

وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

در تعقیب عریضه مورخه ۷ و ۱۱ صفر عرض می نماید، جواب ندادن به عرایض اصلاح امور را نخواهد نمود. چون در عریضه قبل مفصلاً عرض نموده، تکرار لازم نمی دانم. همین قدر عرض می نمایم علت اینکه طلب بنده فرع زیاده بر اصل شده همین طفره و مسامحه وزارت جلیله مالیه می باشد. مستدعی است مجدانه توجهی در تصفیه محاسبه و طلب بنده از دولت راجع به خاک قرمز بفروخته اند که به این کار خاتمه داده شود و قیمت یک هزار تن خاک که اخیراً وزارت مالیه بدون حق فروخته به بنده بپردازند. زیاده جسارت است.

محمد دهدشتی

[تاریخ]: ۲۰ ع [ربیع] ۱ [الاول] ۱۳۳۹

وزارت جلیله تجارت و فواید عامه

در تعقیب عریضه مورخه ۷ شهر صفر عرض می نماید ملت که متحمل این مخارج گزاف می شود برای این است که به عرایض و مطالب به طور جدی و سرعت رسیدگی نمی شود و جواب هر کس به موقع داده نمی شود. بنده عریضه جات متعدد به وزارت جلیله عرض نموده که تماماً بلا جواب مانده، امیدوار است

با جدیت حضرت والا زودتر به محاسبه و طلب بنده راجع به خاک قرمز خاتمه داده شد که بیش از این ضرر دولت و بنده فراهم نیاید. منتظر است که نتیجه اقدامات آن وزارت جلیله بنده را آسوده نماید، چون در عریضه سابق مطلب مفصل عرض شده لازم به تکرار نمی‌داند. زیاده جسارت است.
محمد دهدشتی

این عریضه در موقع تصدی حضرت والا سالار لشکر^{۴۴} به وزارت فواید عامه عرض شده.

[تاریخ]: ۲۹ ربیع الاول ۱۳۳۹

آقای امین‌الملک وزیر مالیه

قربانت شوم، عریضه-ای در تاریخ ۲۰ ربیع‌الاول به وزارت جلیله مالیه عرض و مصراً استدعای جواب عریضه‌جات قبل خود را نموده، تاکنون جوابی نرسیده، آخر تکلیف بنده چیست؟ این حساب طلب بنده تا کی بایستی معوق بماند؟ استدعا دارم بذل توجه مخصوص فرموده هر چه زودتر به این کار خاتمه داده، تصفیه محاسبه فرمایید. اسباب آسودگی و تشکر خواهد بود. سواد عریضه مورخه ۲۰ ع ۱ را لفاً تقدیم می‌دارد. زیاده جسارت است.
محمد دهدشتی

وزارت مالیه

اداره

فوری است

به تاریخ: دهم برج قوس ۱۲۹۹

دایره

ضمیمه

نمره: ۲۷۵۳۹

خدمت جناب مستطاب اجل آقای حاج معین‌التجار - دام اقباله العالی -

متمنی است به فوریت مقدار اکسید دوفر را که طالب معامله هستید با قیمت آن مرقوم و پیشنهاد بفرستید که اطلاع حاصل شود، بدانند. به علاوه عرض می‌کنم چون قرارداد مصوبه مجلس ملی به هیچ وجه محل اعتناء و توجه هیأت‌های سابق دولت نشده برای احقاق حق خود و حفظ ملیت ایرانی منتظرم که مجلس باز شود تا مدلل بدارم که حقوق ملت ایران محفوظ نیست که کسی جرأت کند از منابع مملکت خود بهره ببرد و تمام به خارجه واگذار می‌شود و ملت ایران محروم می‌ماند. زیاده جسارت است.

محمد دهدشتی

ریاست وزرا

نمره: ۹۵۲۵

به تاریخ: شب سه شنبه ۲۹ برج قوس بیچین نیل ۱۳۳۹

۸ ساعت بعد از ظهر دوشنبه ۲۸ قوس

^{۴۴} عباس میرزا فرمانفرما: ملقب به سالار لشکر در کابینه فتح الله خان رشتی ملقب به سپهدار اعظم وزیر فواید عامه بود. نک: دولت‌های ایران از ...، ص ۱۰۹.

جناب مستطاب آقای حاج معین‌التجار - دام اقباله-

راجع به فروش اکسید دوفر پیشنهادی که به وزارت مالیه فرموده بودید که از قرار تنی دوازده تومان مشتری هستید و خریداری خواهید فرمود، این-جاناب پیشنهاد جنابعالی را پس از دقت نظر از نقطه نظر صرفه دولتی با شرط تأدیه نقدی قابل قبول می‌داند، چون دولت بی‌اندازه محتاج بوجه است. در صورتی که جنابعالی قیمت تمام اکسید دوفر موجودی را بعد از وضع از یک ربع قیمت آن که متعلق به خودتان است از بقیه تنخواه دوازده هزار تومان نقداً و بقیه را تا مدت چهار ماه کارسازی بفرمایید دولت حاضر است با جنابعالی این معامله را ختم کند والا اگر از تاریخ این مراسم تا چهل و هشت ساعت به ترتیبی که اظهار شده است اقدام فرموده و معامله را نگذرانید، دولت ناچار است با دیگران این عمل را ختم نماید. مقصود این است تا مدت چهل و هشت ساعت باید تکلیف معلوم شود.

امضای حضرت اشرف آقای فتح الله سپهدار اعظم^{۴۵}

به تاریخ چهارشنبه: ۱۱ ربیع‌الثانی غره برج جدی ۱۳۳۹ سه ساعت قبل از ظهر

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف آقای سپهدار اعظم

رئیس‌الوزراء- دامت شوکتہ-

تعلیقہ مبارک در تحت نمبر ۹۵۲۵ شب سه‌شنبه ۱۹ قوس شرف صدور یافت. ضرب‌الاجل ۴۸ ساعت برای جواب قبول خرید اکسید دوفر معین فرموده‌اید این است که قبل از انقضای ۴۸ ساعت جواب قبول عرض می‌نماید، اولاً تشکر می‌کنم که پیشنهاد بنده را محل توجه قرار داده‌اند. ثانیاً به قسمتی که مرقوم فرموده‌اید بعد از وضع سهمیه بنده آنچه سهم دولت شد تنی دوازده تومان تحویل کشتی قبول دارم. ثالثاً مرقوم فرموده‌اید دوازده هزار تومان نقداً بدهم با وجود این که مبلغی از دولت طلبکارم حسب‌الامر دوازده هزار تومان نقداً مساعده اطاعت می‌نمایم، حواله آن را فرستادم خدمت حضرت اشرف امانت باشد تا قرارداد مبادله شود، آن وقت به مالیه مرحمت فرمایند. رابعاً از بابت بقیه قیمت و شروط قرارداد معامله ترتیب پرداخت قیمت قرار معمولی دارد که از همان قرار دولت با کمپانی استریک در معامله سی هزار تن سابق کنترات بسته به موجب همان شروط قرارداد اطاعت می‌شود. ضمناً عرض می‌نمایم چون دولت قراردادی به موجب تصویب مجلس ملی با بنده ده ساله بسته و به هیچ -یک از شروط قرارداد رفتار فرموده و بنده را دچار خسارت فوق‌العاده نموده و جابرانه برخلاف قرارداد هر وقت کمپانی استریک هر قدر اکسید [دوفر] خواسته حمل کرده، لازم است حالیه یک اطمینان کاملی مرحمت شود که بعدها دیگر تخلف از قرارداد نشود. خامساً اگر کشتی برای حمل بیاید اشکالی در حمل فراهم ننمایند که کشتی معطل شود یا اکسید دوفر حمل نشود، کشتی کرایه و مخارج معطلی را خواهد گرفت و این خسارت به عهده دولت خواهد بود، البته این خدمت بنده را منظور می‌فرمایید که تنی ۲۵ قران مشتری با دولت داخل مذاکره بوده و بنده تنی ۱۲۰ قران قبول کردم که در آتیه جزیره برای دولت بلا فایده نشود. سادساً مطلبی که خیلی مهم می‌داند این است که شنیده می‌شود وزارت مالیه با بعضی‌ها داخل مذاکراتی شده اگر چه قانوناً حق نداشتید که برای مال دیگری داخل مذاکره فروش بشوند ولی چون بنده میل ندارم طرف گفتگویی و مجادله‌ای با احدی شده باشیم بخصوص با خارجه که دولت متبوع خود را دچار اشکال نمایم، لازم می‌دانم که قبلاً دولت رفع اختلاف و هر نوع گفتگویی را با دیگران دارد مرتفع نماید که بعدها برای بنده اسباب زحمتی نباشد. چون مقصود بنده در این معامله فقط منافع خود و دولت می‌باشد، لاغیر. زیاده جسارت است.

محمد دهدشتی

[تاریخ]: ۲۲ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۳۹

^{۴۵} فتح الله خان اکبر: پسر حاجی خان املشه - ای که در رشت متولد شد. در ۱۳۰۷ق درجه امیرتومانی گرفت و مسئول گمرکات خراسان، گیلان و مازندران شد. در ۱۳۲۰ق لقب سردار منصور گرفت. از آن پس عهده دار مشاغلی چون: وزارت پست و تلگراف، وزارت جنگ، وزارت داخله، رئیس‌الوزرای و نمایندگی مجلس شورای ملی شد و سرانجام در ۱۳۱۵ش در تهران درگذشت. نک: دولت های ایران از ...ص ۱۱۱

به وزارت مالیه عرض شده

قربانت گردم، البته خاطر مبارک مسبوق است که حسب الامر حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء بنده دوازده هزار تومان نقداً به موجب یک طغرا چک جهت خاک قرمز موجوده در جزیره هرموز تقدیم نموده که تمام خاکی که سهم دولت می شود از قرار تنی دوازده تومان به بنده دولت بفروشد و بقیه قیمت خاک را هم هر وقت هر مقدار تحویل کشتی داده شد، نقداً بپردازم. ایرادی که به پیشنهاد کتبی بنده فرمودند این بود که کمپانی استریک دوازده هزار تومان نقداً می دهد و بقیه قیمت خاک را هم چهار ماهه می پردازد، نه اینکه موقع تحویل کشتی. حال از قرار معلوم کمپانی استریک بابت دوازده هزار تومان وجه نقدی مساعده دیناری نداده، خاک را هم تنی هفت تومان خریداری نموده، قیمت خاک را هم قرار گذارده ۲۱ روز بعد از رسید خاک به بنادر انگلیس بپردازد. البته انصاف می دهید که پیشنهاد بنده با این قرارداد ابدأ طرف نسبت نبوده و این معامله بدون حق و انصاف و برخلاف منافع دولت واقع شده و با فرمایشات شفاهی حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء هم به کلی منافی است. استدعا دارم عین عریضه را به نظر مبارکشان برسانید که از این معامله مسبوق شوند. زیاده جسارت است.

محمد دهدشتی

[تاریخ]: ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۹

به حضرت والا آقای سالار لشکر وزیر فواید عامه عرض شده

قربانت شوم، مذاکرات و اقدامات در باب خاک قرمز فقط برای گذراندن عمل مستر مور بوده که خاک دوازده تومان قیمت را به هفت تومان به او بفروشد. دیگر کسی به فکر بنده که یک نفر رعیت داخله هستم نخواهد بود و مکرر عریضه فدایت شوم به هر اداره و وزارتخانه باید عرض کنم و تماماً بلاجواب بماند. حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء حضوراً مرحمتی فرمودند، بنده هم محض اینکه مصدع خاطرشان نشوم قبول کردم. فرمودند: سهم بنده از خاک داده می شود. حال شنیده می شود وزارت مالیه با مستر مور کنتراتی بسته و پنج هزار تن به او فروخته اند. می بایستی بدو رسیدگی و سهم بنده را موضوع می کردند، بقیه سهم دولت را به هر کس و به هر قیمت میل داشتند می فروختند و در هر صورت تکلیف بنده هم معلوم نیست حضرت والا که وزیر فواید عامه می باشید در این معامله تماشایی شده اید وزیر مالیه دخالتی می فرمایند ولی مرئی نیستند. بنده سند وزارت فواید عامه در دست دارم که هر موقع هر وزیر روی کار باشد باید جواب قانونی داده، تکلیف بنده را معین فرمایند. عمل حساب بنده هم به دفع الوقت گذشته. متمنی است به این گفتگوها خاتمه بدهند. زیاده جسارت است. ایام شوکت مستدام باد.

محمد دهدشتی

شوریه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

وزارت فلاحه و تجارت و فواید عامه

مورخه: ۷ برج دلو ۱۳۳۹

اداره کل فواید عامه

دایره معادن

نمره: ۴۱۰۶

وزارت جلیله مالیه

مطابق شرحی که جناب حاج معین التجار بوشهری به آن وزارتخانه می نویسد گویا از طرف وزارت جلیله مقداری از خاک های قرمز جزیره هرموز را به کمپانی استریک به مبلغ هفت تومان فروخته شده. در صورتی که خود حاج معین التجار حاضر شده بودند که خاک مزبور را هر تنی به مبلغ دوازده تومان خریداری نمایند. البته تصدیق خواهند فرمود که اگر آن وزارت جلیله اقدامی در این موضوع می فرمودند خوب بود این وزارتخانه را هم مسبوق می داشتند. در هر حال چون تاکنون این وزارت خانه را از اقدام مزبور مستحضر نداشتند، متمنی است از اقداماتی که در این موضوع فرموده اند این وزارتخانه را مطلع دارند که بی سابقه نبوده و از ترتیب معامله با کمپانی استریک و رد کردن تقاضای آقای حاجی معین التجار مسبوق گردد.

ورود به کابینه وزارت مالیه

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

عرض می‌شود مکرر عرض و استدعا نمود که حساب بنده را دولت تصفیه فرماید و بیش از این بنده را دچار زحمت و خسارت نفرماید. در کابینه حضرت اجل آقای وثوق الدوله تصمیمی گرفتند، به توسط وزارت مالیه و وزارت فواید عامه به بنده ابلاغ فرمودند که طلب خود را لیره با فرع محسوب دارد و به قیمت روز لیره دریافت نماید. با آنکه به میزانی که به قران تفسیر نموده بدون فرع بگیری، بنده عریضه عرض کردم که لیره قیمت خاک بنده را به هر قیمت که بانک به دولت پرداخته مرحمت فرمایند و حضوراً فرمودند میزانی معین می‌کنم که ضرر شما کم-تر باشد. مدتی می‌گذرد و طلب بنده معوق می‌باشد و ضرر فرع هم به دولت متوجه می‌باشد. برای ختم این معامله بنده حاضر شده‌ام به طوری که تصمیم گرفته‌اند قبول کنم که طلب خود را لیره با فرع به قیمت روز بگیرم و اطاعت امر دولت شده باشد. لهذا حساب خود تصفیه نموده، مبلغ ۶۲۴۵۰ لیره یک فقره و به علاوه ۳۸۷۸۲۰۰ قران یک فقره طلب بنده برآمده به موجب صورت حسابی که لفاً تقدیم می‌نمایم استدعای عاجزانه می‌نمایم که زودتر خاتمه به این محاسبه بدهید و اگر خساراتی که به بنده وارد آمده مطالبه نماید حتماً مبلغ گزافی خواهد بود، زیرا که ابداً رعایت امضای دولت و تصویب مجلس مقدس نشده است.

در خاتمه، خاطر آن وزارت جلیله را متذکر می‌سازد که اصل حساب بنده به موجب صورت حساب‌هایی که مرتباً سال به سال به دولت علیه تقدیم نموده‌ام مطابق فرد نمره ۹ که لفاً تقدیم می‌دارد علاوه بر چهار صد و سی و سه هزار تومان می‌باشد که متجاوز از دویست هزار تومان بیشتر از حسابی است که به لیره محسوب داشته و به موجب فرد نمره ۸، ۶۲۴۵۰ لیره می‌شود. تحمل این ضرر برای این است که هر چه زودتر به این حساب خاتمه داده شود و بنده را آسوده فرموده باشند والا چنان‌چه باز در تصفیه حساب و ختم عمل از طرف دولت علیه مسامحه شود، بنده به همان حق خود باقی و چهارصدوسی هزار تومان را طلب خود دانسته با فرع صدی ۱۲ مطالبه خواهم نمود. زیاده خسارت است.

محمد دهدشتی

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه

[تاریخ]: ۲۴ برج قوس ۱۳۳۹

اداره کل فواید عامه

دایره معاون

نمره: ۳۴۹۱

جناب مستطاب آقای حاجی معین‌التجار بوشهری - دام اقباله -

مراسله شریف مورخه چهارم ربیع‌الثانی متضمن سواد شرحی که راجع به معامله اکسید دوفر به وزارت جلیله مالیه نوشته بودید واصل و ملاحظه شد. این دو روزه کمیسیونی با حضور آقای وزیر مالیه تشکیل و به کلیه امور مربوطه به معدن مزبور و اظهارات جنابعالی رسیدگی به عمل آمده و تصمیمی اتخاذ خواهد شد.

محل مهر وزارت فواید عامه

کمیسیونی که در مرقومه فوق وعده داده شده تشکیل و تصمیمی که اتخاذ کرده‌اند، ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

وزارت مالیه

به تاریخ: چهاردهم برج جدی ۱۲۹۹

صورت مجلس

در تاریخ شب سه‌شنبه چهاردهم برج جدی هذه السنه ۱۲۹۹ در موضوع رسیدگی به مطالبات حاجی معین-التجار کمبسیونی مرکب از امضاکنندگان ذیل با حضور جناب معزی‌الیه تشکیل و پس از رسیدگی به دوسیه امر و مذاکرات لازمه در دعاوی ایشان که متجاوز از چهارصد هزار تومان مطالبه می‌نمودند، برای رفع گفتگو عقیده ذیل را که مقرون به صرفه دولت است اتخاذ نموده که پس از تصویب هیأت وزرا عظام به موقع اجرا گذارده شود:

۱. درخصوص بقیه قیمت سیزده هزار تن خاک ایتیاعی از حاجی معین‌التجار که بر طبق تصویب مجلس شورای ملی و هیأت وزرا وقت که از قرار تنی چهل و دو شلینگ و نیم باید محسوب شود، کلیه مبلغ یک صد و هشتاد و دو هزار تومان به موجب صورت حسابی که معزی‌الیه در رمضان ۱۳۳۳ به وزارت مالیه فرستاده‌اند و لیره را تسعیر نموده‌اند، از آن تاریخ بدون فرع و غیره پرداخته شود.

۲. نسبت به حق امتیاز که بایستی بر حسب تصویب مجلس بابت هفده هزار تن صدی پانزده و بابت خاک استخراجی از انقضای کنترات استریک بایستی صدی بیست و پنج دریافت دارند و چون آقای حاجی معین‌التجار از این بابت تقریباً معادل ده هزار لیره که بایستی عایدشان گردد مطالبه می‌نمودند، لذا امضاکنندگان ذیل صلاح می‌دانند که کلیه مبلغ بیست و هشت هزار تومان که مطابق دفاتر خودشان به مصرف مخارج استخراج و حمل و غیره به شرح ذیل رسانده‌اند به ایشان پرداخته و دیگر ایشان حق مطالبه صدی پانزده و صدی بیست و پنج را نداشته باشد.

تومان	قران	
۱۸۰۰۰	—	مخارج استخراج
۱۰۰۰۰	—	مخارج حمل و نقل تا کشتی
۲۸۰۰۰	—	جمع کل

۳. نسبت به وجهی که کمپانی ویر و النجر از ایشان در برابر فسخ کنترات و خساراتی که دعوی می‌نموده توقیف نموده و چون مطابق ماده ۱۲ کنترات کمپانی استریک با دریافت یک هزار تن خاک متعهد بوده است که رفع دعاوی النجر را بنماید و چون دولت مقدار خاک مذکور را به کمپانی پرداخته امضاکنندگان ذیل صلاح دانستند که مبلغ دو هزار و چهار صد و نود و پنج لیره توقیفی را دولت پرداخته و خود به نحوی که مقتضی بدانند در مقام وصول و ایصال آن از اشخاص و کمپانی‌های مربوطه برآید.

۴. خاتمه نظر بر اینکه به واسطه عسرت صندوق دولت تأدیه کلیه طلب ایشان یک مرتبه میسر نیست امضاکنندگان این قسم صلاح دانستند که مالیات سنواتی ایشان که سالی هفده هزار تومان است از بابت قسمتی محسوب و ماهی دو هزار تومان هم نقداً در آخر هر برج به معزی‌الیه تأدیه گردد تا مستهلک شود.

محل امضای آقای امین‌الملک^{۴۶} وزیر مالیه

محل امضای شاهزاده سالار لشکر وزیر فواید عامه

محل امضای آقای مدیرالملک

نمره ترتیب طبع: ۱۰۹

مراسله وزارت مالیه راجع به معادن گل سرخ جزیره هرموز و لارک

نمره: ۳۱۴۹۶

تاریخ: ۹ برج جدی ۱۳۰۰

ضمیمه: دو سواد و یک صورت کنترات

مجلس مقدس شورای ملی - شیدالله ارکانه -

^{۴۶} دکتر میرزا اسماعیل خان مرزبان: ملقب به مودب- السلطنه و امین-الملک که مشاغلی چون: وزیر پست و تلگراف، وزیر مالیه (در کابینه اول فتح الله‌خان اکبر ملقب به سپهدار اعظم)، وزیر معارف و اوقاف و وزیر بهداری داشت. نک: دولت های ایران از ...، ص ۲۰۱، ۱۸۷، ۱۰۱، ۹۵.

محترماً به استحضار خاطر مبارک نمایندگان محترم می‌رساند، در جزیره هرموز واقع در خلیج فارس یک نوع جنس معدنی موسوم به خاک قرمز (اکسید دو فر) که مواد اصلی آن آهن پوسیده می‌باشد موجود است و این جنس معدنی در تحت قشرهای مختلف سنگ‌های نزدیک به ساحل مستور می‌باشد و به وسیله سوراخ نمودن و احداث ترعه‌های کوچک مابین رگ‌های سنگی که دارای این نوع جنس معدنی می‌باشد، خاک مزبور استخراج می‌گردد. این خاک اغلب در نقاشی و مخصوصاً رنگ نمودن آهن‌های شیروانی و کشتی‌ها و غیره محفوظ داشتن از پوسیدگی به مصرف می‌رسد.

در سنه ۱۳۰۰ پس از ارسال مقداری از این خاک به طور نمونه به لندن و تحصیل اطلاعات لازمه می‌فرمایند نمونه ارسال و اطلاع لازمه تحصیل شده ولی نمی‌فرمایند ارسال نمونه و کسب اطلاع توسط کی بوده. بنده فرستاده ام نسبت به مصرف آن استخراج خاک مزبور به عهده شخصی موسوم به حاجی ناخدا علی واگذار گردید و یک مبلغ مختصری بعد از وضع مواجب تفنگچی به اسم مالیات به دولت می‌پرداخته است. از آن تاریخ معدن خاک قرمز جزیره هرموز به اشخاص مختلف از طرف دولت اجاره داده می‌شد و آخرین آنها آقای حاجی معین‌التجار بوشهری می‌باشد. مشاراًلیه تا اوایل سنه ایت ۱۳۲۸ در معادن مزبوره تصرف داشته و نسبتاً خدماتی در وضع استخراج و وارد کردن آلات و افزار لازمه نموده است.

در سنه ایت -۱۳۲۸ معادن خاک قرمز از تصرف حاجی معین‌التجار خارج گردیده و مستقیماً به توسط دولت اداره گردیده، در برج حمل همان سال کنتراتی مابین وزارت فواید عامه و کمپانی فرانک استریک در تحت سیزده ماده منعقد می‌گردد و به موجب کنترات مزبور کمپانی متعهد می‌شود که تا مدت پنج سال شمسی از تاریخ عقد کنترات مقدار سی هزار تن خاک قرمز از قرار تنی دو لیبره انگلیسی اتباع نموده و به خارج حمل نماید. کمپانی فرانک استریک بر طبق کنترات منعقد شروع به حمل خاک قرمز نموده و خاک قرمز استخراجی بنده را استریک حمل نموده. در اوایل سنه ۱۹۱۵ که با جنگ بین‌المللی مصادف می‌نماید حمل خاک قرمز برای کمپانی مزبور دچار اشکالات می‌گردد. در همان اوقات مطابق تصدیق دایره صندوق خزانه‌داری کل نماینده کمپانی مبلغ ۲۷۴۳ لیبره به اسم تتمه حساب کنترات پرداخته، بین وزارت مالیه و کمپانی مزبور راجع به مقدار اکسید محموله اختلافی موجود است که مطابق حساب اداره گمرکات یک هزار تن بیش از مقدار کنتراتی حمل شده، پس از مکاتبات و مذاکرات زیاد با نماینده کمپانی هنوز مسئله ختم نشده است ولی اخیراً اقداماتی شده که قیمت این یک‌هزار تن^{۴۷} اضافه تحویلی قریباً وصول گردد. علاوه بر این یک فقره معامله، معاملات دیگری با کمپانی فرانک استریک همان مشتری سابق در کابینه‌های سابق به عمل آمده است که مطابق جدول ذیل عیناً از لحاظ مبارک نمایندگان محترم می‌گذرد:

	۱۴۰۰۰	۴۰۰	۲ لیبره	۱۹۲۳	۲۰۰	۴۳۸۶۸	۳ حمل ۱۲۹۹
	۷۰۰۰	۲۰۰	۲ لیبره	۱۰۰	۱۰۰	۳۸۳۵	۶ نور »
	۱۰۲۹۰۰	۲۹۴۰	۴ لیبره	۷۰۰	۷۰۰	۱۴۰۷۷	۳۱ سرطان
	۲۹۴۰۰	۸۴۰	» »	۲۰۰	۲۰۰	۲۴۱۶۲	۱۷ عقرب
	۲۵۰۰۰۰		۷ تومان	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۳۹۷۹۳	۱۴ جدی
	۵۰۱۲۵	۱۰۰۰	۲ لیبره	۵۰۰	۳۰۰۰	۱۱۵۹	۲۸ حمل ۱۳۰۰
	۸۱۶۵۲	۱۷۱۰	۲ لیبره	۸۵۵	—	—	
	—	۹۶۶	» »	۴۸۳	—	—	
		۸۵۰۶		۸۰۳۱	۹۲۰۰		

این مقدار خاکی که در صورت متن معین شده خاکی است که در مدت هفت سال حمل شده.

^{۴۷} در حاشیه متن چنین آمده: یک هزار تن اشتباه است شصت هزار تن خاک حمل کرده‌اند.

کنترات سه هزار تن اخیرالذکر در ۲۸ حمل هذه‌السنه با کمپانی فرانک استریک منعقد گردیده و از این بابت به طوری که در جدول فوق ملاحظه می‌شود مقدار ۱۸۳۸ تن تا به این تاریخ به توسط کمپانی به خارج حمل گردیده و مقدار ۱۱۶۲ تن دیگر باقی است که متدرجاً تا آخر سال مطابق کنترات حمل خواهد شد. اما راجع به مخارج نظر به اینکه مقادیر فوق‌الذکر اکسید دوفر در جزیره هرموز موجود بوده است یعنی قبلاً استخراج شده، فقط مخارج حمل و بارگیری آن محسوب گردیده و آن هم نسبت به فصول مختلفه در مدت سال تغییرپذیر است و تقریباً از دوازده قران تا چهار قران برای حمل و بارگیری هر یک تن محسوب گردیده، صورت ریز مخارج فوق‌الذکر از اداره گمرکات خواسته شده است و به محض وصول برای اطلاع نمایندگان محترم تقدیم خواهد گردید. این است مختصری از تاریخ معدن خاک قرمز جزیره هرموز و معاملاتی که در این مدت نسبت به فروش آن به عمل آمده است.

در این جا لازم است خاطر نمایندگان محترم را به این نکته متوجه سازد پس از تصرف نمودن معدن خاک قرمز جزیره هرموز و اداره شدن آن مستقیماً به توسط دولت فقط در زمان خزانهداری مأمورین بلژیکی جزیی اقدام برای به کار انداختن معادن به عمل آمده است، پس از آن عملیات در معدن به حالت وقفه باقی بوده و دولت فقط قناعت به فروش مقدار خاک موجودی در جزیره نموده است. لازم به توضیح نیست که معادن خاک قرمز جزیره هرموز و لارک یکی از منابع ثروت این مملکت است و در صورتی که جزیی توجه در اداره نمودن آن شود و معادن به کار افتد، فواید عمده در مدت قلیلی نصیب دولت خواهد گردید. متأسفانه در این چند ساله توجهی که نسبت به این معادن نشده است، سهل است مقداری هم خسارت به واسطه بی-کار ماندن معادن و استخراج آن به وسایل غیر عملی متوجه دولت گردیده است.

در چند ماه اخیر راپرت‌های مفصلی که اینک سواد آنها از لحاظ نمایندگان محترم می‌گذرد، از اداره گمرکات بندرعباس که عجلتاً متصدی حفظ و فروش خاک معدن مزبور می‌باشد به مرکز رسیده است. وزارت مالیه در همان تاریخ وصول راپرت‌های فوق‌الذکر نظر به اینکه حفظ و اداره نمودن معادن یکی از وظایف مختصه وزارت جلیله فواید عامه است، سوادى از آنها را برای اطلاع و نظریات وزارت معزى الیه را ارسال نمود ولی تاکنون گویا تصمیمی نسبت به آنها اتخاذ نشده باشد. اینک موقع آن رسیده که برخلاف سابق از منابع ثروت این مملکت استفاده کامل به عمل آید و به عقیده وزارت مالیه راجع به معادن خاک جزیره هرموز و لارک که استخراج آن سهل و در بازارهای تجارت دنیا مشتری زیاد دارد، اقدامات جدی به عمل آید.

محل امضاء مصدق السلطنه

مهر وزارت مالیه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمره ترتیب طبع: ۱۱۴

ضمیمه: ۱

مراسله نمره: ۳۱۴۹۶

سواد راپرت اداره گمرک بندرعباس

نمره: ۱۲۳۲

مورخه: ۱۹ اوت ۱۹۲۱

اداره کل گمرکات

در تعقیب تلگراف چهاردهم ژوئیه گذشته نمره ۲۳۶۸ اینک اطلاعاتی که خواسته بودید ذیلاً اشعار می‌دارد.

۱. چنانچه در نمره ۵ اشعار خواهد کردید، پس از آنکه نه هزار تومان مخارج کنیم که معدن قدیمی را قابل استفاده نماییم نمی‌توان انتظار داشت که بیش از دوازده هزار تن اکسید [دوفر] قابل استخراج باشد و چنانچه هر ساله این مبلغ خرج شود، مخارج استخراج به قدری زیاد خواهد بود که تصور نمی‌رود پس از چندی بتوان به شرایط کنترات عمل نمود. به همین جهت تصور می‌کنم لازم باشد ابتدا در بعضی نقاط دیگر تجسس معدن نموده و با احدی کنترات منعقد نماییم قبل از اینکه مطمئن بشویم این اشکالاتی که اداره گمرک ذکر می‌نماید خود مدلل می‌دارد که به چه زحمت و به چه میزان مخارج بنده خاک را موجود کرده که دولت فروخته است، می‌توانیم به کلیه مواد کنترات را با مساعدترین طرزى که منفعت خزانه در آن باشد عمل نماییم. برای این کار لازم است

دویست سیصد تومان اعتبار داده شود که بالمآل از طرف شخص مقاطعه ...^{۴۸} کنتراتی شود مسترد گردد. برای این کار سی عمله از قرار نفری سه قران برای مدت یک ماه لازم است که می‌شود دویست و هفتاد تومان کرجی‌های لازمه به جهت استخراج معدن بایستی ساخت مخصوص باشد که ته آنها صاف و چهل الی بیست و پنج تن ظرفیت داشته باشد و مخصوصاً به جهت این کار از روی مدل ساخته شود.

۲. راجع به اعتبار شش هزار تومان صورت مشروح ذیل حاوی مصالحی است که به جهت اجرای عملیات لازم است ولی منفعت مخصوصی از آن نمی‌توان امیدوار شد.

صورت مصالحی که به جهت شروع به استخراج معادن اکسید [دوفر] هر روز لازم است

۱۰۰ جلیک نارگیل به جهت روغن زدن کرجی‌ها	۲۴۰ تومان
۵۰ جلیک روغن	» ۳۰۰
۸ طعار به جهت قپان زدن و بارگیری اکسید	» ۴۰۰
ظرف آب به جهت عملیات	» ۱۰۰۰
۸۰ میله آهن	» ۱۶۰
۲۰۰ بیل (برای یک سال)	» ۱۶۰
۲۰۰۰ کیسه به جهت حمل اکسید	» ۲۴۰۰
۵۰ من باروت	۱۰۰ تومان
۱۵۰۰ حصیر به جهت استعمال کرجی‌ها و عملیات	» ۳۰۰
۸۰۰۰ زنبیل به جهت ریختن اکسید در کیسه	» ۴۰۰
۲۰۰۰ بسته طناب	» ۱۶۰
۱۰۰ چلیک آب به جهت عملیات	» ۲۰
۱۵۰۰ پوند به جهت اطاق عملیات	» ۳۷۵
۱۰۰۰ تیر	» ۳۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
۶۴۶۵ تومان

چنانچه بخواهیم به طرز امروزه مبادرت به استخراج نموده و بارانداز چوبی و راه‌آهن (دکوویل) بسازیم و ماشین به جهت خورد کردن مواد معدنی استعمال کنیم مخارج ابتدایی خیلی زیاد خواهند بود گرچه به زودی در نتیجه تقلیل مخارج استخراج این مبلغ جبران خواهد شد در هر صورت میزان تخمینی به این قبیل مخارج وقتی به دست می‌آید که عملیات و تجسس را شروع نموده و نقشه عمومی به جهت استخراج آنها بکشیم.

۴. نظر به اینکه تجدید استفاده از معادن سرمایه‌هنگفتی لازم دارد، این-جانب فقط ابراهیم گله‌داری و پسران را حاضر دیدم که مایلند با شرایط لفاً به حساب اداره شروع به عملیات به موجب کنترات نمایند و نظر به ترقی مزد و مواد تغذیه که باید به جهت عملیات تهیه نمود به عقیده من هر تن اکسید دو فر کم-تر از سی قران تمام نخواهد شد. از طرف دیگر چون شخص کنترات‌کننده در مسایل راجع به ساختمان و بارگیری کشتی‌ها ماهر و مجرب بوده و در میان عملیات شهریاری دارد، بیم ظهور اختلاف مانند دوره معین‌التجار نخواهیم داشت.

نمره ۵- برای اینکه از نوع اهمیت مخارجی که استخراج معادن هر روز متضمن خواهد بود درست مطلع بشویم، ضرر ندارد چند کلمه در طرز و شرایط این استخراج بیان شود.

نظر به اینکه زمین معدن فوق‌العاده ناهموار است، حمل و نقل از راه خشکی از وسط جزیره ممکن نیست. در این صورت لازم است معدن مزبور در کنار دریا واقع باشد تا مواد مستخرجه بدون اشکال حمل به کشتی شود. این شرایط کاملاً در معدن عمده سابق که تا سنوات اخیر استخراج می‌شد، جمع بوده (رجوع به نقشه شود) ^{۴۹}، استخراج معادن در هوای آزاد صورت می‌گیرد، زیرا عملیات بومی از کار کردن در معادن سرپوشیده مطلقاً امتناع دارند.

به موجب نقشه معلوم می‌شود که اوایل استخراج خیلی سهل و آسان می‌باشد، زیرا معدن در واقع در سطح زمین واقع است ولی هر اندازه که از ساحل دور می‌شود، زمین رفته رفته بلندتر شده و چنان‌چه رگ معدنی خط سیر خود را تغییر دهد بر قطر طبقات ارضی که آن را از سطح زمین سوا می‌نمایند بالطبع افزوده شده عمل استخراج مشکل‌تر و گران‌تر می‌گردد. در حال حاضر معدن اصلی وضعیت فوق را به خود گرفته و خط‌هایی که در روی نقشه ترسیم شده است تقریباً این وضعیت را نشان می‌دهد. برای تجدید استفاده از این معدن باید اولاً طبقه آب را برداشت که در بعضی نقاط پانزده متر قطر دارد و تعجیبی ندارد اگر اعتبار زیادی به جهت این کار لازم باشد مزد یک نفر با خوراک روزی سه قران که ماهی نه تومان است می‌باشد و اگر پول آب، قیمت زنبیل به جهت حمل سنگ‌ها، بیل و کلنگ را هم حساب کنیم تقریباً ماهی ده تومان می‌شود. در این صورت مخارج سیصد عمده در ظرف سه ماه مساوی ۹۰۰۰۰ قران خواهد بود. بعد از این مخارج می‌توان گفت که در مدت هشت ماه که می‌شود کارکرد ماهی ۱۵۰۰ تن که جمعاً ۱۲۰۰۰ تن می‌گردد می‌توان استخراج نمود. شاید هم این میزان بر حسب خط سیر معدن کم و زیاد شود نقشه الف وضعیت معدن را که به حال ما مفید باشد نشان نمی‌دهد ولی چنان‌چه بالعکس رگ معدنی در عوض بالا آمدن سطح زمین پایین برود، بایستی به طور قطع از استخراج آن صرف‌نظر نمود، چه به واسطه فقدان وسایل تجسس برای کشف معدن ناچاریم علی‌العمل اقدام به عملیات نماییم. از طرفی دیگر مسافت معدن تا ساحل رفته‌رفته زیادتر شده و حمل و نقل مواد مستخرجه به تائی صورتی می‌گیرد خصوصاً که نظر به موانع ارضیه کشیدن راه‌آهن دکوویل امکان ندارد این وضعیت نامساعد این جانب را وادار می‌نماید که پیشنهاد بنمایم معدن مزبور را ترک و در محل دیگری درصدد استخراج برآییم اکسید دو فر در جزیره زیاد است ولی باید محلی را در نظر گرفت که به وسیله مرغوبیت جنس آن بتوان از عهده انجام مقررات کنتراتی که مالملاً بسته می‌شود، برآییم.

برای این کار اعتبار چند صد تومانی لازم است تا بتوان تجسسات لازمه نموده و اهمیت مواد معدنی را کشف نماییم. به علاوه چنان‌چه اداره مرکزی بتواند بعضی اطلاعات در خصوص شناختن مواد مستخرجه بدهد، عمل کشفیات به سهولت انجام خواهد گرفت. چون عده‌ای عملی که باید در یک معدن کار کنند محدود است، چنان‌چه از چند نقطه شروع به عملیات نماییم مسلماً محصول معدنی به مراتب زیادتر خواهد گردید. در جزیره لارک هم معدن هست و در زمان معین‌التجار استخراج شده است ولی چون دقت نشده و فقط به استخراج سطحی قناعت شده است، اکسید فوق‌العاده بدی استخراج شده است. در نتیجه تفتیشات دقیقه که نموده‌ام معلوم شد معادن مهمی با جنس فوق‌العاده مرغوبی وجود دارد، چنانچه این موضوع مسلم شود می‌توان در همین نقطه با شرایط فوق‌العاده مساعدی شروع به عملیات نمود.

وضعیت معدن در شمال جزیره

از دریا تا پای تپه‌ها زمین مسطحی به طول ۲۰۰ متر واقع است که فوق‌العاده به جهت ساختمان انبارهای کوچک اکسید مستخرجه که باید پاک و مسحوق گردد، مناسب می‌باشد. معدن مزبور بلافاصله از پایین تپه که متدرجاً تا ۵۰ درجه مرتفع می‌شود واقع شده است. در پای تپه معدن مزبور در سطح زمین واقع بوده و با چند میل زدن می‌توان خط سیر اکسید [دوفر] را معین نمود. لنگرگاه کرجی‌ها هم فوق‌العاده خوب و می‌توان اکسید [دوفر] را به توسط تخته به کرجی حمل نموده، به علاوه چنان‌چه معدن مزبور مهم باشد مانعی نخواهیم داشت که بارانداز کوچک با چوب به طول صد متر به ضمیمه یک خط راه‌آهن دکوویل به طول ۲۰۰ متر بسازیم، در این اقدام مبلغی از مزد عمده‌جات می‌کاهد. با اینکه عمق دریا در اینجا زیاد است، معذالک نمی‌توان اقدام به ریختن مستقیم خاک در کشتی نمود، زیرا لنگرگاه در معرض بادهای شرقی و غربی که غالباً در خلیج می‌وزد واقع شده و بارگیری را غیرممکن می‌نماید ولی می‌توان به توسط کرجی اکسید [دوفر] را به انبارهای هرموز برد قبل از شروع به عملیات خرید اسباب‌آلات کامل لازم است ذیلاً اشیایی که در محل موجود و متعلق به حاجی معین‌التجار می‌باشد، می‌نگارد.

صورت اسباب‌آلاتی که در خارج انبار بوده و به جهت استخراج معادن هرموز استعمال شده است:

۹ کرجی که ۶ عدد آن قابل استفاده نیست و سه عدد آن قابل تعمیر می‌باشد از قرار عددی ۲۵۰ تومان به علاوه پانصد تومان به جهت لوازم.

یازده طغار که هفت عدد آن غیرقابل استعمال و چهار عدد آن را می‌توان تعمیر و روغن زد.

چهار واگن که فعلاً مصرف ندارد.

چهار طغار به گنجایش سه چهارم تن که در ضمن یازده عدد فوق منظور گردیده است.

دو آب انبار غیرقابل استعمال.

سه تخته به جهت تعمیر کرجی - ها.

هفت دکل کرجی

سه باب مخزن که باید تعمیر شود چون درب یکی از انبارها قفل است نمی‌توان از اشیایی که در آنجا هست صورت برداشت، گرچه اسباب آلات فوق خیلی مختصر می‌باشد، معذک می‌توان باز از آنها استفاده نمود ولی باید فهمید که ما می‌توانیم آنها را تصاحب نموده و آیا آنها متعلق به دولت است تا تکلیف تعمیر آنها معلوم شود تعمیر اسباب آلات خود تا درجه مخارج مندرجه ذیل ماده ۳ را تخفیف خواهد داد.^{۵۰}

امضاء: فورمان

ضمیمه: ۲

مراسله نمره: ۳۱۳۹۶

مورخه: ۲۷ مارس ۱۹۲۱

سواد راپرت نمره ۲۷ رئیس گمرک بندرعباس

اداره کل گمرکات

نظر به اینکه موجودی اکسید دوفر در شرف اتمام است به فوریت لازم است از طرف اولیای امور اقدامات جدی برای استفاده از معادن هرموز که یکی از منابع عایدات مهم خزانه می باشد اتخاذ گردد.^{۵۱}

در نتیجه تفتیش معادنی که قبل از جنگ به منتها درجه عملیات استخراج آن پیشرفت می نمود برای اینجانب ثابت گردید که کلیه زحمات مأمورین بلژیکی جهت استخراج اکسید [دوفر] مطلقاً به هدر رفته است زیرا که عملیات را آن هم با فقدان وسایل بایستی مجدداً شروع نموده در نتیجه عدم استخراج و مواظبت کافی معدن اصلی رو به انهدام گذاشته و پاک کردن آن به قدری خرج دارد که اصلاً نباید به فکر آن افتاد. قسمت دیگر معادن که از انهدام تا درجه [ای] مضمون مانده در زیر یک طبقه ضخیم سنگ مستور مانده است که پاک کردن آن نه هزار تومان خرج و سه چهار ماه وقت لازم دارد. چنانچه کشفیات ابتدایی منتج نتیجه گردد احتمال است مخارج فوق کم-تر شود علاوه بر این خرید ده عدد کرجی هم به منتها درجه ضرورت دارد. قیمت هر کرجی به ظرفیت ۲۰ الی ۲۵ تن حالیه ۱۵۰۰ تومان بوده و در این صورت میزان کل خرید ده کرجی پانزده هزار تومان خواهد بود. چنانچه بعضی مخارج غیر مترقبه را هم به وجوه فوق اضافه نماییم استخراج مجدد معادن سی هزار تومان خرج نخواهد داشت. مسلماً استخراج مستقیم به توسط دولت از هر جهت به صرفه و فایده نزدیک-تر است ولی چنانچه اولیای امور از مخارج ابتدایی شانه خالی کنند اشخاصی در محل هستند که حاضرند به مقاطعه این کار را قبول کرده و از روی قیمت فروش اکسید [دوفر] و مقداری که هر ساله باید تحویل و تسلیم شود.

امضاء: فورمان

ضمیمه: ۳

نمره: ۳۱۴۹۶

سواد صورت کتترات پیشنهادی ابراهیم گله‌داری و پسران

آقای رئیس گمرکات بندرعباس

اینجانبان حاضر است قراردادی با گمرکات بندرعباس به جهت استخراج اکسید دو فر هرموز و حمل آن به کشتی به شرایط ذیل منعقد نماییم از قرار [هر] تن ۳۰ قران اکسید دو فر را به کشتی حمل نماییم. حق انتخاب معدنی که باید استخراج شود با گمرک خواهد بود مشروط بر اینکه آن معدن قابل کار باشد.

^{۵۰} در حاشیه متن چنین آمده: صورت ادواتی که در متن شرح داده شده بقیه ادواتی است که بدو موجود بوده و در مدت این ده سال قسمت عمده آن تفریط شده به موجب همین صورت پانزده هزار تومان قیمت کشتی‌های بنده است که عده‌ای از آنها را غرق نموده‌اند و بقیه از کار افتاده موجود است.

^{۵۱} در حاشیه متن آمده: هر ساله یک مخارج ابتدایی برای دایر نمودن معدن لازم می شود.

چنانچه ما بخواهیم گمرک نصف مبلغ را که پانزده قران باشد در موقع حمل و انبار کردن اکسید دوفر در ساحل نزدیک قلعه به ما خواهد پرداخت. ورود کشتی باید ده روز در زمستان و پانزده روز در تابستان قبلاً اطلاع داد تا در موقع ورود کشتی معطلی فراهم نیاید.

اینجانان متعهد می‌شویم در صورتی که هوا خوب باشد، روزی سیصد تن بارگیری کنیم. گمرک دوازده عدد ظرف را که به جهت بارگیری خاک قرمز لازم است مجاناً به ما خواهد داد. این کتترات ده ساله خواهد بود، چنانچه دولت قبل از انقضاء مدت مزبور بخواهد کتترات را فسخ نماید، پانزده هزار تومان به جهت عملجاتی که از طرف اینجانان برای تمیز کردن معدن شده خواهد پرداخت. دیگر اینکه گمرک اسباب و آلاتی از قبیل کرجی‌های کوچک خاک‌انداز و غیره که برای این کار تهیه شده است به نرخ روز از ما خریداری خواهد نمود.

امضاء: ابراهیم گله‌داری و پسران

**سواد مراسله اداره گمرک بندرعباس
به آقایای ابراهیم گله‌داری و پسران**

آقایان ابراهیم گله‌داری و پسران

در جواب نمره ۱۱۲ مورخ دهم ژوئیه شما راجع به شرایطی که به جهت استخراج و حمل اکسید دوفر به کشتی پیشنهاد نموده بودید اشعار می‌دارد این‌جانب مراتب را به اداره مرکزی خواهم داد ولی ضمناً لازم است خاطر نشان کنم که اداره گمرک ظرف به جهت حمل زغال که خواسته‌اید ندارد و نمی‌تواند فراهم کند.

امضاء: فورمان

طبع و توزیع این مجله برای اثبات همین مطالبی است که حضرت آقای وزیر مالیه خودشان به مجلس پیشنهاد نموده‌اند ولی متأسفانه هیچ‌یک از آقایان نمایندگان محترم سؤال نفرمودند در صورتی که مجلس شورای ملی جزیره و استخراج خاک قرمز را به معین‌التجار واگذار نموده بود و به امضای حضرت اشرف آقای مشیرالدوله، وزیر فواید عامه وقت، قرارداد مبادله شده بود و مقدار کلی تمبر دولتی هم به آن الصاق شده، به چه حق و مستمسکی دولت مستقیماً عمل نموده و کدام قانون و عدالت اجازه داده که خاکی را که بنده استخراج نموده و مخارج استخراج آن را به موجب همین صورت‌های پیشنهادیه آقای وزیر مالیه متحمل شده‌ام، دولت بفروشد و وجه آن را دریافت و به مصرف برساند. نوشته‌جات و اسناد مبنی بر حقانیت خود علاوه بر آنچه طبع شده، موجود دارم ولی چون نخواستیم وقت آقایان را بیش از این مصروف خواندن بی‌عدالتی‌های مکرره نمایم به همین اندازه اکتفا نموده، کلیه اسناد و نوشته‌جاتی که در این مجله طبع شده در روی کاغذهای مارک‌دار دولتی و سواد تصدیق شده آن موجود و در صورت لزوم ارائه داده خواهد شد. مادامی که امضا و قراردادهای دولت که در دست اتباع داخله است تا این درجه بی‌اعتبار و مورد عدم رعایت و احترام بوده باشد، بدیهی است که هرگز هیچ‌یک از اهالی این مملکت جرأت به اقدام در کاری نداشته و از منابع ثروت بی‌شمار این آب و خاک نه افراد بهره‌مند و نه مملکت متمتع خواهد شد و تصور نمی‌کنم یک نفر ایرانی با وجدان پیدا شود که این مجله را بخواند و از وضع دولت و ترتیب اجرای امور این مملکت متأثر نشود.

معین-التجار

منابع:

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *مراة البلدان*، ج ۲، به تصحیح عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- افضل - الملك، غلامحسین خان، *افضل التواریخ*، به کوشش منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.
- بامداد، مهدی، *شرح حال رجال ایران*، تهران: زوار، ۱۳۷۱.
- ترابی فارسانی، سهیلا، *تجار و مشروطیت و دولت مدرن*، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴.
- تلگرافات عصر سپهسالار* (خط تبریز ۹۶-۱۲۹۵ ق)، به کوشش محمدطاهر احمدی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۰.
- خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق* (مجموعه سوم: راپرت های پلیس مخفی از شایعات شهری)، به کوشش ایرج افشار، تهران: طایفه، بی جا، ۱۳۶۷.
- جمالزاده، سید محمدعلی، *گنج شایگان*، تهران: کتاب تهران، ۱۳۶۲.
- چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳.
- خلعت بری، امیر عبدالصمد، *یادداشت های سپهسالار تنکابنی* (محمودلی خان خلعت-بری)، به اهتمام محمود تفضلی، تهران: انتشارات نوین، ۱۳۶۲.
- دشتی، رضا، *تاریخ اقتصادی- اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه با تکیه بر نقش تجار و تجارت*، تهران: پازینه، ۱۳۸۰.
- روستایی، محسن، *تاریخ طب و طبابت در ایران از عهد قاجار تا پایان رضا شاه به روایت اسناد*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۲.
- سیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی خان، *سفرنامه*، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، تهران: انتشارات به نشر، ۱۳۶۲.
- سیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی خان، *بندرعباس و خلیج فارس*، مقدمه و فهرس احمد اقتداری، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۲.
- سرمد، غلامعلی، *اعزام محصل به خارج از کشور (دوره قاجاریه)*، تهران: چاپ و نشر بنیاد مستضعفان و جانبازان، ۱۳۷۲.
- سلیمانی، کریم، *القاب رجال دوره قاجاریه*، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
- شجعی، زهرا، *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*، تهران: سخن، ۱۳۷۲.
- شمیم، علی-اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: سوره، ۱۳۷۴.
- عاقلی، باقر، *شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*، تهران: نشر گفتار، علم، ۱۳۸۰، سه جلد.
- عاقلی، باقر، *ذکاءالملک فروغی و شهرپور ۱۳۲۰*، تهران: سخن، ۱۳۶۷.
- علوی، ابوالحسن، *رجال عصر مشروطیت*، به کوشش حبیب یغمایی، باز خوانی و تجدید چاپ به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳.
- عیسوی، چارلز، *تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار* (۱۲۱۵-۱۳۳۲ ق)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹.
- قاسمی پویا، اقبال، *مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
- کتاب آبی: *گزارش های محرمانه وزارت خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران*، به کوشش احمد بشیری، نشر نو، ۱۳۶۳.
- کتاب نارنجی: *گزارش های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران*، ج ۱، به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نور، ۱۳۶۷.
- فراش بندی، علی- مراد، *جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵.
- گزارش های سالانه سرپرسی کاکس سرکنسول انگلیس در بوشهر* (۱۹۱۱-۱۹۰۵ م / ۱۳۲۹-۱۳۲۳ ق)، ترجمه حسن زنگنه، به کوشش عبدالکریم مشایخی، بوشهر: انتشارات پروین، ۱۳۷۷.
- لینن، ویلهلم، *ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی*، اسناد و حقایقی درباره تاریخ نفوذ اروپاییان در ایران (۱۹۱۹-۱۸۶۰ م)، ترجمه دکتر مریم میراحمدی، تهران: معین، ۱۳۶۷.
- مخبرالسلطنه هدایت، مهدی- قلی خان، *گزارش ایران*، مقدمه سعید وزیری، به اهتمام محمدعلی صوتی، تهران: نقره، ۱۳۶۳.
- مذاکرات مجلس در دوره تنقیه مجلس شورای ملی*، ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ ق / ۱۳ میزان تا ۲ سرطان ۱۳۲۸ ش، تهران: مجلس شورای ملی، ۱۳۲۵.

- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری عصر قاجاریه)، تهران: زوار، ۱۳۷۱.
- معتضد، خسرو، حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه گذاری صنعتی در ایران، تهران: جانزاده، ۱۳۶۶.
- معین-التجار بوشهری، محمد، تذکرة للمتقین، ۳ جلد.
- ملک-المورخین، عبدالحسین خان، مرآة الوقایع مظفری، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- ممتحن-الدوله شقاقی، میرزا مهدی خان، رجال وزارت خارجه در عهد ناصری و مظفری، تهران: اساطیر، ۱۳۶۵.
- نوایی، عبدالحسین، فتح تهران (گوشه هایی از تاریخ مشروطیت ایران)، تهران: بابک، ۱۳۵۶.
- وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران، به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران: نوین، ۱۳۶۲.
- وهرام، غلامرضا، تاریخ سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران عصر قاجار، تهران: معین، ۱۳۶۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی